

اسنادی از:

مشاهیر ادب معاصر ایران

دفتر پنجم

گردآوری و پژوهش:

علی میرانصاری

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۲

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

میر انصاری، علی

اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران / گردآوری و پژوهش علی میر انصاری. - تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۶.

ج.: مصور، جدول، نمونه، عکس. - (اسناد ملی ایران؛ ۱۳۷؛ ۱۳۸)

ISBN 964-6189-70-9 (ج.۱) - ISBN 964-6189-11-3 (دوره) - ISBN 964-6189-15-6 (ج.۵)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

ص.ع. به انگلیسی: Ali Mir Ansari. Records of Iran's contemporary literary notables.

ناشر ج. ۵ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

مندرجات: دفتر اول و دوم: ملکه الشعراء بهار، محمدعلی جمالزاده. - دفتر سوم و چهارم: ادیب الممالک فراهانی، نسیم شمال... پژمان بختیاری. - دفتر پنجم: علی اصغر حکمت، حمید شیرازی... و غلامرضا رشید یاسمی. - جلد پنجم: (چاپ اول: ۱۳۸۲).

۱. ادبیات فارسی - قرن ۱۴ - سرگذشتنامه و کتابشناسی. ۲. نویسندگان ایرانی - قرن ۱۴. ۳. شاعران ایرانی - قرن ۱۴. الف. سازمان اسناد ملی. پژوهشکده اسناد. ب. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ج. عنوان. د. عنوان: مشاهیر ادب معاصر ایران. ۵الف/۳/۳۴ PIR ۸ فا ۰/۹۰۶

۱۲۰۱۸ - ۷۷*

کتابخانه ملی ایران

ISBN: 964 - 6189 - 70 - 9

شابک (جلد پنجم): ۹-۷۰-۶۱۸۹-۹۶۴

ISBN: 964 - 6189 - 15 - 6

شابک دوره: ۶-۱۵-۶۱۸۹-۹۶۴

اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران (جلد ۵)

گردآوری و پژوهش: علی میر انصاری

صفحه‌آرایی: منیر کریمی چایجانی

نظارت فنی: نصرت‌الله امیرآبادی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: اول

لیتوگرافی: راین گرافیک

چاپ و صحافی: رودکی، خوش قامت

تاریخ انتشار: ۱۳۸۲

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ساختمان گنجینه اسناد، بزرگراه شهید حقانی، مقابل استادیوم ورزشی شهید کتوری،

تهران ۱۵۴۸۶، تلفن: ۲۷۹+۲۹۰؛ دورنگار: ۲۲۵۵۸۶۸

نمایشگاه و فروشگاه

میدان ولی عصر (عج)، خیابان شقایق، خیابان به‌آفرین، شماره ۶۰، تلفن: ۶۴۹۱۹۴۶

National Library and Archives of the I.R. of Iran

Records of Iran's Contemporary Literary Notables

Compiled and Researched by: Ali Mir Ansari

Circular: 1000

Printing: 1st

Litography: Rine Graphic

Printing house & Bindary: Rodaki & khoshqamat

Date: 2004

Price: \$70.00

N.L.I. Card Number: *M77-12018

National Library & Archives of the I.R. of Iran
Ganjineh Asnad Building Sh. Haqqan Expressway Op. Sh. Keshvari
Stadium 15486, Tehran, Iran. Tel: +(21)2900275 Fax: +(21)2255868

**RECORDS OF IRAN'S
CONTEMPORARY LITERARY
NOTABLES**

Vol: 5

Compiled & Researched by:

ALI MIR ANSARI

National Library & Archives of the I.R. of Iran

Tehran 2004

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
مقدمه	یازده
* * *	
۱- علی اصغر حکمت	۱
- زندگینامه	۳
- آثار	۵
- اسناد	۱۱
- منابع تحقیق	۱۰۵
- گزیده اسناد	۱۰۷
۲- حمیدی شیرازی	۱۳۵
- زندگینامه	۱۳۷
- آثار	۱۳۹
- اسناد	۱۴۳
- منابع تحقیق	۱۵۷
- گزیده اسناد	۱۵۹
۳- پرویز نائل خانلری	۱۶۷
- زندگینامه	۱۶۹
- آثار	۱۷۱
- اسناد	۱۷۹

۲۱۳	منابع تحقیق
۲۱۹	گزیده اسناد
۲۲۵	۴- علی اکبر دهخدا
۲۲۷	زندگی‌نامه
۲۲۹	آثار
۲۳۳	اسناد
۲۷۳	منابع تحقیق
۲۷۹	گزیده اسناد
۲۹۱	۵- صادق رضازاده شفق
۲۹۳	زندگی‌نامه
۲۹۵	آثار
۳۰۱	اسناد
۳۳۳	منابع تحقیق
۳۳۵	گزیده اسناد
۳۴۵	۶- فاطمه سیاح
۳۴۷	زندگی‌نامه
۳۴۹	آثار
۳۵۱	اسناد
۳۸۱	منابع تحقیق
۳۸۵	گزیده اسناد
۳۹۹	۷- غلامرضا رشید یاسمی
۴۰۱	زندگی‌نامه
۴۰۳	آثار
۴۰۷	اسناد
۴۷۹	منابع تحقیق
۴۸۱	گزیده اسناد

* * *

- پیوست (سفرنامه‌های علی اصغر حکمت) ۴۹۵
۱. سفرنامه اول هندوستان ۴۹۷
۲. سفرنامه اول شیراز ۵۲۵
۳. سفرنامه پاریس - لندن ۵۳۳

پیشگفتار

چشم‌انداز ادبیات معاصر ایران، بویژه ادبیاتی که از مشروطه آغاز شده و به روزگار ما رسیده است، از تنوع موضوعاتی چون: شعر، داستان، نمایشنامه، خاطرات و نقد، برخوردار می‌باشد.

شعر این دوره، درون مایه سنتی مدیحه سرائی را کنار گذاشت و خود را، در کوران رویدادهای سیاسی و اجتماعی روز انداخت و در مدتی بس کوتاه، زبان گویای مردم شد. شاعران بزرگ و زمانشناسی چون: ملک الشعراء بهار، ایرج میرزا، سید اشرف‌الدین گیلانی، جمالزاده و میرزاده عشقی، در بستر چنین شرایط پرورش یافتند. داستان نویسی هم، کمابیش سرگذشتی مشابه شعر پیدا کرد. داستان نویسان، افسانه‌های تکراری را متروک و قالبها و مضامین کهنه را دگرگون ساختند و آثار ماندگاری چون «یکی بود یکی نبود»، پدید آوردند.

نمایشنامه نیز، از دیگر نوآوریهای این سده و از ویژگیهای این دوره، به شمار می‌رود. قالبهای نمایشنامه را آخوندزاده، به اندیشمندان آموخت. آنگاه به همت میرزا آقا تبریزی، نخستین نمایشنامه‌های فارسی، ساخته و پرداخته شد.

خوشبختانه در دهه‌های اخیر، پژوهشهای پرباری در حوزه‌های یاد شده، صورت گرفته است که اغلب آنها، مبتنی بر منابع چاپ شده، مانند دیوانهای شاعران، رساله‌ها، کتابها و آثاری از این دست بوده است.

مجموعه «اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران»، نمونه بارزی از همین پژوهشها، ولی بسیار متفاوت با آنهاست؛ چرا که برپایه اسناد برجای مانده از گذشته و نوشته‌های منتشر نشده ادیبان معاصر، فراهم شده است.

انتشار این مجموعه، نشان می‌دهد که پدیده «سند»، بهترین و معتبرترین منبع، برای جستارهای تاریخی و ادبی معاصر است. زیرا، چگونه زیستن و چگونه اندیشیدن رجال

و مشاهیر، بهتر از هر منبع دیگری، از لابه‌لای اسناد و مدارک شناخته می‌شود. گردآوری و تنظیم این مجموعه، به همت و پشتکار پژوهشگر ارجمند، آقای علی میرانصاری انجام گرفته و تاکنون پنج دفتر آن، تدوین و منتشر شده است. اینک، با تقدیر و تشکر از این پژوهنده تلاشگر، آرزو می‌کنیم که مجموعه‌های دیگر نیز، هرچه زودتر گردآوری و آماده انتشار گردد. باشد که جامعه فرهنگی - پژوهشی کشور را، بیش از پیش به کار آید.

دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ

معاون اسناد ملی و سرپرست پژوهشکده اسناد

به نام خدا

مقدمه

نزدیک به هشت سال از چاپ مجموعه «اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران» می‌گذرد. در این مدت در قالب چهار دفتر، شمار بسیاری از اسناد و نوشته‌های تازه‌یاب از ادیبان معاصر ایرانی منتشر شده است. از لابلای این اسناد، نکات بسیار مهمی دربارهٔ تحصیلات، زندگی اداری، علمی و سیاسی، آثار، فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، نامه و زندگی خصوصی چهره‌های ادبی یکصد سالهٔ اخیر ایران برای نخستین بار انتشار یافت. از این مجموعه، دو دفتر مستقلاً به ملک‌الشعراء بهار و محمدعلی جمال‌زاده اختصاص پیدا کرد (که اسناد و نوشته‌های بسیاری از ایشان در دست بود) و دو دفتر بقیه به بزرگانی چون: ادیب‌الممالک فراهانی، نسیم شمال، پروین اعتصامی، عباس اقبال آشتیانی، امیری فیروزکوهی، انجوی شیرازی، احمد بهمنیار، ابراهیم پور داوود و پژمان بختیاری تعلق یافت.

اینک دفتر پنجم این مجموعه، به معرفی و عرضهٔ اسناد علی‌اصغر حکمت، حمیدی شیرازی، پرویز ناتل خانلری، علی‌اکبر دهخدا، صادق رضازاده شفق، فاطمه سیاح و غلامرضا رشید یاسمی پرداخته است. بیشترین اسناد این دفتر از پرونده‌های پرسنلی بزرگان یاد شده در بایگانی دبیرخانه دانشگاه تهران و بایگانی دانشکده ادبیات فراهم آمده است و بخش ناچیزی نیز برگرفته از آرشیو سازمان اسناد است.

امید است این دفتر نیز مورد توجه، عنایت و تأمل دوستداران ادب معاصر ایران قرار گیرد و همچنان نگارنده را از کاستی‌های کتاب مطلع فرمایند. ذکر این نکته ضروری است که نگارنده در تمامی مراحل حروفچینی، صفحه‌آرایی و لیتوگرافی کتاب، در ایران حضور نداشت لذا طبیعی است اشتباهاتی بدان راه یافته باشد. از این‌رو پیشاپیش از همهٔ خوانندگان کتاب پوزش می‌طلبد و متعهد می‌گردد که اشتباهات احتمالی را در دفتر ششم مجموعه طی یادداشتی مستقل متذکر گردد.

* * *

در همین جا بر خویش فرض می‌دانم از جناب آقای کاظم موسوی بجنوردی، ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی که نقشی به‌سزا در اعتلای فرهنگ ایران به ویژه در دو دهه اخیر داشته است، تشکر و سپاسگزاری نمایم و از جناب آقای دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ، معاونت محترم اسناد قدردانی نمایم که همیشه چون یاری صادق، همراه و همگام نگارنده بوده است و نیز یاد کنم از جناب آقای مهندس سیدحسن شهرستانی، ریاست سابق سازمان که این مجموعه برای نخستین بار به پیشنهاد، همت و پشتیبانی ایشان (که نظری ویژه نسبت به ادبیات معاصر دارند) راه‌اندازی شد.

در پایان لازم است از جناب آقای عنایت... رحمانی، مدیریت چاپ و انتشارات و کارمندان دلسوز آن مدیریت به ویژه جناب آقای نصرت‌الله امیرآبادی که با تعهد و پشتکار، امور فنی و چاپ این کتاب را به پایان رساندند، قدردانی نمایم. و نیز ضروری است از سرکار خانم دکتر ملیحه مهدوی و جناب آقای محسن روستائی که در غیاب نگارنده، تهیه برخی یادداشتهای و تصاویر کتاب را عهده‌دار بودند و از آقای آرمان گودرزی که زحمت ترجمه فرانسۀ برخی صفحات را متحمل شدند و نیز از همسر و فرزندم که غلطگیری مطبعی را عهده‌دار شدند، سپاسگزاری و تشکر نمایم.

علی میرانصاری

تهران - پاییز ۱۳۸۲

علی اصغر حکمت

(۱۲۷۲-۱۳۵۹ ش)

سفید

۱: زندگینامه

علی اصغر حکمت در تاریخ دهم فروردین ماه ۱۲۷۲ ش در شیراز چشم به جهان گشود. پدرش میرزا احمدعلی حکمت، ملقب به معظّم الدّولهی شیرازی، از مستوفیان فارس و مادرش دختر فخرالاطّبا حاجی میرزا حسن شیرازی مشهور به فسایی، صاحب فارس‌نامه‌ی ناصری است.

علی اصغر حکمت تا ۲۲ سالگی در شیراز به آموختن علم و دانش سرگرم بود و علم ادب را نزد آقا شیخ غلامحسین ادیب معروف به لغوی و فلسفه و حکمت را نزد آقا شیخ محمود حکیم معروف به مسجد گنج فراگرفت. در سال ۱۲۹۴ ش در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به تحصیل پرداخت و هم‌زمان علوم معقول و فقه و اصول را نزد میرزا طاهر تنکابنی تکمیل نمود. در سال ۱۲۹۷ ش از مدرسه‌ی آمریکایی فارغ‌التحصیل شد و در بخش کارگزینی وزارت معارف اشتغال ورزید. در ۱۳۰۴ ش نماینده‌ی مردم چهارم در مجلس شورای ملی بود و از این زمان و حتّاً کمی پیش از آن وارد جریان‌های سیاسی شد و در سال ۱۳۱۲ ش در دولت محمدعلی فروغی به سمت کفالت وزارت معارف منصوب گردید و عملاً در شمار دولت‌مردان اجرایی عصر رضاشاه قرار گرفت و در ۴ اسفند ۱۳۱۳ ش وزیر معارف شد. از مهم‌ترین فعالیت‌های او در دوره‌ی پنج‌ساله‌ی وزارت معارف می‌توان به این موارد اشاره کرد:

سازمان دهی و فعال کردن این وزارت‌خانه، تاسیس کتابخانه‌ای فنی در تالار آیینی وزارت معارف جهت استفاده‌ی کارشناسان آن، برگزاری نخستین دوره‌های آموزشی اوقاف و تدریس ریاضیات، تاریخ، جغرافیا و تعلیم و تربیت، تاسیس اداره‌ی صحیّه (بهداشت) در مدارس، تصویب اساس‌نامه‌ی تشکیل فرهنگستان، ایجاد سازمان پیشاهنگی، تربیت بدنی و برگزاری نخستین اردوی مربیان کشور، افتتاح کتابخانه‌ی دانشسرای عالی با ۶۹۳۰ جلد کتاب، ایجاد نظام تعلیم بزرگسالان (اکابر)، تاسیس موسسه‌ی وعظ و خطابه به منظور تربیت واعظان و خطیبان منبری، تاسیس کتابخانه‌ی ملی و موزه‌ی ایران باستان، برگزاری مراسمی به مناسبت هفتصدمین سال تالیف گلستان سعدی در سال ۱۳۱۶ ش، تصویب قانون ممنوعیت بریدن درختان کهنسال کشور، ترمیم

بناهای باستانی و تاریخی، تأسیس مدرسه در سراسر کشور، تشکیل مرتب مجالس سخنرانی در مراکز علمی - فرهنگی به قصد اعتلای آگاهی‌های عمومی، تأسیس دانشسرای مقدماتی پسران و دختران، تأسیس مجله تعلیم و تربیت، تأسیس ورزشگاه امجدیه، تأسیس موزه آستانه‌ی حضرت معصومه (س)، برگزاری هزاره‌ی فردوسی، عکسبرداری از شماری نسخه‌ی خطی محفوظ در کتابخانه‌های خارج از کشور، و بسیاری فعالیت‌های دیگر.

حکمت پس از تأسیس دانشکده‌های ادبیات و الهیات دانشگاه تهران، پیایی به تدریس پرداخت و استادی کرسی‌های تاریخ ادیان و تاریخ ادبیات را در اختیار داشت از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ ش به ریاست دانشگاه تهران منصوب شد و در واقع نخستین رئیس دانشگاه در ایران همو بود و سرانجام در سال ۱۳۴۳ ش بازنشست گردید.

پس از آن که در سال ۱۳۱۸ ش دوباره به خدمت فراخوانده شد، بارها به وزارت رسید اما دیگر نتوانست مانند دوره‌ی نخستین خود، منشاء فعالیت‌های چشمگیر باشد. گفته‌اند که حکمت مردی منظم، جدی، سخت‌گیر، رقیق‌النظر، مودب، سخنور و حساس به مسایل فرهنگی کشور بود و زبان انگلیسی را به روانی صحبت می‌کرد. در سال ۱۳۴۰ ش کتابخانه‌ی خود را که شامل ۳۳۷۳ جلد کتاب چاپی فارسی و عربی و ۳۴۵ جلد نسخه‌ی خطی و ۱۴۸۱ جلد کتابهای فرانسوی و انگلیسی و ۳۵۰ جلد متفرقه بود به دانشگاه تهران اهدا کرد.

او در شهریور ۱۳۵۹ ش در سن ۸۸ سالگی در گذشت و در باغ طوطی شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

۲

آثار

۱- کتاب

- ابن سینا بزرگترین طبیب و حکیم ایرانی، تهران، ۱۳۲۷، ۱۰ ص.
- از سعدی تا جامی، ادوارد براون، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۲۷، ۶۷۵ ص.
- اسلام از نظر دانشمندان غرب، تهران، ۱۳۴۰، ۲۴۲ ص.
- اصول فن مناظره، تهران، ۱۳۱۶، ۱۲ ص.
- افسانه دلپذیر، ویلیام شکسپیر، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۲۱.
- الواح بابل، ادوارد شی‌یرا، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۴۱، ۳۴۸ ص.
- امثال قرآن، تهران، ۱۳۳۳، ۳۵۲ ص.
- امیر علیشیر نوائی، تهران، ۱۳۲۶، ۳۲ ص.
- امین و مامون، جرجی زیدان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۱۴، ۳۵۷ ص.
- ایا صوفیا، تهران، ۱۳۳۰، ۱۲ ص.
- ایران در فرهنگ جهان، تهران، ۱۳۲۶، ۲۴ ص.
- پارسی نغز، تهران، ۱۳۲۳، ۵۶۲ ص.
- پنج حکایت از ویلیام شکسپیر، تهران، ۱۳۲۲، ۱۸۱ ص.
- پنج درام از شکسپیر، تهران، ۱۳۲۱، ۱۸۱ ص.
- تاریخ بنای آرامگاه ابوعلی سینا، تهران، ۱۳۳۰، ۱۱ ص.
- تاریخ جامع ادیان، جان ناس، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۴۴، ۵۶۸ ص.
- تاریخ سیاسی پارت، نیلسون دو بواز، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۴۲، ۲۸۹ ص.
- تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید، تهران، بی تا، ۲۰ ص.
- تقویم معارف سال ۱۳۰۶ شمسی، تهران، ۱۳۰۶، ۱۸۸ ص.
- تقویم معارف سال ۱۳۰۷ شمسی، تهران، ۱۳۰۷، ۲۰۰ ص.
- حروف مقطعه قرآنی، تهران، ۱۳۳۱، ۱۱ ص.
- درسی از دیوان حافظ، تهران، ۱۳۱۹، ۶۸ ص.
- راه زندگانی، نیکلا حداد مهری، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۴۶ ق، ۱۲۶ ص.

- رساله در باب امیر علیشیر نوائی، تهران، ۱۳۲۶، ۳۲ ص.
- رستاخیز، لئون تولستوی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۳۹، ۵۴۷ ص.
- رمثو و ژولیت، ویلیام شکسپیر، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، بی تا، ۲۴۸ ص.
- زندگی جامی شاعر ایرانی، تهران، ۱۳۲۰ ش، ۴۱۳ ص.
- سرزمین هند، تهران، ۱۳۳۷، ۵۴۷ ص.
- شادباش، تهران، ۱۳۲۶، ۷ ص.
- شکونتلا یا انگشتر گمشده، کالیداس، ترجمه علی اصغر حکمت، بمبئی، ۱۳۳۶، ۱۷۵ ص.
- کشف الاسرار، رشیدالدین میبیدی، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۳۱، ۷۸۹ ص.
- مطالعه و تطبیق رمثو و ژولیت با لیلی و مجنون، تهران، ۱۳۱۷، ۲۴۸ ص.
- نقش پارسی بر احجار هند، تهران، ۱۳۳۸، ۱۴۸ ص.
- نه گفتار در تاریخ ادیان، شیراز، ۱۳۴۰، ۳۱۰ ص.
- هزار و یک شب، تهران، ۱۳۱۵، ۵۶۱ ص.

۲- مقالات

- «تفسیر ابوعلی سینا از قرآن مجید»، مجله دانشکده ادبیات، ۴۱/۴/۱ - ۵۳.
- «مذهب در ایران» کتاب ایرانشهر، ۵۷۳/۱ - ۶۱۹.
- «از کندی تا ملا صدرا»، مجله دانشکده ادبیات، ۲۸۷/۱۰، ۲۹۴.
- «تصویر»، کتاب ایرانشهر، ۷۷۴/۱ - ۸۱۶.
- «صفحه‌ای از تاریخ روابط ایران و هند»، ایندوایرانیکا، ۱۶/۱/۱۲.
- «تخت طاووس»، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۸/۸ - ۱۵۲.
- «روابط بین‌المللی ایران»، کتاب ایرانشهر، ۵۲۹/۱ - ۵۶۵.
- «زبان فارسی در شبه قاره هند»، دنیا، ۲۵۱/۲۲، ۲۵۵، ۲۵۸ - ۲۶۰.
- «علی اصغر حکمت»، راهنمای کتاب، ۱۹۶/۵، ۱۹۸.
- «فالی از دیوان حافظ»، یغما، ۴۴۰/۱۶ - ۴۴۴.
- «منابع جدید در پیرامون حیات حافظ»، مجله دانشکده ادبیات شیراز، ش ۷ (بهمن ۱۳۴۱)؛ ۳ - ۲۸.

- «تأثیر تمدن ایران در فرهنگ هند» سالنامه دنیا، ۲۷ (۱۳۵۰): ۲۳۸ - ۲۴۵.
- «فیتز جرالد و جامی»، دنیا، ۲۵ (۱۳۴۸): ۲۳۸ - ۲۴۲.
- «تعلیم قرآن به نوآموزان»، مجله دانشکده ادبیات تهران، ۳۹/ش ۱/۲ - ۱۳.
- «از همدان تا کشمیر»، یغما، ۳۳۷/۴ - ۳۴۳.
- «هزارمین سال تولد ابوریحان بیرونی»، آموزش و پرورش، ۴۴۹/۱۴ - ۴۵۵.
- «تصویر تازه‌ای از نادرشاه»، یادگار، ج ۴/ش ۱ - ۳۵/۲ - ۳۶.
- «صفحه‌ای از تاریخ روابط ایران و هند»، نشریه وزارت امور خارجه، دوره دوم، ش ۲۲/۶ - ۲۹.
- «بازی الک دو لک»، یادگار، ج ۴/ش ۹ - ۷۱/۱۰ - ۸۰.
- «دختر شاپور اول»، تعلیم و تربیت، ۴۶۷/۳ - ۴۷۸.
- «کوه آتشگاه»، تعلیم و تربیت، ۷۳/۳ - ۸۲.
- «روابط هند قدیم و ایران باستانی»، مجله دانشکده ادبیات، ج ۵/ش ۱/۳ - ۷.
- «وفات حاجی میرزا محمدحسن شمس العلماء»، تعلیم و تربیت، ۵۸۹/۲ - ۵۹۵.
- «شعر فارسی در عصر حاضر»، نخستین کنگره نویسندگان ایران، ۱۱ - ۳۹ و ۵۴ - ۵۸.
- «ابن سینا حکیم بزرگ ایرانی»، سالنامه دنیا، ۱۵۷/۵ - ۱۶۴.
- «برهان قاطع»، مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ص ۱۹۹ - ۲۱۷.
- «تفاسیر ابوعلی سینا از قرآن مجید»، جشن نامه ابن سینا، ۱۵۹/۲ - ۱۸۲.
- «چهار کتاب از مولانا جامی»، آموزش و پرورش، ۲۸۱/۱۴ - ۲۸۶.
- «ذخیره الملوک از نفایس آثار مشهور فارسی در قرن هشتم»، یغما، ۲۴۱/۴ - ۲۴۹.
- «سه رساله از سید صدر ثانی»، مجله دانشکده ادبیات، ج ۱، ش ۹/۱ - ۱۴.
- «سیصدمین سال تالیف کتاب برهان قاطع»، نامه فرهنگستان، ج ۳/ش ۱/۱ - ۲۴.
- «فرهنگ جهانگیری»، مقدمه لغت‌نامه دهخدا، ۱۹۶ - ۱۹۷.
- «قابوس نامه»، تعلیم و تربیت، ۳۵۵/۲ - ۳۶۶.
- «کتاب الادب فی الدین فی آداب المفید والمستفید»، تعلیم و تربیت، ج ۱/ش ۲۰/۵ - ۳۲.
- «مجمع الفرس سروری کاشانی»، مقدمه لغت‌نامه، ۱۹۸ - ۱۹۹.
- «دو نسخه خطی در باب علوم قرآنی از قرن ششم»، یادگار، ج ۴/ش ۶۹/۶ - ۷۶.
- «نسخه دیوان فانی»، پیام نو، ج ۴/ش ۱/۸ - ۱۱.

- «سخنان پارسی»، آموزش و پرورش، ۱۳/ح - کظ.
- «نکاتی چند از زندگانی سعدی»، تعلیم و تربیت، ۶۵۷/۷ - ۶۶۷.
- «هدفهای شیر و خورشید سرخ در سخنان سعدی»، شیرو خورشید سرخ، ج ۳/ش ۴/۱۱ - ۲۳.
- «درسی از دیوان حافظ»، آموزش و پرورش، ج ۱۰/ش ۶ - ۱/۷ - ۲۵.
- «شرف‌الدین علی یزدی»، آینده، ۱۶۹/۳ - ۱۸۰.
- «فیتز جرالد و جامی»، نشریه وزارت امور خارجه، دوره دوم، ش ۱/۱۰ - ۹.
- «میر علیشیر نوائی»، پیام نو، ج ۴/ش ۲ - ۱/۳ - ۳۲.
- «شوریده شیرازی»، ارمغان، ۳۵۵/۷ - ۳۶۵.
- «احترام علم و فضیلت عالم»، آموزش و پرورش، ج ۱۲/ش ۵ - ۱/۷ - ۸.
- «رساله معرفه المذاهب»، مجله دانشکده ادبیات تهران، ج ۴/ش ۱/۱ - ۱۷.
- «درسی از دیوان حافظ»، درباره حافظ، تهران، ۱۱۹/۱۳۶۳ - ۲۰۶.
- «صوفیه»، ارمغان، ۴۱ (۱۳۵۱): ۵۱۵ - ۵۲۰.
- «دانشگاه تهران چگونه به وجود آمد»، وحید، ۱۳ (۱۳۵۴): ۱۸۷ - ۱۹۱.
- «عمارت مسعودیه»، خاطرات وحید، ش ۱۴ (۱۳۵۱): ۳۵ - ۴۱.
- «نفوذ فرهنگ و تمدن ایران اسلامی در شبه قاره»، سالنامه دنیا، ۲۸ (۱۳۵۱): ۱۶۳ - ۱۷۰.
- «نظام ملوک الطوائفی در ایران»، خاطرات وحید، ش ۲۱ - ۲۲ (۱۳۵۲): ۸ - ۱۳.
- «کوران بینا»، یغما، ۲۶ (۱۳۵۲): ۳۶۸ - ۳۶۹.
- «سیبویه امام النحو و ادبه»، یغما، ۲۷ (۱۳۵۲): ۲۴۱ - ۲۵۱.
- «سروده‌های باباطاهر همدانی»، وحید، ۱۰ (۱۳۵۱): ۸۷۸ - ۸۸۸.
- «موهبت خداداد درباره خواجه لسان‌الغیب»، یغما، ۳۰ (۱۳۵۶): ۵۲۱ - ۵۲۶.
- «یادی از یک شاعر جوان بختیاری»، یغما، ۲۶ (۱۳۵۲): ۵۷۹ - ۵۸۱.
- «یادی از مرحوم صدرالدین عینی»، یغما، ۳۱ (۱۳۵۷): ۲۶۵ - ۲۶۷.
- «محمدعلی فروغی و فرهنگستان ایران»، خاطرات وحید، ش ۱۲ (۱۳۵۱): ۴۳ - ۴۹.

۳

اسناد

۱

وزارت معارف و اوقاف صنایع مستظرفه

دفتر ثبت احوال دارالخلافه طهران

ناحیه ۷ قاجاریه

خلاصه ثبت ولادت

آقای علی اصغر خان - پسر احمد علیخان و فاطمه خانم در شیراز در تاریخ سال هزار و دویست و هشتاد شمسی تولد یافته است.

محل تمبر یکقران محل مهر
(دفتر سجل احوال طهران ناحیه قاجاریه)
(امضاء مأمور سجل احوال)
حیدر*

* * *

۲

نظمیه طهران

ورقه هویت

این ورقه از طرف کمیساریای ناحیه ۷ قاجاریه با آقای میرزا علی اصغر خان حکمت [هم] که ساکن محله قاجاریه کوچه امیرالامراء خانه نمره [ـ] است و ثبت ولادت او در ظهر این ورقه تصریح شده است تسلیم گردید.
طهران بتاریخ هجدهم عقرب هزار و دویست و نود و هشت شمسی

سواد مطابق اصل است. امضای کمیسر پلیس سلطان باقر محل مهر
۲۲ جدی ۱۳۰۲ (کمیساریای نمره ۷ قاجاریه) ۱۳۱۴۰

* * *

*- قسمت اعظم اسناد علی اصغر حکمت از پرونده پرسنلی وی در دانشگاه تهران اخذ شده است؛ بنابراین در این بخش، از ذکر نشانی اسناد خودداری شده است.

۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مورخه ۲۷ سنبله ۱۳۳۶

وزارت معارف و اوقاف

مطابق قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مورخه هشتم شهر
ربیع الثانی سنه ۱۳۲۹ مطابق مقررات ماده دویم
وزیر معارف و اوقاف بموجب این حکم

مقرر میدارد

ماده اولی از این تاریخ که بیست و هفتم برج سنبله یونت نیل یکهزار و سیصد و سی
و شش است آقای میرزا علی اصغر خان بسمت مدیری دایره پرسنل وزارت معارف و
اوقاف منصوب و مسئولیت این شغل بعهدۀ مشاوره محول میشود.

ماده دوم از تاریخ مزبور در ماده فوق جزو بودجه وزارتخانه مبلغ چهل تومان
مقرری ماهانه خواهد داشت

ماده سوم آقای رئیس کابینه مأمور اجرای این حکم است

وزیر معارف و اوقاف محل امضاء (نصیر الدوله)

محل مهر و (وزارت معارف و اوقاف دولت علیه ایران)

بتاریخ ۲۷ برج مزبور یونت نیل ۱۳۳۶

[حاشیه]: سواد مطابق با اصل است

۲۲ جدی ۱۳۰۲

* * *

۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

شهر ۱۴ برج اسد قوی نیل ۱۳۳۷

مقام محترم حضرت مستطاب اشرف آقای نصیر الدوله

وزیر معارف و اوقاف دامت عظمته

بر نظر محترم پوشیده و مستور نیست که در ممالک دنیا شعب و دوائر مختلفه
حکومت در ختم هر سال کتابی سالیانه بطبع رسانیده در؟؟ آن مجموعه عملیاتی که در

ظرف آن سال از ایشان بظهور رسیده است بطور خلاصه درج کرده و در عرصه گاه تاریخ در برابر افکار عموم میگذارند.

بطوری طبع اینگونه سالنامه‌ها عمومیت دارد که نه فقط هر وزارتخانه مهم سالنامه مخصوص دارد بلکه هر شعبه و دایره نیز راپرت عملیات یکساله خود را که خود بقطر کتابی است طبع نموده و انتشار میدهد.

تدوین و تألیف اینگونه راپرتهای سالیانه محسنات عدیده دارد که در نظر وقت مباشرت باحترام آنرا یکی از وظایف و ضروریات حتمی اداری باید دانست اولاً تاریخ خصوصی عملیات یکساله یک شعبه در حکومت قسمتی از تاریخ عمومی ملت را تشکیل میدهد که بدون آن نگارش تاریخ صحیح جامع برای آن مملکت امکان نخواهد داشت. مورخین اروپا که در جزئیات حوادث یکقرن یا یک دوره میتوانند با کمال سهولت و بدون تحمل زحمات ما لایطاق تاریخهای مفصل بنگارند بواسطه آن است که هر مؤسسه ملی یا دولتی حوادث مربوط بخود را در طی سالنامه‌ها درج و تدوین کرده و آماده گذاشته‌اند بطوریکه شخص مورخ همینکه یک دوره کامل از هر رشته سالنامه بدست بیاورد میتواند بدون آنکه از کتابخانه خارج شود تاریخ جامع مستند بسندی تألیف نمود و اگر کسی بخواهد تاریخ این دور زمان را بنگارد ناچار است که مانند مورخین اعصار مظلومه و قرون وسطی بالسنه و افواه مراجعه نموده حوادثی مجمل و بی اساس برشته تألیف درآورد.

و از میان شعب و اقسام تاریخ همانا تربیت و تعلیم بیشتر از همه دارای اهمیت است و از آنجا که ناشر و حافظ تربیت و تعلیم وزارت معارف میباشد ثبت و ضبط عملیات آن وزارت در متون کتب مخصوصه برای مورخینی که بخواهند تاریخی از علم و ادب این مملکت بنگارند متنها درجه ضرورت را خواهد داشت چه هم ساعی و اقداماتی که از طرف دولت در این زمینه مبذول شده است محفوظ مینماید و هم نام نیک کسانی که بسهم خود از اینطریق بخدمت کوشیده‌اند ضبط میشود.

ثانیاً- هر شعبه یا مؤسسه دولتی که عملیات سالیانه خود را انتشار میدهد در حقیقت راپرتی در کارهای خود در تحت نظر عامه ملت میگذرد و خاطر عموم را بر آن مقدار وظایفی که موفق بر انجام آن شده است مستحضر مینماید اگر آن مؤسسه دولتی در ظرف یکسال توانسته است پیاره اعمال که شایسته تمجید و تقدیر است موفق شود چه بهتر که افراد ناس بر آن عملیات آگاهی یافته و بیخبر از جریان وظایف آن مؤسسه نباشد.

بدبختانه نفس همین بیخبری از عملیات روزمره ادارات و شعب وزارتخانه هاست که اکثریت مردم از وظایف آن ادارات بکلی بی اطلاع مانده نمیدانند که مقصود از هر اداره چیست و تکلیفی که از آن منتظر کدام است.

ثالثاً. معرفی خدمتگزارانی که در یک رشته خدمات دولتی کم و بیش عمری تلف ساخته و مجاهدتی کرده‌اند مقصود اصلی از تألیف سالنامه هاست و مخصوصاً در سالنامه‌های اروپا پرسنل اعضاء ادارات فوق العاده محل توجه است که مباشرین وظایف مختلفه باسم و رسم و سوابق خدمت و معلومات و لیاقت کاملاً معرفی شده هم یک قسمت تاریخ خصوصی عمری ایشان در محفظه به جای میماند و هم سمت ایشان نزد همه کس معلوم میشود.

با علم بر این مقدمات و با تشویقاتی که کراراً از ناحیه مبارک برای انجام این امر نسبت به فدوی مبذول میشد اخیراً موفق گردید که سالنامه از سال ۱۲۹۷ یونت نیل وزارتخانه معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تدوین نماید و اینک مجموعه که ذیلاً در نظر مبارک بندگان اشرف عالی میگذرد تألیف شده است.

باید اقرار کرد که با وجود عدم وسایل و با وجود عدم اعتیاد شعب و دوائر مختلفه به ضبط و حفظ تاریخ عملیات خود با وجود هزاران موانع این سالنامه آنطوریکه فدوی در بادی امر در نظر داشت تدوین نشده است چه فدوی سعی مینمود همانطور که سالنامه‌های سایر ممالک شامل جزئیات حوادث و ناچیزترین امور اداری است این سالنامه نیز در رشته معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه هر چه هست شامل تمام جزئیات باشد ولی متأسفانه این مقصود کاملاً بعمل نیامد.

ولی با وجود همه موانع باز بقدر مقدور اطلاعات موجوده را حاوی و شامل است و امید است که سال آتی هر نقصی بکلی مرتفع گردد.

از جمله محسناتی که این سالنامه داراست همانا یکی آن است که چون مجموعه امساله اولین مجله‌ی است که در طی این مقصود تألیف شده است در پرسنل اعضاء و مامورین وزارتخانه مخصوصاً اهتمامی وافی به عمل آمده است و سوابق خدمت و معلومات هر عضو مفصلاً درج شده و این قسمت در سایر اقسام مفصل تر گشته است در سالیان آتی لازم است که از این قسمت کاسته و بر قسمت اطلاعات دائره بر عملیات دوائر و اقداماتی که در طی انجام وظیفه بعمل آورده‌اند افزوده شود.

مخصوصاً فدوی در نظر داشته است که از تاریخ سنین ماضیه نیز هر چه بتواند بر

اطلاعات یکساله بیافزاید باین معنی که به راپرت یکساله یونت ٹیل اکتفا ننماید بناءً علیهذا در راپرتهای دوائر مختلفه که در ذیل هر قسمت مندرج است بیشتر مطالبی که مربوط به سنوات قبل است ملاحظه خواهند فرمود.

با ذکر این محاسن و مساوی چون این مجلد اولین سالنامه است که در این وزارت خانه تدوین گشته باید گفت که هر موجودی که زاده فکر بشری است در مرحله نخستین وجود احراز مرتبه کمال را نمیتواند بنماید که بالطبع در تحت قانون تکامل تدریجی و نواقص پیراسته و به محاسن آراسته شود لهذا امیدوارم که این قدم در سایه تشویقات و مواظبت وزیرانه آن حضرت ادامه یافته و از سالیان آینده بهتر از این و جامع تر از این تدوین گردد.

فدوی علی اصغر حکمت

* * *

۵

اول/حوت/۱۲۹۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دولت علیہ ایران

ورقه خدمت متعلقه به آقای میرزا علی اصغر خان حکمت ولد آقای احمد علی خان

تاریخ تولد و محل آن: لیله ۲۳ رمضان ۱۳۱۰ هجری شیراز. تاریخ تولد ۱۲۷۰

شمسی، نمره ۶۱۴۰ ورقه سجل احوال

اسم پدر: میرزا احمد علی خان حشمة الممالک

تحصیلات: فارسی، عربی، به قدر قرائت و تحریر - دوره متوسطه

محل تحصیل: شیراز مدارس قدیمه، طهران مدرسه امریکائی

السنه که حرف می زند: فارسی - انگلیسی - قدری فرانسه

تاریخ دخول خدمت: ۲۷ سنبله ۱۲۹۷

سمت رسمی: مدیریت پرسنل وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.

اول حوت ۱۲۹۷

علی اصغر حکمت

* * *

۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۳ جدی قوی نیل ۱۲۹۸

مقام منبع حضرت اشرف وزارت پناهی دامت عظمته

از آنجائیکه خدمات خدمتگزاران لایق همیشه منظور نظر حضرت اشرف روحی فداه بوده و در تشویق آنها از بذل مرحمت بهیچوجه دریغ نفرموده‌اند چون خاطر مبارک بخوبی از خدمات فوق العاده آقای میرزا علی اصغر خان رئیس پرسنل مسبوق است برای مزید تشویق و تحریص معزی الیه استدعا دارد امر بصدرور ورقه امتیازی از رتبه اولی در حق مشارالیه بفرمائید.

بموجب ماده ۳ از فصل ۳ نظامنامه

محل امضا آقای اعلم الدوله

مخصوصاً پس از طبع و انتشار سالنامه که در جنس خود اول کتابی است که در مملکت نگاشته و تدوین شده آقای میرزا علی اصغر خان حق تقاضای حدود رقم امتیاز درباره خود تثبیت نموده کاملاً سزاوار و موقع آن است که این عریضه پیشنهاد چاکر بنخط مبارک توشیح گردد.

محل امضای آقای اعلم الدوله

۲۹ جدی

آقای میرزا علی اصغر خان چون خودشان مدیر ارقام امتیاز هستند میدانند که اول باید شرایط اضافه حقوق را در نظر گرفت انشاءالله اگر در این بودجه اضافه کرد رقم هم داده می‌شود (خط آقای نصیرالدوله)

پیشنهاد ریاست کل معارف را حضرت اشرف وزارت پناهی دامت شوکته قبول خیر نمود امر و مقرر داشته‌اند رقم امتیاز از رتبه اولی صادر گردد لهذا به اداره پرسنلی ابلاغ می‌شود که صادر نمایند.

بتاریخ چهاردهم برج حوت قوی نیل ۱۳۳۸

محل مهر و امضا اعلم الدوله

* * *

۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مورخه اول حمل ۱۳۳۸

وزارت معارف و اوقاف

مطابق قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مورخه هشتم شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۲۹ مطابق وزیر معارف و اوقاف بموجب این حکم مقرر میدارد.

ماده اولی از این تاریخ که اول برج حمل پچی نیل یکهزار و سیصد و هشت است آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت ریاست اداره پرسنل منصوب و مسئولیت این شغل بعهدۀ مشاراًلیه محوّل میشود

ماده دوم از تاریخ مزبور در ماده فوق مبلغ یکصد و بیست تومان مقرر ماهانه خواهد داشت

ماده سوم آقای معاون کل وزارتخانه مأمور اجرای این حکم است

وزیر معارف و اوقاف نصیر الدوله

محل مهر (وزارت معارف و اوقاف دولت علیه ایران)

بتاریخ اول برج حمل پچی نیل ۱۳۳۸

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

[۲۲ جدی ۱۳۰۲]

* * *

۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۲۰ برج عقرب قوی ئیل ۱۳۳۸

از این تاریخ که ۲۰ برج عقرب قوی ئیل ۱۳۳۸ است آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت معلمی زبان انگلیسی مدرسه متوسطه؟؟ منصوب و مسئولیت این شغل بعهدۀ مشارالیه محول میشود و در ازای این خدمت ماهی سی تومان مقرری خواهد داشت آقای رئیس کل معارف مأمور اجرای این حکم است

محل امضای آقای نصیر الدوله
مهر وزارت معارف و اوقاف

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

* * *

۹

وزارت امور خارجه

۱۶ شعبان ۱۳۳۸

نمره ۶۱۴/۴۰۴۰

وزارت جلیله معارف

در جواب مرقومه محترم مورخه اول ثور ۶۸۹ زحمت افزا میشود که بنابر پیشنهاد و تقاضای آنوزارت جلیله فهرست نشان درجه سوم شیر و خورشید درباره آقای میرزا علی اصغر خان رئیس پرسنل وزارت جلیله معارف صادر و بحضور همایونی تقدیم گردید.

* * *

۱۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه**وزارت جلیله امور خارجه**

مرقومه محترمه بنمره (۱۰۵/۳۷۸) بضمیمه فرمان شیر و خورشید درجه سوم که بافتخار جناب آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس وزارت معارف ایفاد شده بود عز

وصول بخشید تذکراً زحمت می‌دهد در مراسله مزبور مرقوم شده بود (بموجب پیشنهاد سابق آنوزارت جلیله مورخه ۲۴ برج دلو ۱۳۰۰ در صورتیکه بتاریخ پیشنهاد وزارت معارف اول برج ثورچی‌ئیل ۱۲۹۹ است بدیهی است تصدیق خواهند فرمود این اختلاف تاریخ سلب حق مشروعی را از معزی الیه میکند چنانچه ملاحظه میفرمائید در صدور فرمان چقدر تأخیر شده و تاریخ صدور آن پنجم برج سرطان هذاه‌السنه است در اینصورت وزارت معارف تاریخ پیشنهادی که نموده در آتیه مدرک تقاضای خود قرار خواهد داد.

* * *

۱۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۱۵ برج اسد قوی ئیل ۱۲۹۸

جناب آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه که اولین دفعه است باین صورت تحمیل و تنظیم یافته و جمع و تدوین شده است ملاحظه شد.

اشکالاتی که در این قبیل تألیفات اداری و جمع آوری اوراق مختلفه و ترتیب آن حاصل میشود مخصوصاً که سابقه و نظایری در دست نباشد معلوم است تا چه اندازه مستلزم بذل جهد و صرف وقت خواهد بود.

کلیات و جزئیات اوضاع این وزارتخانه که در حقیقت مظهر جامع و منظره کاملی را از دستگاه معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تمام مملکت بنظر قارئین میرساند مراتب سعی و اهتمام و مراقبت شما را در دایره پرسنلی و ادا وظیفه که نموده‌اید معلوم و مشهود داشته مورد تمجید شایان و مستحق تقدیر و امتنان می‌نماید.

این سالنامه میزان ترقی و تکامل و اصلاحات معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه کل مملکت است که در هر سال با جمال سهولت میتوان با درجات سال قبل مقایسه و مقابله نمود و بعلاوه سنه خدمت اولیاء ادارات و مدیران مدارس و معلمین و کلیه کارگزاران این وزارتخانه است که با جدّ وافی به انجام وظایف خود اشتغال دارند.

امیدوارم که این اثر نافع و مفید در هر سال یک بار تجدید شده و عموم اهالی مملکت را از ترقیات و اصلاحاتی که در معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از طرف

اولیای دولت علیه بعمل میآید مطلع و خرسند ساخته و مساعدت آنان را در مزید تکامل این اساس سعادت که طریق حقیقی تمام ترقیات وطن است بیش از پیش جلب نماید.

* * *

۱۲

ریاست وزراء

۲۵ برج جدی ۱۳۳۹

مقام منبع وزارت جلیله متبوعه دامت شوکته

چون برای اصلاح امور معارف فارس و تکمیل نواقص آن لازم است یکنفر شخص لایق صحیح العملی انتخاب و منصوب گردد اداره معارف و اداره تعلیمات عمومی جناب آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس انطباعات را که سابقه خدمات درخشانی در وزارت معارف دارند پیشنهاد مینماید که معزی الیه بریاست معارف فارس با حقوق ماهی دویست تومان انتخاب شوند و بغوریت حرکت نمایند.

انتخاب آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بریاست معارف فارس بسیار بموقع و شایان تقدیر است

۲۵ جدی ۹۹

[حاشیه]:

کابینه - پرسنل

حکم ریاست معارف آقای میرزا علی اصغر خان حکمت را برای فارس صادر کنید.
۲۵ جدی ۱۲۹۹ فقیه الملک

* * *

۱۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

ریاست جلیله فارس نظر باینکه پیشرفت و ترقی معارف حوزه ایالتی فارس منظور نظر وزارت معارف بوده جناب آقای میرزا علی اصغر خان حکمت را که از اعضاء عالم و آزموده وزارت معارف و از جمله خانواده‌های محترم شیراز است بسمت ریاست معارف فارس منتخب و امید است با مساعدت معارف پرورانه آن ریاست جلیله معزی

الیه خدمات شایان تقدیر و تمجید را موفق شود و متمنی است با کفیلی که مشارالیه معرفی مینماید تا زمان ورودشان لازمه مساعدت از طرف ریاست جلیله بعمل آید که موجب امتنان خواهد بود.

* * *

۱۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۱۷ برج قوس پچی نیل ۱۲۹۹

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

چون وزارت معارف برای مدیریت دایره انطباعات و تألیفات وجود شخصی بصیر ولایقی را لازم دارد لهذا جنابعالی را بسمت مدیریت دایره مزبور انتخاب و مقرر میدارد با ماهی یکصد تومان حقوق مشغول انجام وظایف خدمت باشید.

(محل امضاء وحید الملک)

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

(مهر وزارت معارف)

۲۲ جدی ۱۳۰۲

محل امضاء و مهر اداره پرسنل

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

* * *

۱۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۴/ثور ۱۲۹۹/

وزارت جلیله امور خارجه

وزارت معارف نظر بمراتب خدمتگزاری و پاداش لیاقت میرزا علی اصغر خان رئیس پرسنل مقتضی میدانند که مشارالیه را باعطای نشان شیر و خورشید خارجه مفتخر گردد متمنی است برای مشارالیه فهرست اعطای نشان از درجه سوم صادر فرمائید، وسایل تشویق او و امتنان این وزارتخانه را فراهم سازند.

* * *

۱۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

برج دلو ۱۲۹۹
 ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۳۹

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بر طبق رقیمه نمرة (۵۷۸۳) راجع بآقای میرزا علی اصغر خان رئیس معارف فارس
 توصیه لازم بایالت صادر و لغاً ارسال گردید.

* * *

۱۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۰/ دلو ۱۲۹۹/

تلگراف

آقایان مدیران مدارس فارس تلگراف راجع بانتخاب جناب آقای میرزا علی اصغر
 خان واصل معزی الیه پاره پیشنهادها راجع به بسط معارف فارس نموده که فعلاً در تحت
 مطالعه میباشد پس از تصویب موجبات حرکت ایشان فراهم خواهد شد.

* * *

۱۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۲۵ برج میزان پچی نیل ۱۲۹۹

وزارت جلیله مالیه

چون آقای سید علی اصغر خان حکمت مدیر مطبوعات بسمت ریاست معارف
 فارس انتخاب و مجبور است هر چه زودتر بصوب مأموریت رهسپار گردد متمنی است
 غدغن فرمائید مبلغ سیصد و نود تومان از بابت حقوق سه ماهه عقب افتاده بروج عقرب
 و قوس و جدی مشارالیه را اداره محترمه خزانه داری کل پرداخته و در موقع تادیه حقوق
 این وزارتخانه از باب بروج فوق الذکر کسر فرماید.

* * *

۱۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۹ برج دلو قوی ثیل ۱۳۰۰

وزارت جلیله امور خارجه

سابقاً در تاریخ یک ثور پیچی ثیل ۱۲۹۹ ذیل نمره ۶۸۹ از طرف اینوزارتخانه بهمان وزارت جلیله تقاضا شده بود که یک قطعه نشان شیر و خورشید خارجه از درجه سوم به آقای میرزا علی اصغر خان حکمت اعطا گردد متأسفانه تاکنون جوابی در اینخصوص صادر نشده متمنی است مقرر فرمائید فرمان نشان مزبور را صادر و باینوزارتخانه ارسال دارند.

* * *

۲۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۳ برج حوت ۱۳۰۰
۸۹۷۳

وزارت جلیله معارف

مرقومه محترمه آنوزارت جلیله مورخ ۲۴ برج دلو ۵۰۶۰/۴۴۹ دایر به نشان آقای میرزا علی اصغر خان واصل و جواباً زحمت افزا میشود فهرست نشان درجه سوم مشارالیه مدتی است صادر و بخاکپای اعلیحضرت اقدس شهریار اروحانفاده تقدیم و متأسفانه هنوز از صحنه ملوکانه اعاده داده نشده است ولی بجای لازم تأکید شده که برای صدور فرمان، فهرست مزبور را زودتر اعاده دهند.

* * *

۲۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مورخه ۷ سرطان ۱۳۰۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از این تاریخ که هفتم سرطان تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ شمسی است آقای میرزا علی اصغر خان حکمت را بسمت عضو اول مترجم و مؤلف اداره تألیفات منصوب و مسئولیت این شغل را بعهده مشارالیه محول میدارد و مقرری این شغل همان است که در بودجه مقرر گردیده و پیشنهاد هیئت دولت شده که

پس از تصویب پرداخته خواهد شد.

محل امضاء ممتاز الدوله
محل مهر وزارت معارف و اوقاف
محل مهر و امضا اداره پرسنل

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

۲۲ جدی ۱۳۰۲

* * *

۲۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مورخه ۷ حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مقرر میدارد از این تاریخ که هفتم برج حمل تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ است آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت ریاست تفتیش معارف منصوب و مسئولیت این شغل بعهدۀ مشارالیه محول می‌شود در ازای این خدمت ماهی؟؟ مقرر می‌شود داشته

آقای معاون کل مأمور اجرای این حکم است

وزیر معارف و اوقاف محل امضاء (نیرالملک)

محل مهر (وزارت معارف و اوقاف دولت علیّه ایران)

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

۲۲ جدی ۱۳۰۲

* * *

۲۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مورخه ۱۶ برج قوس ۱۳۰۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مقرر میدارد از این تاریخ که شانزدهم برج قوس تخاقوی ثیل ۱۳۰۰ است آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت ریاست اوقاف مرکزی منصوب و مسئولیت این شغل بعهدۀ مشارالیه محول میشود در ازای این

خدمت ماهی یکصد و ده تومان مقرر می‌شود. خدمت ماهی یکصد و ده تومان مقرر می‌شود. خدمت ماهی یکصد و ده تومان مقرر می‌شود.

آقای مدیر کل مأمور اجرای این حکم است وزیر معارف و اوقاف

محل امضاء (امیر اعلم)

محل مهر (وزارت معارف و اوقاف دولت علیه ایران)

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

۲۲ جدی ۱۳۰۲

* * *

۲۴

۵ برج سنبله ۱۳۰۱
۱۰۵

وزارت امور خارجه

وزارت جلیله معارف

بموجب پیشنهاد سابق آنوزارت جلیله مورخه ۲۴ برج دلو یکهزار و سیصد نمره (۴۹۹ - ۵۰۶۰) از طرف ذات اقدس ملوکانه نشان درجه سوم شیر و خورشید باقی‌امیرزا علی اصغر خان حکمت اعطا شده فرمان آنرا که از صحه ملوکانه گذشته است لغاً ارسال و خواهشمند است رسید آنرا اطلاع دهید.

* * *

۲۵

۱۵ / سنبله ۱۳۰۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه محترمه ۱۰۵/۳۷۸ بضمیمه فرمان نشان شیر و خورشید درجه سوم که بافتخار جناب آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس تفتیش وزارت معارف ایفاد شده بود عز وصول بخشید تذکراً زحمت می‌دهد در مراسله مزبور مرقوم شده بود (بموجب پیشنهاد سابق آنوزارت جلیله مورخه ۲۴ برج دلو ۱۳۰۰ در صورتیکه تاریخ پیشنهاد وزارت معارف اول برج ثور پچی نیل ۱۲۹۹ است بدیهی است تصدیق خواهید فرمود این اختلاف تاریخ سلب حق مشروعی را از معزی الیه میکند چنانچه ملاحظه می‌فرمائید در صدور فرمان چقدر تأخیر شده و تاریخ صدور آن پنجم برج سرطان هذ

السنه است در اینصورت وزارت معارف تاریخ پیشنهادی که نموده در آتیه مدرک تقاضای خود قرار خواهد داد.

* * *

۲۶

۱۴ برج حمل ۱۳۰۱
۵۵۲۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

جناب آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

در تعقیب تشکیلات جدید وزارت معارف و اوقاف جنابعالی را بسمت مدیری دایره تفتیش انتخاب نموده است و حقوق همانست که در بودجه جدید منظور و بمجلس شورای ملی تقدیم شده است لذا جنابعالی هر چه زودتر برای انجام امور اداری بوزارتخانه تشریف بیاورید.

محل امضاء آقای عماد الملک معاون وزارتخانه

از طرف وزیر (احمد محسنی)

محل مهر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

۲۲ جدی ۱۳۰۲

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

محل مهر و امضاء اداره پرسنل

* * *

۲۷

۱۵ اسد / ۱۳۰۲

وزارت مالیه

وزارت جلیله معارف و اوقاف

مرقومه نمره /۱۷۲۸/ مورخه ۱۲ سرطان دایر بمعرفی آقای میرزا علی اصغر خان حکمت برای دادن توضیحاتی که غالباً در موضوع اوراق درخواست مدارس لازم میشود واصل گردید. نظر باینکه مراجعه اعضاء مدارس دیگر موجب زحمت و اجتماع آنها قهراً باعث تأخیر کار میگردد لذا وزارت مالیه باین ترتیب موافق و من بعد توضیحات لازمه از

مشارالیه خواسته خواهد شد.

صادره از پرسنل نوشته نشده است
مجدداً با اداره محترم کابینه عودت داده شود

* * *

۲۸

۱۲ حوت ۱۳۰۲

مقام منیع وزارت جلیله معارف دامت شوکته

چند روز قبل بدون سابقه حکم ریاست معارف خراسان بامضای آنمقام منیع برای فدوی فرستاده شد چون جلب رضایت فدوی بر این تغییر شغل بعمل نیامده بود فوراً بمقام محترم مدیریت کل مراجعه و شفاهاً عرایض قانونی خود را تقدیم نمود چون تاکنون ترتیب اثری داده نشده لذا بشرح ذیل اعتراضات کتبی خود را تقدیم و منتظر جواب قانونی هستم.

۱- نظر باینکه بموجب احکام و اسناد متعدده این بنده سمت ریاست اداره داشته و مخصوصاً در ابلاغ اخیر مورخه ۱۸ دلو ۱۳۰۲ نمره ۶۳۳۷ مرقوم فرموده‌اند که اداره تفتیش را تحویل بدهید و این عبارت تصدیق صریح بسمت ریاست اداری بنده در تاریخ مزبور است.

لذا متذکر میشود که مأموریت جدید تنزل رتبه و بدون مجوز قانونی است و موجب نقض ماده ۳۸ قانون استخدام میباشد

۲- هرگاه رتبه ریاست معارف خراسان را ریاست اداره محسوب فرموده‌اند باید بموجب ماده ۲۱ قانون استخدام به تصویب مقام وزارت و بموجب فرمان همایونی باشد و چون این ترتیب بعمل نیامده صدور حکم مزبور بر خلاف ماده مزبور میباشد.

در خاتمه مقام منیع وزارت را تذکر میدهد که بمناسبت حفظ انتظامات نص دو ماده مذکور را هر قسم مقتضی است جبران فرمائید.

* * *

۲۹

۱۸ برج دلو ۱۳۰۲
۶۲۲۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

چون جنابعالی برای ریاست معارف و اوقاف خراسان معین و حکم رسمی شما هم صادر شده است لازم است بفوریت بوزارت خانه آمده و اداره تفتیش را تحویل آقای میرزا نصرالله خان جهانگیری که کفالت امور آن اداره بمشارالیه واگذار شده است داده و بزودی بصوب مأموریت خود عزیمت نمائید.

* * *

۳۰

۱۶ برج دلو ۱۳۰۲
۶۲۰۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

از این تاریخ که شانزدهم برج دلو تنگوزئیل ۱۳۰۲ شمسی است آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت ریاست معارف و اوقاف خراسان منصوب و مسئولیت این شغل بعهدۀ مشارالیه محول میشود و در ازاء این خدمت ماهی صد و هشتاد تومان مقرری خواهد داشت آقای رئیس اداره معارف و اوقاف مأمور اجرای این حکم است.

* * *

۳۱

۱۲ / دلو ۱۳۰۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت جلیله مالیه نظر باینکه غالباً اقساط مدارس برای پاره توضیحات و ملاحظاتی که در دوائر محاسبات کل و خزانه داری لازم میگردد دچار تأخیر شده و سبب میشود که آقایان اعضاء مدارس از معلم و مدیر مجبوراً وظایف خود را تعطیل نموده یا بوزارت

جليله عاليه مراجعه كنند و يا در نتيجه تعويق پرداخت توليد زحمت براي اين وزارتخانه نمايد لهذا براي سرعت جريان امر و براي اينكه آقايمان معلمين مجبور نباشند همه روزه بوزارت جليله ماليه بيابند و بر توضيحاتي كه آقاي رئيس محاسبات اين وزارتخانه خواهند داد آقاي ميرزا علي اصغر خان حكمت رئيس تفتيش وزارت معارف را نيز معرفي مينمايد كه از اين به بعد هرگونه توضيحي كه نسبت بمدارس لازم باشد از ايشان بخواهند كه در آتیه آقايمان اعضاء مدارس بوزارت ماليه مراجعه ننموده فارغ البال مشغول انجام وظائف خود باشند.

* * *

۳۲

اول/اسد/۱۳۰۳

وزارت معارف و اوقاف و صنايع مستظرفه

از اين تاريخ كه اول برج اسد سيچقان ئيل ۱۳۰۳ است آقاي ميرزا علي اصغر خان حكمت بسمت رياست تفتيش بارتبه رياست اداره منصوب و مسؤليت اين شغل بعهده مشاراليه محول مي شود و در ازاي اين خدمت ماهي مطابق بودجه هذه السنه مقرري خواهد داشت آقاي مدير كل مأمور اجراي اين حكم است محل امضاء محمود پرورشي و بهرامي

[حاشيه]: سواد مطابق با اصل است.

* * *

۳۳

۲۹ برج اسد سيچقان ئيل ۱۳۰۳

وزارت معارف و اوقاف و صنايع مستظرفه

آقاي مدير كل از تاريخ اول اسد سيچقان ئيل آقاي ميرزا علي اصغر خان حكمت به رياست اداره تفتيش وزارت معارف و اوقاف برقرار مي شود لوازم استقرار مشاراليه را در شغل مزبور فراهم نموده حكم آنرا صادر نمايد.

* * *

۳۴

۹ برج اسد سیچقان ئیل ۱۳۰۳
۳۱۹۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

از این تاریخ که اول برج اسد سیچقان ئیل ۱۳۰۳ است آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت ریاست تفتیش بارتبه ریاست اداره منصوب و مسئولیت این شغل بعهدۀ مشارالیه محول می‌شود و در ازاء این خدمت ماهی مطابق بودجه هذه السنه مقرر می‌خواهد داشت آقای مدیر کل مأمور اجرای این حکم است.

* * *

۳۵

۱۱/عقرب/۱۳۰۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مقام منیع وزارت جلیله متبوعه دامت شوکته

بطوریکه خاطر محترم مستحضر است این فدوی در هذه السنه چهار ماه از اول سال منتظر خدمت بوده‌ام که در نتیجه عدم استفاده از حقوق بودجه خساراتی متوجه فدوی شده است نظر باینکه از قرار معلوم حقوق انتظار خدمت در ششماهه اول سال داده نمی‌شود و وزارت خانه نیز وسیله برای جبران خسارت فدوی ندارد. بحکم ضرورت و اضطرار ناچارم از حقوق قانونی مرخصی خود صرف نظر کرده از مقام وزارت جلیله استدعا نمایم که سه ماهه ثور و جوزا و سرطان هذه السنه را بعنوان مرخصی قانونی باین فدوی اجازه دهند که بتوانم از حقوق بودجه این سه ماه که بلامعارض و توقیف است استفاده نمایم. و چون از ابتدای ورود بخدمت تاکنون ابداً مرخصی نداشته و اتصالاً مشغول خدمت بوده‌ام این سه ماه مطابق ماده ۳۱ قانون استخدام حق مرخصی بنده در سه سال است ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ ایتئیل تنکوزئیل و سیچقان ئیل خواهد بود. امیدوارم از این مساعدت قانونی مضایقه نشود.

۱۱ عقرب ۱۳۰۳

علی اصغر حکمت

در حاشیه ۱۲ عقرب

دایره پرسنل - چون آقای میرزا علی اصغر خان حکمت ریاست اداره تاکنون از مرخصی سالیانه خود استفاده نکرده‌اند ممکن است این مدت را در این بابت محسوب داشت شرحی هم دایر بهمین مضمون بوزارت جلیله مالیه بنویسید.

* * *

۳۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نمره ۷۵۶۵، بتاريخ ۲۷ جدی ۱۳۰۳ ش.

وزارت جلیله مالیه

در جواب مراسله نمره ۴۵۳۶۶ مورخه جدی که در تعقیب مذاکرات شفاهی نسبت به بودجه هذالسنه وزارت معارف مرقوم داشته بودند مزاحمت می دهد.

[مواردی] که در بودجه پیشنهادی ملاحظه نموده اند ناشی از آن بود که اعتبار هذالسنه وزارت معارف چنانکه کراً تذکر داده شده وافی به احتیاجات و تعهدات این وزارتخانه نبوده و با آن که قانون بودجه ۳۰۳ از تصویب مقامات مقننه نگذشته بود وزارت معارف در اثر فشار معلمین مدارس که دچار متتها درجه استیصال و پریشانی بودند ناچار و ناگزیر گردید که بودجه خود را در حدود اعتبار پیشنهادی تدوین و تنظیم نماید و علیهذا مصارف و یک قیمت از موسسات خود را برای شش ماه دوم سال در نظر گرفت و با اطمینان به این که هیأت محترم دولت و مجلس شورای ملی و وزارت جلیله مالیه نسبت به سنه آتیه ۱۳۰۴ بر اعتبار بودجه معارف خواهند افزود. در این صورت مصارفی که در شش ماه دوم منظور شده بود در سنه آتیه نیز برای تمام سال می توانست با رعایت الاهم فالاهم پرداخت شود معذالک چون وزارت جلیله مالیه اصلاح و این منقصت را لازم دانسته و مقتضی بود که با ماده سوم قانون بودجه مصوبه یازدهم جدی ۱۳۰۳ مخالفتی حاصل نشود، بودجه پیشنهادی را مسترد داشته و اصلاحاتی بشرح ذیل در آن نموده و اینک مجدداً ارسال می دارد.

اولاً- کلیه تعهداتی که سابقاً برای بروج آخر سال منظور شده بود در این بودجه از یک قیمت صرف نظر و یک قیمت برای تمام مدت سال ۱۳۰۳ پیش بینی شده بطوری که میزان حقوق مستخدمین رسمی از سه پله کلیه مبلغ اعتبار حقوق سالیانه تجاوز نمی نماید از آن جمله اضافاتی که برطبق قانون استخدام بر حقوق اعضاء مرکزی وزارتخانه تعلق گرفته برای تمام سال منظور شده است و ضمناً برای توضیح این نکته را خاطر نشان می نماید. که از اول حمل تنگوزئیل ۱۳۰۲ وزارت معارف بموجب ماده ۶۶ قانون استخدام رتبه های قانونی هریک از اعضا را تعیین نموده و برطبق آن احکام و ابلاغات صادر کرده و مطابق همان احکام در بودجه تفضیلی سنه ماضیه که از نظر کمیسیون

محترم بودجه مجلس شورای ملی در همان سال گذشته است حقوق قانونی مشارالیهم نیز تصریحاً تعیین شده است. چون وزارت معارف هیچ دلیل قانونی در دست نداشت که حقوق اشخاصی را مطابق رتبه که بموجب احکام و فرامین در دست دارند نپردازد، بنابراین در هذه السنه حقوق قانونی در بودجه منظور شده است.

ثانیاً - در بودجه ادارات معارف و اوقاف و حقوق چند نفر از مامورین معارف و ایالات و ولایات (کرمان - کرمانشاهان - سمنان - قم - گلپایگان خونسار) که در اوایل هذه السنه بعضی مشاغل بلامتصدی بوده و یا کفیل موقتی داشته است و در آخر سال به آن نقاط اعزام مامور شده است برای رفع اشکال و موافقت با ماده سوم قانون بودجه هذه السنه حقوق مشارالیهم برای تمام مدت سال منظور شده و از این بابت مبلغی صرفه جویی خواهد بود.

ثالثاً - برای این که در امور اوقافی ولایات و ایالات تعویضی رخ ندهد به وسیله متحدالمال اکیداً به عموم مأمورین معارف و اوقاف ولایات دستور داده شده است که همانطور که در سنه ماضیه و هذه السنه وظایف اوقافی را انجام داده‌اند در این دو ماهه اخیر سال نیز این خدمت را تکفل نمایند و به همین ملاحظه عده از مامورین معارف که در اثر تقلیل بودجه می‌بایستی منصرف‌انده شوند به جای خود تثبیت شد و برای خدمات اوقافی در نظر گرفته شده‌اند.

در خاتمه لازم می‌داند مجدداً خاطر آن وزارت جلیله را متذکر به ضیق اعتبار بودجه وزارت معارف نموده و تقاضا نماید که برای تهیه بودجه سنه آتی ۱۳۰۴ / اعتبار مکفی برای وزارت معارف در نظر گرفته شود که بتواند هم تعمیرات خود را داده اقداماتی را که برای توسعه تعلیمات عالی و صنعتی در مرکز و توسعه تعلیمات متوسطه و ابتدائی در ولایات در نظر دارد به خوبی از عهده برآید.

محل امضاء (وزارت معارف)

- سواد مطابق با اصل است. [مهر]: دفتر کل وزارت معارف و اوقاف - سنه ۱۳۰۳

* * *

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

نظر به تصویب انجمن نظارت مرکزی انتخابات مجلس مؤسسان و موافقت حکومت طهران جنابعالی به عضویت شعبه انجمن نظارت محله دولت انتخاب شده‌اید خواهشمندم برای سه ساعت بعد از ظهر یوم شنبه ۱۶ آبانماه بعمارت دارالفنون تشریف بیاورید.

* * *

۳۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۴/آبان/۱۷

مقام منیع وزارت جلیله متبوعه دامت شوکته

با ارسال مراسله دعوت حکومت طهران این بنده به عضویت شعبه انجمن محله دولت انتخاب شده‌ام چون ایفاء وظیفه ملی و مدنی است لذا از آنمقام منیع کسب اجازه می‌نمایم که از روز سه شنبه ۱۹ آبان تا خاتمه انتخابات مجلس مؤسسان از خدمت معذور باشم در غیاب فدوی آقای میرزا نصراله خان جهانگیر مسئول انتظام امور اداره تفتیش خواهند بود. خود فدوی هم حتی‌المقدور رسیدگی بکارهای اداری خواهم نمود. ۱۷ آبان ۱۳۰۴ علی اصغر حکمت

* * *

۳۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۴/آبان/۲۱

وزارت جلیله معارف

در تعقیب دو طغرا مرقومه نمره (۵۱۹۴) و نمره (۵۱۹۵) مورخه ۴/۷/۲۶ راجع باضافات آقایان حکمت و حایری و جهانگیر و یگانی و میرزا ابوالفتح و مظفری و افتخار العلماء زحمت میدهد نظر باینکه بموجب ماده ۶۶ قانون استخدام در حمل ۱۳۰۲ (ابتدای اجرای قانون استخدام) مشاغل آقایان حکمت و حایری رتبه هفت تشخیص و حد وسط حقوق رتبه مزبوره برای مشارالیهما منظور و تادیه شده است و نظر باینکه بر

طبق ماده ۲۳ قانون هر یک از مستخدمین در مراتب پنج ببالا اقلأ سه سال بایستی خدمت نمایند لهذا در ۱۳۰۴ که سال سوم اجرای قانون استخدام است نمیتوانند برتبه هشت ارتقا یابند بنابراین در خواست نمرة (۲۸۰) راجع بحقوق ترفیع رتبه آقایان مشارالیهما تلواً اعاده گردید.

راجع بارتقاء مرتبه آقای یکانی از رتبه چهار به رتبه پنج نیز خاطر محترم را متذکر میشود علاوه بر اینکه هنوز مدارک خدمت ایشان تکمیل نگردیده بموجب تصویبنامه نمرة (۱۱۹۵) $\frac{۳۰۲/۳/۲۹}{۳۰۲/۳/۲۹}$ هیئت محترم وزراء عظام برای ارتقاء مرتبه پنج باید امتحانات مقرر در تصویب نامه فوق الذکر را بدهند. علیهذا ترفیع رتبه مشارالیه نیز فعلاً غیر مقدور ولی آقایان جهانگیر و ابوالفتح خان و افتخارالعلماء و مظفری ذیحق میشوند دستور فرمائید سواد احکام برقراری آنها ارسال دارند تا درخواست آنها صادر شود.

دایره پرسنل

مدارک و مواد احکام آقایان را بفرستند که ورقه صادر شود برای آقای یکانی اما تعرفه اداره محاسبات تکمیل شود.

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بتاریخ: ۳۰ خرداد ۱۳۰۴

* * *

۴۰

۱۳۰۴/آبان/۲۱
۵۸۹۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس اداره تفتیش

نظر به این که بر حسب مراسله حکومت طهران به عضویت شعبه انجمن انتخابات محله دولت، انتخاب شده‌اید و البته مقتضی است در این خدمت عمومی شرکت نمائید. لذا وزارت معارف از تاریخ سه‌شنبه ۱۹ آبان تا خاتمه انتخاب مجلس مؤسسان به شما اجازه مرخصی با استفاده از حقوق می‌دهد و در ضمن چنانچه فراغتی حاصل نمودید به امور اداره نیز رسیدگی نمائید.

* * *

۴۱

وزارت مالیه

۲۴ آبان ۱۳۰۴
۵۱۹۵

وزارت جلیله معارف

در تعقیب دوطغرا مرقومه نمره (۵۱۹۴) و نمره (۵۱۹۵) مورخه ۴/۷/۲۶ راجع باضافات آقایان حکمت و حایری و جهانگیر و یگانی و میرزا ابوالفتح و مظفری و افتخار العلماء زحمت میدهد نظر باینکه بموجب ماده ۶۶ قانون استخدام در حمل ۱۳۰۲ (ابتدای اجرای قانون استخدام) مشاغل آقایان حکمت و حایری رتبه هفت تشخیص و حد وسط حقوق رتبه مزبوره برای مشارالیهها منظور و تادیه شده است و نظرباینکه بر طبق ماده ۲۳ قانون هر یک از مستخدمین در مراتب پنج ببالا اقلأ سه سال بایستی خدمت نمایند لهذا در ۱۳۰۴ که سال سوم اجرای قانون استخدام است نمیتوانند برتبه هشت ارتقا یابند بنابراین درخواست نمره (۲۸۰) راجع بحقوق ترفیع رتبه آقایان مشارالیهها تلوأ اعاده گردید.

راجع بارتقاء رتبه آقای یگانی از رتبه چهار به رتبه پنج نیز خاطر محترم را متذکر میشود علاوه بر اینکه هنوز مدرک خدمت ایشان تکمیل نگردیده بموجب تصویبنامه نمره (۱۱۹۵) هیئت محترم وزراء عظام برای ارتقاء برتبه پنج باید امتحانات مقرر در ۳۰۲/۳/۲۹ تصویبنامه فوق الذکر را بدهند. علیهذا ترفیع رتبه مشارالیه نیز فعلاً غیر مقدور ولی آقایان جهانگیر و ابوالفتح خان و افتحار العلماء و مظفری ذیحق میشوند قدغن فرمائید سواد احکام برقراری آنرا ارسال دارند تا درخواست آنها صادر شود.

* * *

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۳۰/خرداد/۱۳۰۴

۴۷۱

مقام منیع وزارت جلیله دامت برکته

بطوریکه خاطر مبارک مستحضر است بعد از قانون تقویم جدید که از طرف مجلس شورای ملی تصویب گردید تقویم جامعی بقدر کافی موجود نبود و فقط چند نسخه تقویم منطبقه مجلس به این وزارتخانه و سایر دوائر و ادارات دولتی ارسال شده است که آنهم البته بقدر کافی نیست که بتوان برای دوائر معارفی و مدارس ارسال داشت نظر به اینکه مدارس از حیث اوقات کار و تعطیل غالباً دچار اشکال میشوند و مخصوصاً در مواقع تعطیلات رسمی مردّد و مجبور بمراجعه بوزارتخانه بوده‌اند و بعد از؟ وزارت این قضیه؟ تقویمی مناسب با احتیاجات مدارس طبع نشود اینک حسب الامر تهیه نموده و بطوریکه ملاحظه خواهید فرمود علاوه بر مسائل هیئتی و نجومی شامل یک قسمت از موضوعات علمی و اخلاقی است امیدوارم بعد از گذشتن از لحاظ مبارک مورد قبول و توجه واقع شود.

علی اصغر حکمت

آقای معاون کل تقویم رسمی وزارت معارف از روی نهایت دقت و کمال سلیقه تهیه شده این حسن مراقبت که از کارکنان اداره تفتیش و مخصوصاً رئیس اداره مزبور ملاحظه و مشهود گردیده کاملاً قابل تقدیر و تمجید می‌باشد تقویمی را که ملاحظه می‌فرمائید یکی از بهترین تقویمهایی است که تا امروز در این مملکت تهیه شده است برای دوائر معارفی و مدارس و کلیه حوزه‌های مختلف این تقویم قابل استفاده است بطوریکه اشاره شده و ملاحظه میشود؟ در قسمتهای نجومی و هیئتی شامل قسمتهای اخلاقی و علمی است که در هر موقع و هر جا برای هر کس میتواند نتیجه بدهد برای عالم تذکر است و برای محصل درس.

با تأییدات خداوند متعال

* * *

۴۳

۱۳۰۴/آذر/۲۵

با تأییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

نظر بیاس خدمت و مراتب لیاقت میرزا علی اصغر خان حکمت و نظر به استدعای جناب مستطاب اجل میرزا یوسف خان مُشار، کفیل وزارت معارف که بوسیله جناب اشرف میرزا محمد علیخان فروغی رئیس الوزراء معروض افتاده است به موجب این فرمان همایون مشارالیه را بریاست اداره تفتیش، قرین افتخار فرمودیم.

* * *

۴۴

۲۸ اردی بهشت ۱۳۰۵

وزارت عدلیه

در خصوص شکایت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت؟؟ وزارت معارف از وزارت جلیله مالیه راجع به نقض ماده ۶۶ قانون استخدام نسبت به مشارالیه باینکه در حین اجرای قانون استخدام متصدی و شاغل رتبه هشت قانون استخدام بوده‌ام و وزارت جلیله مالیه بر خلاف قانون رتبه هفت را درباره اینجانب منظور نموده در تاریخ ۲۰ اسفند ۳۰۴ بر طبق ماده ۶۴ قانون استخدام به دیوانعالی تمیز شکایت نموده و پس از وصول شکایت نامه و ارسال سواد آن برای وزارت جلیله مالیه و عدم وصول جواب از طرف آن وزارتخانه در ظرف مدت قانونی بر حسب تقاضای شاکی پس از مراجعه به اسناد و ادله ابرازیه معلوم می‌شود که میرزا علی اصغر خان حکمت بر حسب اسناد و احکام در تاریخ حمل ۱۳۰۲ شاغل شغل بوده است و وزارت معارف بر طبق مفاد مراسلاتی که بوزارت مالیه ارسال داشته سوابق ماده ۲۰ و ماده ۶۶ قانون استخدام شاغلین؟ را با ماده ۱۵ قانون استخدام تطبیق و مشارالیه را دارای رتبه هشت معرفی نموده بعلاوه بودجه ۱۳۰۳ را وزارتخانه مزبور بر طبق همین تشخیص و ترتیب داده - علی هذا دیوانعالی تمیز (مرکب از آقایان دینی) در جلسه ۲۷ اردی بهشت ۳۰۵ با جلب نظریه جناب آقای حاج سیدنصرالله رئیس اول جناب؟ جناب آقای سیدمحمد رضا جناب آقای عبدالمهدی جناب آقای میرزا محمد جناب آقای اسدالله جناب آقای مدعی‌العموم کل که بر ورود شکایت شاکی بود چنین رأی میدهند.

نظر بمفاد اسناد ابرازیه و موافق مراسله ۲۷ جدی ۱۳۰۳ تحت نمره ۷۵۶۵ که از وزارت معارف بوزارت مالیه مرقوم شده و مراتب اعضای وزارتخانه را از اول حمل ۱۳۰۳ بر حسب سند ماده ۶۶ تطبیق نموده آقای میرزا علی اصغر خان حکمت را از تاریخ مزبور (اول حمل ۳۰۳) دارای رتبه هشت قانون استخدام می شناسند
محل مهر آقای حاج میر نصراله

[حاشیه]: سواد مطابق با اصل است

* * *

۴۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۹/خرداد/۱۳۰۴
۲۴۹

وزارت داخله

نظر بماده (۴) مقررات مربوطه به تشکیل شورای دائمی احصائیه
نظر بماده (۳) نظامنامه شورای دائمی احصائیه
نظر به پیشنهاد وزارت جلیله معارف و اوقاف
بموجب این حکم آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس اداره تفتیش وزارت معارف را بنمایندگی، آنوزارت جلیله در شورای دائمی احصائیه شناخته و برقرار میدارد.
علی منصور
محل (مهر) وزارت داخله

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

* * *

۴۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۴ فروردین ۱۳۰۵

مقام منبع کفالت وزارت متبوعه دامت شوکته

مجله تعلیم و تربیت که از یادگارهای نیک عصر تصدی حضرت اجل عالی است در اسفند ماه سال گذشته یکسال اول خود را بپایان رسانید و دوازده شماره انتشار یافت. مقالات فنی و قسمت رسمی و مطالب متنوعه که در آن مجله درج میگردد اگرچه، با دقت و زحمت و مطالعه بسیار تهیه میشد ولی نتیجه آن سعی و مواظبتها توجهی بود که

از طرف دانشمندان چه در طهران و چه در ولایات نسبت بمندرجات آن در سال گذشته بعمل آمد و در حقیقت مجله مزبور شبیه یکی از بهترین مجلات فرنگستان از هر حیث تألیف و طبع گردید و مخصوصاً قسمتهای رسمی این مجله سبب شد خدماتیکه اعضاء آن وزارتخانه از مقام وزارت گرفته تا سایر دوایر به معارف مملکت مینمایند بر عامه واضح و آشکار گردد و در هر موقع نظامنامه‌ها و متحد‌المآلها و احصائیه‌ها طبع شده در محل دسترسی اشخاص ذیعلاقه واقع گردد.

اکنون که سال اول این مجله خاتمه یافته لازم دانست مراتب را بعرض برساند چنانچه رای مبارک به ادامه این خدمت تعلیق گیرد و سال دوم مجله مزبور شروع شود پیشنهادهای ذیل را بمقام محترم عرضه داشته و استدعای تصویب آنرا مینماید.

۱- چون سال گذشته فقط پانصد نسخه مجله طبع میگردید دفتر مجله نتوانست عدّه درخواستهای کثیری را که برای اشتراک بعمل میآمد قبول نماید. متمنی است امر و مقرر شود برای سال جاری درخواست هفتصد و پنجاه نسخه صادر نمایند.

۲- عدّه صفحات مجله چون بیش از چهل و هشت صفحه نبود گنجایش نداشت مقالات علمی و رسمی که تهیه میگردند تماماً درج شود و بهمین جهت غالباً بعضی مقالات نافعہ بقطعات مختلفه قسمت شده در شماره‌های متعدد درج میشد برای رفع این نقیصه متمنی است اجازه فرمایند در درخواست مجله عدّه صفحات هر شماره را در سال جاری شصت و چهار صفحه نمایند که دو فرم یعنی ۱۶ صفحه بر شماره‌های سال گذشته افزوده شده باشد.

۳- چون غالب مندرجات مجله احتیاج بتصویر دارد سزاوار است مقرر گردد اعتباری برای تهیه کلیشه منظور شود که لااقل در هر شماره یک یا دو تصویر را دارا باشد مخصوصاً آنکه دفتر مجله در صدد است در هذه السنه از صور رجال تاریخی بزرگ و بعضی تصاویر علمی مجله را مزین سازد.

۴- چون در سال جاری بر عدّه صفحات و عدّه مشترکین افزوده میشود بالطبع بر حق الزحمه مباشرین کار مجله نیز باید افزوده گردد و چون خود بنده برای زحماتی که ناگزیر از انجام آن هستم و ؟ اغراق هفتصد و چهل و هشت ساعت در انجام آن صرف نمودم هیچگونه تقاضای مساعدت اضافه کار ندارم خواهشمند است مقرر فرمایند لااقل در بودجه هذه السنه بر حقوق آقای عرفان افزوده شود که سنه ماضیه بطور رضایت بخش امور مجله را اداره نموده و از جهت صحت و نفاست طبع و انتخاب مطالب و ظرافت مجله زحمات فوق‌العاده تحمل نموده‌اند و بنابراین مستدعی است امر فرمایند کتترات ایشان در هذه السنه تجدید شود.

علی اصغر حکمت

[حاشیه]: پرسنل

شرحی با آقای حکمت بدهید از زحمات ایشان در نشر مجله تعلیم و تربیت قدردانی نمائید کنترات آقای عرفان را هم تجدید کنید.

اداره پرسنل تاریخ ۱۵ اردی بهشت ۱۳۰۵

* * *

۴۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۱۵/اردیبهشت/۱۳۰۵

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس اداره تفتیش

راپورت نمره ۲۴ راجع به جریان امور مجله تعلیم و تربیت در سال گذشته به دقت ملاحظه گردید وزارت معارف از مراتب اهتمام و مجاهدت شما نسبت به تدارک و وسایل انجام امور مجله مزبور بوجه مطلوب کمال رضامندی را دارد و بطوریکه پیشنهاد نموده‌اید اجازه می‌دهد که در هذه السنه بجهت تکمیل و توسعه مجله سابق‌الذکر شانزده صفحه بر صفحات هر شماره اضافه و بجای پانصد نسخه ماهی هفتصد و پنجاه نسخه طبع و توزیع شود و برای تهیه کلیشه تصاویر لازمه هم اقدام مقتضی بعمل آید.

* * *

۴۸

وزارت مالیه ۱۳۰۵/۶/۲۸

وزارت جلیله معارف

خلاصه تعرفه خدمت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت در تاریخ آخر اسفند ماه

۱۳۰۴ بقرار ذیل است

سن ۳۴ سال ۳ ماه روز

مدت خدمت ۷ سال ۶ ماه روز بشرح ذیل:

روز	ماه	سال	
۱۶	۴	۵	اول میزان ۱۲۹۷ - ۶ دلو ۱۳۰۲
	۱۱	۱	اول ثور ۱۳۰۳ - آخر اسفند ۱۳۰۴
۱۴	۲	—	۱۷ دلو ۱۳۰۲ - ۳۰ حمل ۱۳۰۳

۷ سال و ۶ ماه

نرخ کسور تقاعد صدی $\frac{۱}{۴}$ ۵٪

شغل در اول ۱۳۰۲ ریاست اداره تفتیش

رتبه اداری در اول اجراء قانون استخدام ۷

رتبه فعلی ۸

متمنی است این ورقه را تصدیق و اعاده فرمایند

امضاء رئیس کل مالیه امضاء وزیر مالیه

نمره ۲۱/۲۷۷۸/۳۱۱۳

در تاریخ ۱۲ ماه مهر ۱۳۰۵ تصدیق شد

امضاء وزیر/ مهر

* * *

۴۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نمره ۷۷، بتاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۵ ش.

اداره پرسنل، سواد حکم دیوان عالی تمیز

درخصوص شکایت آقای میرزا علی اصغر حکمت عضو وزارت معارف از وزارت جلیله مالیه راجع به نقصی ماده ۶۶ قانون استخدام نیست به مشارالیه به این که درحین اجرای قانون استخدام متصدی و شاغل رتبه هشت قانون استخدام بوده‌ام و وزارت جلیله مالیه برخلاف قانون رتبه هفت را درباره این جانب منظور نموده در تاریخ ۲۰/اسفند ۳۰۴ برطبق ماده ۶۴ قانون استخدام به دیوان عالی تمیز شکایت نموده و پس از وصول شکایت نامه و ارسال سواد آن برای وزارت جلیله مالیه و عدم وصول جواب از طرف آن وزارتخانه از طرفی مدت قانونی برحسب تقاضای شاکی پس از مراجعه به اسناد و ادله ابرازیه معلوم می‌شود که میرزا علی اصغرخان حکمت برحسب اسناد و احکام ملحوظه در تاریخ حمل ۱۳۰۲ شامل شغل بوده است وزارت معارف برطبق مفاد مراسلاتی که به وزارت مالیه ارسال داشته موافق ماده ۲۰ و ماده ۶۶ قانون استخدام مشاغل اعضا را با ماده ۱۵ قانون استخدام تطبیق و مشارالیه را دارای رتبه هشت معرفی نموده و بعلاوه بودجه ۱۳۰۳ را وزارتخانه مزبوره برطبق همین تشخیص و ترتیب داده.

علی هذا دیوان تمیز مرکب از آقایان ذیل هم در جلسه ۲۷ اردیبهشت ۳۰۵ با جلب نظریه.

جناب آقای حاج سید نصرالله رئیس اول

جناب آقای آقا سید محمدرضا

جناب آقای مرا عبدالمهدی

جناب آقای آقامیرزا محمد

جناب آقای آقاشیخ اسدالله

جناب آقای مدعی العموم کل که بر ورود به شکایت شاکی بود چنین رأی می دهند.
نظر به مفاد اسناد ابرازیه و موافق مراسله ۲۷ جدی ۱۳۰۳ تحت نمره ۷۵۶۵ که از وزارت معارف به وزارت مالیه مرقوم شده و مراتب اعضای وزارتخانه را از اول حمل ۱۳۰۳ برحسب مفاد ماده ۶۶ تطبیق نموده آقای میرزا علی اصغر حکمت را از تاریخ مزبور (اول حمل ۳۰۳) دارای رتبه هشت قانون استخدام می شناسد.

محل مهرهای حاج سید نصرالله - آقای آقاسید محمدرضا - آقای عبدالمهدی - آقای میرزا محمد - شیخ اسدالله. محل مهر دیوان تمیز.

- سواد مطابق سواد اصل است.

- محل امضا و مهر دفتر تمیز.

- سواد مطابق سواد اصل است [مهر]: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه،

اداره پرسنل.

* * *

۵۰

وزارت جنگ

مورخه ۱۳۰۶/۳/۸
۱۵۸۶

وزارت جلیله معارف و اوقاف

در طی مرقومه نمره (۳۲۸۴/۱۵۹۴) موضوع مأموریت آقا میرزا علی اصغر خان حکمت کاملاً توضیح داده شده ولی تصریح شده است که چه نوع مساعدتی از طرف مأمورین نظامی نسبت به مشارالیه منظور است. بطوریکه سابقاً اشعار گردیده دستور مبنی بر مساعدت مطلق در موارد عادی بمأمورین قشونی صادر نمی شود علیهذا متمنی است تصریح فرمائید چه نوع مساعدتی از طرف مأمورین قشونی راجع بمأموریت آقای میرزا علی اصغر خان بایستی اجرا شود و بعبارة آخری مأمورین قشونی چه نوع اقداماتی برای پیشرفت مأموریت مشارالیه باید از قوه بفعال آورند

از طرف وزیر جنگ کفیل ارگانهای کل

قشون

مقام منیع معاونت کل دامت شوکته

پس از ملاحظه مراسله مزبوره هر نوع دستور میفرمائید جواب نوشته شود.

هادی حائری

۳۰۶/۳/۱۰

* * *

۵۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۶/۳/۳
۳۲۸۴

وزارت جلیله جنگ

با استحضار از مفاد مرقومه جوایبه نمره $\frac{۱۱۵۴}{۱۳۳۳}$ زحمت افزا می شود که آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس تفتیش وزارت معارف بطوریکه در طی نمره $\frac{۳۸۵۲}{۱۴۲۷}$ تصریح گردیده گذشته از رسیدگی و سرکشی بامور معارف و مدارس صفحه جنوب

مأموریت دارد که در حدود فارس آثار سلاطین قدیم مخصوصاً مجسمه سیروس و شاپور را معاینه کند و مخارج و مصارفی را که بجهت نگاهداری آنها لازم است برآورد نماید و برای انجام مأموریت مذکور چه در عرض راه و چه در محل معاینه بمساعدت مأمورین وزارت جلیله جنگ محتاج جمله بوده علیهذا مقرر نمایند مأمورین آنوزارت جلیله در حدود مأموریت مزبور و در مواقع لازم با آقای میرزا علی اصغر خان حکمت مساعدت نمایند.

* * *

۵۲

۱۳۰۶/۳/۱۷
۳۹۵۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت جلیله جنگ

مرقومه محترمه نمره $\frac{۱۵۸۶}{۸۴۱۸}$ زیب و صول بخشید موضوع مأموریت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت و نوع مساعدت مأمورین وزارت جلیله جنگ در مورد مأموریت مشارالیه تصور میروود طی مراسله $\frac{۳۲۸۴}{۱۱۵۹۴}$ کاملاً توضیح شده است و احتیاج به تصحیح مجدد نیست معذک تصریحاً زحمت افزا نمود که آقای حکمت مأمور معاینه و برآورد مخارج حفظ آثار سلاطین قدیم مخصوصاً مجسمه سیروس و شاپور هستند و اگر در عرض راه یا در نقاط معاینه محتاج بمساعدت شدند مقتضی است که مأمورین دولت در حدود مقررات قانونی با مشارالیه نموده چون پیش بینی و تعیین نوع مساعدت قبل از وقوع احتیاج به عقیده این وزارتخانه مقدور نیست.

* * *

۵۳

۱۳۰۶/۲/۳۱

۱۱۵۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت جلیله معارف و اوقاف

معطوفاً بمرقومه نمره (۲۸۵۲/۱۴۲۷) راجع بمسافرت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بحدود فارس باستحضار خاطر محترم میرساند توصیه هائی که بمأمورین قشونی صادر می شود علی الاصول بایستی واضح و صریح بوده موضوع توصیه و مقصد از آن کاملاً معلوم و مصرح باشد زیرا صدور دستورات مبهم و کثیرالتأویل برخلاف مقررات نظامی است علیهذا مقتضی است مقرر فرمائید بطور وضوح اشعار دارند که چه نوع مساعدتی از طرف مأمورین قشونی برای پیشرفت و موفقیت عملیات محوله بآقای میرزا علی اصغر خان لازم است تا اینکه دستور مقتضی به لشکر جنوب صادر گردد. اداره تحریر پرسنل جواب صادر فرمائید.

* * *

۵۴

۱۳۰۷/دی/۱۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نظر به پاس خدمت و مراتب لیاقت میرزا علی اصغر خان حکمت و نظر باستدعای جناب مستطاب آقای میرزا یحیی خان قرگوزلو وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه که بوسیله جناب اشرف محمد تقیخان هدایت رئیس الوزراء معروض افتاده است لهذا بموجب این فرمان همایون مشارالیه را که دارای رتبه (۸) اداریست بسمت ریاست اداره معارف قرین افتخار فرمودیم بتاریخ یازدهم دیماه ۱۳۰۷

* * *

۵۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اول/تیر/۱۳۰۷

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

از این تاریخ با ماهی دویست و دوازده تومان حقوق به سمت ریاست اداره معارف منصوب می‌باشید.

* * *

۵۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۷/۴/۱۴
۳۲۵۸

فهرست عرض وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نظر باینکه میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت ریاست اداره معارف انتخاب شده از خاکپای مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه استدعای اجازه صدور فرمان بسمت مزبور را درباره مشارالیه فرمائید.

* * *

۵۷

تعرفه مستخدمین کشوری

نمره کل دفتر کسور تقاعد

اسم میرزا علی اصغر خان لقب ندارد تاریخ امتحان ندارد محل اقامت خانواده طهران پدر میرزا احمد علیخان حکمت (معظم الدوله) محل تولد شیراز ملیت و تبعیت مسلمان ایرانی نام خانوادگی حکمت تاریخ تولد ۲۷ رمضان هزار و سیصد و ده هجری قمری (اول حمل ۱۲۷۱ شمسی) تأهل دارد مستمری و شهریه و غیره با ذکر نمره ندارد عده اولاد ندارد ←

ملاحظات	مدرک	حقوق ثابت	تاریخ و مدت خدمت		شغل و انتقال	
			تا	از	اداره یا وزارتخانه	شغل
و تصدیق محاسبات	حکم نمره ۳۵	۴۰ تومان	آخر حوت ۱۲۹۷	اول میزان ۱۲۹۷	وزارت معارف	مدیر دایره پرسنل
و تصدیق محاسبات	حکم نمره ۱۰۶/۳	۷۰ تومان	آخر حوت ۱۲۹۸	اول حمل ۱۲۹۸	" "	مدیر دایره پرسنل
از تاریخ ۲۰ عقرب ۱۲۹۸ الی آخر قوی نیل ۱۳۰۱ مبلغ سی تومان بابت معلمی مدرسه	حکم نمره ۱۰۶/۳	۱۲۰ تومان	آخر اسد ۱۲۹۹	اول حمل ۱۲۹۹	" "	ریاست اداره پرسنل
متوسطه نمره ۱ دریافت نموده‌ام	ابلاغ نمره ۵۰۰۸	۱۲۰ تومان	آخر حوت ۱۲۹۹	اول سنبله ۱۲۹۹	" "	ریاست انطباعات
	حکم نمره ۷/۱	۱۵۰ تومان	۴ سرطان ۱۳۰۰	اول حمل ۱۳۰۰	" "	ریاست اداره تفتیش
	حکم نمره ۳۰	۱۱۰ تومان	۱۶ قوس ۱۳۰۰	۵ سرطان ۱۳۰۰	" "	عضویت اول اداره تالیفات
	حکم نمره ۶۲	۱۱۰ تومان	آخر حوت ۱۳۰۱	۱۷ قوس ۱۳۰۰	" "	ریاست اوقاف مرکزی
	ابلاغ نمره ۵۵۲۷	۱۸۰ تومان	۱۶ دلو ۱۳۰۲	اول حمل ۱۳۰۱	" "	ریاست اداره تفتیش
			۳۱ حمل ۱۳۰۳	۱۷ ثور ۱۳۰۳	منتظر خدمت	
از اول ثور ۱۳۰۳ مطابق بودجه و ابلاغ وزارتی دویست و دوازده تومان حقوق منظور شده ولی ۱۹۱ تومان ماخوذ داشته‌ام	حکم نمره ۳۱۹۲/۲	۱۹۱ تومان	آخر حوت ۱۳۰۳	اول ثور ۱۳۰۳	وزارت معارف	ریاست اداره تفتیش
		۲۱۲ تومان	آخر خرداد ۱۳۰۷	اول حمل ۱۳۰۴	" "	ریاست اداره تفتیش
	نمره ۱/۷۵۸/۲۸۹۹	۲۱۲ تومان	۳۰ مرداد ۱۳۰۷	اول تیر ۱۳۰۷	" "	ریاست کل معارف
	نمره ۴۰۴۲/۴۰۹۶	۲۳۵ تومان	۲۶ اسفند ۱۳۰۷	۳۱ مرداد ۱۳۰۷	" "	ریاست کل معارف
			۱۰ فروردین ۱۳۰۸	۲۷ اسفند ۱۳۰۷	" "	مرخصی
		۲۳۵ تومان		۱۱ فروردین ۱۳۰۸	" "	رئیس کل معارف

۵۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۸/۹/۱۳
۷۳۲۳

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس اداره معارف

مطابق نظامنامه هیئت تفتیشه مملکتی از این تاریخ شما از طرف وزارت معارف بسمت عضویت هیئت تفتیشه مملکتی انتخاب شده لازم است تا اینکه فرمان شما بصرحه ملوکانه برسد در حدود نظامنامه مصوب به وظائف مربوط در تحت نظر رئیس هیئت تفتیشه اقدام نمائید.

* * *

۵۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۸/۱۰/۲۱
۸۳۰۳

فهرست عرض وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

چون میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت عضویت هیئت تفتیشه مملکتی انتخاب شده از خاکپای مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فدا استدعای اجازه صدور فرمان سمت مزبوره را درباره مشارالیه مینماید.

* * *

۶۰

وزارت عدلیه

۱۳۰۹/۳/۱۴

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

چون وزارت عدلیه در نظر دارد یکنفر از مستخدمین لایق و مجرب دولت را برای فرا گرفتن امور مربوطه به ثبت اسناد و املاک باروپا اعزام دارد بجنابعالی مأموریت داده میشود که بپاریس حرکت کرده مطابق دستور مشغول مطالعه در امور ثبت و مشاهده عملیات راجع به آن شوید. حقوق شما از قرار ماهی دویست و سی پنج تومان از اول

تیرماه تادیه خواهد شد مدت مأموریت دو سال و محل اقامت فعلا پاریس خواهد بود ولی ممکن است بعدها تغییر داده شود.

* * *

۶۱

۱۳۰۹/۳/۲۴
۷۴۴۳

وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه

وزارت جلیله عدلیه

بطوریکه ضمن مرقومه مورخه ۱۴ ماه جاری نمره ۳۴۹ - ۳۹۳۴ تقاضا فرموده بودند در خصوص مأموریت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت شرح لازم بسفارتخانهای ایران مقیمین پاریس - بروکسل و لندن اشعار و دستور داده شد که نسبت بمراجعات مشارالیه مساعدت لازم نموده و وسائل پیشرفت مأموریت ایشان را فراهم نمایند.

* * *

۶۲

۱۳۰۹/۳/۳۰

وزارت عدلیه

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

برابر مرقومه وزارت جلیله امور خارجه که برابر تقاضای وزارت جلیله عدلیه مبنی بصدور دستور به سفارتهای ایران مقیم پاریس و بروکسل و لندن در مساعدت جنابعالی است برای اطلاع لفاً ارسال میدارد

* * *

۶۳

وزارت امور خارجه

۱/مرداد/۱۳۰۹

سواد راپرت سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب وصول مرقومه نمرة ۱۰۲۵ - ۷۶۹۳ شرح منضم را برای معرفی آقای میرزا علی اصغر خان حکمت به وزارت خارجه فرانسه نوشته و تقاضا نموده است که به ادارات مربوطه دستور بدهند که برای مطالعه و مشاهده عملیات ثبت اسناد و املاک بایشان مساعدت لازم را بنمایند.

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است

* * *

۶۴

وزارت عدلیه

۱۳۱۱/۶/۵

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بموجب ابلاغ $\frac{۳۹۳۵/۳۴۸}{۳۰۹/۳/۱۴}$ از اول تیرماه ۳۰۹ با ماهی دو بیست و سی و پنج هزار تومان برای فراگرفتن امور مربوطه به ثبت املاک و اسناد برای مدت دو سال باروپا رفته و اول تیرماه ۳۱۱ مدت مأموریت ایشان خاتمه پیدا کرده است. اخوی

[حاشیه]:

اداره محاسبات

(۱) توضیح دهید ابلاغ جدید لازم است یا خیر

(۲) اگر لازم باشد حقوق باید به پهلوی طلا نوشته شود و میزان آن چیست؟ ۱۱/۶/۵

* * *

۶۵

وزارت امور خارجه

۱۳۰۶/۴/۱۴
۳۹۳۴

وزارت جلیله عدلیه

در تعقیب مراسله مورخه ۲۴ - ۳ - ۰۹ - نمره ۷۴۴۳ راجع به مأموریت آقای میرزا علی اصغر خان حکمت زحمت افزا میشود که در این باب راپرتی از سفارت شاهنشاهی ایران مقیم پاریس رسیده که اینک سواد راپرت مزبور بانضمام سواد ملفوف آن برای استحضار آن وزارت جلیله تلوا ایفاد میگردد.

مقام معاون کل

۹/۵/۲۷

* * *

۶۶

۱/مهر/۱۳۰۹

مقام منیع وزارت جلیله عدلیه دامت عظمة - اداره محترم ثبت اسناد کل مملکتی

گرچه در موقع ورود بندگان حضرت اشرف آقای وزیر عدلیه دامت شوکتہ بیاریس خاطر مبارک ایشانرا از جریان مأموریت مرجوعه مستحضر نمود اینک نیز لازم میدانم از اقداماتی که شده راپرت جداگانه تقدیم گردد.

پس از ورود به پاریس در تاریخ ۹ ژوئیه به سفارت دولت شاهنشاهی مراجعه و برای انجام مأموریت خود تقاضای بذل مساعدت نمود بطوریکه در سواد ضمیمه ملاحظه میفرمایند در تاریخ ۲۱ ژوئیه شرح مقتضی به وزارت امور خارجه دولت فرانسه نوشته و این بنده را برای خدمتی که معین شده بود معرفی نمودند پس از مدتی که جواب آن مراسله به تأخیر افتاد بوسیله مذاکرات شفاهی و اقدامات مستقیم اخذ نتیجه نمود و بر حسب تعلیمات و راهنمایی لازم که از طرف اولیاء وزارت خارجه و وزارت مالیه بعمل آمد در اداره کل ثبت اسناد وارد شده و اینک متجاوز از یک ماه است که در اداره ثبت اسناد شهر پاریس مشغول کار و مطالعه هستم و فعلاً در شعبه ثبت که شبیه دفتر

ثبت اسناد رسمی است کار میکنم پس از خاتمه مطالعات در این قسمت به شعبه دیگر منتقل خواهم شد البته همواره از جریان امر مرتباً تقدیم راپرت خواهد نمود. در ضمیمه سواد مراسله جوابیه وزارت امور خارجه دولت فرانسه را نیز اطلاعاً تقدیم میدارد.

علی اصغر حکمت

* * *

۶۷

۲۳ ژوئیه / ۱۹۳۰

پاریس - کوچه فوتونی شماره ۵

آقای رئیس

عطف به نامه‌های قبلی خودم و به ویژه نامه سوم می ۱۹۲۹، افتخار دارم عالیجناب را مطلع کنم که یک کارمند دیگر وزارت دادگستری ایران، آقای علی اصغر خان حکمت با مأموریت انجام یک کارورزی در موسسات مختلف و نیز نامنویسی و آشناسدن با امور دفاتر ثبت؛ وارد پاریس شده است.

از جنابعالی خواهش دارم، تسهیلات لازم را در اختیار ایشان بگذارید تا بتوانند به انجام وظایف خود بپردازد. این که ادارات مربوطه در ایران (تابعه وزارت دادگستری) بتوانند نتایج موردنظر خود از اقامت آقای حکمت را در فرانسه کسب کنند. خواهشمند است آقای رئیس ملاحظات و احترامات فائقه اینجانب را بپذیرد.

* * *

۶۸

REPUBLIQUE FRANCAISE

Ministère des

AFFAIRES ETRANGERESDIRECTION POLITIQUE

13 Septembre 1930

Monsieur le Ministre, Par lettre en date du 23 Juillet dernier, vous aviez bien voulu me demander d'intervenir pour faciliter l'accomplissement de la mission de Monsieur Ali - Asghar Khan HEKMAT, chargé d'étudier en France le fonctionnement des divers services du Cadastre et de l'Enregistrement et y faire un stage.

A la demande de Monsieur Germain Martin, auprès duquel j'étais intervenu, j'ai l'honneur de vous faire connaître que Monsieur Ali - Asghar Khan HEKMAT pourra se présenter, quand il lui conviendra, à la direction Générale des Contributions Directes, 225 Rue Saint Honoré, au Chef du Bureau du Cadastre, et à la Direction Générale de l'Enregistrement, au Ministère des Finances, Palais du Louvre, au Chef du Bureau des Travaux Legislatifs. Ces deux fonctionnaires lui donneront chacun en ce qui le concerne, toutes facilités pour l'accomplissement de sa mission.

Agréé, Monsieur le Ministre, les assurances de ma haute considération.

Pour le Ministre et par autorisation: Le Chef - Adjoint du Cabinet,

S.E. Monsieur Hussein

Khan ALA

Ministre de Perse

à PARIS

۶۹

Paris le 23 Juillet 1930

5, rue Foutuny

Monsieur le Président, Me référant à mes précédentes lettres et notamment à celle du 3 mai 1929 , j'ai l'honneur d'informer Votre Excellence de ce qu'un autre fonctionnaire du Ministère de la Justice de Perse, Monsieur Ali Asghar Khan Hekmat, vient d'arriver à Paris avec la mission de faire un stage dans les différents services du Cadastre et de l'enregistrement et de se familiariser en même temps avec les travaux du bureau de notariat.

Je prie Votre Excellence de bien vouloir lui procurer tous les contacts et toutes les facilités requis, afin qu'il soit à même de remplir sa tâche et que les services correspondants qui en Perse relevent du Ministère de la Justice puissent obtenir de son séjour en France le résultat auquel ils s'attendent.

veuillez agreer, Monsieur le Président, l'assurance de ma plus haute considération.

[حاشیه: سواد مراسله سفارت ایران به وزارت امور خارجه دولت فرانسه.

* * *

۷۰

۱۳۰۹/۱۱/۱۸

وزارت امور خارجه

وزارت جلیله عدلیه

از سفارت شاهنشاهی ایران مقیم پاریس تلگرافا اطلاع میدهند که برای آقای حکمت سه ماه است حقوق نرسیده و خانمش مریض میباشد و تقاضا نموده‌اند فوراً امر فرمائید وجهی که در طهران دارد برای او بفرستند.

* * *

۷۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۲۶۹۸۹ / ۸۶۲
۲۲/۹/۲۰

جناب آقای علی اصغر حکمت

چون جنابعالی بموجب ماده ۲ اساسنامه کتابخانه ملی مصوب ۱۳۲۲/۷/۳۰ و ماده ۱ آئین نامه شورای کتابخانه ملی مصوب ۱۳۲۲/۹/۱۰ عضویت شورای کتابخانه ملی انتخاب شده‌اید خواهشمند است با حضور در جلسات شورا وزارت فرهنگ را قرین امتنان فرمائید.

کفیل وزارت فرهنگ - محمد وحید

رونوشت برای استحضار اداره کارگزینی دانشگاه ارسال میشود.

رئیس اداره کتابخانه ملی

* * *

۷۲

وزارت عدلیه

۱۳۱۱/۷/۹
۵۶۳۷

آقای آقا میرزا علی اصغر خان حکمت

تعقیب ابلاغ نمره ۳۹۳۵/۳۴۸ مأموریت شما در اروپا از اول تیر ۱۳۱۱ تا آخر سال تمديد میگردد.

وزیر عدلیه

* * *

۷۳

وزارت عدلیه

مورخه: ۱۳۱۱/۷/۵

محاسبات ثبت کل - مخارج تحصیل سه ماه و ده روز آخر هذه السنه آقای میرزا علی اصغر خان حکمت را از ۲۱ آذر لغایت اسفند ۱۳۱۱ از قرار ماهی سی و نه پهلوی و پانزده ریال طلا از ۱۰۳۵۲۰ ریال اعتبار ذخیره صدی بیست و پنج متمم بودجه ۱۳۱۱ ثبت کل بر طبق قانون جهت [در اصل جهة] تکمیل تشکیلات ثبت و ترمیم اعتبارات بودجه تصویب شده است تامین و در موقع مقرره پردازید - وزیر عدلیه داور سواد

مطابق با اصل است.

* * *

۷۴

۱۳۱۱/۷/۱۷

وزارت عدلیه

دایره محترمه پرسنل

با ارسال مواد حکم وزارتی خطاب به محاسبات ثبت دائر به پادار نمودن اعتبار جهت [جهت] مخارج تحصیل آقای میرزا علی اصغر خان حکمت در سه ماه و ده روز آخر سال جاری مقتضی است احکام لازمه را صادر و بمشارالیه ابلاغ و ضمناً سواد آنرا هم باداره پرسنل و محاسبات عدلیه ارسال دارید.

* * *

فوری

۷۵

۲۹ تیر ۱۳۱۲

مقام منبع وزارت جلیله عدلیه دامت شوکته

چنانکه خاطر محترم مستحضر است فدوی از مأموریت خود در اروپا استفاده نموده علاوه بر مطالعات اداری به تحصیلات رسمی در انیورسیتته نیز اشتغال داشتم اینک که دوره لیسانس ادبیات را در (فاکولته اتر) پایان رسانیده ام مقتضی دانستم که خاطر محترم را از حصول نتیجه مستحضر سازم در ضمیمه دو طغرا اصل و سواد تصدیق فاکولته را که موقتاً تا موقع صدور دیپلم داده اند ارسال میدارم.

برای آنکه صدور دیپلم و امضاهای لازمه تقریباً مدتی طول دارد تا جریان اداری و دفتری خود را طی نماید. علاوه بر دوره لیسانس ادبی یکدوره دو ساله مدرسه علوم سیاسی را نیز پایان رسانیده ام که تصدیق آن در شرف صدور است. بمجرد وصول از اتر برای استحضار خاطر محترم ارسال میدارم.

بطوریکه ملاحظه میفرمائید قسمت عمده تحصیلات بنده خاتمه پذیرفته است فعلاً

مشغول تهیه دوره (دکتر) هستم و مقدمات آن نیز انجام شده و بایستی به تهیه تز پردازم. قسمت مطالعات اداری در شعب ثبت اسناد بکلی خاتمه پذیرفته است. که تصدیقنامه‌های متعدد از هر شعبه جداگانه دریافت داشته است. چند ماه دیگر بعضی از شعب ثبت املاک را نیز باقی است که بایستی در آن بطور مطالعه و استاژ نیز کار بکنم. از این به بعد در آن قسمت مشغول خواهم بود.

با کمال احترام مراتب را بعرض رسانیده منتظر اوامر مبارک هستم. مستدعی چنان است امر مقرر فرمائید که سواد تصدیق ضمیمه را در دوسیه پرسنل این بنده ضبط و اصل را مسترد دارند.

فدوی علی اصغر حکمت

[حاشیه]: بعرض رسید در دوسیه پرسنلی آقای حکمت ضبط شد.

* * *

۷۶

UNIVERSITE DE PARTS

FASULTE DES LETTERS

L I C E N C E

Le Secrétaire de la Faculté des Lettres de l'Université de Paris, soussigné, certifie que M.HEKMAT Ali - Asghar Knan, né a CHIRAZ (Le 1er Avril 1893,)

a été déclaré admis par la Faculte des Lettres de L'Universite de Paris, le 10 Juillet 1933, au grade de LICENCIE ès Lettres.

PARIS ,le 10 Juillet 1933.

Le Secrétaire,

Pour copie conforme

* * *

۷۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

حکمت، علی اصغر

۵۱۰۱۴/۱۱۹۶/۴۴ معارف الف

شرح مختصر زندگی علی اصغر حکمت

جناب آقای علی اصغر حکمت فرزند مرحوم احمد علی حکمت بسال ۱۳۱۰ هجری قمری مطابق ۱۸۹۲ میلادی در شیراز متولد شده‌اند. تا سال ۱۳۳۲ هجری مطابق ۱۹۱۳ در شیراز به تحصیل علوم پرداخته و بسال ۱۳۳۲ مطابق ۱۹۱۳ میلادی بطهران آمده وارد مدرسه آمریکائی شده‌اند و دوره متوسطه High school را در مدرسه مذکور پایان رسانیده‌اند. علاوه بر تحصیلات در این مدرسه در خارج نیز به تکمیل و فراگرفتن علوم معقول و منقول و ادبیات نزد اساتید فن اشتغال داشته‌اند. در سنه ۱۳۴۹ هجری مطابق ۱۹۳۰ میلادی پاریس رفته و در سوربن به تحصیل ادبیات مشغول شده باخذ دیپلم لیسانس در ادبیات از دانشکده ادبیات پاریس نائل آمده‌اند. خلاصه مشاغل دولتی - در ۱۲۹۷ شمسی مطابق ۱۹۱۸ میلادی وارد خدمت در وزارت معارف شده‌اند و تا سال ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۱۹۳۰ میلادی به مشاغل مختلفه از قبیل ریاست استخدام، تفتیش، ریاست - اداره کل معارف منصوب بوده‌اند. در سال ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۱۹۳۰ میلادی به وزارت عدلیه منتقل گردیده. به اروپا رفته‌اند در اواسط ۱۳۱۳ شمسی مطابق ۱۹۳۳ میلادی به کفالت وزارت معارف و در اواخر ۱۳۱۳ مطابق ۱۹۳۵ به وزارت معارف منصوب شده‌اند.

نمره ۶۱۸۹۵

تاریخ: ۱۱/۲۰

اداره دفتر وزارت

آقای معظمی مترجم سفارت چکوسلواکی

آقای محترم

شرح مختصر زندگانی و خلاصه مشاغل دولتی آقای وزیر معارف را بضمیمه تقدیم

* * *

میدارد.

۷۸

وزارت عدلیه

۱۳۱۲/۸/۱۳

اداره محترمه تقاعد کشوری

نظر باینکه آخرین خدمت جناب آقای میرزا علی اصغر خان حکمت کفیل محترم وزارت جلیله معارف و اوقاف در وزارت جلیله عدلیه بوده و بر طبق ماده ۶۳ قانون استخدام ۸۰۲۱/۲۳۲۹۳ مورخ ۳۰ مهر ماه ۱۳۱۲ معزی الیه را برتبه ۹ اداری ترفیع و ایشانرا مستحق دریافت ماهی دو هزار و ششصد و هشتاد ریال حداقل حقوق رتبه مزبوره دانسته اینک با ارسال سواد ابلاغ مزبور متمنی است موافقت آن اداره محترمه را نسبت به رتبه ترفیعی اعلام فرمایند تا کسور تقاعد ایشان از مأخذ رتبه ترفیعی اخذ شود. رئیس اداره پرسنل وزارت عدلیه

* * *

۷۹

وزارت عدلیه

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

از اول فروردین ۱۳۱۲ حقوق ثابت شما از قرار ماهی دو هزار و سیصد و پنجاه ریال بانضمام ماهی سه هزار و پانصد و سی ریال فوق العاده و کمک خرج تحصیل از بودجه ثبت اسناد و املاک کل پرداخته خواهد شد. وزیر عدلیه

* * *

۸۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نمره: ۸۱۹۱/۵۸۵۰۵

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۲/۴

وزارت جلیله معارف و اوقاف

حسب الامر مطالع ملوکانه ارواحناده آقای میرزا علی اصغر خان حکمت که تاکنون سمت کفالت وزارت معارف داشته به سمت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مفتخر شدند.

رئیس الوزرا

[حاشیه]: سواد ابلاغ فوق برای استحضار اداره محترمه تفتیش ارسال میگردد.

[حاشیه]: ضبط شود ۱۳/۱۲/۵

* * *

۸۱

شماره: ۱۶۳۶۳

وزارت معارف اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ ۱۳۱۷/۱۱/۳۰

وزارت فرهنگ

حسب الامر ملوکانه جناب آقای علی اصغر حکمت بوزارت کشور منصوب و از امروز مشغول کار شدند.

از طرف نخست وزیر

رونوشت بخشنامه فوق که بشماره / ۵۰۴۱۹ مورخ ۱۳۱۷/۱۲/۱ وارد دفتر وزارتی شده برای آگاهی به اداره آموزش سالمندان فرستاده میشود.

رئیس دفتر وزارتی

* * *

۸۲

۱۳۱۴/۳/۱۲
۱۲۹۵۰

وزارت معارف اوقاف و صنایع مستظرفه

نظر بماده ششم اساسنامه فرهنگستان ایران مصوب پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ و بموجب تصویب نامه نمره ۱۷۲۷ / ۱۴/۳/۶ هیئت وزراء عظام جناب مستطاب اجل آقای میرزا علی اصغر خان حکمت بسمت عضو پیوسته فرهنگستان ایران منصوب میشوند.

وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

* * *

۸۳

وزارت فرهنگ

شماره: ۴۵۹

تاریخ: ۱۳۲۰/۴/۹

مقام وزارت فرهنگ

برای استحضار خاطر مبارک معروض میدارد جناب آقای علی اصغر حکمت در ظرف سال تحصیلی حاضر هفته یکساعت راجع بقرن نهم (با توجه به قسمتهای ادبی این دوره) در کلاس دکتری زبان فارسی و راجع به تحول افکار در قرن نهم دو هفته یکمرتبه روزهای چهارشنبه برای دانشجویان رشته عالی ادبی تدریس فرموده‌اند. معاون دانش سرای عالی

* * *

۸۴

وزارت فرهنگ

۱۳۲۰/۹/۲۶
۱۱۷۰

اداره حسابداری

پاسخ نامه شماره ۲۰/۹/۲۳/۴۴۲۴۸ درباره حق‌التدریس جناب آقای علی اصغر حکمت معظم له از اول مهر ماه امسال بر طبق برنامه‌ای که فرستاده شده است در دانشسرای عالی بتدریس اشتغال داشته‌اند.

در ماههای مهر و آبان وزارت پیشه و هنر بعهدہ جناب ایشان بوده و درباره وزیران تاکنون مرسوم نبوده است که ابلاغ مرخصی خواسته شود زیرا مقام وزارت شغل سیاسی است نه اداری و بهمین سبب تابع مقررات قانون استخدام کشوری نمی‌باشد. در ماه آذر نیز ایشان هیچگونه اشتغال اداری ندارند تا محتاج بصدور حکم مرخصی باشد.

بنابراین خواهشمند است مقرر فرمائید حق تدریس ایشان ضمن لیست منظور گردد.

کفیل دبیرخانه دانشگاه - امضاء

رونوشت درست است.

* * *

۸۵

وزارت فرهنگ

تاریخ: ۱۳۲۰/۴/۹

مقام وزارت فرهنگ

برای استحضار خاطر مبارک معروض میدارد جناب آقای علی اصغر حکمت در ظرف سال تحصیلی حاضر هفته یکساعت راجع بقرن نهم (با توجه بقسمتهای ادبی این دوره) در کلاس دکتری زبان فارسی و راجع به تحول افکار را در قرن نهم که هفته یکمترتبه روزهای چهارشنبه برای دانشجویان رشته‌های ادبی تدریس فرموده‌اند.

معاون دانش سرای عالی

* * *

۸۶

وزارت فرهنگ

۱۳۲۱/۷/۲۸

اداره استخدامی دانشسرای عالی

باین وسیله اشعار میدارد که جناب آقای حکمت مانند سال پیش هفته‌ای ۴۰ ساعت در دانشکده ادبیات و دوره دکتری ادبیات فارسی تدریس میفرمایند. خواهشمند است دستور فرمائید مراتب باداره حسابداری گزارش شود تا در پرداخت حق التدریس ایشان تأخیری رخ ندهد.

معاون دانشکده ادبیات دانشسرا

* * *

۸۷

وزارت فرهنگ

۲۳ بهمن ۱۳۲۲

دانشکده محترم ادبیات

در این موقع که مسافرت هندوستان پیش آمده است نسبت به جریان دروس خود خاطر محترم را مسبوق میسازد تکالیف کافی به دانشجویان داده شده است که در مدت غیبت این جانب انجام داده خود را برای امتحانات حاضر کنند ضمناً آقای دکتر بینا قبول فرموده‌اند که در روز سه شنبه یکساعت در کلاس دوم و یکساعت در کلاس سوم حضور یافته اشکالات شاگردان را رفع و اسامی عده حاضران را ضبط نمایند آقای دکتر بیانی هم لطفاً قبول فرموده‌اند که در روز پنجشنبه کلاسهای نامبرده را اداره نمایند. ضمناً ساعت هائی هم برای شاگردان ترتیب داده‌ام که در کتابخانه برای تهیه دروس و تکالیف خود بمطالعه پردازند.

علی اصغر حکمت

* * *

۸۸

دانشکده ادبیات

بطوریکه خاطر محترم مستحضر است بمناسبت دعوت دولت هندوستان هیئتی از طرف دولت ایران برای مطالعه و تحقیق در سازمانهای فرهنگی هندوستان به آن مملکت اعزام میشوند که این بنده نیز افتخار خدمتگذاری در آن هیئت را دارم. اینک که با اجازه از آن مقام محترم در شرف حرکت است خاطر شریف را مستحضر داشته تمنی دارد که در ضمن انجام این مأموریت خدمتی از دست برآید نسبت به دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی و ارجاع فرمایند با کمال افتخار در انجام آن حاضر و آماده است. و ممکن است از راهنمای دانشگاه و سالنامه دانش - سرا اوراقی که شامل اطلاعات و آمار تازه باشد و برای معرفی آن مؤسسات لازم بدانند باین جانب لطف کنند در مراکز لازمه توضیح نماید.

نسبت به تدریس این بنده در قسمت دکترای زبان فارسی (تاریخ ادبیات) دستور لازم بدانشجویان داده شده است که برای گذراندن امتحان در خرداد ماه یا در مهر ماه آتی حاضر و مهیا باشند.

با تقدیم احترام علی اصغر حکمت

* * *

۸۹

۱۳۲۳/۳/۲۴

وزارت فرهنگ

جناب آقای نخست وزیر

بمناسبت دستوری که از طرف وزارت فرهنگ باین جانب داده شده بود راجع باینکه به بعضی از فضلاء و دانشمندان هندوستان نشانهای علمی از درجه اول و دوم اعطاء شود. و در تعقیب این دستور ۴ عدد نشان طلا و هشت عدد نشان نقره تحویل داده بودند که در محل به اشخاص صلاحیت دار تقدیم نماید. این جانب در طی بازدیدهایی که از مراکز علمی و دانشگاههای هندوستان بعمل آوردم جماعتی از رجال علم و دانش که دارای شخصیت علمی و مقام فرهنگی برجسته میباشند در نظر گرفتم و باجناب آقای علی معتمدی نماینده دولت ایران در هندوستان تبادل نظر نموده و ایشان نیز جلب موافقت مقامات دولتی را در این باب فرموده‌اند. اینک اسامی آن آقایان در ضمن فهرستی که به پیوست تقدیم میشود عبارت است از ده تن رؤساء دانشگاههای هندوستان که استحقاق دریافت نشان علمی طلا از درجه اول دارند و ده تن از رؤساء دانشکده‌ها و اساتید رشته زبان فارسی که شایستگی نشان نقره از درجه دوم را دارا میباشند.

استدعا آن که با توضیحاتی که در این باب به جناب آقای کفیل وزارت فرهنگ داده شده است مقرر فرمایند اعطاء نشانهای اشخاص را به تصویب فرموده و احکام آنرا صادر نمایند تا به توسط ژنرال قونسولگری ایران در دهلی به دانشمندان مذکور تقدیم گردد.

محتاج بعرض نیست که تقدیم این نشان پر افتخار علمی موجب کمال تشکر و مسرت آقایان نامبرده خواهد شد و از طرف دولت ایران علامت حس امتنان و سپاسگذاری است از آنچه که نسبت بفرهنگ ایران ابراز نموده‌اند - ضمناً خاطر محترم را مستحضر میدارد که برای بعضی دیگر از رجال دانشمند عضویت وابسته فرهنگستان ایران پیش بینی و بفرهنگستان پیشنهاد شده است که آن نیز دارای اثرات نیکو در هندوستان و متضمن فوائد علمی در خدمت به زبان فارسی خواهد بود فهرست اسامی آن آقایان نیز در ضمیمه از نظر مبارک می‌گذرد.

علی اصغر حکمت

* * *

۹۰

وزارت فرهنگ

۱- نشان درجه اول علمی

۱- سرموریس گوایر	وایس چانسلر	دانشگاه دہلی
۲- سر محمد عبدالرحمن	،	پنجاب
۳- دکتر سر ضیاءالدین احمد	،	علیگر
۴- دکتر سر رادھا کریشنن	،	بنارس
۵- دکتر امارنات چھا	،	الہ آباد
۶- دکتر و ادیا (ب . ج)	،	بمبئی
۷- جناب سر مہدی یار جنگ بہادر	،	عثمانیہ
۸- نواب زین یار جنگ	مهندس و رئیس کل ساختمان‌های دانشگاه حیدر آباد	
۹- مستر ماک آلپین	وایس چانسلر	دانشگاه میسور
۱۰- دکتر سر دیوان بہادر .	لکشمین سوامی مدالیا روایس چانسلر	مدرس

۲- نشان درجه دوم علمی

۱- دکتر پروتی	مدیر بنگاہ تحقیقاتی فلاحتی دہلی
۲- دکتر عمر حیات	رئیس مدرسہ شرقیہ لاہور
۳- دکتر سوندی	رئیس مدرسہ دولتی لاہور
۴- دکتر لبی پرشاد	مدیر شعبہ تحقیقات حیوان شناسی بنارس
۵- دکتر عبدالستار صدیقی	استاد شعبہ فارسی و عربی دانشگاه اللہ آباد
۶- آقای نعیم الرحمان	دانشیار شعبہ فارسی دانشگاه اللہ آباد
۷- دکتر آصف فیضی	رئیس دانشکدہ حقوق بمبئی
۸- سرم . استاتھام	رئیس معارف مدرس
۹- مستر آرم استرانگ	رئیس معارف پنجاب
۱۰- پرفسور ہادی حسن	استاد شعبہ فارسی دانشگاه علیگر

۱۱- آقای سید وهاج الدین احمد استاد شعبه وزرات اطلاعات دهلی

عضو وابسته فرهنگستان ایران

- | | | |
|--------------------------|-------------------|----------------------------------|
| دانشگاه پنجاب | استاد شعبه فارسی | ۱- دکتر محمد اقبال |
| علیگر | وایس چانسلر | ۲- سر ضیاءالدین احمد |
| " " | استاد شعبه فارسی | ۳- پرفسور هادی حسن |
| اله آباد | " " | ۴- سر تیج بهادر سپرو |
| بمبئی | " " | ۵- سر رستم مسانی |
| دانشگاه عثمانیه حیدرآباد | استاد شعبه فارسی | ۶- دکتر محمد نظام الدین |
| " " | عضو دارالترجمه | ۷- قاضی تلمذ حسین |
| درینگلور | مدیر بنگاه علوم | ۸- دکتر سر جنان چندراکش |
| در مدرس | رئیس مدرسه اسلامی | ۹- شمس العلماء دکتر محمد عبدالحق |

* * *

۹۱

۳۰۷۶
۲۴/۳/۵

دانشگاه تهران

جناب آقای علی اصغر حکمت

از تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۳۴ که از وزارت فرهنگ به دانشگاه منتقل گردیده‌اید بمعلمی ادبیات دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منصوب میگردید. ماهی چهار هزار و نهصد ریال حقوق پایه به جنابعالی از اول خرداد از بودجه دانشگاه پرداخته میشود و از همان تاریخ حکم شماره $\frac{۲۶۴۸۵/۳۲۲۸۷}{۱۳۱۹/۷/۱۷}$ راجع پرداخت حق تدریس بجنابعالی لغو میگردد. ع

به جای رئیس دانشگاه

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی فرستاده می شود. ع
کارگزين دانشگاه

* * *

۹۲

دانشگاه تهران

۱۳۲۴/۷/۲

جناب آقای علی اصغر حکمت معلم دانشکده ادبیات

در این موقع که بتصویب دولت بریاست هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس بین المللی سازمان تربیتی و فرهنگی ملل متحد به لندن عزیمت میفرمائید مقتضی است با موافقت دانشکده ادبیات ترتیب دروس خود را بقسمی معین فرمائید که در غیاب جنابعالی در کار دروس دانشکده و تحصیل دانشجویان وقفه‌ای پیدا نشود. م رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات فرستاده میشود.

کارگزين دانشگاه

* * *

۹۳

دانشگاه تهران

بتاریخ: ۲۵/۱۲/۱۴

شماره: ۲۹۸۳۰

جناب آقای علی اصغر حکمت معلم دانشگاه

در این موقع که بریاست هیئت اعزامی ایران بکنفرانس بین الملل آسیائی بهندوستان عزیمت میفرمائید امیدوار است در انجام این خدمت مهم فرهنگی و اجتماعی توفیق کامل حاصل فرمائید. و

رئیس دانشگاه - دکتر سیاسی

رونوشت برای اطلاع بدانشکده ادبیات ارسال میگردد.

کارگزينی دانشگاه

* * *

۹۴

اول اسفند ۱۳۲۵

دانشکده محترم ادبیات

بطوریکه خاطر شریف مستحضر است. این بنده بمأموریتی عازم هندوستان هستم و
محمتم است که عنقریب این مسافرت انجام پذیرد و تقریباً مدت دو ماه از خدمت
مرخص خواهم بود.

در سال تحصیلی کنونی شاگردان دوره دکترای زبان فارسی (سال اول و دوم) نزد این
بنده مطالعاتی در تاریخ تحول اسلامی و تاریخ قرآن می نمودند. اینک در غیاب اینجانب
استاد دانشمند آقای دکتر صدیقی قبول زحمت فرموده اند که برای آنان بیاناتی و
تحقیقاتی بفرمایند که متمم و مکمل مطالعات مذکور خواهد بود.

علی اصغر حکمت

* * *

۹۵

وزارت فرهنگ

شماره: ۱۷۶۳۰/۸۳۵۸

تاریخ: ۲۶/۱۰/۲۲

دانشگاه تهران

بمنظور ایجاد و تحکیم مبانی همکاری بین دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز و همچنین
تشویق دانشجویان دانشکده های تبریز وزارت فرهنگ در نظر گرفته است از استادان و
دانشمندان بر طبق برنامه مخصوص دعوت نماید که هر ماهه یکی از آنان به تبریز
عزیمت نموده و در مدت ده روز اقامت در آن حدود کنفرانسهائی ایراد نماید تا از این راه
هم موجبات تقویت بنیان تشکیلات دانشگاه جوان تبریز فراهم گردد و هم آنکه برای
ترویج زبان و ادبیات فارسی در خطه آذربایجان قدمهائی برداشته شود.

در کمیسیونی که اخیراً در وزارت فرهنگ با حضور عدّه از استادان تشکیل گردید
برنامه سال تحصیلی جاری بشرح زیر مورد موافقت واقع و آقایان استادان بترتیبی که
ذیلاً نوشته میشود قبول نموده اند که برای این مسافرت و ایراد خطابه و کنفرانس های

مورد نظر اقدام فرمایند:

- | | |
|-----------------------------|-------------------------|
| ۱- از دهه آخر دیماه | جناب آقای علی اصغر حکمت |
| ۲- از ۲۰ تا آخر بهمن ماه | آقای دکتر صورتگر |
| ۳- از ۱۵ تا ۲۵ اسفند ماه | آقای فروزانفر |
| ۴- از ۱۵ تا ۲۵ فروردینماه | جناب آقای مسعود کیهان |
| ۵- از ۱۵ تا ۱۵ اردیبهشت ماه | آقای جلال همائی |

اینک مراتب باستحضار دانشگاه تهران میرسد و امیدوار است که در سنوات بعد از وجود سایر استادان و دانشمندان نیز برای تعقیب این برنامه استفاده لازم بعمل آید.
از طرف وزیر فرهنگ - دکتر محمود مهران

* * *

۹۶

۴ اسفند ۱۳۲۵

دانشکده محترم ادبیات

چنانکه خاطر شریف مستحضر است این بنده بمأموریتی عازم مسافرت هستم و بااحتمال قوی تا آخر اردیبهشت ۱۳۲۶ این مسافرت بطول می‌انجامد تمنی از اولیاء کرام دانشکده آنکه در غیاب این بنده اجازه فرمائید استاد دانشمند معظم آقای محمد مشکوة دروس بنده را در سال اول و دوم دکترای زبان فارسی ادامه فرمایند. همچنین یک قسمت از آنرا استاد فاضل گرامی مدرس رضوی تکفل خواهند فرمود.
چون رشته که در این دو سال فعلاً تدریس می‌شود تاریخ تحول ادبی قرآن کریم است قطعاً تحقیقات و بیانات استادان محترم مکمل و مصحح عرائض و مطالعات این بنده خواهد بود.

با تقدیم احترام علی اصغر حکمت

* * *

۹۷

تهران ۸ اسفند ۲۸

ریاست دانشکده ادبیات

چنانکه خاطر محترم مسبوق است این بنده حسب الامر مطاع مبارک همایونی به شرافت التزام رکاب مبارک حاصل شده است و از روز دهم اسفند عازم پاکستان هستم - و بظن قوی - تا اوائل فروردین غائب خواهم بود دروس بنده قهراً تعطیل خواهد بود. اینک برای اطلاع و استجازه زحمت داده تا اینکه بنده را غائب بدون اجازه حساب نفرمائید.

با تقدیم احترام علی اصغر حکمت

* * *

۹۸

تهران نهم بهمن ۱۳۲۸

ریاست دانشرای عالی و دانشکده ادبیات

با تقدیم احترام باطلاع خاطر شریف میرساند این جانب برای انجام اوامری که از طرف قرین اشرف ملوکانه بعهدده بنده محول است برای مدت ۳ هفته عازم آذربایجان هستم و بحکم ضرورت درس این جانب در دانشکده ادبیات برای این مدت تعطیل خواهد بود تعلیمات لازمه به دانش آموزان داده شده است که در این ایام به تهیه مقاله و مطالعه کتب مربوطه اشتغال نمایند و وقت خود را به بطالت نگذرانند - مراتب را خواهشمندم در نظر محترم گرفته و این جانب را غائب بدون اجازه محسوب نفرمائید.

علی اصغر حکمت

موضوع این نامه باطلاع شورای دانشکده رسید. ۲۸/۱۱/۱۲

* * *

۹۹

۱۳۲۹/۲/۱۴

دانشگاه تهران

استاد محترم جناب آقای حکمت

بدینوسیله برنامه امتحانات خرداد ماه ۱۳۲۹ را ارسال میدارد خواهشمند است روز و ساعت مقرر برای امتحان دروس خود بدانشکده تشریف بیاورید چون بیشتر دانشجویان اهل شهرستانها بوده و مایلند که پیش از عزیمت بشهر خود از نتیجه امتحانات مطلع گردند خواهشمند است نمرات امتحانات را هرچه زودتر بخود اینجانب لطف فرمائید تا بدانشجویان ابلاغ شود.

رئیس دفتر دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی

دکتر علی کنی

ردیف	روز و تاریخ امتحان	مواد	ساعت شروع	مدت	شماره اطاق	ملاحظات
۱	چهارشنبه ۳ خرداد	تاریخ ادیان و مذاهب دوره دکتری	۸	۲	۷	

* * *

۱۰۰

تهران - ۲۳ / اردیبهشت / ۲۹

ریاست دانشکده ادبیات و دانشرای عالی

با کمال احترام در پاسخ بخشنامه شماره ۲۶۶ مورخ ۲۹/۲/۱۴ متضمن برنامه دروس این بنده خاطر شریف را مستحضر میدارد که:

اولاً چون برای آقایان دانش جویان دکتری مقرر بود که مقاله در اطراف موضوع درس این جانب تهیه نمایند و قبل از امتحان تسلیم نمایند. و متأسفانه این مقاله را که حتماً باید قبل از امتحان مورد مطالعه قرار گرفته و نمره آن در امتحان مورد حساب قرار گیرد. تسلیم نموده‌اند. لهذا بر حسب تقاضا و موافقت خود آنان قرار شد در این تعطیل تابستانی مقاله مذکور را حاضر نمایند و برای مهر ماه آتی که موقع امتحانات است در آن مطابق مقررات امتحان بعمل آید - خواهشمندم مراتب را همینطور در نظر بگیرید.

ثانیاً چون این بنده با کسب اجازه از آن مقام محترم برای اول خرداد باتفاق اعضای به کنفرانس یونسکو به ایتالیا خواهم رفت بنابراین در ماه خرداد غائب خواهم بود.

با تقدیم احترام علی اصغر حکمت

* * *

۱۰۱

تهران / ۲۶ شهریور / ۲۹

دانشکده ادبیات

با کمال احترام در پاسخ نامه شماره ۷۹۲ مورخ ۲۹/۶/۲۲ خاطر شریف را مستحضر میدارد که در سال تحصیلی جاری مانند سال پیش - موضوع تدریس این بنده همان در رشته تاریخ ادیان مذاهب. (موضوع تاریخ قرآن مجید) خواهد بود. زیرا مطالعات و تحقیقات جدیدی در این باب نموده است که امیدوارم بنفع دانشجویان باشد.

با تجدید احترام علی اصغر حکمت

* * *

۱۰۲

دانشگاه تهران

۲ / اسفند ۱۳۲۹

ریاست محترم دانشکده ادبیات

برنامه دروس این جانب در هذه السنه بطوری تنظیم شده که یکدوره کامل تاریخ قرآن از بدو نزول تا اکنون که وسط قرن چهارم هجری است تدریس میشود بطوریکه در کلاس دوره دکترای زبان فارسی یک واحد کامل از تاریخ اسلام گفته می شود نظر به اینکه به حکم ضرورت این جانب را در ماه فروردین مسافرتی در پیش است که تا اواخر اردیبهشت بطول می انجامد- و برای انجام مراسم افتتاح آرامگاه شیخ سعدی ناگزیر باید به شیراز بروم- با موافقت آقایان محصلین قرار شد که برنامه دروس خود را در ماه اسفند پایان برسانم ولی با اجازه آن مقام محترم ساعات دروس خود را در تمام ماه اسفند مضاعف می نمایم بطوریکه بعوض (۲) دو ساعت در هفته - چهار ساعت در هفته تدریس خواهم نمود. اگر اجازه فرمائید البته متشکر خواهم شد.

روز یکشنبه دو ساعت و روز چهارشنبه سه ساعت در کلاس درس حاضر خواهم بود.

* * *

۱۰۳

دانشگاه تهران

۸ / ۱۲ / ۱۳۲۹

جناب آقای حکمت استاد محترم دانشکده ادبیات

مرقومه جنابعالی مورخ ۲ / اسفند ۱۳۲۹ راجع به مسافرتیکه در پیش دارید واصل گردید برای پایان رسانیدن برنامه دروس خودتان طریقی را که در نظر گرفته اید البته بسیار مناسب است و اینجانب نیز با آن موافقت دارد.

رئیس دانشکده ادبیات و دانشسرایعالی

دکتر سیاسی

* * *

۱۰۴

تهران - ۱۴ / شهریور / ۱۳۲۹

استاد محترم آقای دکتر علی کنی معاون دانشکده ادبیات

با کمال احترام در پاسخ نامه شماره ۷۱۹ / مورخ ۲۹/۶/۱۱ خاطر شریف را آگاه می‌نمایم که:

- ۱- برنامه روز و ساعات دروس این جانب مطابق سال گذشته بسیار خوب و اشکالی ندارد - امیدوار است بهمان ترتیب عمل نماید.
 - ۲- برنامه امتحانات تجدیدی و امتحانات پائیز به این بنده رسیده است اگر مقرر دارند زودتر فرستاده شود و موجب کمال تشکر خواهد بود.
- با تقدیم علی اصغر حکمت

* * *

۱۰۵

۵۳۵۶
۲۹/۳/۱

دانشگاه تهران

جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشگاه

مأموریت یک ماهه‌ای که از طرف دولت برای حضور در کنفرانس کمیسیون ملی تربیتی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) بآنجناب تفویض گردیده است مورد تایید دانشگاه است و با امید توفیق کامل در انجام مأموریت تقاضای دارد گزارش کارهای فرهنگی کمیسیون را برای استحضار دانشگاه تنظیم و ایفاد فرمایند. - ع

رئیس دانشگاه - دکتر سیاسی

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات فرستاده میشود. - ع

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه - بیرشگ

* * *

۱۰۶

۱۷ / مهر / ۳۰

خدمت آقای دکتر شیبانی معاون دانشسرای عالی

دوست محترم برای درسهای همگانی و سخنرانی عمومی که برای بنده در برنامه مقرر است. نمیدانم چه روزی را معین فرموده‌اید خواهشمندم روزی را معین بفرمائید که باید شروع شود یک هفته قبلاً به بنده اطلاع دهید. ضمناً خاطر شریف را مستحضر می‌سازد که برای درسهای همگانی این ماه بنده هم‌اکنون حاضر خواهم بود مانعی بنظر نمی‌رسد ولی برای درسهای دوره دکترا در ماه آبان باید شروع شود منتظر اطلاع از طرف جنابعالی میباشم.

علی اصغر حکمت

* * *

۱۰۷

دانشگاه تهران

$$\frac{11867}{30/5/3}$$

جناب آقای علی اصغر حکمت استاد محترم

دانشکده ادبیات

عطف بنامه شماره $\frac{2090}{30/4/36}$ با شرکت جنابعالی در بیست و دومین کنگره مستشرقین که از تاریخ چهاردهم شهریور ماه ۱۳۳۰ در شهر اسلامبول تشکیل خواهد شد موافقت میشود. -ع

از طرف رئیس دانشگاه - کیهان

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات فرستاده میشود. -ع

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه - بیرشک

* * *

۱۰۸

دانشگاه تهران

$$\frac{۳۱۰۳}{۳۰/۱۱/۲۷}$$

ریاست محترم دانشکده ادبیات

با کمال احترام خاطر شریف را مستحضر میدارد از طرف دولت عراق از این بنده دعوتی نموده‌اند که اول فروردین ماه ۱۳۳۱ در جشن هزاره که بنام ابن سینا در بغداد منعقد است حاضر شود. و بعد از آن در ماه اردیبهشت ۱۳۳۱ نیز مراسم گشایش آرامگاه سعدی در شیراز بعمل خواهد آمد که بنده بحکم وظیفه ناگزیر است از طرف انجمن آثار ملی که بنای مذکور را ساخته‌اند در آنجا حاضر باشم. بنابراین تمنی دارم: اولاً برای مدت دو ماه (فروردین و اردیبهشت) اجازه مرحمت فرمایند که از دانشکده غیبت نمایم.

ثانیاً برای آنکه در ایفا برنامه دروس بنده قصور یا تقصیری نشود با رضایت و موافقت آقایان دانش جویان قرار داده است که در طول مدت ماه اسفند تعداد ساعات دروس خود را مضاعف نمایم یعنی بجای هفته دو ساعت هفته چهار ساعت تدریس خواهم نمود و امیدوارم تمام برنامه دروس خود را بآخر برسانم.

ثالثاً: در ماه خرداد ۱۳۳۱ برای امتحان انشاءالله حاضر خواهم بود.

با تقدیم احترام - علی اصغر حکمت

رونوشت برای جناب آقای رئیس دانشگاه فرستاده می‌شود.

معاون دانشکده ادبیات و دانشسرایعالی - دکتر علی کنی

* * *

۱۰۹

دانشگاه تهران

$$\frac{۳۴۹۶۲}{۳۰/۱۲/۲۵}$$

جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشکده ادبیات

بتصویب شورای دانشگاه از این تاریخ کرسی تاریخ ادیان و مذاهب دانشکده ادبیات بجنابعالی تفویض میشود.

رئیس دانشگاه دکتر سیاسی

از طرف کارگزینی دانشگاه - اخوان نیاکی

* * *

۱۱۰

تاریخ: ۳۰/۴/۲۶

شماره: ۲۰۹۰

دبیرخانه

تالار فردوسی

تلفن: ۷۶۹۵ (موزه ایران باستان)

انجمن آثار ملی

دانشگاه تهران

بطوریکه خاطر عالی مستحضر است بیست و دومین کنگره مستشرقین در شهریور ماه سال جاری در شهر اسلامبول تشکیل خواهد شد از طرف کمیته کنگره دانشگاه اسلامبول از اینجانب نیز دعوت نموده‌اند که در آن جلسات شرکت نماید بنابراین از تاریخ ۱۴ شهریورماه (۶ سپتامبر) تا مدت دو هفته جهت شرکت در کنگره به اسلامبول عزیمت خواهد نمود و اینک با وجودیکه مدت مزبور ضمن تعطیلات تابستانی واقع شده معذک مناسب میدانند مراتب را باستحضار خاطر شریف نیز برسانند.

علی اصغر حکمت

* * *

۱۱۱

شماره: ۳۲۰۷۲

تاریخ: ۶۰/۱۲/۱۷

دانشگاه تهران

اداره کارگزینی دانشگاه

بر طبق پیشنهاد شماره ۲۴۴۱ - ۳۰/۱۱/۲۷ دانشکده ادبیات شورای دانشگاه چهارصد و چهل و چهارمین جلسه مورخ ۳۰/۱۲/۷ تصویب نمودند که آقایان دکتر صفا - دکتر خطیبی - دکتر معین - دکتر خانلری دانشیاران آن دانشکده بترتیب به استادی کرسیهای تاریخ ادبیات فارسی - سبک‌شناسی - تحقیق در متون فارسی - و تاریخ زبان فارسی ارتقاء یابند و کرسیهای فنون ادبی فارسی و عربی - دستور زبان - زبان عربی - تاریخ ادبیات عرب - تاریخ ادیان و مذاهب بترتیب به آقایان همائی - قریب - محمد فیاض

- بهمنیار و جناب آقای علی اصغر حکمت واگذار گردد. مراتب برای اطلاع و اقدام مقتضی به اینوسیله ابلاغ میگردد. ضمناً متذکر میشود که کرسی تاریخ ادبیات فارسی که تاکنون یک کرسی بود در چهارصد و سی و نهمین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۲۷ / آذر ۱۳۳۰ بدو قسمت تقسیم شده است که یک قسمت از آن را آقای فروزانفر استاد آن کرسی کماکان عهده دار بوده و قسمت دیگر بعهدہ آقای دکتر صفا واگذار شده است. ن مدیر کل دبیرخانه دانشگاه - دکتر بیانی

* * *

۱۱۲

دانشگاه تهران

شماره: ۳۱۰۳

تاریخ: ۳۰/۱۱/۲۷

ریاست محترم دانشکده ادبیات

با کمال احترام خاطر شریف را مستحضر میدارد: از طرف دولت عراق از این بنده دعوتی نموده‌اند که اول فروردین ماه ۱۳۳۱ در جشن هزاره که بنام ابن سینا در بغداد منعقد است حاضر شود و بعد از آن در ماه اردیبهشت ۱۳۳۲ نیز مراسم گشایش آرامگاه سعدی در شیراز بعمل خواهد آمد که بنده بحکم وظیفه ناگزیر است از طرف انجمن آثار ملی که بنای مذکور را ساخته‌اند در آنجا حاضر باشم. بنابراین تمنی دارم:

اولاً برای مدت دو ماه (فروردین و اردیبهشت) اجازه مرحمت فرمایند که از دانشکده غیبت نمایم.

ثانیاً برای آنکه در ایفا برنامه دروس بنده قصور یا تقصیری نشود با رضایت و موافقت آقایان دانش جویان قرار داده است که در طول مدت ماه اسفند تعداد ساعات دروس خود را مضاعف نمایم یعنی بجای هفته دو ساعت هفته چهار ساعت تدریس خواهم نمود و امیدوارم تمام برنامه دروس خود را بآخر برسانم.

ثالثاً: در ماه خرداد ۱۳۳۱ برای امتحان انشاءالله حاضر خواهم بود.

با تقدیم احترام علی اصغر حکمت

* * *

۱۱۳

دانشگاه تهران

بتاریخ: ۳۰/۱۲/۷

شماره: ۳۲۰۲۷

جناب آقای علی اصغر حکمت استاد محترم دانشگاه ادبیات

مرقومه جنابعالی مبنی بر لزوم شرکت در جشن هزاره ابن سینا در بغداد و مراسم گشایش آرامگاه سعدی در شیراز در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۳۱ و اتخاذ ترتیب مقتضی برای ایفاء برنامه دروس خودتان در اسفند ماه جاری عز وصول بخشید. امید است در انجام این مراسم فرهنگی توفیق کامل حاصل فرمائید. - ح

رئیس دانشگاه

دکتر سیاسی

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات ارسال میگردد

از طرف رئیس اداره کارگزینی دانشگاه

اخوان نیاکی

* * *

۱۱۴

دانشگاه تهران

$$\frac{۳۲۰۲۷}{۳۰/۱۲/۷}$$

جناب آقای علی اصغر حکمت استاد محترم دانشکده ادبیات

مرقومه جنابعالی مبنی بر لزوم شرکت در جشن ابن سینا در بغداد و مراسم گشایش آرامگاه سعدی در شیراز در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۳۱ و اتخاذ ترتیب مقتضی برای ایفاء برنامه دروس خودتان در اسفند ماه جاری عز وصول بخشید. - امید است در انجام این مراسم فرهنگی توفیق کامل حاصل فرمائید.

رئیس دانشگاه. دکتر سیاسی

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات ارسال میگردد. ح

از طرف رئیس اداره کارگزینی دانشگاه

اخوان نیاکی

* * *

۱۱۵

۱۴/آبان / ۳۱

ریاست محترم دانشکده ادبیات

اولاً - معلوم نشد دعوت نامه روز یکشنبه گذشته (۱۱ / آبان) برای جلسه هیئت نظارت دکتری را برای بنده نفرستاده‌اند؟

ثانیاً - راجع بموضوع رساله‌های شاه حسینی گویا محتاج به توضیحات این بنده است خواهشمندم مجدداً در دستور جلسه هیئت نظارت بگذارند. اگر توضیح لازمی باشد عرض خواهد شد.

ثالثاً - رساله آقای سید صادق گوهرین را فرستاده بودند محتاج به این است که خودشان باین جانب مراجعه فرمایند. بعضی نکات لازم بایشان تذکر داده شود. خواهشمندم به ایشان همینطور اطلاع رسانید.

رابعاً - از آقایان ضرغام و شفیعی خبری نشده است خواهش میکنم تذکر بدهند که باین جانب مراجعه کنند.

خامساً - درس را از چه تاریخ مقرر میفرمائید شروع شود. هر چه زودتر ابلاغ فرمائید.

علی اصغر حکمت

* * *

۱۱۶

۱۳۳۲/۲/۳

ریاست محترم دانشکده ادبیات

چون دوره دروس اینجانب بر طبق برنامه در هفته آتیه پایان می‌پذیرد و بعد از آن با اجازه آن ریاست محترم عازم مسافرتی موقت هستم. متمنی آن که تاریخ امتحان درس بنده را (دوره دکتری زبان فارسی - تاریخ ملل و نحل) برای نصف دوّم خرداد ماه آینده

مقرر فرمایند.

موجب کمال تشکر خواهد شد.

با تقدیم احترام
علی اصغر حکمت

* * *

۱۱۷

۳۲/۷/۱۲

ریاست محترم دانشگاه

بطوریکه استحضار دارند این جانب در دولت جدید بسمت وزارت مشاور انتخاب شده‌ام بدینوسیله مراتب را برای کسب اجازه دانشگاه باطلاع میرسانم و ضمناً اضافه مینمایم در هر مقام که باشم مصالح و منافع دانشگاه را پیوسته در نظر داشته برای پیشرفت و توسعه این دستگاه علمی از بذل مساعدت و انجام هر خدمتی که مقدور باشد کوتاهی نخواهم کرد.

با احترامات فائقه
علی اصغر حکمت

* * *

۱۱۸

۳۲/۲/۲

ریاست محترم دانشگاه

با کمال احترام خاطر شریف را مستحضر میدارد
بر حسب دعوتی که از طرف دولت جماهیر شوروی باین بنده رسیده است میباید برای اوائل ماه مه به آن کشور مسافرت نمایم.
چون قبول این دعوت مورد تصویب اولیاء دولت شاهنشاهی نیز قرار گرفته ناگزیر جواب قبول داده‌ام اینک از آن مقام محترم تمنی دارد که اجازه فرمائید برای مدت یکماه

مسافرت نمایم و چون دوره دروس خود را در طی برنامه در این هفته پایان رسانیده‌ام اشکالی نخواهد داشت.

و انشاءالله برای اواسط خرداد که مراجعت نمودم و در تهران خواهم بود امتحان سالیانه آقایان دانشجویان را انجام خواهم داد.

از این موافقت کمال تشکر را دارد.

علی اصغر حکمت

* * *

۱۱۹

۱۴ تیرماه ۱۳۳۳

ریاست محترم دانشگاه تهران

در آذرماه ۱۳۳۲ که این بنده بموجب امر مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بسمت سفارت کبرای شاهنشاهی در دهلی نو مأمور گردید شرحی عرض کرده و تقاضا نمودم در صورتیکه با انتقال این بنده در خدمت وزارت خارجه بموجب ماده نهم آئین نامه اجرای ماده ۱۶ قانون دانشگاه موافقت شود برای اینکه انقطاعی در امر تحصیل دانشجویان رشته ادیان و مذاهب در دانشکده ادبیات روی ندهد بنده داوطلبانه حاضریم که افتخاراً بلاعوض در سال تحصیلی دروس خود را طبق برنامه پایان برسانم و نتیجه امتحانات دانشجویان را در پایان سال تحصیلی تقدیم دفتر دانشکده نمایم چون با این امر موافقت فرمودند بنده نیز تعهد خود را ایفا کرده و دروس دانشجویان را مطابق برنامه تنظیمی پایان رسانیده و برای مدت دو ماه و نیم که غائب بوده‌ام ترتیبی دادم که با مطالعات و تحقیقات شخصی خود اندک وقفه در کار دروس آنان روی ندهد. در اردیبهشت ماه گذشته نسبت بگذراندن پایان نامه دکترای شش نفر از داوطلبان دوره دکترای زبان فارسی وظیفه مربوطه را ایفا و در خرداد ماه نیز امتحانات دوره درس ادیان و مذاهب را پایان رسانیده اوراق نمرات را تسلیم دفتر نموده‌ام. و بحمدالله تعالی تعهدیکه نموده بودم پایان رسانیده همه وقت و در هر حال خود را منتسب بدانشکده ادبیات دانسته و برای ایفاء خدمتگذاری در تحت هدایت و راهنمایی آن جناب حاضر است امید است که پس از انقضاء دوره مأموریت هندوستان نیز اگر حیاتی باشد مجدداً خدمت پر افتخار خود را در آن کانون علم و دانش ادامه دهد

با تشکر و احترام علی اصغر حکمت

* * *

۱۲۰

دانشگاه تهران

تاریخ: ۳۶/۶/۱۲

شماره: ۲۲۱۷

استاد محترم جناب آقای علی اصغر حکمت

دو نسخه از کتاب نقش پارسی بر احجار هند از جمله تالیفات گرانمای جنابعالی عز وصول داد. چنانکه مقرر فرموده بودید یک نسخه آن برای استفاده استادان و دانشجویان در کتابخانه این دانشکده ضبط و نسخه دیگر زیب کتابخانه شخصی اینجانب گردید. اینک با تقدیم سپاسگزاری از این حسن توجه و اظهار امیدواری به اینکه هر چه زودتر دانشجویان خواهند توانست مجدداً از محضر درس آن دانشمند محترم مستفیض گردند. توفیق جنابعالی را در تعقیب خدمات ملی و فرهنگی از خداوند متعال مسئلت دارد. دکتر علی اکبر سیاسی - رئیس دانشکده ادبیات

* * *

۱۲۱

دانشگاه تهران

۳۶/۱۲/۲۴
۵۲۳۵۰/۲

اداره کل تعلیمات عالی و روابط فرهنگی

اداره کل دبیرخانه دانشگاه تهران

آقای دکتر لطفعلی صورتگر رئیس دانشکده ادبیات شیراز از جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشگاه تهران دعوت نموده‌اند که برای مدت یکماه در دانشکده ادبیات شیراز در قسمت تاریخ فرق و عقاید اسلامی سخنرانی فرمایند. بطوریکه از نامه آقای دکتر صورتگر مستفاد میشود موضوع مأموریت جناب آقای حکمت قبلاً باطلاع ریاست محترم دانشگاه تهران نیز رسیده است. خواهشمند است موافقت کتبی دانشگاه را جواباً اعلام فرمایند تا نسبت بصدور حکم مأموریت طبق مقررات اقدام شود.

رئیس اداره کل تعلیمات عالی و روابط فرهنگ

دکتر جلال کسائی

فوری است

رونوشت برای اظهار نظر بدانشکده ادبیات ارسال میشود.

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه

دکتر کی نیا

* * *

۱۲۲

هشتم اسفند ماه ۱۳۳۶

ریاست محترم دانشکده ادبیات

بر حسب امر مطاع فصلی از کتاب ناچیز خود که بحث و تحقیق مختصری است از (روابط هند قدیم با ایران باستانی) و مستند به اکتشافات و تحقیقات علماء باستان شناس میباشد در ضمیمه تقدیم میدارد. در صورتیکه مناسب باشد و اجازه فرمائید در صفحات مجله شریفه دانشکده ادبیات درج گردد موجب مزید افتخار این بنده خواهد بود.

با تقدیم احترام علی اصغر حکمت

* * *

۱۲۳

دانشگاه تهران

تاریخ: ۳۶/۱۲/۱۳

شماره: ۵۶۳۰

اداره کل دبیرخانه دانشگاه

با ارسال رونوشت نامه مورخ ۲۷ / بهمن / ۳۶ استاد محترم جناب آقای علی اصغر حکمت اشعار میدارد معزی الیه از اوائل اسفند ماه جاری بتدریس درس تاریخ ادیان در این دانشکده مشغول شده‌اند. مراتب جهت اطلاع اعلام میشود. خواهشمند است دستور فرمایند در تعقیب تقاضای وزارت امور خارجه و موافقت دانشگاه تهران اقدام مقتضی بعمل آورند.

رئیس دانشکده ادبیات

۳۶/۱۲/۱۶

* * *

۱۲۴

دانشگاه تهران

خدمت جناب آقای دکتر سیاسی ریاست محترم

دانشکده ادبیات

در تعقیب تقاضای وزارت امور خارجه و موافقت دانشگاه تهران اکنون که دوره خدمت قانونی این بنده در سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در دهلی نو خاتمه یافته و به ایران مراجعت نموده‌ام آمادگی خود را برای انجام خدمت معلمی در دانشکده ادبیات باطلاع خاطر محترم می‌رساند. در تحت اوامر آنجناب هستم. با تقدیم احترام و ارادت. علی اصغر حکمت

* * *

۱۲۵

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

شماره: ۲۳۷۵

تاریخ: ۳۶/۱۰/۲۶

دهلی نو

وزارت امور خارجه

دانشگاه دهلی که درجه دکترای افتخاری بجناب آقای حکمت داده بمناسبت مراجعه ایشان عصر روز دوشنبه ۲۲ دی ماه جاری مجلس تودיעی در تالار سخنرانی دانشگاه دائره کرده بودند که استادان دانشگاه و دانشمندان و رجال علم و ادب و جمعی از دانشجویان و ایرانیان مقیم دهلی در آن شرکت کرده بودند. پس از پذیرائی و صرف چای از آقای حکمت درخواست شد که در صدر جلسه بر روی مصطبه و کرسی ریاست بنشینند و آقای دکتر راو نائب رئیس دانشگاه شرح مفصلی در ارزش خدمات علمی جناب آقای حکمت بیان نموده از مجاهداتی که درباره تشیید روابط فرهنگی ایران و هند مبذول داشته‌اند و آثاری که در دوره سفارت خود در هند تالیف و منتشر کرده‌اند تمجید

نموده و وعده داد که یک بنگاه علمی مخصوص تحقیقات در فرهنگ و ادب ایران در دانشگاه دائر کنند و از ایشان درخواست کرد که با دانشگاه و بخصوص با بنگاه تحقیقات مزبور همکاری داشته باشند و نیز گفتند که چون مقام علمی ایشان خیلی رفیع است باید یکی از فضلاء هم طراز ایشان شرحی بگویند و از آقای دکتر تاراجند درخواست کردند و در نتیجه مشارالیه درباره مناسبات فرهنگی ایران و هند و نهضت فرهنگی ایران که از زمان و بامر اعلیحضرت شاهنشاه فقید بمجاهدت جناب آقای حکمت انجام شده و تأسیس دانشگاه تهران و موسسات علمی و طبع کتب عدیده بیانات مبسوطی کرد بعداً جناب آقای حکمت نطقی در موضوع کتبی که از عهد باستانی تا کنون از سانسکریت به فارسی ترجمه شده ایراد کردند که خیلی جالب توجه بود و تحقیقاتیکه در این باب کرده بودند مورد تمجید دانشمندان قرار گرفت. آخرین این تراجم یعنی ترجمه کتاب شاکونتلا یا انگشتر گمشده است که از داستانهای باستانی و معروف هندی و اثر کالیداس شاعر ملی هند است و ایشان این کتاب را به نثر و نظم ترجمه کرده و بدانشگاه دهلی اهدا کرده‌اند. ترجمه و نشر این کتاب در محافل فرهنگی و در نزد رجال دانشمند هند اثر فوق‌العاده‌ئی داشته است و همه آنرا بدیده تحسین می‌نگرند.

بعداً آقای دکتر عابدی استاد دانشگاه نطقی بزبان فارسی بیان کرد. از طرف دانشگاه بجناب آقای حکمت سفر بخیر گفت و از زحماتیکه در استحکام علائق فرهنگی دو کشور کشیده‌اند و مخصوصاً ترجمه شاکونتلا تشکر کرد.

در پایان جلسه مزبور آقای نائب رئیس دانشگاه متن پیام آقای دکتر رادهاکریشنان نائب رئیس جمهوری و رئیس دانشگاه دهلی را که برای تودیع با جناب آقای حکمت و ابراز امتنان از ترجمه و اهداء کتاب انگشتر گمشده و اظهار تأسف از عزیمت ایشان بود ایراد کرد.

کاردار

محمد تقی مقتدری

* * *

۱۲۶

شماره: ۲۰۷۱

تاریخ: ۳۶/۹/۱۹

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

دهلی نو

جناب آقای دکتر سیاسی ریاست محترم دانشکده ادبیات

آقای پرفسور محمد اجمل خان دبیر شعبه فارسی سازمان فرهنگی هند و ایران که از دانشمندان معروف و سمت دبیر اختصاصی مولانا ابوالکلام آزاد وزیر فرهنگ را نیز دارد ضمن ملاقاتیکه از این جانب بعمل آورده تقاضا دارد صورت کتب و متون فارسی که در شعب مختلف دانشکده ادبیات تهران تدریس میشود توسط نامبرده برای وزارت فرهنگ ارسال شود. اینک خواهشمند است لطفاً دستور فرمائید فهرست مزبور اگر چاپ شده در دو نسخه ارسال دارند و اگر چنین صورتی هم بطبع نرسیده فهرستی تهیه و باین سفارتکبری ارسال دارند که توسط مشارالیه بمقامات مربوطه فرهنگی فرستاده شود. البته در انجام این مقصود که موجب مزید معرفت مقامات فرهنگی هند بدانسکده ادبیات است امر بتسریع خواهند فرمود.

باتقدیم تشکر

علی اصغر حکمت

[حاشیه]: مصنفات با بافضل کاشی مرقی

چهار مقاله نظامی	منطق الطیر
مرزبان نامه	دیوان حافظ
کلیله و دمنه	سفرنامه ناصر خسرو
دستور زبان	تاریخ بیهقی
برگزیده شعر فارسی - محمد معین -	هفت پیکر نظامی
برگزیده نثر فارسی - محمد معین -	گلستان سعدی
	تصاویر خاقانی
	اشعار رودکی

* * *

عطف بشماره ۵۲۱۰۱/۱ - ۳۶/۱۲/۱۹ موضوع پرداخت حقوق استاد دانشمند جناب آقای علی اصغر حکمت خواهشمند است دستور فرمایند از طریق دبیرخانه بوزارت امور خارجه نامه‌ئی بشرح زیر:

”چون مدت مأموریت چهار ساله دانشمند محترم جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشگاه تهران در آنوزارت پایان رسیده و معزی الیه از آغاز اسفند ماه ۳۶ بتدریس در دانشکده ادبیات شروع فرموده‌اند بحسابداری دانشگاه دستور داده شده که حقوق و کمک پایه استادی ایشان از اعتبار مخصوص دانشکده ادبیات پرداخته شود. بنابراین دستور فرمائید مراتب باطلاع حسابداری آنوزارت برسد.“

تهیه و ارسال گردد.

رئیس دانشکده ادبیات

* * *

۱۲۸

۵ آذرماه ۱۳۳۷

ریاست محترم دانشکده ادبیات

با کمال احترام خاطر شریف را مستحضر میدارم این جانب حسب الامر مبارک ملوکانه از تاریخ پنجشنبه ششم آذرماه در خدمت موکب شاهانه باروپا مسافرت خواهم نمود و تا دو هفته از تهران غیبت خواهم داشت ترتیب درس محصلین تاریخ ادیان بنحو مقتضی داده شده که وقفه در مطالعات آنها پیش نیاید.

انشاء الله در سر موقع در خدمت حاضر خواهم بود.

با تقدیم احترام و عرض ارادت علی اصغر حکمت

* * *

۱۲۹

۱۳۳۷/۱۰/۹

استاد معظم جناب آقای دکتر سیاسی رئیس محترم دانشکده ادبیات

از وقتی که اینجانب بحکم ضرورت از پیشگاه دانشکده ادبیات استدعا کردم که دانشجویی برای درس اینجانب (کرسی تاریخ ادیان) تعیین فرمایند تا برای بنده کمک بحالی باشد و بتواند در این سن و حال که استحقاق یاری و مساعدت دارم با بنده همراهی کند.

متأسفانه از همان آغاز یک حرکت منفی و مخالفت نامرئی از طرف بعضی از همقطاران عزیز نسبت بتقاضای این بنده بعمل آمده که هنوز هم ظاهراً ادامه دارد. از جمله بعد از آنکه بزحمت بسیار موافقت شورای دانشکده برای برگزیدن دانشیار درس - (تاریخ ادیان) جلب شد و جنابعالی و سایر آقایان بحال بنده شفقت فرموده و از این مساعدت بنده را متشکر و مرهون مراسم خود ساختید اینک کمیسیونی برای رسیدگی به مدارک داوطلبان تشکیل داده و با آنکه گویا ماده دوم آئین نامه مصوب تصریح دارد که بایستی کمیسیون مذکور بریاست استاد مسئول کرسی تشکیل شود - این بنده را بکلی بی خبر گذاشته و در غیاب به جرح ورد و اثبات داوطلبان پرداخته‌اند.

چون نه حال و نه مزاج بنده اقتضا ندارد داخل این گونه ملاحظات و مشاجرات - که خاصیت دوره پر حرارت جوانی است بشوم. فکر میکنم بهتر آنست که اصلاً از داشتن دانشیار صرفنظر نمایم البته تا نیم نفسی باقی است بهر زحمت باشد این بار را خود بنده به تنهایی خواهم کشید و بمنزل خواهم رسانید و راضی بملاطت خاطر مقام ریاست و کشمکش و تنازع بارفقا و همقطاران عزیز نمیشوم بنابراین استدعا آن است که تقاضانامه تعیین دانشیار را که از طرف اینجانب سابقاً تقدیم شده بود بکلی باطل دانسته و امر و مقرر فرمائید قضیه را تعقیب نمایند. موجب کمال تشکر است.

با تقدیم احترام
علی اصغر حکمت

* * *

۱۳۰

شماره: ۱۲۴۱۱/۲۱۳۴

وزارت امور خارجه

تاریخ: ۱۳۳۷/۶/۹

جناب آقای دکتر سیاسی رئیس دانشکده ادبیات

بقراریکه از سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در پاریس می‌نویسند مجله فرانسوی Realites تصمیم گرفته است شماره مخصوص نوئل خود را بنظرات و عقاید شخصیت‌های مهم فرهنگی - سیاسی - علمی و ادبی کشورهای مختلف از جمله ایران درباره فرانسه اختصاص دهد.

با اطلاعی که از مراتب احاطه جنابعالی بفرهنگ و ادب و اوضاع اجتماعی فرانسه دارد نامه سر دبیر مجله و یک نسخه از مجله مزبور را برای ملاحظه حضورتان ارسال میدارد خواهشمند است چنانچه جوابی به سئوالات مطروحه مرقوم فرمودید قبل از موعد مقرر باین وزارت ارسال فرمائید تا بوسیله سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در پاریس فرستاده شود. -

وزارت امور خارجه

* * *

۱۳۱

۱۳۳۷/۲/۲۷

دانشگاه تهران

اداره کل حسابداری دانشگاه

نظر باینکه جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشکده ادبیات از تاریخ بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ بسمت وزارت امور خارجه منصوب شده‌اند از همان تاریخ حقوق و کمک پایه استادی از بودجه دانشگاه دریافت نخواهد داشت.

رئیس دانشگاه - دکتر فرهاد

رونوشت به دایره آمار دانشکده ادبیات ارسال میشود.

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه

۳۷/۲/۲۷

* * *

۱۳۲

۱۳۳۷/۶/۱۱

۴۱۱۶

دانشگاه تهران

جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر محترم امور خارجه

مرقومه شماره ۱۲۴۱۱/۲۱۳۴ بتاریخ ۹ شهریور ۳۷ (۳۱ اوت ۱۹۵۸) امروز (۲ سپتامبر) زیب وصول داد. مرقوم فرموده بودند که جواب سؤالات مجله قبل از موعد مقرر ارسال خدمت گردد. نظر باینکه در نامه مجله مزبور که منظم بمرقومه عالی بود موعد مقرر را اول سپتامبر جاری ذکر کرده‌اند بنظر میرسد که موضوع منتفی باشد.

دکتر علی اکبر سیاسی
رئیس دانشکده ادبیات

* * *

۱۳۳

تهران - ۱۲۲ اردیبهشت / ۳۷

آقای دکتر کنی معاون محترم دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی

چون این جانب از طرف دولت جماهیر شوروی دعوت شده‌ام که برای روز پانزدهم می ۱۹۴۸ در تاشکند در جشن پانصدمین سال (نوائی) که در آنجا منعقد است شرکت نمایم. و بر حسب امر اولیاء دولت ناگزیر این دعوت را پذیرفته و فردا عازم هستم. لازم دانست خاطر شریف را مستحضر دارد که امتحان دروس این بنده در دوره دکترای زبان فارسی که برای روز چهارشنبه ۲۹ مقرر شده تصادف با غیبت این جانب خواهد نمود. ناچار از این غیبت موجه معذور و تقاضا دارم که امتحان دروس بنده را برای اوائل شهریور آتیه مقرر فرمائید. موجب کمال تشکر خواهد بود.

[حاشیه]: در شصت و نهمین جلسه شورای دانشکده مطرح و موافقت گردید.

علی اصغر حکمت ۳۷/۴/۶

* * *

۱۳۴

۳۸/۸/۲۷

جناب آقای دکتر مهران وزیر محترم فرهنگ

مرقومه شریفه مورخ ۳۸/۸/۲۶ شماره ۶۱۱۸۳/۷ زیب وصول بخشید و موجب امتنان شد. احتراماً باستحضار خاطر عالی می‌رساند که بر اثر اشتغال بتدریس در دانشگاه

در طبع مجلّات تفسیر کشف الاسرار عزیمت بصوب شیراز فعلاً مقدور نیست. البته سعی خواهد کرد که در آتیه نزدیک توفیق ایراد چند خطابه در دانشکده ادبیات شیراز را حاصل کرده و از این رهگذر کسب افتخاری نماید.

شاید خاطر محترم مسبوق باشد که در سال ۱۳۳۶ که یکماه در دانشکده ادبیات شیراز خطابه هائی ایراد شد وجوه مربوط بفقو العاده اقامت و هزینه مسافرت را برای تهیه مدال جهت دانشجویان آن دانشکده اختصاص داده ام و سال گذشته نیز (۱۳۳۷) که مسافرت بشیراز مقدور نشد معادل همان وجوه را نیز شخصاً تقدیم کرده ام که بمصرف مدال دانشجویان رسیده است. اینک هم اگر سفر شیراز امکان پذیر گردد وجوه راجع بفقو العاده اقامت و مخارج رفت و آمد بهمان مصرف خواهد رسید والا شخصا هزینه تهیه مدال دانشجویان را خواهد پرداخت. در هر صورت برای انجام این خدمت ادبی توقع اجر مادی ندارد.

موقع را برای تجدید احترام و اردات مغتنم می شمارد. -

رونوشت برای استحضار دانشکده ادبیات طهران ارسال میگردد.

* * *

۱۳۵

دانشگاه تهران

تاریخ: ۳۹/۷/۲۸

شماره ۲۴۲۲۸/۶

اداره کل کارگزینی دانشگاه

با ارسال عین نامه شماره ۱۲۸۱ مورخ ۳۹/۶/۲۳ دانشکده ادبیات درباره شرکت جناب آقایان حکمت - دکتر صورتگر و دکتر خانلری، در مراسم صدمین سال تولد رابیندرانات تاگور شاعر ملی و فیلسوف بزرگ هند اعلام مینماید که مراتب در پانصد و هشتاد و هشتمین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۳۹/۷/۲۰ مطرح شد و بتصویب رسید. -
مدیر کل دبیرخانه دانشگاه

۳۹/۷/۳۰

* * *

۱۳۶

دانشگاه تهران

تاریخ: ۳۹/۶/۲۳

شماره: ۱۲۸۱

اداره کل دبیرخانه دانشگاه

عطف بشماره ۱۱۷۶۸/۴ مورخ ۳۹/۴/۱۱ اشعار میدارد شورای دانشکده ادبیات در یکصد و هشتاد و چهارمین جلسه مورخ ۳۹/۶/۲۲ تصویب نمود که استادان محترم جنابان آقایان حکمت و دکتر صورتگر و دکتر خانلری در مراسم صدمین سال تولد را بیندراوات تاگور شاعر ملی و فیلسوف بزرگ هند شرکت فرمایند مراتب جهت هرگونه اقدام مقتضی باطلاع میرسد. خ

معاون دانشکده ادبیات - دکتر بینا

۳۹/۶/۲۴

* * *

۱۳۷

وزارت فرهنگ

شماره: ۱۰۴۵ / ت ع

تاریخ: ۴۱/۲/۱۱

دانشگاه تهران

دانشگاه شیراز از جناب آقای علی اصغر حکمت استاد محترم آن دانشگاه دعوت کرده است که از تاریخ ۴۱/۲/۱۵ برای مدت یکماه بشیراز عزیمت فرموده و در دانشکده ادبیات شیراز تاریخ ادیان را تدریس فرمایند. خواهشمند است موافقت آن دانشگاه را با مأموریت معظم له اعلام فرمائید تا ابلاغ لازم صادر گردد. ر

وزیر فرهنگ - محمد درخشش

۴۱/۲/۱۵

* * *

۱۳۸

دانشگاه تهران

تاریخ: ۴۱/۷/۱

شماره: ۴۴۶۷

اداره کل کارگزینی دانشگاه

با ارسال عین نامه شماره ۱۰۴۵/ت ع مورخ ۴۱/۲/۱۱ اداره کل تعلیمات عالی وزارت فرهنگ درباره تدریس آقای علی اصغر حکمت در دانشکده ادبیات شیراز بمدت یکماه اعلام مینماید مراتب در ششصد و بیست و هشتمین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۴۱/۶/۲۸ مطرح شد و بتصویب رسید.

مدیر کل دبیرخانه دانشگاه

۴۱/۷/۸

* * *

۱۳۹

دانشگاه تهران

۱۳۴۱/آبان/۱۲

ریاست محترم دانشکده ادبیات

چون دولت جمهوری عراق ازین بنده دعوت نموده‌اند که در مراسم کنفرانس که در بغداد بمناسبت هزاره یعقوب بن اسحاق الکنندی فیلسوف عرب شرکت نمایند. " از اول آذر ۱۳۴۱ " با کمال احترام استدعا دارد برای مدت دو هفته اجازه مرحمت فرمائید که این وظیفه را انجام دهد و البته پس از انقضاء مدت مذکور در سر خدمت و دروس خود در دانشکده حاضر خواهم بود.

با تقدیم تشکر

علی اصغر حکمت

* * *

۱۴۰

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات

۱۳۴۱/۹/۴
۳۴۱۳

استاد محترم جناب آقای حکمت

عطف بمرقومه مورخ ۱۲ آبانماه جاری اشعار میدارد. موضوع مسافرت جنابعالی برای مدت دو هفته به بغداد برای شرکت در هزاره تولد یعقوب بن اسحق الکندی فیلسوف اسلام در یکصدو نود و نهمین جلسه شورای دانشکده مورد تصویب قرار گرفت.

رئیس دانشکده ادبیات

* * *

۱۴۱

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات

۳۴۱۳
۴۱/۹/۴

استاد محترم جناب آقای حکمت

عطف بمرقومه مورخ ۱۲ آبانماه جاری اشعار میدارد. موضوع مسافرت جنابعالی برای مدت دو هفته به بغداد برای شرکت در هزاره تولد یعقوب بن اسحق الکندی فیلسوف اسلام در یکصدو نود و نهمین جلسه شورای دانشکده مورد تصویب قرار گرفت.

رئیس دانشکده ادبیات

رونوشت بانضمام رونوشت نامه استاد محترم جناب آقای حکمت برای اداره کل کارگزینی دانشگاه ارسال میشود.

رئیس دانشکده ادبیات

۴۱/۹/۵

* * *

۱۴۲

دانشگاه تهران

تاریخ: ۴۱/۱۲/۲۰

شماره: ۳۰۳۰۰

دانشکده ادبیات

عطف بنامه شماره ۳۴۱۳ - ۴۱/۹/۴ اشعار میدارد: شورای دانشگاه در ششصد و سی و هفتمین جلسه خود مورخ ۴۱/۱۱/۱۰ با مسافرت جناب آقای علی اصغر حکمت استاد آن دانشکده بمنظور شرکت در هزاره تولد یعقوب بن اسحق الکندی موافقت کرده است.

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه تهران
۴۱/۱۲/۲۱

* * *

۱۴۳

دانشگاه تهران

۲۳۴۹۶
۴۲/۶/۲۱

دانشمند محترم جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشکده ادبیات

اینک که بعد از چهل و پنج سال خدمت صادقانه بفرهنگ و دانشگاه تهران بموجب قسمت اول ماده ۲۹ لایحه قانونی استخدام هیأت آموزشی دانشگاه مصوب ۱۶ شهریور ماه ۱۳۴۲ از اول مهر ماه ۱۳۴۲ بافتخار بازنشستگی نائل میشوید لازم میدانم مراتب قدردانی و سپاسگزاری دانشگاه را بجنابعالی که عمر گرانبها و ذیقیمت خود را در خدمت بدانشگاه و اشاعه علم و بسط دانش و تعلیم و تربیت دانشجویان گذرانده و سرمشق وظیفه شناسی بوده اید ابلاغ نماید حقوق جنابعالی ماهیانه بیست و پنج هزار ریال است که بموجب حکم جداگانه پرداخته خواهد شد امید است رابطه معنوی جنابعالی در آینده با دانشگاه برقرار بوده و دانشجویان بتوانند از تجربیات ذیقیمت استاد ارجمند خود برخوردار گردند. - ع

رئیس دانشگاه - دکتر جهانشاه صالح

* * *

۱۴۴

دانشگاه تهران

۱۳۴۲/۷/۱
۲۴۴۷۲

اداره بازنشستگی کل کشور

دانشمند محترم جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشکده ادبیات با داشتن چهل و پنج سال خدمت و هفتاد و دو سال سن و بیست و پنج هزار ریال حقوق پایه و

استادی از تاریخ اول مهر ماه ۱۳۴۲ بازنشسته شده‌اند و لذا ضمن ارسال مدارک زیر:

۱- پرونده استخدامی

۲- رونوشت حکم بازنشستگی شماره $\frac{۲۳۴۹۶}{۴۲/۶/۳۱}$

پیشنهاد مینماید موافقت فرمائید از تاریخ مزبور ماهیانه ۲۵۰۰۰ ریال از صندوق بازنشستگی درباره ایشان برقرار و پرداخته شود.

از طرف رئیس دانشگاه

۴۲/۷/۱

* * *

۱۴۵

۱۳۴۲/۱۰/۹

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات

استاد محترم جناب آقای حکمت

بطوریکه استحضار دارند درس ملل و نحل (تاریخ ادیان) از دروسی است که چندین سال بوسیله جنابعالی تدریس میشده است. اکنون کثرت دانشجویانیکه در این درس ثبت نام نموده‌اند و اشتیاقی که دانشجویان بفرگرفتن مبحث مذکور دارند موجب می‌گردد تا از محضر مبارک استدعا شود با ایراد سخنرانی‌های منظمی دانشجویان را مستفیض فرمائید - ضمناً باستحضار میرساند آقای دانش پژوه مانند سابق تحت نظر جنابعالی قسمتی از تاریخ ادیان را طبق برنامه‌ای که قبلاً با نظر جنابعالی تنظیم شده بوده است تدریس خواهند کرد.

خواهشمند است ساعاتی را که بدانشکده تشریف خواهند آورد اعلام فرمایند تا مراتب بدانشجویان اطلاع داده شود.

رئیس دانشکده ادبیات - دکتر صفا

۴۲/۱۰/۹

* * *

۱۴۶

شماره: ۱۲۱۹۴

دانشگاه تهران

بتاریخ: ۳۳/۳/۲۰

اداره کل کارگزینی دانشگاه

با ارسال عین نامه‌های شماره ۵۷۵۱ - ۴۲/۱۰/۱۲ و ۱۰۹۸۹ - ۴۲/۱۲/۲۵ و ۴۲۹۶ - ۴۲/۱۲/۲۸ دانشکده ادبیات در مورد اعطای عنوان استاد ممتاز به جناب آقای علی اصغر حکمت. آقای دکتر رضازاده شفق آقای پورداود و جناب آقای سید حسن تقی زاده اعلام مینماید که مراتب در بیست و هشتمین جلسه هیأت ممیزه دانشگاه مورخ ۴۳/۳/۴ مطرح و اعطای عنوان استاد ممتاز بانان با استناد ماده ۱۲ لایحه قانون استخدام هیأت آموزشی دانشگاه مورد تصویب واقع گردید که مادام‌العمر از آن استفاده نمایند.

معاون دانشگاه - دکتر عبدالله شیبانی

۴۳/۳/۲۰

* * *

۱۴۷

۱۳۳۳/۳/۲۷

دانشگاه تهران

مقام معظم ریاست دانشگاه

محترماً باستحضار میرساند:

در بیست و هشتمین جلسه هیأت ممیز دانشگاه مورخ ۴۳/۳/۴ اعطای عنوان استاد ممتاز به جناب آقای علی اصغر حکمت - آقای دکتر رضازاده شفق - آقای پور داود و جناب آقای سید حسن تقی زاده مورد رسیدگی واقع گردید اینک با استناد ماده ۱۲ لایحه قانونی استخدام هیأت آموزشی دانشگاه مراتب جهت تصویب بحضور عالی تقدیم میگردد. - ی

با تقدیم احترام - فرزانه

۳/۲۷

* * *

۱۴۸

۱۳۴۳/۳/۳۱
۱۴۶۸۹

دانشگاه تهران

استاد محترم جناب آقای علی اصغر حکمت

به پیشنهاد دانشکده ادبیات و باستناد ماده ۱۲ لایحه قانونی استخدام هیأت آموزشی دانشگاه و تشخیص بیست و هشتمین جلسه هیأت ممیزه مورخ چهارم خرداد ماده ۱۳۴۳ بموجب این حکم بسمت استاد ممتاز دانشگاه منصوب میشود.

رئیس دانشگاه - دکتر جهانشاه صالح

رونوشت جهت اطلاع بدانشکده ادبیات در پاسخ نامه شماره ۵۷۵۱ - ۴۲/۱۰/۱۲ ارسال میگردد.

رئیس اداره کل کارگزینی دانشگاه - فرزانه

۴۳/۴/۱

* * *

سفید

٤

منابع تحقيق

منابع تحقیق

- ماسه، هنری، «ادبیات فارسی، ترجمه علی اصغر حکمت»، مجموعه مقالات تحقیقی خاورشناسان، ۳۴ - ۶۲.
- ولائی، مهدی، «فهرست نسخ وفقی علی اصغر حکمت به آستان قدس»، نسخه‌های خطی، ۵ (۱۳۴۶): ۱ - ۷.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، «کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار» تصحیح علی اصغر حکمت، نشر دانش، ۲ (۱۳۶۱): ۵۰/۵ - ۵۲.
- شهباز، حسن، «بدرود با مشاهیری که رفتند»، ره‌آورد، ۱ (فروردین ۱۳۶۱): ۱۰۸ - ۱۱۷.
- رضائزاد، غلامحسین، «سخن حکمت»، راهنمای کتاب، ۱۶ (۱۳۵۲): ۶۷۰ - ۶۷۷.
- فرزاد، حمید «امثال قرآن کریم از علی اصغر حکمت»، مقالات فرزاد، تهران، ۳۴۴/۱۳۵۶ - ۴۱۰.
- سادات ناصری، حسن «محتشم‌السلطنه و حکمت»، وحید، ۱۰ (۱۳۵۱): ۶۱۳ - ۶۱۷.
- یغمائی، اقبال، «علی اصغر حکمت»، آموزش و پرورش، ۴۳ (۳ - ۱۳۵۲)، ۴۱۲ - ۴۱۹.
- معینیان، علی اصغر «تذکر چند اشتباه تاریخی در کتاب جامی تالیف علی اصغر حکمت»، گوهر، ۳ (۱۳۵۴)، ۹۹۵ - ۹۹۹.
- افشار، ایرج «علی اصغر حکمت»، آینده، ۶ (۱۳۵۹): ۶۱۲ - ۶۱۵.
- سادات ناصری، حسن «استاد علی اصغر حکمت»، آشنائی با کتاب، ۱ (دی ۱۳۵۱): ۳۴ - ۴۱.

۵

گزیده اسناد

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

مهدی حمیدی شیرازی

(۱۲۹۳-۱۳۶۵ ش)

۱: زندگینامه

مهدی حمیدی شیرازی در سال ۱۲۹۳ ه.ش در شیراز به دنیا آمد. پدرش، محمدحسن ثقة‌الاعلام از بازرگانان شیراز و نماینده‌ی مردم آن سامان در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی بود. مادرش بانو سکینه آغازی، زنی ادیب و با فضیلت و شاعر بود که نخستین مدرسه‌ی دخترانه را به نام «عفتیه» بعد از مشروطه در شیراز تاسیس کرد. حمیدی در سه سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر پرورش یافت. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی شعاعیه‌ی شیراز فراگرفت. از معلّمان او در این مدرسه لطفعلی صورتگر بود. او تحت تاثیر و تربیت معلّم شاعر و با ذوق خود به سبک خراسانی و شعر منوچهری علاقه‌مند شد.

حمیدی دوران دبیرستان را در دبیرستان سلطانی آن شهر گذراند و در سال ۱۳۱۳ ه.ش به تهران رفت و در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۱۶ به دریافت درجه‌ی لیسانس ادبیات فارسی توفیق یافت و به شیراز بازگشت و در دبیرستان‌ها به تدریس مشغول شد.

در آغاز سال ۱۳۱۸ برای انجام خدمت سربازی به دانشکده‌ی افسری تهران رفت و پس از شش ماه به عنوان افسر احتیاط به موطن خود برگشت و تا آخر شهریور ۱۳۱۹ در خدمت ارتش بود.

حمیدی در سال ۱۳۲۱ ش با دوشیزه‌ای از یک خانواده‌ی اصیل شیرازی ازدواج کرد و در سال ۱۳۲۳ به منظور گذراندن دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی به تهران رفت و در دبیرستان البرز به دبیری پرداخت. در سال ۱۳۲۷ موفق به اخذ درجه‌ی دکتری شد و در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت و به مقام استادی رسید. در سال ۱۳۲۴ با نیما یوشیج ملاقات کرد و قصیده‌ای درباره‌ی این دیدار سرود. این شعر منجر به ایجاد دو صف مخالف، یکی پیروان شعر سنتی و مخالفان شعر نیمایی و دیگر مخالفان شعر سنتی و پیروان شعر نیمایی گشت.

حمیدی در سال ۱۳۲۵ به دنبال اشغال ایران توسط متفقین با قصیده‌های شیوایی به سیاست بیگانگان و جدایی طلب‌ها و سازشکاران خرده‌گرفت و این اشعار موجب شهرت بیشتر او گردید به گونه‌ی که آذربایجانی‌ها به او لقب «شاعر ملی» دادند. حمیدی در انجمن‌های گوناگون ادبی از جمله انجمن حافظ شرکت می‌جست و اشعار خود را در آن انجمن‌ها قرائت می‌کرد.

در سال ۱۳۵۰ رادیو بی‌بی‌سی، در لندن، مسابقه‌ای به عنوان وطن مطرح کرد و از شاعران پارسی خواست تا در این مسابقه شرکت کنند. مرحوم حمیدی شعر «در امواج سند» را برای آنها فرستاد و برنده‌ی اول شناخته شد.

حمیدی شاعری صریح اللهجه و رک‌گو و بی‌باک بود و هر آنچه به نظرش صحیح می‌رسید بدون مجامله و در نظر گرفتن خاطر دوستان مطرح می‌کرد و شاید بدین سبب گفته‌اند خوی و منش وی موجب دوری او از محافل و مجامع ادبی ایران گردید.

حمیدی سرانجام در ۲۴ تیر ماه ۱۳۶۵ در تهران از دنیا رفت و جنازه‌اش به شیراز منتقل گردید و در حافظیه به خاک سپرده شد.

۲

آثار

۱- کتاب

- از یاد رفته، تهران، بی تا، ۱۱۶ ص.
- اشک معشوق، تهران، ۱۳۳۴، ۲۷۳ ص.
- انتقام، تهران، بی تا.
- بهشت سخن، تهران، ۱۳۱۴، ۲۱۶ ص.
- پس از یکسال، شیراز، ۱۳۱۹، ۱۴۰ ص.
- دریای گوهر، تهران، ۱۳۲۹، ۴۳۱ ص.
- ده فرمان، تهران، ۱۳۴۴، ۹۷ ص.
- زبده شاهنامه فردوسی، تهران، بی تا.
- زمزمه بهشت، کنستانتین رینالد، ترجمه مهدی حمیدی شیرازی، تهران، ۱۳۳۳، ۴۶۴ ص.
- سالهای سیاه، تهران، ۱۳۲۵، ۱۳۷ ص.
- شاعر در آسمان، شیراز، ۱۳۲۱، ۱۴۲ ص.
- شاهکارهای فردوسی، تهران، ۱۳۳۰، ۳۱۱ ص.
- شکوفه‌ها یا نغمه‌های جدید، تهران، ۱۳۱۷، ۱۷۵ ص.
- طلسم شکسته، تهران، ۱۳۳۴، ۲۰۸ ص.
- عاشق دربدر، تهران، بی تا، ۳۵ ص.
- عروض حمیدی، تهران، ۱۳۴۲، ۷۲ ص.
- عشق دربدر، شیراز، بی تا، ۲۹ ص؛ ج ۲، ۱۳۱۹، ۱۲۴ ص؛ ج ۳، ۱۳۳۱، ۱۶۳ ص.
- عصیان، شیراز، ۱۳۲۱، ۱۱۱ ص.
- فرشتگان، شیراز، ۱۳۲۱، ۶۶ ص.
- گمشده من، تهران، ۱۳۳۷، ۲۰۴ ص.
- ماه و شش پنی، سامرست موآم، ترجمه حمیدی شیرازی، تهران، ۱۳۳۹، ۲۲۳ ص.

۲- مقالات

- «شعر فارسی در قرن سیزدهم»، آموزش و پرورش، ۲۵، ۹/۸؛ ۱۰-۱۵ و ۱۳/۱۰-۱۴.
- «علم بیان»، خرد و کوشش، ۷ (۱۳۵۷): ۹۵/۱-۱۱۹.
- «مصیبت نامه شیخ عطار»، یغما، ۳۵۷/۱۹-۳۶۱ و ۳۹۰-۳۹۷.
- «بحثی درباره سعدی»، سعدی، شیراز، ۷۰/۱۳۵۲-۱۲۷.
- «الهی نامه و مختصات آن»، یغما، ۱۹۰/۱۹-۱۹۵.
- «درباره بدیع الزمان فروزانفر»، مجله دانشکده ادبیات تهران، ۲۲ (۱۳۵۴): ۱۵/۱-۱۷.
- «گفتگویی با مهدی حمیدی»، بنیاد، ۱ (۱۳۵۵): ۷۶/۵-۷۷.

- «شعر حافظ - اشعار حافظ، نه غزلیات حافظ»، حافظ شناسی، ۲ (۱۳۶۴): ۹۶ - ۱۱۱.
- «اسرارنامه»، یغما، ۴۰۱/۱۹ - ۴۰۵ و ۵۳۰ - ۵۳۳.
- «ارزش واقعی شاعران و نویسندگان»، یغما، ۲۰ (۱۳۴۶): ۲۲۵ - ۲۲۸.
- «تصویر شعر قدیم در مسیر شعر جدید»، ارمغان، ۴۰ (۱۳۵۰): ۴۴۲ - ۴۴۵ و ۵۱۴ - ۵۱۶ و ۵۸۹ - ۵۹۱.
- «زبان و ادبیات»، ارمغان، ۴۰ (۱۳۵۰): ۳۶۱ - ۳۶۴.
- «به یاد استاد بدیع الزمان فروزانفر»، مقالات و بررسی‌ها، ۲ (۱۳۴۹): ۸ - ۲۱.
- «زبان داستانی»، راهنمای کتاب، ۶/۶۱۴ - ۶۱۶.
- «عطار در مثنوی‌های گزیده او و گزیده مثنوی‌های او»، یغما، ۵۳۴/۱۸ - ۵۲۹ و ۵۶۹ - ۵۷۳.
- «منطق الطیر و مختصات آن و خلاصه آن و قطعات گزیده آن»، یغما، ۷۳/۱۹ - ۷۶.

۳

اسناد

بیوگرافی استاد مهدی حمیدی

نام: مهدی

نام خانوادگی: حمیدی

تاریخ تولد: ۱۲۹۳

محل تولد: شیراز

تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز به پایان رسانیده و لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در خرداد ماه ۱۳۱۶ از دانشسرای عالی تهران بدست آورده است.

از اول مهرماه ۱۳۱۶ به خدمت وزارت فرهنگ در آمده و بسمت دبیری دبیرستانهای شیراز منصوب شده است.

در شهریور ماه ۱۳۲۳ از شهر شیراز به تهران انتقال یافته و در دبیرستان البرز به تدریس اشتغال ورزیده است.

در سال ۱۳۲۷ موفق باخذ درجه دکترا در ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گردیده و در سال ۱۳۲۸ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران با سمت دانشیاری به تدریس ادبیات فارسی و تاریخ ادبیات ایران مشغول شده است. و در سال ۱۳۳۲ بمقام استادی ارتقاء یافته و تا سال ۱۳۴۸ که بنا بدرخواست خود بازنشسته گردیده، عهده‌دار تدریس زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ادبیات ایران بوده است و در هنگام بازنشستگی از رتبه ۱۰ استادی تمام وقت استفاده میکرده است. استاد حمیدی در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، در دبیرستان رضاشاه کبیر نیز تدریس ادبیات فارسی را در دوره دوم دبیرستان به عهده داشته است.

شعر در امواج سند حمیدی در سال ۱۳۳۱ جایزه اول مسابقه وطن اداره کل انتشارات و تبلیغات ایران را بدست آورده و همین شعر نیز در مسابقه ادبی لندن در سال ۱۳۵۰ برنده اول شناخته شده است.

آثار مهدی حمیدی

شعر:

- ۱- شکوفه‌ها
- ۲- پس از یکسال
- ۳- اشک معشوق
- ۴- طلسم شکسته
- ۵- طلسم شکسته
- ۶- ده فرمان

نثر:

- ۱- سکبسیه‌های قلم
- ۲- عشق در بدر (۳ جلد)
- ۳- شاعر در آسمان
- ۴- فرشتگان زمین

تالیف:

- ۱- دریای گوهر (جلد ۳)
- ۲- بهشت سخن (جلد ۲)
- ۳- شاهکارهای فردوسی
- ۴- شعر فارسی در قرن سیزدهم

تصنیف:

- ۱- عروض حمیدی
- ۲- عطار و آثار گزیده او
- ۳- فنون و انواع شعر فارسی

ترجمه:

- ۱- ماه و شش پنی از سامرست موآم
- ۳- مقالات متفرقه ترجمه از آثار نویسندگان و شعرای فرانسه و انگلیس

[۲۲ - ۵۱۰۰۹]

* * *

۱

۲۶۹۴۳
۱۳۲۱/۱۰/۱۰

دفتر نخست‌وزیر

وزارت فرهنگ

عین دو نامه‌ای که از شیراز یکی به امضای علی زربخش و دیگری به امضای مهین راجع به شکایت از آقای مهدی حمیدی دبیر مدارس شیراز که اخیراً نامه بازارگاد را در آنجا منتشر مینماید رسیده بضمیمه فرستاده میشود. قدغن فرمائید نسبت بشکایت نامبردگان رسیدگی و اقدام نموده نتیجه را اطلاع دهند.

[۱۰۲۲ - ۱۰۸۰۰۲]

* * *

۲

۴۷۵۴۱/۸۷۳۳
۱۳۲۴/اسفند/۲۸

وزارت فرهنگ

اداره کل شهربانی

بموجب قانون مطبوعات مصوب سوم دیماه ۱۳۲۱ شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه کهکشان را بنام آقای سید مهدی حمیدی تصویب نموده است که با روش اخباری - فکاهی - کاریکاتوری - علمی - اجتماعی - سیاسی - اخلاقی بمدیری و سر دبیری خودشان در تهران چاپ و منتشر نمایند مراتب بدینوسیله اطلاع داده میشود.

وزیر فرهنگ

رونوشت برای اطلاع بدفتر نخست‌وزیری فرستاده میشود.

مدیر کل وزارت فرهنگ - دکتر فرهمندی

[۱۱۶۹ - ۱۰۸۰۰۲]

* * *

آقای دکتر مهدی حمیدی دانشیار دانشکده

علوم معقول و منقول

چون صلاحیت استادی شما در پانصد و چهل و نهمین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۳۶ بتصویب رسیده است باستناد مواد سوم و دهم و چهاردهم قانون تاسیس دانشگاه از این تاریخ بسمت استاد ادبیات فارسی دانشکده معلوم معقول و منقول منصوب میشوید و پایه دانشیاری شما بپایه استادی تبدیل میگردد.

وزیر فرهنگ

رونوشت به اداره کل دفتر وزارتی وزارت فرهنگ ارسال میگردد.

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه - دکتر کی نیا

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۵۲۱۲۱
۱۳۳۶/۱۲/۱۹

جناب آقای وزیر فرهنگ

صلاحیت استادی آقای دکتر مهدی حمیدی دانشیار دانشکده علوم معقول و منقول بتصویب شورای دانشگاه رسیده است بر طبق ماده سوم قانون تاسیس دانشگاه، حکم انتصاب ایشان را برای امضای جنابعالی ارسال میدارد.

رئیس دانشگاه - دکتر فرهاد

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

ریاست محترم کارگزینی دانشگاه پهلوی

احتراماً به اطلاع میرساند که اینجانب دکتر مهدی حمیدی استاد پایه ده تمام وقت بازنشسته دانشگاه تهران که اخیراً بعنوان استاد قراردادی در بخش زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم به تدریس اشتغال دارم مبلغ ۷۰۵۰۰ ریال بجای ۷۳۵۰۰ ریال حقوق بازنشستگی دریافت میکنم و این بخاطر آن است که اضافه ضریبی را که برای همه کارکنان آموزشی در دانشگاه تهران منظور داشته‌اند شامل حال من نکرده‌اند، بنابراین تقاضا دارم به کارگزینی دانشگاه تهران مکاتبه فرمایند که حقوق بازنشستگی اینجانب را اصلاح کنند و اشل جدید حقوق بازنشستگی استادان دانشگاه تهران را که مبلغ ۸۵۷۵ تومان است به اینجانب بپردازند

با تقدیم احترام

دکتر مهدی حمیدی

[امضاء]

۱۳۳۷/۱/۱۶

* * *

۱۳۳۷/۳/۵

ریاست محترم کارگزینی دانشگاه تهران

محترماً با اطلاع میرساند اینجانب دکتر مهدی حمیدی استاد پایه ده تمام وقت و بازنشسته دانشکده الهیات تهران از تاریخی که اضافه ضریبی برای همه کارکنان آموزشی دانشگاه منظور شده است، بدون هیچ مجوزی، مشمول این اضافه ضریب نشده‌ام و از آن تاریخ تاکنون بجای آنکه ماهانه مبلغ ۷۳۵۰۰ ریال دریافت کنم فقط مبلغ ۷۰۵۰۰ ریال دریافت کرده‌ام، بنابراین خواهش مندم، اولاً دستور فرمائید ماهی در حدود سه هزار ریالی را که از ماهیانه بنده از تاریخ پرداخت اضافه ضریب تاکنون کسر شده است بپردازند و ثانیاً حقوق بازنشستگی اینجانب را طبق اشل جدید اصلاح فرمایند و بحساب بانکی بنده بریزند.

با تقدیم احترام

دکتر مهدی حمیدی

۳۷/۳/۵

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

ریاست محترم دانشگاه تهران

با تشکر فراوان از مراجع اولیای فرهنگ و بخصوص دانشگاه، که در طی مدت خدمات فرهنگی و دانشگاهی شامل حال

این جانب بوده است، بدینوسیله تقاضای بازنشستگی خود را تقدیم میدارم و در ضمن یادآور می‌شوم که خدمات بنده از اول مهر ماه سال یکهزار و سیصد و شانزده (۱۳۱۶) شروع شده و تاکنون چند سالی هم اضافه بر مدت مقرر بخدمت مشغول بوده‌ام و در ظرف این مدت این توفیق را داشته‌ام که هرگز به یک روز مرخصی هم احتیاج نیافته‌ام خواهشمند است دستور فرمائید برای انجام این تقاضا هر چه زودتر طبق مقررات اقدام شود. بار دیگر تشکر بی‌پایان خود را از محبت آن جناب و سایر اولیای امور بحضور مبارک تقدیم میدارم و در هر حال و در هر کجا باشم خود را از خدمتگزاران دانشگاه و ارادتمندان شخص جناب عالی خواهم دانست.

استاد دانشکده الهیات

دکتر مهدی حمیدی

[امضاء]

[۱۳]۴۸/۳/۲۴

[حاشیه]: آقای کوهستانی، با نهایت تأسف موافقت می‌شود. سلامتی ایشان مهمتر است. در آینده، در ساعاتی که می‌توانند اضافه بفرمائید.

* * *

۸

۱۹۰۶۵
۱۳۴۸/۴/۳

دانشگاه تهران

آقای مهدی حمیدی استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی

اینکه بعد از سی و یک سال خدمت ارزنده بفرهنگ و دانشگاه تهران بنا بتقاضای شخصی و بموجب بند ده از ماده ۷۵ قانون استخدام کشوری مصوب ۴۵/۳/۳۱ بازنشسته می‌شوید لازم میدانم مراتب قدردانی و سپاسگزاری دانشگاه را بجنابعالی که عمر گرانبها و ذیقیمت خود را در خدمت بدانگاه اشاعه علم و بسط دانش و تعلیم و تربیت دانشجویان گذرانده و سرمشق وظیفه‌شناسی بوده‌اید ابلاغ نماید. حقوق بازنشستگی جنابعالی از تاریخ صدور این حکم پس از موافقت اداره کل بازنشستگی بموجب حکم جداگانه تعیین و ابلاغ خواهد شد. امید است رابطه معنوی جنابعالی همواره با دانشگاه برقرار باشد.

رئیس دانشگاه: پرفسور رضا

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۹

۱۱/۲۲۸۴
۱۳۵۲/۴/۱۶

وزارت علوم و آموزش عالی

دفتر وزیر

جناب بانو دکتر فرخ روپارسای

وزیر آموزش و پرورش

بطوریکه استحضار دارند آقای سیدمهدی حمیدی شیرازی استاد دانشگاه تهران یکی از چهره‌های برجسته ادب و فرهنگ معاصر بوده و آثار این شاعر ادیب گرانقدر در شعر، نثر، تالیف، تصنیف و ترجمه از شاهکارهای ادبی جهان بشمار می‌رود.

ایشان علاوه بر آنکه مدتی از عمر خود را در خدمت وزارت آموزش و پرورش و تدریس در دبیرستانها گذرانده‌اند در طی خدمت در دانشگاه تهران نیز به تربیت و پرورش ادباء آینده ایران پرداخته و شاگردان با ارزشی به اجتماع تحویل داده‌اند. شهرت فضل این دانشمند نه تنها در ایران اشاعه داشته و او را در سال ۱۳۳۱ به دریافت جایزه اول مسابقه وطن اداره کل تبلیغات نائل میسازد بلکه از مرزوتغور این کشور نیز فراتر رفته و در مسابقه ادبی سال ۱۳۵۰ لندن برنده اول شناخته شده است.

بنابراین آقای حمیدی علاوه بر تقبل امر آموزش با ذوق و قریحه سرشاری که داشته در جهت شناسائی فرهنگ عامه نیز گامهای مؤثری برداشته‌اند. جا دارد پاس این همه زحمات و خدمات ذیقیمتی که استاد حمیدی شیرازی نموده‌اند بنحو شایسته‌ای از ایشان تجلیل بعمل آید. علیهذا با ایفاد سه برگ شرح حال و فتوکپی رونوشت شناسنامه مشارالیه پیشنهاد مینماید که یک قطعه نشان درجه یک فرهنگ بایشان اعطاء گردد. خواهشمند است دستور فرمایند از نتیجه، وزارت علوم و آموزش عالی را مستحضر فرمایند.

وزیر علوم و آموزش عالی

[حاشیه]: اعطاء یک قطعه نشان فرهنگ از درجه اول به آقای سیدمهدی حمیدی شیرازی استاد دانشگاه تهران تصویب شد.

۱۳۵۲/۱۱/۷

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۰

۱۳۱۹
۱۳۵۲/۷/۲۹

دانشگاه تهران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

دانشگاه تهران

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

به: امور کارگزینی دانشگاه

: دانشکده الهیات و معارف اسلامی

موضوع: تصویب صلاحیت تدریس

چون باستناد مقررات اجرائی تبصره ماده ۱۰ آئین‌نامه استخدامی هیأت علمی دانشگاه تهران در مورد استفاده از سخنرانان غیر عضو هیأت علمی شاغل مصوب هفتصد و چهل و چهارمین جلسه شورای دانشگاه از دو نفر استادان بازنشسته دانشگاه و یک نفر از متبحران علوم قدیم دعوت به عمل آمده است که در برنامه تحصیلی نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۵۴-۵۳ این دانشکده به شرح ذیل سخنرانی نمایند خواهشمند است دستور فرمایند برای تأیید کمیته منتخب آموزشی شورای دانشگاه و تصویب ریاست دانشگاه و صدور حکم اقدام لازم معمول دارند. استادان مذکور در فوق عبارتند از:

۱- آقای سید محمد شیخ‌الاسلام استاد بازنشسته دانشکده برای سخنرانی ۶ ساعت در هفته از قرار ساعتی ۱۲۰۰/ ریال موضوع سخنرانی: فقه و تاریخ علوم اسلامی.

۲- آقای دکتر مهدی حمیدی استاد بازنشسته دانشکده برای سخنرانی ۲ ساعت در هفته از قرار ساعتی ۱۲۰۰/ ریال، موضوع سخنرانی: نظم فارسی.

۳- آقای عبدالحمید بدیع‌الزمانی دبیر بازنشسته وزارت آموزش و پرورش برای سخنرانی، ساعت در هفته از قرار ساعتی

۱۲۰۰/ ریال، موضوع سخنرانی: تاریخ عرفان و تصوف و متون عرفانی عربی. اضافه می‌نماید که آقای شیخ الاسلام و بدیع‌الزمانی در سالهای قبل نیز در این دانشکده تدریس می‌کرده‌اند.

معاون دانشکده الهیات و معارف اسلامی
[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۱

۱۳۵۲/۱۰/۹۴

دانشگاه تهران

مقام معاونت آموزشی و تحقیقات دانشگاه

احتراماً باستحضار میرساند:

بموجب آئین‌نامه اجرائی تبصره ماده ده آئین‌نامه استخدامی هیات علمی دانشگاه مصوب هفتصد و چهل و چهارمین جلسه شورای دانشگاه حداکثر میزان حق‌التدریس مدرسین دانشگاه را در صورت داشتن درجه دکتری ساعتی ۱۰۰۰ ریال تعیین نموده ولی دانشکده الهیات و معارف اسلامی برای آقایان محمد شیخ الاسلام کردستانی و مهدی حمیدی استادان - بازنشسته آن دانشکده، ساعتی ۱۲۰۰ ریال پیشنهاد کرده است و موضوع سخنرانی سال تحصیلی جاری آنان بمیزان هفته‌ای ۶ ساعت مورد تصویب هفتصد و پنجاه و پنجمین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۵۳/۹/۱۷ قرار گرفته است ولی در مورد تعیین میزان حق‌التدریس ایشان و نظایر ذکری نگردیده و چون در آئین‌نامه مزبور حداکثر حق‌التدریس ساعتی یکهزار ریال تعیین شده تقاضا دارد در مورد مجوز پرداخت حق‌التدریس نامبردگان و نظایر دستور مقتضی صادر فرمایند.

با احترام امینی

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۲

۷۹۶۷
۱۳۵۲/۱۱/۱۶

وزارت آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش

بر طبق ماده نهم فصل سوم آئین‌نامه نشانها و مدالها وزارت آموزش و پرورش نظر برای شورایی عالی آموزش و پرورش یکصد و بیستمین ۱۳۵۲/۱۱/۷ نظر بخدمت آقای سید مهدی حمیدی شیرازی استاد دانشگاه را به یک قطعه نشان فرهنگ از درجه اول نائل میدارد.

وزیر آموزش و پرورش

رونوشت جهت اقدام لازم با اداره کل کارپردازی و خدمات ارسال میشود
رئیس دبیرخانه و دبیر شورایی عالی آموزش و پرورش - حسن یعقوبی‌نژاد

[۲۲ - ۵۱۰۰۹]

* * *

۱۳۵۲/۱۲/۸

ریاست محترم

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش جناب آقای حسن یعقوبی‌نژاد

بدین وسیله خاطر مبارک را از دریافت یک قطعه نشان درجه اول فرهنگ مستحضر میدارم و تشکرات صمیمانه خود را بحضور آن جناب و بوسیله جناب عالی بحضور اعضاء شورای عالی آموزش و پرورش تقدیم میکنم.

با تقدیم احترام

دکتر مهدی حمیدی استاد دانشگاه تهران

۵۲/۱۲/۸

نشانی تهران - سلطنت آباد - ... منزل آقای دکتر مهدی حمیدی تلفون ...

[۲۲ - ۵۱۰۰۹]

* * *

معاون محترم اداری و مالی دانشگاه تهران

محترماً به اطلاع میرساند اینجانب دکتر مهدی حمیدی استاد پایه ده تمام وقت و بازنشسته دانشکده الهیات تهران از تاریخی که اضافه ضربی برای همه کارکنان آموزشی دانشگاه منظور شده است. بدون هیچ مجوزی، مشمول این اضافه ضربی نشده‌ام و از آن تاریخ تاکنون بجای آنکه ماهانه بمبلغ ۷۳۵۰۰ ریال دریافت کنم فقط در حدود مبلغ ۷۰۵۰۰ ریال دریافت کرده‌ام، بنابراین خواهشمندم اولاً دستور فرمائید ماهی در حدود سه هزار ریال را که از ماهانه بنده، از تاریخ پرداخت اضافه ضربی تاکنون کسر شده است بردارند و ثانیاً حقوق بازنشستگی اینجانب را طبق اشل جدید اصلاح فرمائید و بحساب بانکی بنده واریز کنند.

با تقدیم احترام

دکتر مهدی حمیدی

۲۵۳۷/۲/۱۱

[امضاء]

۱. قسمت بالای نامه: آقای امینی، فوری رسیدگی و اقدام تهیه پاسخ

۲. در قسمت پائین نامه: نشانی فرستنده شیراز دانشکده ادبیات و علوم بخش فارسی دکتر مهدی حمیدی

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

٤

منابع تحقيق

منابع تحقیق

- «حمیدی شیرازی» گوهر، ۱ (۱۳۵۲): ۲۳۵ - ۲۳۹.
- «سوک‌های پیاپی»، آینده، ۱۲ (۱۳۶۵): ۵۱۵ - ۵۱۹.
- آهی، حسین: دکتر مهدی حمیدی شیرازی در گذشت، کیهان فرهنگی، ۳ (۱۳۶۵) ش ۳۹:۴.
- افشار، ایرج: در سوک دکتر مهدی حمیدی، آینده، ۱۲ (۱۳۶۵): ۵۱۵ و ۶۵۸ - ۶۶۳.
- اقبالی، احمد: یادى از دکتر مهدى حميدى، کلک، ۱ (۱۳۶۹) ش ۵:۱۳۰.
- امداد، حسن: دکتر مهدی حمیدی، آینده، ۱۳ (۱۳۶۶): ۳۱۹ - ۳۲۳.
- برهانی، مهدی: یاد‌هایی از دکتر مهدی حمیدی، آینده، ۱۳ (۱۳۶۶): ۳۲۶ - ۳۳۲.
- یادى ديگر از مهدى حميدى، آینده، ۱۴ (۱۳۶۷): ۳۹۶ - ۳۹۸.
- بصیری، تراب: [یادی از دکتر مهدی حمیدی]، آینده، ۱۳ (۱۳۶۶): ۳۳۳ - ۳۳۴.
- بهروزی، کیخسرو: یادى از دکتر مهدى حميدى، سیمرخ (امریکا)، ش ۱۴/۱۳ (مرداد ۱۳۶۹): ۹۷ - ۹۸.
- داداشی، احمد: [یادی از دکتر مهدی حمیدی]، آینده، ۱۳ (۱۳۶۶): ۳۳۵.
- رضا، فضل‌الله: حمیدی و شعر سستی او، آینده، ۱۲ (۱۳۶۵): ۵۲۰ - ۵۳۲.
- قلمسیاه، اکبر: [یادی از دکتر مهدی حمیدی]، آینده، ۱۳ (۱۳۶۶): ۳۳۲ - ۳۳۳.
- مشیری، فریدون: یادى از دکتر مهدى حميدى، کلک، ۱ (۱۳۶۹) ش ۱۰:۱۹ - ۹۳.
- نجاتی، رحمة‌الله: [یادی از دکتر مهدی حمیدی]، آینده، ۱۳ (۱۳۶۶): ۳۳۴ - ۳۳۵.
- هنر، علی‌محمد: یادى از مهدى حميدى، آینده، ۱۲ (۱۳۶۵): ۵۳۳ - ۵۴۰.

۵

گزیده اسناد

پرویز خانلری

(۱۲۹۲-۱۳۶۹ ش)

صفحه سفید

۱: زندگینامه

پرویز ناتل خانلری در سال ۱۲۹۲ ه.ش. در تهران متولد شد. جدش میرزا احمد مازندرانی با عنوان خانلرخان، ملقب به اعتصام‌الملک از منشیان و مستوفیان زمان فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بود و مرحوم دکتر خانلری نام خانوادگی خود را از عنوان او برگزید. او تحصیلات مقدماتی و نیز متوسطه را در تهران گذرانید و از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران لیسانس خود را اخذ کرد. آن‌گاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌های رشت به تدریس پرداخت. پس از چندی به تهران منتقل شد و به تدریس در دبیرستانهای تهران ادامه داد. در سال ۱۳۲۲ دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی را نیز به پایان رساند.

در سال ۱۳۲۷ برای تکمیل دانش خود به پاریس رفت و در سال ۱۳۲۹ به ایران بازگشت و در سمت استادی دانشگاه به تدریس تاریخ و زبان فارسی پرداخت. در سال ۱۳۳۴ به سناتوری برگزیده شد و یک چند معاون وزارت کشور بود و مدتی نیز مدیر عامل بنیاد فرهنگ ایران بود و چندی نیز تصدی وزارت فرهنگ را به عهده داشت. از کارهای ابتکاری و برجسته‌ی او در این سمت، طرح سپاه دانش بود که در داخل و خارج کشور مورد استقبال قرار گرفت. از دیگر اقدامات او تأسیس بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۴ بود که در مدت فعالیت خود بیش از سیصد عنوان کتاب به چاپ رساند.

فعالیت‌های ادبی دکتر خانلری بسیار گسترده بوده است. از دوران تحصیل در دبیرستان همکاری با مطبوعات را آغاز کرد و در سال چهارم متوسطه شعرها و نوشته‌های خود را در مجله‌ی مهر به چاپ می‌رسانید. از سال ۱۳۲۲ با همکاری دکتر ذبیح‌الله صفا مجله‌ی سخن را منتشر کرد این مجله مرتب‌ترین مجله‌ی ادبی بود که در توسعه‌ی شعر و ادب ایران سهم عمده‌ای داشت. او شاعری توانا و سخنوری والا مقام به شمار می‌رفت. شعرش منسجم و دارای مضامین بلند و عالی است. او در سرودن انواع شعر مهارت داشت و منظومه‌ی عقاب او از معروف‌ترین منظومه‌های ادب پارسی به شمار می‌آید.

دکتر خانلری پس از هفتاد و هفت سال عمر پربار فرهنگی و ادبی در سال ۱۳۶۹ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

۲

آثار

۱- کتاب

- آخرین دیدار، تهران، بی تا.
- اعتراف، مویوسان، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- افسانه قلب هیمالیا، لکننت لیل، ترجمه ناتل خانلری، تهران، ۱۳۱۰ ش.
- پدر، فرانسوا کوپه، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- پدرکش، مویاسان، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- تاریخ هنر، تهران، بی تا.
- تحقیق انتقادی در عروض و قافیه، تهران، ۱۳۳۷.
- ترجمه اسباب حدوث الحروف، ابوعلی سینا، ترجمه ناتل خانلری، تهران، ۱۳۳۳.
- تربستان و ایزوت، ژوزف بدیه، ترجمه ناتل خانلری، تهران، ۱۳۳۴.
- چندنامه به شاعری جوان، رایئر ماریا ریلکه، ترجمه ناتل خانلری، تهران، ۱۳۲۰.
- چند نکته در تصحیح دیوان حافظ، تهران، ۱۳۳۷.
- دختر سروان، پوشکین، ترجمه ناتل خانلری، تهران، ۱۳۴۱.
- درباره زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۰.
- در یکی از شب‌های بهار، مویاسان، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- دستمال، ژوزف مونتته، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- دو خانواده، مادام وی، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- روان‌شناسی، تهران، بی تا.
- روان‌شناسی و تطبیق آن با اصول پرورش، تهران، بی تا.
- روش تازه تدریس قواعد زبان فارسی، تهران، بی تا.
- زبان‌شناسی و زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۳.
- سمک عیار، فرامرز بن خداداد، تهران، ۱۳۳۸.
- سناخریب، فرانسوا کبه، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- شاهکارهای هنر ایران، آرتور پوپ، ترجمه ناتل خانلری، تهران، ۱۳۳۸.

- شعر و هنر، تهران، ۱۳۴۵.
- طوفان، شکسپیر، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- فرهنگ و اجتماع، تهران، ۱۳۴۵.
- قصر خیالی، شارل کوبون، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- قلب هیمالیا، لکنت دو لیل، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- کریستین، لکنت دو لیل، تهران، بی تا.
- لیزیماک، مونتسکیو، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- مخارج الحروف، ابن سینا، ترجمه ناتل خانلری، تهران، ۱۳۳۳.
- مست، مویسان، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- مطرب، هانری بردو، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- معجزه سرما و گرما، هانری بردو، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- مکافات، فردریک بوتیه، ترجمه ناتل خانلری، تهران، بی تا.
- وزن شعر فارسی، تهران، ۱۳۳۷.

۲- مقالات

- آشنایان حافظ، ناصر بخاری، سخن، ۱۶: ۹۲۹-۹۳۲.
- چند غزل اصیل حافظ، سخن، ۱۲: ۸-۱۲ و ۱۴۱-۱۴۵ و ۲۵۳-۲۵۷ و ۳۵۹-۳۶۵ و ۵۰۳-۵۱۰.
- [معنای چند بیت از اشعار حافظ]، سخن، ۱۶: ۹۶-۹۷ و ۲۱۰.
- «از شهر حافظ تا دیار رودکی»، سخن، ۲۰ (۱۳۵۰): ۱۰۸۹-۱۰۹۷.
- «برای زبان فارسی چه باید کرد»، سخن، ۲۰ (۱۳۴۹): ۶۲۷-۶۳۴.
- «چگونه رابطه لفظ با معنی تغییر می پذیرد»، سخن، ۱۷ (۱۳۴۶): ۱۰۵۱-۱۰۵۵.
- «دوره های سه گانه تحول و تکامل فارسی دری»، سخن، ۲۱ (۱۳۵۰): ۶۹۳-۷۰۰.
- «زبان سه هزار ساله»، سخن، ۲۱ (۱۳۵۰): ۳۴۷-۳۵۴.
- «فارسی به خط عبری»، نامه مینوی، تهران، ۱۳۵۰، ص ۱۳۲-۱۴۷.

- «معارضه فارسی و عربی»، سخن، ۲۰ (۱۳۴۹/۵۰): ۹۸۱-۹۸۶.
- «جدال مدعی با مدعی»، سخن، ۲۱ (۱۳۵۰): ۵۶۷-۵۷۲ (درباره شعر نو)
- «زبان شعر»، سخن، ۱۸ (۱۳۴۷): ۵۸۹-۶۰۴.
- «ساختمان شعر»، سخن، ۱۸ (۱۳۴۷): ۲۲۱-۲۲۵.
- «ماجرای شعر»، سخن، ۲۰ (۱۳۴۹): ۸۴۵-۸۵۰.
- «[فعل لازم]»، سخن، ۲۰ (۱۳۴۹): ۹۷۰-۹۷۱.
- «فعلهای ناگذر»، سخن، ۲۰ (۱۳۴۹): ۱۰-۱۶.
- «فعلهای ناگذر»، مجموعه خطابه‌ها، ۱ (۱۳۵۰): ۲۸۹-۲۹۸.
- «اقتباس لغات بیگانه»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۳۵۲-۳۵۸.
- «درباره لغت‌سازی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۳۷۵-۳۸۱.
- «زبان مشترک و گویشهای خاص محلی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۳۶۹-۳۷۴.
- «فارسی دری. معارضه فارسی و عربی»، ایران‌نامه، ۷ (۱۳۶۷): ۳۱۷-۳۳۷.
- «فرهنگ تاریخی زبان فارسی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۲۶۲-۲۸۳.
- «[فردوسی و شاهنامه]»، جلسات شاهنامه فردوسی، ۲ (۱۳۴۹): پنج-هشت.
- «مقام شاهنامه فردوسی را بهتر بشناسیم»، کاوه [جدید]، ج ۹ ش ۴ (۱۳۵۰): ۹۵-۹۶.
- «اصول نقد ادبی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۱: ۳۲۵-۳۶۰.
- «انواع و سبکهای ادبی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۱: ۱۳۳-۱۳۹.
- «داستان پرواز و اشخاص داستانی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۱۸۷-۱۹۶.
- «سخنی چند درباره ادبیات امروز»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۱: ۲۶-۳۶.
- «اندرزنامه کاپوس»، سخن، ۷: ۳۳۶-۳۴۰.
- «رساله اسباب حدوث الحروف»، جشن‌نامه ابن‌سینا، ۲: ۴۸۹-۴۹۷.
- «زبان و زبانشناسی»، سخن، ۱۲: ۲۳۷-۲۴۲ و ۳۴۳-۳۴۹.
- «مقدمه بر تاریخ فارسی»، سخن، ۱۵: ۴۶۶-۴۷۴ و ۵۷۵-۵۸۷ و ۶۷۱-۶۷۸.
- «پیدایش ضمائر فارسی [تألیف نیکلا راست]»، سخن، ۶: ۶۵۴-۶۵۶.
- «چند نکته درباره انتقاد بر تصحیح دیوان حافظ»، سخن، ۱۰: ۱۲۵۸-۱۲۶۵ (در جواب

انتقادات سید محمد فرزانه).

- «دیوان ابوالقاسم لاهوتی»، سخن، ۳: ۳۱۱-۳۱۳.
- «دیوان حکیم فرخی سیستانی [چاپ محمد دبیر سیاقی]»، سخن، ۸: ۴۱۱-۴۱۲.
- «رساله لوایح [چاپ رحیم فرمنش]»، سخن، ۹: ۶۰۹-۶۱۱.
- «قاعده‌های جمع در زبان فارسی [تألیف محمد معین]»، سخن، ۴: ۷۰-۷۳.
- «کلیات عبید زاکانی [چاپ شرکت اقبال]»، سخن، ۴: ۵۷۶-۵۷۸.
- «درباره اصلاح خط فارسی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۳۱۳-۳۲۲.
- «درباره شیوه خط فارسی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۳۲۳-۳۲۵.
- «شیوه خط فارسی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۳۹۰-۳۹۵.
- «مسئله اصلاح خط فارسی»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۳۰۴-۳۱۲.
- «نامهای خارجی را در فارسی چگونه باید تلفظ کرد و چگونه نوشت؟»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۳۲۶-۳۳۰.
- «رساله مخارج حروف» کلیات، کتابشناسی، یادنامه ابن سینا، ص ۷۳-۷۹.
- «رساله مخارج حروف»، ایندوایر اینکا، ج ۶ ش ۳: ۳۴-۴۴.
- ابراهیم ماهان (موسیقی‌دان بزرگ ایرانی)، «موسیقی، ج ۱ ش ۳: ۱۱-۱۸.
- اسحق موصلی، موسیقی‌دان بزرگ ایرانی، «موسیقی، ج ۱ ش ۵/۴: ۱۱-۱۷.
- ابراهیم ماهان و اسحق موصلی، «موسیقی، ش ۴۰ دوره سوم: ۳-۱۶.
- «درباره اصطلاح خط فارسی»، سخن، ۲: ۴۶۱-۴۶۷.
- «شیوه خط سخن»، سخن، ۵: ۴۳-۴۵.
- «مسئله اصلاح خط فارسی»، سخن، ۲: ۲۴۲-۲۴۷.
- «عروض عرب و عروض هند»، مجله دانشکده ادبیات، ج ۵ ش ۳: ۸-۱۳.
- «وزن شعر فارسی»، سخن، ۵: ۲۴۹-۲۵۵.
- «او - او»، سخن، ۴: ۴۳۶-۴۳۷.
- «باید - بایستی - بایست»، سخن، ۸: ۵۲۹-۵۳۸.
- «بر سر... یا در سر» و «را»، سخن، ۷: ۱۶۶-۱۶۷.
- «بر علیه»، سخن، ۱: ۲۹۹.

- «برگردن - درگردن - ازگردن»، سخن، ۷: ۲۳۳.
- «پسونند مصدر در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات، ج ۱ ش ۳: ۴۸-۶۱.
- «جمله وصفی»، سخن، ۱۰: ۱۳۲-۱۳۳.
- «گفتی و گوئی»، سخن، ۷: ۳۳-۳۵.
- «هست - است»، سخن، ۷: ۶۴۹-۶۵۰.
- «یک... یک...»، سخن، ۹: ۷-۹.
- «یکی از...ترین»، سخن، ۱۰: ۵۴-۵۶.
- «انواع وزن در شعر فارسی»، سخن، ۵: ۳۳۳-۳۳۶ و ۴۹۳-۴۹۷.
- «شعر فارسی در تاجیکستان»، سخن، ۱: ۹۷-۱۰۱.
- «شعر فارسی در هندوستان»، سخن، ۱: ۱۷۰-۱۷۴.
- «اصطلاح شعر نو»، شعر و هنر، ص ۳۳۷-۳۴۶.
- «پست و بلند شعر»، سخن، ۱۳: ۱۴۱-۱۵۱ و ۲۵۹-۲۶۷ و ۳۸۹-۳۹۸ و ۵۲۹-۵۳۶.
- «ترجمه شعر»، سخن، ۱۶: ۵۳۷-۵۴۳.
- «ترجمه شعر»، شعر و هنر، ص ۳۵۷-۳۷۲.
- «جوانه‌های شعر نو»، شعر و هنر، ص ۳۲۹-۳۳۶.
- «در وزن شعر فارسی چه کار تازه می‌توان کرد»، شعر و هنر، ص ۲۸۹-۳۰۶.
- «شعر مرگ»، شعر و هنر، ص ۳۴۷-۳۵۵.
- «شعر نو»، شعر و هنر، ص ۳۱۹-۳۲۸.
- «شعر نو و کهنه»، مرزهای دانش، ۱: ۸۶-۹۳.
- «شعر، وزن، قافیه»، شعر و هنر، ص ۲۷۷-۲۸۸.
- «قالب شعر، اندازه»، شعر و هنر، ص ۲۵۵-۲۷۶.
- «وزن شعر فارسی، انواع وزن، تنوع در وزن واحد، نغمه حروف»، شعر و هنر، ص ۲۰۳-۲۵۴.
- «وزن نو»، شعر و هنر، ص ۳۰۷-۳۱۷.
- «بحث درباره نظم معاصر»، نخستین کنگره نویسندگان ایران، ص ۴۴-۵۰.
- «جوانه‌های شعر نو»، سخن، ۳: ۱۶۱-۱۶۵.

- «شعر فارسی در ادبیات معاصر»، پیام‌نو، ج ۱ ش ۱: ۳۰-۳۲.
- «نثر فارسی در دوره اخیر»، نخستین کنگره نویسندگان ایران، ص ۱۲۸-۱۷۵.
- «تحول زبان فارسی»، سخن، ۱۲: ۴۷۱-۴۷۴.
- «تدریس زبان و ادبیات فارسی»، سخن، ۱۳: ۱۰۸۳-۱۰۸۸.
- «داستان رستم و سهراب»، هفتاد سخن، ۳ (۱۳۶۹): ۳۹-۶۹.
- «سپاه و جنگ در شاهنامه فردوسی»، هفتاد سخن، ۳ (۱۳۶۹): ۲۴-۳۸.
- «قدمهای نخستین در کار پژوهش شاهنامه»، فردوسی و شاهنامه، تهران، ۱۳۷۰، ص ۵۵۳-۵۵۸.
- «قدمهای نخستین در کار پژوهش شاهنامه»، هفتاد سخن، ۳ (۱۳۶۹): ۱۹-۲۳.
- «لغت‌های عربی در شاهنامه [از پل همبر]»، چیستا، ۸ (۱۳۶۹): ۴۹۰-۴۹۴.
- «لغت‌های عربی در شاهنامه [از پل همبر]»، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۷، ۲: ۲۸۲-۳۸۹.
- «وامق و عذرای عنصری و شاهنامه فردوسی»، هفتاد سخن، ۳ (۱۳۶۹): ۲۲۶-۲۳۱.
- «از دفتر خاطرات»، قافله سالار سخن، تهران، ۱۳۷۰، ص ۴۳۹-۴۹۶.
- «چند برگ از دفتر خاطرات خانلری. تأسیس بنیاد فرهنگ»، ایرانشناسی، ۳ (۱۳۷۰): ۳۸۸-۳۹۱.
- «خاطرات»، به کوشش یدالله جلالی پنداری، آینده، ۱۶ (۱۳۶۹): ۴۲۷-۴۴۸ (مصاحبه).
- «مصاحبه با یدالله جلالی پنداری»، هفتاد سخن، ۴ (۱۳۷۰): ۳۱۶-۳۲۰.
- «مصاحبه»، دنیای سخن، ش ۳۴ (مهر ۱۳۶۹): ۸-۱۰.
- «نامه دکتر خانلری به صدرالدین الهی»، ایرانشناسی، ۳ (۱۳۷۰): ۳۹۲-۳۹۳.
- «دوستی که از دست رفت»، سخن، ۲۵ (۱۳۵۵): ۸۷۹-۸۸۳.
- «دوستی از دست رفت»، پانزده گفتار درباره مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۱۳-۱۱۹.
- «مجتبی مینوی»، راهنمای کتاب، ۲۰ (۱۳۵۶): ۱۱۳-۱۱۵.

۳

اسناد

۱

۱۳۱۲/۱۲/۲۰

مقام منیع وزارت جلیله معارف دامت شوکته

این بنده از چندی باینطرف در نظر داشت کتابی در تاریخ تئاتر فرانسه بنگارد بطوریکه سیر تطور و تکامل تئاتر و سبکهای مختلف نویسندگان بزرگ آن مملکت در عصور متوالی در آن بخوبی نشان داده شود و برای نمونه یکی از شاهکارهای هر یک از آن نویسندگان را ترجمه کرده و بدان ضمیمه نماید تا سرمشقی برای تئاترنویسان ایرانی باشد و آنان را در این فن مهم راهنمایی کند. ولی بدبختانه اینکار بواسطه محظوراتی ناقص ماند.

اکنون که وزارت جلیله معارف همت بر آن گماشته که این فن بزرگ را در ایران حمایت کند و ترقی دهد بار دیگر این بنده به اجرای مقصود مصمم شده نقشه تالیف کتاب مزبور را لفاً به آن مقام منیع تقدیم می‌دارد تا در صورتی که رای مبارک اقتضا کند امر و مقرر فرمایند آن وزارت جلیله اجرت این خدمت و مصارف طبع و نشر کتاب مزبور را متحمل شود تا این بنده بتواند با فراغت خاطر به اجرای مقصود پرداخته شاید بدین وسیله خدمت ناچیزی را بوطن خود انجام دهد.

پرویز ناتل خانلری

فهرست مطالب کتاب**قسمت اول**

فصل اول - پیدایش تئاتر - تئاتر در یونان و رم قدیم - تئاتر در قرون وسطی اقسام تئاتر (کمدی، تراژدی، درام، ملودرام و غیره) کمدی و پیش از مولیر - تراژدی پیش از کورنی
قسمت فنی - صحنه - آرایش صحنه (دکوراسیون) بازیگران و هیئت ایشان
فصل دوم - تئاتر در قرن ۱۷ - شیوه تئاترنویسی درین قرن - کرنی و سبک او - مولیر و سبک او

راسین و سبک او

قسمت فنی - صحنه - آرایش صحنه - بازیگران و هیئت ایشان در قرن ۱۷ - طرز بازی

فصل سوم - تئاتر در قرن ۱۸ - اولتر - تراژدی - درام کمدی (بومارثه و سبک او)

قسمت فنی -

قسمت چهارم - تئاتر رومانتیک - اصول این شیوه و اختلاف آن با شیوه‌های پیش - الکساندر

دوما و سبک او - الفردو وینی و سبک او (چاترتن) هوگو و سبک او (ارنانی) موسسه و سبک

او (لورانزاکیو)

قسمت فنی -

قسمت پنجم - تئاتر بعد از رومانتیسم تا امروز - الکساندر دومای کوچک و سبک او - ادموند

روستان و سبک او (میرانو دو برژراک) شیوه تئاتر آزاد - درامهای منظوم، تئاتر امروز

قسمت فنی -

قسمت دوم - شاهکارهای تئاتر فرانسه

کورنی - هوراس

مولیر - آوار

راسین - بریتانکریس

هوگو - ارنانی

وینی - چاترتن

موسه - لورانزاکیو

روستان - میرانو دو برژراک

ساشاگیتری - دُ بورو

مجموع صفحات این کتاب در حدود ۶۰۰ صفحه خواهد بود و نزدیک به پنجاه گراور

خواهد داشت.

پرویز - ناتل - خانلری

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

ریاست اداره نگارش وزارت فرهنگ

یک نسخه از کتاب روان‌شناسی از لحاظ تربیت که بر طبق برنامه رسمی وزارت فرهنگ برای تدریس در دانشسراهای مقدماتی نوشته شده است به همراه این نامه تقدیم می‌گردد خواهشمند است مقرر فرمائید چنانکه مقرر است مطابقت آنرا با برنامه وزارت فرهنگ تصدیق نمایند.

با تقدیم احترامات فائمه
پرویز خانلری - اداره آموزش عالی
[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۳

$\frac{1317/8/30}{10654}$

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مقام وزارت متبوع

آقای پرویز ناتل خانلری لیسانسیه ادبیات و علوم تربیتی از دانش سرای عالی و کارمند اداره آموزش عالی کتابی زیر عنوان «روانشناسی» تالیف و چاپ نموده و یک نسخه از آن را به اداره نگارش فرستاده و درخواست کرده است که وزارت فرهنگ مطابقت کتاب را با برنامه دانشسراهای مقدماتی گواهی نماید استدعا می‌شود اجازه فرمایند کتاب مشارالیه برای بررسی و صدور گواهینامه مطابعت با برنامه به شورای عالی فرهنگ تقدیم گردد.
[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۴

$\frac{1317/9/2}{10757}$

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دبیرخانه شورای عالی فرهنگ

عین گزارشی $\frac{۱۷/۸/۳۰}{۱۰۶۵۴}$ این اداره با یک نسخه در کتاب «روانشناسی» تالیف آقای پرویز ناتل خانلری برای بررسی و صدور گواهینامه مطابعت آن با برنامه دانشسراهای مقدماتی فرستاده می‌شود.

کفیل اداره نگارش

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

[حاشیه] گزارش و کتاب ضمیمه است.

۵

$\frac{۱۳۱۸/۱۲/۲۲}{۵۶۵۴۱}$

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای پرویز خانلری کفیل دبیرخانه دانشگاه

از تاریخ صدور این حکم علاوه بر وظائفی که به عهده شما محول بوده بسمت معاونت اداره آموزش عالی نیز منصوب می‌شوید که تحت نظر و دستور ریاست اداره مزبور به انجام کارهای مربوط اشتغال ورزید.

وزیر فرهنگ

مرآت

رونوشت برای اطلاع اداره آموزش سالمندان فرستاده می‌شود.

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

۶

نظر به اعتمادی که به مراتب صلاحیت علمی و تجارب فرهنگی جناب دکتر پرویز ناتل خانلری داریم به موجب این دستخط مشارالیه را به سمت عضویت شورای فرهنگی سلطنتی منصوب و مقرر می‌داریم به انجام وظائف محوله اقدام نماید. کاخ مرمر دهم آذرماه ۱۳۴۱ [محمد رضا پهلوی]

[۵۱۰۰۹-۳۸]

* * *

۷

وزارت فرهنگ

جناب آقای علاء وزیر محترم دربار شاهنشاهی

مرقومه شماره ۷۱۲۱ مورخ ۱۳۴۱/۹/۱۷ زیب وصول بخشید. از اظهار محبتی که فرموده‌اید و خدمات بنده قابل اعتناء شمرده‌اید بی نهایت امتنان دارم. فرمانی که از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه به پیشنهاد آن جناب برای عضویت بنده در شورای فرهنگی سلطنتی شرف صدور یافته مایه نهایت سرافرازی و مباهات است. امیدوارم بتوانم لیاقت خود را برای درک افتخار عظیمی که نصیبم شده نشان بدهم.

با عرض ارادت - دکتر پرویز خانلری

[۵۱۰۰۹-۳۸]

* * *

۸

نخست وزیر

۱۳۳۶/۸/۸
۲۹۰۲۲/۲

جناب آقای دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر محترم

چنانچه انجناب استحضار دارند فرهنگستان ایران که از مؤسسات بسیار مهم فرهنگی است که در دوره اعلیحضرت فقید احداث شده است در چند سال اخیر فعالیت سودمند خود

را متوقف گذارده است نظر به لزوم تجدید فعالیت این مؤسسه مفید فرهنگی دانشگاه تهران حاضر بهرگونه همکاری با وزارت فرهنگ است - بنابراین متمنی است مقرر فرمایند مراتب بوزارت مذکور ابلاغ گردد تا در این باب با همکاری دانشگاه تهران اقدام مقتضی بعمل آورد. معاون دانشگاه

مسعود کیهان

رونوشت برای اطلاع جناب آقای وزیر فرهنگ ارسال می شود دستور فرمایند اقدام مقتضی بعمل آید.

نخست وزیر

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

۹

۱۳۳۶/۱۲/۱۰
۱۲۰۴۱

دربار شاهنشاهی

جناب آقای وزیر فرهنگ

چون مقرر شده است گزارشی درباره وضع کنونی فرهنگستان ایران حاوی اطلاعات کامل درباره آن بشرفعرض همایونی برسد خواهشمند است دستور فرمائید هرچه زودتر این اطلاعات را در دسترس قسمت فرهنگی دربار شاهنشاهی بگذارند.

وزیر دربار شاهنشاهی

حسین علاء

حاشیه: جناب آقای وزیر صورت لازم را تهیه فرموده، شخصاً به استحضار جناب آقای

نخست وزیر رساندند.

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

وزارت فرهنگ

۱۳۳۷/۱/۳۱

جناب آقای نخست‌وزیر

بطوریکه استحضار دارند فرهنگستان ایران که بفرمان اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر برای حفظ و توسعه و ترویج زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۱۴ تأسیس شده بود بعلت درگذشت اکثریت اعضاء پیوسته و علل و موجبات دیگر چند سالست بحال رکود و تعطیل درآمده و فعالیت آن متوقف مانده است.

چون وجود چنین انجمنی از لحاظ ادبی و ملی لازمست وزارت فرهنگ باکسب اجازه از پیشگاه مبارک ملوکانه مصمم است وسائل تجدید حیات و ادامه فعالیت آن را فراهم سازد و بجای درگذشتگان اعضاء خبیر و دانشمندی که بخوبی از عهده این وظیفه خطیر برآیند و بزبانهای محلی و اصطلاحات فارسی علوم و ادبیات و همچنین یکی دو زبان بیگانه واقف باشند انتخاب کند.

اینک صورتی از اعضاء پیوسته که بعضویت باقی هستند و صورت اشخاصی که واجد شرایط عضویت میباشند و نسخه‌ای از اساسنامه فرهنگستان را برای ملاحظه جنابعالی تقدیم می‌دارد تا هرگونه نظری که درین باره هست امر بابلاغ فرمایند.

وزیر فرهنگ

فهرست اسامی اعضای پیوسته فرهنگستان که در عضویت باقی هستند

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------------|
| ۱- جناب آقای علی اصغر حکمت | ۱۰- جناب آقای دکتر حسین گل گلاب |
| ۲- جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی | ۱۱- جناب آقای دکتر شفق ★ |
| ۳- جناب آقای دکتر عیسی صدیق | ۱۲- جناب آقای دکتر غلامعلی رعدی ★ |
| ۴- جناب آقای دکتر متین دفتری | ۱۳- جناب آقای بدیع الزمان فروزانفر ★ |
| ۵- تیمسار سرلشکر نخجوان | ۱۴- جناب آقای محمد حجازی |
| ۶- تیمسار سرلشکر مقتدر | (مطیع الدوله) |
| ۷- جناب آقای مسعود کیهان | ۱۵- جناب آقای سعید نفیسی ★ |
| ۸- جناب آقای دکتر امیر اعلم | ۱۶- جناب آقای عبدالعظیم قریب ★ |
| ۹- جناب آقای دکتر محمود حسابی | ۱۷- جناب آقای جمال اخوی |

- ★ ۱۸- جناب آقای ابراهیم پورداود
 ★ ۱۹- جناب آقای جلال همائی

**فهرست نام کسانی که برای انتخاب بعضویت فرهنگستان ایران مناسب
 بنظر میرسند**

- ۱- جناب آقای دکتر منوچهر اقبال
 ۲- جناب آقای حسین علاء
 ★ ۳- جناب آقای سیدحسن تقی‌زاده استاد دانشگاه تهران
 ۴- جناب آقای حبیب‌اله آموزگار
 ۵- آقای علی‌پاشا صالح استاد دانشگاه تهران
 ۶- آقای دکتر عبدالله شیبانی استاد دانشگاه تهران
 ۷- آقای مهندس عبدالله ریاضی رئیس دانشکده فنی
 ۸- آقای دکتر ابوالقاسم غفاری استاد دانشگاه تهران
 ۹- آقای دکتر مهدی بیانی
 ۱۰- آقای دکتر خان‌بابا بیانی سناتور و رئیس دانشسرایعالی
 ★ ۱۱- آقای دکتر پرویز خانلری سناتور و استاد دانشگاه تهران
 ★ ۱۲- آقای دکتر ذبیح‌اله صفا استاد دانشگاه تهران
 ★ ۱۳- آقای دکتر محمد معین استاد دانشگاه تهران
 ۱۴- آقای دکتر حسین خطیبی استاد دانشگاه تهران
 ★ ۱۵- آقای دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی
 ★ ۱۶- آقای دکتر لطفعلی صورتگر رئیس دانشکده ادبیات شیراز و استاد دانشگاه تهران
 ۱۷- آقای دکتر نصراله کاسمی استاد دانشگاه تهران
 ۱۸- آقای دکتر محمدحسین علی‌آبادی استاد دانشگاه تهران
 ۱۹- آقای دکتر محمدحسین ادیب استاد دانشگاه تهران
 ۲۰- آقای دکتر اسداله آل‌بویه استاد دانشگاه تهران
 ۲۱- آقای موید ثابتی
 ۲۲- آقای دکتر احمد فرهاد معتمد رئیس دانشگاه تهران
 ۲۳- دکتر موسی عمید رئیس دانشکده حقوق

- ۲۴- آقای دکتر حسن امامی (امام جمعه) استاد دانشگاه تهران
- ۲۵- آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه تهران
- ۲۶- آقای دکتر محسن هشترودی رئیس دانشکده علوم
- ۲۷- آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه تهران
- ۲۸- آقای دکتر محمد میردامادی استاد دانشگاه تهران
- ۲۹- آقای مهندس محسن فروغی استاد دانشگاه تهران
- ۳۰- آقای مهندس اصفیا
- ۳۱- آقای دکتر یحیی مهدوی استاد دانشگاه تهران
- ۳۲- آقای مجتبی مینوی ★
- ۳۳- آقای ذبیح بهروز
- ۳۴- آقای دکتر محمدی
- ۳۵- آقای دکتر مهدوی اردبیلی دانشکده کشاورزی
- ۳۶- آقای محمود شهابی استاد دانشگاه تهران
- ۳۷- آقای دکتر معتمدی استاد دانشکده فنی
- ۳۸- آقای دکتر محسن عزیزی استاد دانشگاه تهران
- ۳۹- آقای دکتر احمد هومن استاد دانشگاه تهران
- ۴۰- آقای شجاع‌الدین شفا
- ۴۱- آقای دکتر جهانشاه صالح استاد دانشگاه تهران
- ۴۲- آقای دکتر غلامحسین مصاحب ★
- ۴۳- آقای مصطفی فاتح
- ۴۴- آقای مدرس رضوی استاد دانشگاه تهران ★
- ۴۵- آقای سرتیپ رزم‌آراء
- ۴۶- آقای دکتر محمد مقدم استاد دانشگاه تهران
- ۴۷- آقای دکتر میمندی‌نژاد استاد دانشگاه تهران
- ۴۸- آقای مهندس جفرودی استاد دانشگاه تهران

فرهنگستان به شش شعبه تقسیم می‌شود که فعلاً عده اعضاء هر شعبه

بقرار ذیل خواهد بود

- ۱- شعبه ادبیات و تاریخ و جغرافیا ۱۴ تن
 ۲- شعبه فلسفه و حقوق و علوم اجتماعی ۷ تن
 ۳- شعبه علوم ریاضی و فیزیک ۵ تن
 ۴- شعبه علوم طبیعی ۴ تن
 ۵- شعبه طب و زیست‌شناسی ۵ تن
 ۶- شعبه فنی ۵ تن

۱- شعبه ادبیات و تاریخ و جغرافیا دارای ۱۴ تن عضو خواهد بود

اعضاء فعلی این شعبه عبارتند از:

- ۱- جناب آقای حکمت
 ۲- آقای فروزانفر ★
 ۳- آقای سعید نفیسی ★
 ۴- آقای عبدالعظیم قریب
 ۵- آقای حجازی
 ۶- آقای همائی
 ۷- آقای عصار
 ۸- جناب آقای کیهان ★
 ۹- آقای دکتر رعدی

برای انتخاب کسری اعضاء از آقایان ذیل می‌توان ۵ نفر انتخاب نمود

- ۱- جناب آقای حسین علا
 ۲- جناب آقای تقی‌زاده ★
 ۳- آقای دکتر خانابا بیانی
 ۴- آقای دکتر مهدی بیانی
 ۵- آقای دکتر ذبیح‌اله صفا
 ۶- آقای دکتر محمد معین ★
 ۷- آقای دکتر پرویز خانلری
 ۸- آقای دکتر حسین خطیبی
 ۹- آقای دکتر لطفعلی صورتگر
 ۱۰- آقای موید ثابتی
 ۱۱- آقای دکتر محمدحسین مشایخ
 فریدنی
 ۱۲- آقای سید محمد مشکوة
 ۱۳- آقای مجتبی مینوی ★
 ۱۴- آقای ذبیح‌اله بهروز
 ۱۵- آقای دکتر محمدی
 ۱۶- آقای محمود شهابی
 ۱۷- آقای شجاع‌الدین شفا
 ۱۸- آقای مدرس رضوی
 ۱۹- آقای دکتر محمد مقدم

۲- شعبه فلسفه و حقوق و علوم اجتماعی دارای ۷ تن عضو است

- ۱- جناب آقای دکتر سیاسی
 ۲- جناب آقای دکتر صدیق
 ۳- جناب آقای دکتر معین دفتری
 ۴- جناب آقای دکتر شفق

- ۵- جناب آقای جمال اخوی
 ۶- آقای ابراهیم پورداد
 برای انتخاب کسری اعضاء از میان آقایان ذیل میتوان یک تن انتخاب نمود
- ۱- جناب آقای آموزگار
 ۵- آقای علی پاشا صالح
 ۲- جناب آقای دکتر عمید
 ۶- آقای دکتر یحیی مهدوی
 ۳- جناب آقای دکتر امامی
 ۷- آقای دکتر احمد هومن
 ۴- آقای دکتر محمدحسین علی آبادی
 ۸- آقای مصطفی فاتح
- ۳- رشته علوم ریاضی و فیزیک که دارای ۵ تن عضو خواهد بود

عضو پیوسته فعلی عبارتست از:

- ۱- آقای دکتر محمود حسابی
 و ۴ تن کسری اعضاء از میان آقایان ذیل انتخاب خواهند شد.
- ۱- آقای دکتر ابوالقاسم غفاری
 ۵- آقای مهندس جفرودی
 ۲- آقای دکتر اسداله ال بویه
 ۶- آقای دکتر مهدوی اردبیلی
 ۳- آقای دکتر محسن هشترودی
 ۷- آقای پروفیسور فاطمی
 ۴- آقای دکتر غلامحسین مصاحب
 ۸- آقای دکتر افضل پور
- ۴- شعبه علوم طبیعی دارای ۴ تن عضو خواهد بود

عضو فعلی این شعبه عبارتست از:

- آقای حسین گل گلاب
 برای انتخاب کسری اعضاء می توان از میان آقایان ذیل سه تن انتخاب نمود
- ۱- آقای دکتر عبدالله شیبانی
 ۷- آقای دکتر رستگار
 ۲- آقای دکتر میمندى نژاد
 ۸- آقای دکتر یداله رفعتی
 ۳- آقای دکتر یداله سجابی
 ۹- آقای دکتر احمد پارسا
 ۴- آقای دکتر فریدون فرشاد
 ۱۰- آقای دکتر حسین فاطمی
 ۵- آقای دکتر یداله خیبری
 ۱۱- آقای دکتر رفیعی
 ۶- آقای دکتر حسین درویش

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۴۰/۱۰/۲۳ بنا به پیشنهاد شماره ۸۵۵۱/ن الف
 ۱۳۴۰/۱۰/۲۳ وزارت فرهنگ تصویب نمودند برای تشکیل جلسات فرهنگستان ایران سی
 و یک نفر آقایان زیر:

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| ۱۷) آقای دکتر غلامحسین مصاحب | ۱) جناب آقای سید حسن تقی زاده |
| ۱۸) آقای احمد آرام | ۲) جناب آقای حسین قدس نخعی |
| ۱۹) آقای دکتر محمود صناعی | ۳) ★ جناب آقای مجتبی مینوی |
| ۲۰) آقای دکتر محمدامین ریاحی | ۴) آقای دکتر فخرالدین شادمان |
| ۲۱) ★ آقای دکتر عبدالحسین زرکوب | ۵) آقای محسن هشترودی |
| ۲۲) ★ آقای دکتر عباس زریاب خوئی | ۶) ★ آقای محمد محیط طباطبائی |
| ۲۳) آقای علیمحمد عامری | ۷) ★ آقای نصرالله فلسفی |
| ۲۴) تیمسار سرتیپ حسینعلی رزم آرا | ۸) آقای سیدمحمد فرزانه |
| ۲۵) آقای دکتر لطفعلی صورتگر | ۹) ★ آقای دکتر محمد معین |
| ۲۶) آقای عزیز رفیعی | ۱۰) آقای دکتر ذبیح الله صفا |
| ۲۷) آقای مهندس دواچی | ۱۱) آقای دکتر پرویز خانلری |
| ۲۸) آقای عبدالله ریاضی | ۱۲) آقای دکتر یحیی مهدوی |
| ۲۹) آقای دکتر محمدمهدی قدسی | ۱۳) آقای مهندس محسن فروغی |
| ۳۰) وزیر فرهنگ | ۱۴) آقای محمدصافی اصفیا |
| ۳۱) رئیس وقت دانشگاه تهران | ۱۵) آقای دکتر عبدالله شیبانی |
| | ۱۶) ★ آقای حبیب یغمائی |

بعضویت پیوسته انتخاب و با هیجده نفر اعضاء پیوسته سابق وظایف مربوط
 بفرهنگستان را مطابق اساسنامه مورخ (خرداد ۱۳۱۴ انجام دهند. تصویبنامه
 شماره ۴۵۳۰ - ۳ خرداد ۱۳۳۷ و شماره ۳۲۰۳۰ - اول اسفند ماه ۱۳۳۸ ملغی می گردد.
 تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است.

از طرف نخست وزیر.

اسامی اعضای فرهنگستان ایران

اعضای جدید

- | | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱- آقای سیدحسین تقی زاده | ★ ۲۳- آقای علی محمد عامری |
| ۲- آقای حسین قدس نخعی | ★ ۲۴- آقای دکتر لطفعلی صورتگر |
| ۳- آقای مجتبی مینوی | ★ ۲۵- آقای دکتر عزیز رفیعی |
| ۴- آقای دکتر فخرالدین شادمان | ★ ۲۶- تیمسار حسینعلی رزم آراء |
| ۵- آقای دکتر محسن هشترودی | ★ ۲۷- آقای مهندس دواچی |
| ۶- آقای محمد محیط طباطبائی | ★ ۲۸- آقای مهندس عبدالله ریاضی |
| ۷- آقای سید محمد فرزانه | ★ ۲۹- آقای دکتر محمد مهدی قدسی |
| ۸- آقای نصراله فلسفی | ★ ۳۰- جناب آقای حبیب اله آموزگار |
| ۹- آقای دکتر محمد معین | تصویب نامه ۴۱/۲/۱۲ هیئت وزیران |
| ۱۰- آقای دکتر ذبیح اله صفا | اعضای قدیم |
| ۱۱- آقای دکتر پرویز خانلری | ۱- آقای دکتر احمد متین دفتری |
| ۱۲- آقای دکتر یحیی مهدوی | ۲- آقای دکتر علی اکبر سیاسی |
| ۱۳- آقای دکتر عبدالله شیبانی | ۳- آقای دکتر عیسی صدیق |
| ۱۴- آقای مهندس محسن فروغی | ۴- آقای دکتر محمود حسابی |
| ۱۵- آقای مهندس محمد صفی اصفیا | ★ ۵- آقای دکتر رضازاده شفق |
| ۱۶- آقای حبیب یغمائی | ★ ۶- آقای بدیع الزمان فروزانفر |
| ۱۷- آقای احمد آرام | ★ ۷- آقای ابراهیم پورداود |
| ۱۸- آقای دکتر غلامحسین مصاحب | ۸- آقای جمال اخوی |
| ۱۹- آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب | ۹- آقای عبدالعظیم قریب |
| ۲۰- آقای دکتر محمدامین ریاحی | ★ ۱۰- آقای محمد حجازی |
| ۲۱- آقای دکتر عباس زریاب خوئی | ۱۱- آقای حسین گل گلاب |
| ۲۲- آقای دکتر محمود صناعی | ★ ۱۲- آقای سعید نفیسی |

با خوشوقتی از ورود جنابعالی، موفقیتی را که در سفر به فرانسه در سازمان یونسکو و مراکز فرهنگی آن کشور به دست آوردید و خبر آن را با خرسندی بسیار دریافت داشتم صمیمانه تبریک می‌گویم. سپاه دانش که با ابتکار و همت جنابعالی عملی شده و توضیحاتی که درباره آن در جلسه عمومی یونسکو دادید، از نظر اینکه برای نخستین بار در دنیا با ابتکار ایرانی انجام می‌گیرد بسیار امید بخش است و من موفقیت جنابعالی را در این کار بزرگ صمیمانه آرزو مندم.

تبریک دیگر اینجانب مربوط به عضویت جنابعالی در شورای فرهنگی سلطنتی است که دستخط مبارک ملوکانه را درباره آن بضمیمه این نامه دریافت خواهید فرمود، و امیدوارم همکاری گرانبهای جنابعالی با شخصیت علمی و فرهنگی برجسته‌ای که دارید برای دربار شاهنشاهی و شورای فرهنگی بسیار مغتنم باشد.

بطوریکه اینجانب در مصاحبه مطبوعاتی خود اظهار داشتم، این شوری که حسب الامر مطاع همایونی در دربار شاهنشاهی تشکیل شده است یک مرکز عالی علمی و مشورتی است که در واقع سمت هیئت مشاوره علمی اعلیحضرت همایون شاهنشاه را دارد، و نماینده سرپرستی عالی شاهنشاه بر امور مربوط به تمدن و علم و ادب ایران است و وظیفه آن - رسیدگی به مسائل و اموری است که به منظور مطالعه و اظهار نظر از طرف وزارت در بار شاهنشاهی بدان ارجاع می‌شود. این شوری صرفاً جنبه مشورتی و راهنمایی دارد و به هیچ وجه در کار دولت و وزارت فرهنگ و سایر سازمانها و ادارات اجرائی دخالتی ندارد، و فقط در صورتیکه از طرف خود این مراکز موضوعی برای مطالعه بدان ارجاع شود این موضوع توسط دبیرخانه شوری در وزارت دربار شاهنشاهی به استحضار شوری خواهد رسید، و البته دولت و ادارات مربوطه بدان با توجه به راهنمایی شوری هر تصمیمی را که مقتضی بدانند خواهند گرفت - این توضیح قبلاً باستحضار جناب آقای نخست‌وزیر نیز رسیده است. امید است از همکاری شخصی جنابعالی با این شوری و از همکاری وزارت فرهنگ و سایر سازمانها و ادارات فرهنگی دولتی نتایج رضایت‌بخشی که مورد نظر اعلیحضرت همایون شاهنشاه است بدست آید.

موفقیت جنابعالی را در امر فرهنگی بزرگی که در پیش گرفته‌اید آرزو مندم.

وزیر دربار شاهنشاهی - حسین علاء

[سازمان اسناد ملی، ۳۸ - ۵۱۰۰۹]

وزارت فرهنگ

۱۳۴۲/۱۰/۱۱

ساعت شش بعد از ظهر روز سه‌شنبه یازدهم دیماه جاری در سالن کنفرانس دانشسرای مقدماتی مجلسی با حضور عده‌ای از آقایان استادان دانشگاه و دانشسرای عالی و دانشجویان دوره فوق‌لیسانس دانشسرای عالی تشکیل یافت. در این جلسه آقای دکتر فیلسوفی ریاست دانشسرای عالی طی شرح مختصری از جناب آقای دکتر خانلری وزیر محترم فرهنگ تقاضا کردند که در موضوع «حال و آینده فرهنگ» مطالبی بفرمایند جناب آقای وزیر فرهنگ درین باب سخنرانی مشروحی فرمودند و به سوالات بعضی از حاضران پاسخ گفتند که ذیلاً به نظر می‌رسد:

بسیار خوشوقتم و افتخار دارم که در این مجلس که از همکاران من تشکیل شده است حاضر می‌شوم و درباره مسأله‌ای که مربوط به کار جوانان است صحبت می‌کنم. همکاران از این جهت گفتم که هم‌همکاران من که سمت معلمی به من دارند و هم کسانی که در مراحل مختلف خدمت به فرهنگ هستند و هم کسانی که از امسال پذیرفته‌اند که شغل پرافتخار معلمی را شروع کنند و خودشان را آماده کنند، برای این که کار بسیار مهم مملکت را به عهده بگیرند. امروز اینجا ما با چند نفر از فرهنگیان که صحبت می‌کردیم این نکته را عرض می‌کردم که در فرهنگ تشکیلات و ارزشها با وزارتخانه‌های دیگر متفاوت است. معمولاً در تشکیلات کشوری یا لشکری یک عده‌ای هستند و هر کدام شغلی دارند و یک رئیس دارند و این رئیس هم رئیس دیگری و سلسله مراتبی هست به این طریق در همه تشکیلات جز فرهنگ واحدها تشکیل می‌شود از یک مجموعی با اضافه یک رئیس اما در فرهنگ به عقیده من اینطور نیست و در کار فرهنگی واحد معلم است. هر معلم به تنهایی یک واحد فرهنگی است. اینطور نیست که واحد فرهنگی تشکیل شود از مثلاً هزار معلم و یک رئیس فرهنگ یا اینکه از ده معلم و یک مدیر. کاری که در فرهنگ انجام می‌گیرد، کار اساسی که در فرهنگ انجام می‌گیرد کاریست که معلم می‌کند. به این سبب گمان می‌کنم که کاملاً به جا و سزاوار است که مسائل فرهنگی با همه افراد خدمتگزار فرهنگی یعنی همه معلمین در میان گذاشته شود و سزاوار است که همه معلمین این اهمیت وجود خودشان را احساس بکنند. چون معلم خودش به تنهایی یک واحد فرهنگی است و به این طریق درباره سرنوشت فرهنگ مملکت

سعی می‌کنند که اطلاعات بیشتر به دست بیاورند و قضاوت کنند و اظهار رای کنند. بنده در این جا به عنوان یک سخنرانی نیامده‌ام بلکه غرض اصلی بنده همین بوده است که مسائلی را که مورد بحث است و مورد ابتلاست با همکارانم در میان بگذارم. موضوع سخنرانی که انتخاب کرده‌ام وضع کنونی و آینده فرهنگ است. بنده شاید لازم نمی‌دانم که درباره وضع فعلی فرهنگ وقتی گفتگو می‌کنم آمارهای دقیق و مفصل بدهم. این مطلب دیگر نیست و در کتابچه‌هایی که چاپ شده است ملاحظه فرموده‌اید و به گفتن و شنیدن شاید نتوان آن را در حفظ سپرد. اما در گفتگو از وضع کنونی فرهنگ در چند کلمه شاید لازم باشد بگوئیم که به منظور کلی ما مملکتی هستیم که می‌توان گفت در حدود بیست و یکی دو میلیون جمعیت داریم البته تعداد دقیق آن باید در سرشماری آینده تعیین شود. از این جمعیت کشور عده کمی سواد دارند در سالهای اخیر بی‌شک پیشرفتهای بسیاری در فرهنگ حاصل شده است و در نتیجه همین پیشرفتهاست که حالا می‌توانیم ادعا بکنیم که قریب بیست درصد از جمعیت کشور ما با سوادند زیرا که در سرشماری که شش سال پیش انجام گرفت عده نسبی با سوادها از این کمتر بود. عده‌ای از جمعیت کشور ما که با سواد شمرده شده‌اند البته در مراحل مختلف هستند. بعضی سواد خواندن و نوشتن دارند بعضی تحصیلات ابتدایی کرده‌اند بعضی دیگر مدارج عالی تحصیل را هم طی کرده‌اند که حضار این جلسه از این دسته اخیر هستند.

درباره تعلیمات ابتدائی می‌دانید که از مدتها پیش قوانینی داشتیم که این نوع تعلیمات را عمومی و اجباری قرار داده است درست در خاطر من نیست گمان می‌کنم که این قانون در حدود سال ۱۳۲۱ به تصویب رسید و در آنجا تصریح شده است که تعلیمات عمومی برای همه افراد کشور اجباریست. اما بعد فراموش شد بطوریکه لازم شد بعد از مدتها باز یک قانون مستقلی برای تعلیمات عمومی اجباری از تصویب مجلس بگذرد و در این قانون یک مهلت ده ساله داده شده بود به دولتهای ایران که تعلیمات ابتدائی را عمومی کنند و از آن تاریخ گویا قریب ۱۵ سال می‌گذرد و ما در این وضع هستیم که ملاحظه می‌فرمائید.

یک مطلب کلی و اساسی را با اینکه شاید برای همه روشن باشد باید عرض بکنم: بحث است درباره اینکه آیا اصلاً تعلیمات ابتدائی فایده‌ای دارد؟ بحث است درباره اینکه اصلاً سواد داشتن مختصر چه ارزشی دارد؟ بعضیها اظهار عقیده می‌کنند که بهتر است که عده معدودی خیلی سواد داشته باشند و آنهای دیگر نداشتند هم نداشتند بهتر نیست که ما یک طبقه برگزیده در مملکت تربیت بکنیم تا همه کارها را به دست بگیرند و آنهای دیگر هم،

خوب، هستند. و تحصیلشان ضرورت زیادی ندارد و حتی گفتگوهای دیگری هم هست که اصلاً شاید ضرر داشته باشد. شاید خطر داشته باشد که همه مردم باسواد شوند. اگر بخواهیم وارد این بحثها شویم و دلائلی برای رد و نقض این ادعاها بیاوریم گمان می‌کنم که مدتهای دراز باید وقت صرف کرد و بنده که اعتقاد ندارم به اینکه چنین بحثی لازم باشد زیرا که ایمان دارم به اینکه حتماً تحصیلات ابتدائی ولو بسیار کم - نهایت ضرورت را دارد و تا آن درجه در این ایمان خودم مصرم که کسانی را که سعی می‌کنند برضد این مطلب دلیل بیاورند آنها را برای این مملکت دانسته یا نادانسته خائن می‌دانم. تعجب نکنید اگر کسی که کارش همه عمر درس و بحث بوده است درباره یک مطلبی اینطور با شیوه قطع و جزم اظهار نظر بکند. این اظهار نظر خیلی از روی سادگی نیست بلکه مبتنی است بر بسیاری از نظریات و مجال مفصل می‌خواهد که در آن بحث شود. این قدم اول است: تعلیمات ابتدائی تا آنجا که ممکن باشد برای همه در دنیای امروز لازم است و به چند نفر دانشمند نابغه تنها نمی‌توان اکتفا کرد. برای پیشرفت یک ملتی لازمست که همه افرادش اندکی سواد داشته باشند. به طوریکه بتوانند دنیای امروز و ضروریات دنیای امروز را ادراک بکنند. نابغه برای تبلیغات بد نیست اما در مرحله اول ضرورت نیست می‌دانید که بعضی مملکتها هستند که نابغه‌ها را می‌خرند ما هم ان‌شاءالله پولدار می‌شویم و اگر لازم داشتیم چند تا نابغه می‌خریم. اما افراد یک ملت را دیگر نمی‌شود خرید و از خارج آورد. به علاوه که می‌داند که در جمعیت انبوه یک ملت اگر همه شروع به کار بکنند و مقدمات را بتوانند کسب بکنند عده کثیری نابغه پیدا نشود؟ برای اینکه افراد یک ملت ارتباط و همبستگی میان خودشان حس بکنند لازمست مشترکاتی داشته باشند این مشترکات یک مقدار تاریخ است یک مقدار شاید اعتقادات دینی است و خیلی نکته‌های دیگر اما همین مقدمات هم با داشتن سواد حاصل می‌شود. برای من و شما که درس خوانده‌ایم کتاب خوانده‌ایم و تاریخ می‌دانیم تاریخ مملکتمان یک اصل و مبنای ملیت است افرادی که تاریخ نمی‌دانند در آنها این اصل چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ داشتن یک زبان مشترک رفع حوائج عادی و استفاده از این زبان مشترک داشتن اطلاعاتی ولو مختصر از تاریخ و جغرافیا و سابقه مملکت به طور عام مسلماً یکی از علائق مهم افراد یک ملت نسبت به یکدیگرست و ما خیلی تأخیر کرده‌ایم در اینکه این شرط را حاصل بکنیم و باید قدری بیشتر فکر بکنیم و قدری بیشتر کوشش بکنیم. در گزارشی که افتخار داشتیم که روز جشن مهرگان به عرض پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاه رسانیدم این نکته‌ها و همچنین اطلاعات کلی و اجمالی از آمار فرهنگی قید شده بود ما تاکنون اینقدر پیشرفت کرده‌ایم که توانسته‌ایم

قدری کمتر از پنجاه درصد بچه‌های مملکت را به دبستان بفرستیم.

طرحی تهیه شده است با مشاوره متخصصین تعلیم و تربیت یونسکو برای مدت بیست سال آینده که بتوانیم تا آن مدت به حد کافی معلم تربیت بکنیم و استخدام کنیم و به حد کافی محل و ساختمان ایجاد کنیم که در آن تاریخ دیگر تمام بچه‌های مملکت که به سن شش سالگی می‌رسند یعنی سن شش سالگی را تمام می‌کنند و به سن تحصیل می‌رسند مدرسه در اختیار داشته باشند و بتوانند تعلیمات ابتدائی را ببینند. این نقشه، نقشه ساده‌ای نیست و مخارج بسیار دارد و محتاج کوشش بسیار است. طرح تعلیمات عمومی بیست ساله به چهار دوره پنجساله تقسیم شده است که دوره اول پنجساله‌اش در برنامه پنجساله عمرانی مملکت پیش‌بینی شده است و امیدوارم که در برنامه‌های آینده هم برای سه دوره دیگر وقت و مجال داشته باشیم و بتوانیم پیش‌بینی بکنیم و انجام بدهیم. برای مخارج اجرای این نقشه اضافه بر بودجه مملکت که این کار را می‌کند آنچه در برنامه پنجساله پیش‌بینی شده است روی هم رفته یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان است و می‌دانید که مخارجی که ما برای فرهنگمان در سال می‌کنیم اعم از تحصیلات ابتدائی و متوسطه و عالی و مخارج دیگر فرهنگی بیش از یک میلیارد تومان است. به نظر من یک جزء از این برنامه بیست ساله را شروع کرده‌ایم و رکن اولش را انجام داده‌ایم. ان‌شاءالله باقی‌مانده را هم خواهیم داد اما حسابی کرده‌ایم برای از حالا تا آنوقت که ما به این نتیجه برسیم که بتوانیم همه بچه‌ها مان را به مدرسه بفرستیم چه عده‌ای خارج از این برنامه می‌مانند؟ یعنی تا آنوقت البته هر سال کمتر از سال پیش اما به هر حال در هر سال عده‌ای اضافه می‌شود به عده بیسوادان سابق و به آن عده که از تحصیل محروم مانده‌اند این عده چقدر خواهد شد؟ عدد خیلی بزرگی خواهد شد تا آن تاریخ دوازده میلیون نفر محروم خواهند ماند. دوازده میلیون نفری که حالا از هفت سال تا ۱۴ سال دارند و آنوقت بیشترشان بزرگ سال‌هاشان در حدود سی و چهار پنجسال خواهند داشت دوازده میلیون نفر اضافه می‌شود به عده بیسوادها و البته چون جمعیت مملکت رو به ازدیاد است و در آن تاریخ مطابق پیش‌بینی‌های رسمی که شده است کشور ما ۳۵ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت. البته در آن تاریخ عدد نسبی بیسوادها کم خواهد شد اما عدد واقعی‌شان زیاد خواهد شد آنوقت این مشکل که دوباره باعث خواهد شد که ما به فکر چاره‌ای بیفتیم که با این بزرگسالان بیسواد چه کنیم؟ موسسه‌های تعلیمات اکابر را که حالا داریم و عمل می‌کنیم در آن وقت باید با شدت بیشتری عمل کنند و شروع به کار کنند. اما با این سرعتی که دنیا پیش می‌رود آیا مجال این قدر تأمل داریم؟ تا بیست سال دیگر چه خواهد

شد؟ در یکجای دیگر عرض کردم و باز هم تکرار می‌کنم در یک روزنامه خواندم که در دنیای امروز در هر سه دقیقه یک کار جدید علمی انجام می‌گیرد که نتیجه‌اش در نشریه‌ها و مجله‌ها و بولتنهای رسمی و علمی دنیا منتشر می‌شود. در یک چنین دنیایی ما بیست سال صبر بکنیم که بعد از بیست سال تازه ۱۲ میلیون نفر بیسواد داشته باشیم البته می‌فرمائید که عده‌ای از این بیسوادها آن روز زنده نخواهند بود. اما چون جمعیت زیاد می‌شود این امر آن را جبران نخواهد کرد. اما بیش از این همه امکانات اقتصادی مملکت اجازه نمی‌دهد که بتوانیم در این کار تسریع بکنیم. ناچار طرح تازه‌ای پیش گرفته‌ایم که همه از آن اطلاع دارید و به فرمان شاهنشاه در مدت کوتاهی شروع به اجرای آن شده است. این طرح عبارتست از همان طرح سپاه دانش که از جوانهای دیپلمه استفاده کنیم برای اینکه به جای خدمت سربازی خدمت علمی بکنند محتاج به این نیست که بیشتر این مطلب را تکرار کنم که تا چه اندازه این طرح ابتکاری است و از جای دیگر اقتباس نشده است و مورد توجه همه مملکتهای دنیا هم واقع شده است. ولی این مطلب را لازم است با کمال سرافرازی تکرار کنم و بگویم که جوانان مملکت ما همانطور که من پیش‌بینی می‌کردم نه آنطور که دیگران کسانی که اعتقاد نداشتند حدس می‌زدند نهایت استقبال را از این طرح کردند. بنده می‌دانم که جوانهای ایرانی در اینکه آماده خدمت به مملکت باشند در اینکه وطنشان را دوست داشته باشند در اینکه فداکاری کند. از هیچ مملکت دیگر عقب نمی‌مانند می‌دانید که عده داوطلب به قدری زیاد بود که فقط معدودی به قرعه‌کشی رسیدند. این عده، عده اول عده پیشاهنگ به سربازخانه رفتند و مشغول کار شدند و علاقه و شوقی که نشان دادند به حدی قابل توجه بود که فرماندهان قسمتهای مختلف ارتش که با آنها سر و کار دارند بارها نهایت علاقه و شوقشان را به من اظهار می‌کنند و من دیدم که همه آنها هم به شوق آمده‌اند از مشاهده این آمادگی و علاقه‌ای که جوانهای مملکت برای خدمت به فرهنگ نشان می‌دهند. اما کار انجام نگرفته است و مشکلات رفع نشده است. شاید بعضیها عادت داشته‌اند که حرفهائی زده شود و بعد هم اجرا نشود. آنها که دلشان نمی‌خواست که چنین کاری انجام بگیرد اول یکقدری تأمل کردند بعد دیدند خیر جدی است آنوقت سربلند کردند و شروع کردند به مخالفت و زمزمه‌هایی که گاهی از گوشه و کنار شنیده می‌شد کم‌کم قدری بالا گرفت ایراد کردند بعد تخطئه کردند. حرفهائی که به نظر من سزاوار نیست در این دنیا یکی بگوید که جوانهای ایرانی علاقه به مملکت ندارند. چون به ایشان وعده دادند که ۲۵۰ تومان بدهند برای آن رفتند. یکی نوشته بود که به جوانهای ایرانی که اگر ۲۵۰ تومان بدهند تا پتل پرت هم می‌روند. قیساس به نفس

کردند. برای ۲۵۰ تومان گرفتن نیست ممکن است این شوق و شور را عده‌ای نتوانند بفهمند. بعضی دیگر سازه‌های تازه‌ای در مخالفت زدند گفتند که این جوانها ایمان درستی ندارند خطرناک است اگر آنها که افکار مضر در سرشان است بروند مردم را توی ده خراب می‌کنند. اینها هروئینی هستند این جوانها می‌روند توی ده و دهاتیها را هروئینی می‌کنند عجباً بنده نفهمیدم چطور مامور گمرک و دارائی و ثبت اسناد و غیره که توی ده می‌رود خطری ندارد اما مأمور فرهنگ که رود این همه خطرات جانی و اخلاقی و تمام اینها حاصل می‌شود؟ بعد یک نغمه تازه‌ای هم ساز شد یک مرتبه غالب کسانی که در تمام عمرشان مسؤول امور فرهنگی بوده‌اند آخرش هوس کیفیت کردند. گفتند که کیفیت چه فایده دارد؟

اصلاً چه لزومی دارد که عده زیادی باسواد شوند. تعلیم و تربیت کیفیتش خوب است. در این پنجاه‌ساله کیفیت لازم نبود اما در این چند صباحی که یک چنین اقدام شدیدی برای نجات ملت از بیسوادی شده است یک مرتبه هوش کیفیت گل کرد. خیلی خوب کیفیت را هم ان‌شاءالله حاصل خواهیم کرد. اما من هیچ تعهد نمی‌کنم که حتی با استفاده از مدرن‌ترین وسائل مکانیزه امروز در مدت سه چهار هفته بتوانند کیفیت را عوض کنند یک کمی بیشتر دقت می‌خواهد طرحی که وزارت فرهنگ دارد و این‌ها بایستی آن را به اطلاع همکاران برسانم این است: ما در راه مبارزه‌ای که برای برانداختن بیسوادی پیش گرفته‌ایم تجمل را مطلقاً کنار می‌گذاریم وسایل جدید سمعی و بصری خیلی خوب است و امیدواریم که بتوانیم تحصیل بکنیم. اگر نشد خوب فعلاً قدری از آن درجه اول مدرنیسم که می‌کنیم. ساختمان مدرسه خیلی لازم است اما برای لاقول پنجاه‌هزار نفرآبادی مملکت اگر بخواهیم مدرسه بسازیم مدت خیلی زیاد و مبالغ هنگفت لازم است منتظر این کار هم نمی‌شویم. چه می‌کنیم؟ آن کاری را می‌کنیم که قرن‌ها می‌کردیم آن کاری که حالا هم در مجامع و کنفرانسهای بین‌المللی فرهنگی به عنوان یک سیستم علمی خیلی جدید به ما توصیه می‌کنند که آن را اجرا بکنیم. مقصودم سیستم مکتب‌خانه است که اسم جدیدش مدرسه یک معلمی و یک اتاقی است. یک معلم به ده می‌رود او یک اتاق پیدا خواهد کرد. یا در خانه کدخدا یا در خانه یکی از اهل ده و در آنجا بچه‌ها را جمع خواهد کرد نه تنها بچه‌هایی که شش سالشان تمام شده و وارد هفت سالگی شده‌اند. بلکه تمام بچه‌هایی که در سن تحصیل ابتدائی هستند تا سن ۱۴ سالگی و آنها را هر طور که میل دارید مطابق سیستم قدیم مکتب‌خانه یا میل دارید اسمش را بگذاریم مدرسه یک اتاقی همانطور که در کنفرانسهای بین‌المللی گفته می‌شود در هر حال بچه‌ها را جمع خواهند کرد و هر قسمت را در یک طرف اتاق خواهند نشانید. آنها که کلاس اول

هستند یک طرف و آنها که کلاس دوم هستند طرف دیگر و کلاس سوم یا چهارم را هم در جاهای دیگر خواهد نشانید و به آنان درس خواهد داد اما چه درسی می‌دهد؟

ما حداقل توقعمان این است که به اندازه دو کلاس ابتدائی بتواند به ایشان درس بدهد. شاید هم بتواند بیشتر درس بدهد اما علاقمندان به کیفیت و متخصصین تعلیم و تربیت ممکن است ایراد بکنند که همه‌اش دو کلاس همین؟ یکی از گرسنگی داشت تلف می‌شد مردی آمد که یک لقمه نان به او بدهد منکری آمد و گفت که به، پس زعفرانش کو؟ بلی، ما فقط الان همان یک لقمه نان را می‌خواهیم تهیه بکنیم اما این امر هیچ منافاتی با این ندارد که این کار هم دنباله داشته باشد مگر شما سیستمی سراغ دارید که معلم درس را از کلاس سوم شروع بکند؟ ناچار درس از کلاس اول شروع خواهد شد بعد چه می‌کنیم می‌گویند که اگر این بچه دو سال درس بخواند و بعد دیگر نخواند ممکن است آنچه یاد گرفته یادش برود صحیح است این حرف پربیره نیست. از این عده که در یک خانه دو کلاس را پیش یک معلم درس خواهند خواند شاید معلم بتواند بعداً سه کلاس و چهار کلاس را هم به آنها درس بدهد یک عده‌ای که سنشان بیشتر است یا به حکم ضرورت یا اقتصادی و یا به میل دیگر ترک تحصیل خواهند کرد و ادامه نخوانند داد. مختصری خواندن آموخته‌اند مختصری حساب یاد گرفته‌اند و قابلیت این را خواهند داشت که صورت حساب خرجخانه‌شان را بنویسند؛ بنویسند نان گوشت پیاز و جلو آن هم قیمتش را بنویسند و جمع کنند اما برای اینکه آنچه اینها خوانده‌اند یادشان نرود برای ایشان در همان ده و تحت نظر همان معلمی که می‌فرستیم یک کتابخانه‌ای هم تهیه می‌کنیم کتابها را هم دستور داده‌ایم و اشخاصی مشغول هستند با نهایت علاقمندی و با نهایت توجه به تمام نکات به تعداد زیاد تهیه می‌کنند و این کتابها را می‌فرستیم که در کتابخانه‌های کوچک دهات نگهدارند تا کسانی که خواندن و نوشتن را آموخته‌اند این کتابها را به امانت بگیرند و یا به آنها بفروشند تا آنها بتوانند این کتابها را بخوانند و آنچه آموخته‌اند یادشان نرود اما این کتابها را اول سعی خواهیم کرد کتابهایی باشد که خودشان دوست دارند و بعد سعی می‌کنیم که به همان کتابهایی که دوست دارند یک عده کتابی که مقدمات و اطلاعاتی راجع به کشاورزی راجع به بهداشت و سایر موضوعها به ایشان خواهد داد اضافه کنیم. اینکار جنبه‌های متعدد دارد و اگر بخواهم تفصیل بدهم گفتگو دراز خواهد شد.

اما یک نکته بخصوص قابل یادآوری است و این امر از نظر اقتصاد مملکت اهمیت بسیار دارد و آن رفتن معلم در ده و درس خواندن بچه در ده است به دلیل اینکه معمولاً وقتی که در

ده معلم نباشد بچه‌های ده ناچار روی مقتضیات دنیای امروز که دارد چشم و گوش همه را باز می‌کند یا خودشان مایلند که درس بخوانند و یا پدر و مادرشان به درس خواندن آنها علاقه دارند و ناچار آنها را می‌فرستند به شهر و یک بچه دهاتی که به شهر آید و درس خواند و سواد پیدا کرد دیگر به ده نمی‌رود البته بنده نمی‌گویم که یگانه علت هجوم از ده به شهر یکی از مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی برای مملکت‌هائی نظیر مملکت ماست منحصراً به این امر بستگی دارد. اما باید تصدیق کرد که یکی از علل مهمش هم همین است. به این ترتیب امیدواریم که قسمتی از شهر را لااقل به ده ببریم به جای اینکه ده را به شهر بیاوریم. این کسانی که به ده فرستاده خواهند شد تنها خواندن و نوشتن را به بچه‌ها نمی‌آموزند بلکه ممکنست با همت و سعی خودشان به بزرگ‌ها هم درس بدهند و علاوه بر این به آنها نکته‌هائی در امور مهم بهداشت و کشاورزی بعضی از نکته‌های مهم امور اجتماعی را هم یاد خواهند داد و به این طریق سطح تمدن مملکت بالا می‌رود و بی‌شک تأثیر مهمی در امر اقتصاد مملکت نیز دارد. این نکته ادعای شخصی بنده نیست. اینها نکته‌هائی است که به موجب قوانین علمی از روی موازین علمی به توسط دانشمندان و متخصصین فن تحقیق شده است. و به دستگاه‌های مختلف بین‌المللی و دستگاه‌های عالی داخلی توصیه شده است. حالا خواهید فرمود که گیرم دو کلاس را درس دادند بعد چه می‌شود؟ فکری که کردیم این است که عده‌ای تحصیل را ادامه نخوانند داد و امیدواریم که بتوانیم به آنها کتاب و خوراک ذهنی و معنوی بدهیم تا به این وسیله نه تنها آنچه را که خوانده‌اند فراموش نکنند. بلکه معلوماتشان را تکمیل بکنند و ان شاء الله بعدها وسائلی هم برای تربیت آنها فراهم خواهیم کرد اما عده‌ای که می‌خوانند پیش معلم ده - سر باز دانش - درس بخوانند دو کلاس یا قدری بیشتر می‌خوانند ولی این کافی نیست. فکر کردیم که در مرکز هر چند یک مدرسه بسازیم. این جا دیگر ساختمان لازم است زیرا که صورت مدرسه دارد و در این مدرسه‌ها بچه‌ها را از کلاس سوم قبول می‌کنیم. یعنی دو کلاس را پیش آن معلم خوانده است و برای تکمیل معلوماتش می‌آید در کلاس سوم وارد می‌شود و طبعاً عده کمتر است و عده ساختمان‌هائی که الان بایستی بر آن پرداخت و شروع کرد به این طریق خیلی کمتر خواهد شد. نقشه‌هائی آماده شده است برای مدارس یک معلمی و یک اتاقی ما الان، به عهده نمی‌گیریم که بتوانیم اینها را انجام بدهیم. امیدواریم که خود مردم اینکار را بکنند و در هر دهی اگر الان حاضر هستند یک اتاق بزرگ برای شاگردها تا سال دیگر بسازند بر طبق راهنماییها و کمک‌هائی که دولت خواهد کرد تعداد این مدرسه‌های چهار کلاسه را که در ده از کلاس سوم شروع می‌شود اگر بخواهیم

حساب بکنیم در حدود ده هزار خواهد بود اما عملاً عده‌اش کمتر از این است زیرا بعضی جاها مدرسه دارد و حتی در بعضی جاها که توانسته‌اند مدرسه شش کلاسه بنا کرده‌اند و در آنجاها می‌توانند شش کلاس را در ده بخوانند و بنابراین عده مدرسه‌هائی که لازم داریم خیلی کمتر خواهد شد. اینکار را وزارت فرهنگ شروع کرده است به مطالعه و تهیه وسایل برای اینکه در مرکز چند ده بتوانند یک مدرسه برای دنباله تحصیلات ابتدائی داشته باشد در اینکار هم مسلماً کمک مردم لازم است و بدون این کمک کار انجام نمی‌گیرد ولی من یقین دارم که مردم این کمک را خواهند کرد و حتی شاید از میزان توقع ما هم پیش خواهند افتاد. با این طریقی که برای تعلیمات ابتدائی داریم شاید در هر سال بتوانیم در حدود ده هزار سرباز دانش داشته باشیم. این عده خیلی زیاد نیست و هنوز احتیاجات ما خیلی بیشتر است. مطابق این حساب احتمالی که شده است ما در حال حاضر در حدود پنجاه و چهار پنجهزار معلم اضافی می‌خواهیم تا بتوانیم تمام بچه‌های مملکت را که در سن تحصیل هستند با مقدمات سواد آشنا بکنیم بنابراین این کاره یکساله و دو ساله انجام نمی‌گیرد اما جای امیدواری هست که در ظرف پنج و شش سال بتوان پیش رفت فوق‌العاده کرد. هدف ما در این کار فعلاً به چهار هسته یعنی آدمها و جوانهای آینده هدف فعلی ما هستند اما معنی این امر این نیست که ما از تعلیمات بزرگسالان غافلیم. این کار را هم می‌کنیم ولی بی‌ساز، و نقاره و سنتور، چه احتیاجی دارد که سنتور بزنییم و سر و صدا بکنیم؟ من از در خانه‌ام که بیرون می‌آیم بارها شده است که اشخاص آمده‌اند و کاغذی به من داده‌اند و من باز به خیال اینکه تقاضای اضافه حقوق و ترفیع رتبه و مدیر کلی و این چیزهاست با اوقات تلخی کاغذ را خوانده‌ام. اما وقتی که خوانده‌ام خجالت کشیده‌ام دیده‌ام که کاسبهای محل نامه‌ای نوشته و زیر آن انگشت زده‌اند که برای ما کلاس درست کنید که ما می‌خواهیم درس بخوانیم. ساز و نقاره زدن برای وقتی است که ما معلم کافی آماده کرده باشیم و مردم نیایند و از آن استقبال نکنند آنوقت باید تبلیغات کرد ولی حالا که ما معلم کافی آماده نکرده‌ایم تبلیغات چه فایده دارد؟ هیچ دیده‌اید فروشنده‌ای که مقدار کمی جنس دارد و تعداد زیادی مشتری که این فروشنده مبلغی از سرمایه‌اش را صرف تبلیغات بکند؟ البته وقتی جنس زیاد است و مشتری کم. آنوقت تبلیغات می‌کنند. امیدوارم که با کار تعلیمات بزرگسالان را هم هر چه بیشتر بتوانیم ادامه بدهیم. اینکار را که ما شروع کردیم در این مدت کم و تاکنون بسیار امیدبخش بوده است امیدوارم که بتوانیم آنرا به سامان برسانیم ولی وسایل دیگر هم برای آن لازم است. یکی از منابع و وسایل دیگر برای یک چنین اقدام مهم ملی استفاده از وجود خانمهاست. در بسیاری

از دهات ایران عده خانمها عده زنانی که سواد دارند فوق العاده کم است و خانمها هم اگر واقعاً همت مردانه دارند باید در این کار عظیم ملی شرکت کنند. درست است که خانمها از خدمت نظام وظیفه معاف هستند اما از خدمت به مملکت که معاف نیستند و چه فرصتی بهتر از این که ثابت بکنند که واقعاً شخصیت و لیاقت همدوشی با سایر افراد ملت را دارند گفتگو در این باب دراز شد حال برویم سر کیفیت بعد از تعلیمات ابتدایی تعلیمات متوسط لازم است و مسأله تربیت معلم. من امیدوارم که روش ما روش تربیتی که پیش گرفته شده است در این سپاه دانش لااقل از روش‌هایی که تاکنون برای تربیت معلم ابتدایی داشته‌ایم آثار و نتایج بهتری داشته باشد.

گفته می‌شود که پس دانشسراهای مقدماتی چه شد؟ و بعضی‌ها عزای دانشسرای مقدماتی گرفته‌اند البته که همه می‌دانیم که اگر ما بتوانیم معلم‌ها را دو سال شبانه‌روزی بکنیم و تحت یک تعلیمات بسیار دقیق و عالی قرار بدهیم معلمین بهتری خواهیم داشت. در این که شک نیست اگر هم دو سال بیشتر شود چه بهتر. اما یک حساب ساده به ما نشان می‌دهد که اگر الان بخواهیم معلمین مورد احتیاجمان را با این سیستم تربیت بکنیم لااقل یک میلیارد تومان دیگر اضافه بر بودجه لازم داریم برای این احتیاجات فوریمان آیا گمان نمی‌کنید که آنها یک سنگهای گنده‌ای باشد که بخواهند در راه پیشرفت بیندازند تصور می‌کنید که این حساب ساده را نکرده‌اند اما به دانشسراهای مقدماتی کمال احتیاج را داریم می‌دانید برای چه؟ برای اینکه یک دبستان واقعی کافی نیست که چند آموزگار داشته باشد. این آموزگاران سرپرستی و رهبری و اداره هم می‌خواهند یعنی مدیر دبستان می‌خواهیم. ما احتیاج داریم به یک؟ تعلیماتی برای تعلیمات ابتدایی و اینها را واقعاً با دقت بیشتری بایستی پرورش بدهند. این اشخاص بعقیده من باید از میان آموزگاران انتخاب شوند که چند سال خدمت آموزگاری را کرده باشند و شرایطی دیگری هم داشته باشند و بعد در این مدارس پرورش بیابند و تعلیمات لازم را ببینند نه تعلیماتی که در حدود لیسانس باشد چون ما همه کارهایمان را روی این گروه برده‌ایم. تعلیمات برای اینکه کسی مربی خوب برای تعلیمات ابتدایی باشد و بعد هم بتواند واحدهای تعلیمات ابتدایی یعنی دبستانها را خوب اداره بکند و بتواند سرکشی و سرپرستی و رهبری بکند به این موسسات و به آموزگاران که در کلاسها عملاً مشغول کار هستند. اما تعلیمات متوسط همیشه فریاد بلند است که سطح معلومات پائین است. البته نشنیده‌ایم که زیاد غصه از این باشد که ریاضی شان کم است یا فیزیک و شیمی شان کم است.

البته این نشنیدن دلیل بر این نیست که ریاضی و فیزیک و شیمی شاگردهای ما خیلی خوب است اما علتش اینست که کسانی که ایراد می‌کنند از این چیزها سرشان نمی‌شود یک چیز را می‌بینند و فریادشان بلند است که ای وای اینها فارسی و عربی نمی‌دانند. ای وای ادبیات قدیم متروک شده و راست است. اما یک نکته اصلی را بایستی توجه داشت و او اینست که خودمان بفهمیم که چه میخواهیم؟ فارسی چه جور چیزی است؟ وقتی می‌گویم شاگرد مدرسه ما یا دیپلمه ما فارسی نمی‌داند مقصودمان اینست که چه چیزی را نمی‌داند؟ غرضمان اینست که شاگرد کلاس سوم متوسطه یا شاگرد کلاس ششم متوسطه چقدر و چه نوع فارسی بداند اول وضعمان و نظرمان صریح و روشن بشود که چیست؟ آن یکی میگوید که این جوانها یک کاغذ تقاضای مرخصی یا تقاضای استخدام را درست نمی‌نویسند. یکی میگوید که فلان شعر عربی که در گلستان آمده است درست نمی‌تواند بخواند یکی غصه میخورد که ای وای کلیله و دمنه از دست رفت بچه‌ها با کلیله و دمنه دیگر آشنا نیستند. حتی بعضی تاسف می‌خورند که احادیث و اخبار به گوش این جوانها نخورده اینها چیزی‌های مختلفی است که بایستی حدودش را اول تعیین کرد ببینیم چقدر توقع بایستی داشته باشیم و میزان توقع ما چقدر هست و چه توقع بایستی داشته باشیم بعد بایستی به فکر پرورش کار افتاد که ببینیم برای رسیدن به نتیجه چه روشی باید پیش بگیریم و بعد البته باز مطلب مهمترش همان معلم است آخر این همه غصه که ما می‌خوریم که بچه‌ها سواد فارسی و عربی‌شان عقب رفته می‌دانید چرا اینطور شده است برای اینکه دستگاه فرهنگی ما گمان کرد که فارسی که خوب فارسی است، بنابراین اگر کسی می‌گفت که ریاضی بلد نیستیم، فیزیک بلند نیستیم، شیمی بلند نیستیم، تاریخ و جغرافی بلد نیستیم می‌گفتند خوب برو فارسی درس بده در دستگاه فرهنگی آقای مدیر کل فرهنگ صورتی به من دادند و گفتند که ما به این تعداد معلم احتیاج داریم. دیدم هیچ معلم فارسی احتیاج ندارند. تعجب کردم چون ساعات برنامه ما شامل مواد فارسی هم هست و عده ساعات درس فارسی هم کم نیست پس چطور است که معلم فارسی اصلاً نمی‌خواهند؟ معلوم شد که در این مورد چاله‌ها قبلاً پر شده است در مورد معلم فارسی هر کس که اداره کننده مدرسه بود خیال می‌کرد که این چاله را زود می‌شود پر کرد. چون کم کسی است که شیمی نداند و بگوید من شستی درست میدهم چون زود می‌چش باز می‌شود اما فارسی که یک چیز صریح و روشن نیست همه خیال می‌کنند که میتوانند فارسی تدریس بکنند اما در هر حال برای اینکه سواد فارسی بچه‌ها بهتر شود اول باید تصریح بکنیم که

مقصودمان چیست. دوم اینکه بگوئیم که متد و روش برای رسیدن به این مقصود چیست و سوم اینکه معلم صالح و لایق برای اینکار بایستی تربیت کرد. اما در برنامه متوسط ما هم همین نکته‌ها بایستی ملحوظ باشد. باید ببینیم که مدرسه متوسطه باید چه کار بکنند؟ آیا مدرسه متوسطه جائیست که یک مرد اجتماعی عادی را پرورش می‌دهیم و کسی که ۱۲ سال تحصیل کرد خاصیتش اینست که اطلاعات کلی از دنیای امروز یا از تاریخ و جغرافی قدری ادبیات و سایر چیزها دارد به عنوان مقدمه که بعد برود مشغول کار دیگری بشود؟ این خودش یک قدمی است که به سوی تکامل ملی برداشته میشود باید ما آرزومند باشیم که شاید بتوانیم کاری بکنیم که تمام افراد ملت ما عموماً ۱۲ سال تحصیلات متوسطه را کرده باشند و بعد وارد کار شوند. اما آیا ممکن است ما که در خم کوچه اولیم و هنوز میخواهیم کلاس اول را با این طرحها و نقشه‌ها تامین بکنیم بتوانیم آن کار را بکنیم البته انشاءالله به آن مرحله خواهیم رسید. این یک غرض از تحصیلات متوسطه است که جوانان اطلاعات کلی پیدا بکنند و بعد بکار مشغول شوند. اما غرض دیگر اینست که به وسیله تحصیلات متوسطه جوانان را برای رفتن به دانشگاه آماده بکنیم غرض دیگر ما ممکن است این باشد که در دوره شش ساله متوسط چیزی بجوانها بیاموزیم که با آن بتوانند کاری بکنند و نان در بیاورند و ضمناً برای اقتصاد مملکت هم مفید باشند. نمی‌دانم باز هم هدف و غرض دیگری ممکن است باشد یا نه؟ شاید هم باشد ولی این سه تا مهمتر است. حالا ببینیم این برنامه متوسطه کدامیک از این اغراض را تامین می‌کند و برای تامین کدامیک از این اغراض بوجود آمده است؟ ما خواسته‌ایم که همه را با هم مخلوط بکنیم. مطالعاتی که در برنامه متوسطه میشود خیلی مختلف است هم شنیده‌ایم که آقا این جوانها که کاری از دستشان بر نمی‌آید. این ایراد مبتنی بر این اصل است که جوان متوسطه دیده باید کسی باشد که کاری از دستش برآید. اگر هدف ما اینست که متاسفانه برنامه متوسطه برای اینکار تدوین نشده است. برنامه متوسطه بنظر من بیشتر برای این درست شده است که جوانها را برای رفتن بمدارس بالاتر آماده بکند و به همین جهت است که این شُبّه هست که اگر کسی دیپلم متوسطه را گرفت تحصیلاتش ناقص است. همه تصور می‌کنیم که بچه اگر رفت بکلاس ابتدائی از آنطرف باید دکتر در بیاید و همه باید دکتر بشوند. گمان نمی‌کنم که این تصور درستی باشد. آیا همه افراد واقعاً استعداد و لیاقت اینکار را دارند؟ چون این البته یک کاریست ولی کاری‌های دیگر هم هست که فایده‌اش ارزشش احترامش کمتر از لیسانسیه شدن نیست. اما ما همین یکره را یاد گرفته‌ایم.

برای همین یکره هم آیا برنامه ما مناسب است و آنرا خوب اجرا کرده‌ایم؟ جواب منفی است دانشگاه‌های ما شکایت دارند از اینکه جوانها مقدمات را به اندازه کافی نیاموخته‌اند که بتوانند تحصیل دانشگاهی کنند پس نمی‌دانیم که با کمال چه نتیجه و چه غرضی حاصل کرده‌ایم مسلم اینست که ما به فکر آن نیستیم که تا حدی که ممکن است بتوانیم جوانهای مملکت را میان موسسات مختلف تعلیماتی توزیع کنیم. بنده گمان می‌کنم که این درست باشد که بگویم فرض کنید یک برنامه ۱۲ ساله داشته باشیم که در آن همه چیز را مخلوط کنیم. قدری اقتصاد قدری مکانیک قدری ماشین سواری قدری رانندگی قدری ماشین‌شناسی قدری فلسفه ارسطو قدری شیمی همه چیز را مخلوط کنیم و آنوقت دلخوش بشویم که جوانهای ما همه چیز را یاد می‌گیرند. اول نتیجه را باید در نظر گرفت. مسلماً ما در دوره دوم متوسطه میتوانیم شعب مختلف تاسیس بکنیم برای اینکه اشخاص به حرفه‌های مختلف بپردازند و یکی از کارها هم این باشد که بروند به دانشگاه و مثلاً فیزیک یا ریاضیات عالی بخوانند که در موسسات عالی از آن استفاده شود یا معلم ریاضی بشوند یا حد اعلی استاد ریاضی در همان دانشکده بشوند. یک قسمت دیگر کار که در برنامه متوسطه شایسته و سزاوار است که مورد مطالعه دقیق اهل فن قرار بگیرد تعداد مواد است. باید در این باب تأمل کنیم. آیا اینست که ما از کلاس اول متوسطه چند قطره شیمی چند قطره فیزیک. چند قطره علوم طبیعی در گلولی شاگرد بچکانیم و در سال بعد چند قطره بهر کدام اضافه کنیم؟ آیا مقصود از تعلیم علوم این نیست که یک امدادگی ذهنی برای شاگرد حاصل بشود و با سیستم علم آشنا بشود و وقتی این منظور حاصل شد آنوقت خواندن شیمی و فیزیک و طبیعیات و سایر رشته‌ها کار مشکلی نیست. این نکته قابل توجه است که آیا تعلیم علوم به این طریق ذره ذره بهتر است یا اینکه یک ماده‌ای به عنوان علم بگذاریم در اینجا ولی آن چیزی که درس می‌دهیم درست درس بدهیم که یک چیزی از آن یک علم بفهمد که اگر بخواهد در مراحل بالاتر دنبال علم را بگیرد بداند که علم چیست؟ اما اینطور که ذره ذره یا می‌دهیم آیا نمی‌ترسیم که آخرش بفهمند که مقصود از علم چیست؟ البته این مطلب را به عنوان عقیده جازم بیان نمی‌کنم ولی به عنوان القا یک فکر عرض می‌کنم که باید عمیقاً مطالعه بکنند و آنرا درست بفهمند در این دوره متوسطه باید کمال کوشش را برای تعلیمات حرفه‌ای بکار برد. عده‌ای از افراد مملکت میل دارند و استعدادشان در این دوره متوسطه حکم می‌کند که حرفه‌ای یاد بگیرند و بشغلی مشغول شوند هیچ لازم نیست که این عده مسائل علمی و نظری

را بیاموزند و بهر حال اگر همه این کار را بکنیم که مملکت نمی تواند دوام پیدا کند البته از نظر اقتصاد تعلیمات حرفه‌ای برای مملکت خیلی مؤثر است ولی این امر گفتنش آسانتر از عمل کردن است زیرا تعلیمات حرفه‌ای وسایل لازم است و هر شاگرد مدرسه حرفه‌ای چندین برابر یک شاگرد عادی متوسطه خرج دارد در بسیاری از ممالک صنعتی دنیا این اشکال وجود ندارد برای اینکه این وسایل را غالباً کارخانه‌هایی که باین قبیل افراد احتیاج دارند خودشان می دهند و حتی بمدارس سفارش می دهند که اینقدر برای ما در امسال مکانیسم تربیت کنید چون به آنها احتیاج داریم اما به حکم ضرورت مجبوریم که کار را از طرف مقابل شروع کنیم یعنی اول اشخاص صنعتی و اشخاص حرفه‌ای تربیت کنیم بعد در ضمن این کار با وسایل دیگری که مربوط به فرهنگ نیست در فکر این هم باشیم که مملکت را صنعتی بکنیم تا این اشخاص بکار مشغول شوند البته وقتی اینکار صورت گرفت و مملکت صنعتی شد بعد خرج به راه خواهد افتاد. اما در حال حاضر کار مشکل است و بار بزرگی بر دوش مملکت است که تا بتوانیم این موسسات حرفه‌ای را آن مقدار که باید توسعه بدهیم با اینهمه باید ناچار این کار را کرد و کوشش عظیمی باید در این راه بکار برد که این نوع موسسات تعلیمات حرفه‌ای هر چه ممکن است زیادتر بشود بشرط اینکه قبلاً حساب کار شده باشد و بدانیم که چرا اینها را تربیت می کنیم زیرا که هم از نظر اقتصاد مملکت این مطلب مهم است و بسا هست که پول مملکت را برای تربیت عده‌ای صرف کنیم که خودشان بیکار بمانند و هم پولی را که برای تربیت ایشان صرف شده است بهدر برود. یک مقدار از این نوع مؤسسات چه قبل از تحصیلات عالی دانشگاهی و چه در حدود تحصیلات دانشگاهی سابقاً درست کرده ایم و متأسفانه نتایجش خوب نبوده است.

مطلب گفتنی زیاد است اما مختصری هم در باب تحصیلات عالی عرض می کنم و مجلس را ختم کنیم. تحصیلات عالی برای مملکتی مثل مملکت ما درست نقطه مقابل تحصیلات ابتدائی است. اگر آن برای همه فوری و مهم واجب است که برای اینکه انسان باشند برای کسب حیثیت انسانی باید سواد داشته باشند مختصری خواندن و نوشتن و قدری حساب و مقداری هرچه بیشتر بهتر اطلاعاتی از تاریخ و جغرافی مملکت و غیره، تحصیلات عالی دیگر الزامی نیست تحصیلات عالی برای یک نتیجه دیگر غیر از این موضوع است حالا یک مسئله پیش می آید و آن آزادی تحصیل است و بعضی ها اینطور اعتراض می کنند که شما می خواهید جلو آزادی تحصیل را بگیرید. به شما چه مربوط است یک جوانی است

می‌خواهد زبان کره‌ای یاد بگیرد شما چه حقی دارید که منعش بکنید البته درست می‌گویند و هیچ نوع منع و اجباری اینجا درست نیست مشروط بر اینکه پول ملت برای مصارف غیر ضروری خرج نشود و مؤسساتی که ملت باید پول آنها را بدهد و مالیات بدهد از آن محل به زحمت مبلغی پول دست و پا بکنیم و آنرا صرف بکنیم در امری که ابادا مورد احتیاج نیست و در مقابل رشته‌های مورد احتیاج معوق بماند و احتیاجات عادی ملی ما رفع نشود روزی یک مجلسی داشتیم در آنجا یکی از اعضای عالی‌رتبه شرکت ملی نفت به من گفت که ما به سیصد نفر تحصیل کرده احتیاج داریم که هرچه می‌گردیم نمی‌توانیم پیدا بکنیم و در مقابل ۵۰۰ نفر عضو داریم که احتیاجی به آنها نداریم آیا این از نظر مصالح مملکت درست که اینکار را بکنیم یعنی ۵۰۰ نفر جوان را ببریم درس بدهیم در رشته‌ای که وسیله تأمین معاش خودشان نیست و وسیله کمک به اقتصاد مملکت هم نیست و برای ۳۰۰ نفر دیگر جای خالی داشته باشیم و مجبور بشویم آنها را از خارج بیآوریم این امر نظایر بسیار دارد یک عده‌ای از لیسانسیه‌ها و جوانان مملکت بیکارند امسال وزارت فرهنگ اقدام کرده است که ۹۶ نفر لیسانسیه ریاضی می‌خواهد برای احتیاجات فوری و برای تدریس در کلاس‌های همین امسال، ۶۰ نفر لیسانسیه فیزیک می‌خواهد و ۵۷ تا ۸ لیسانسیه شیمی می‌خواهد ارقامش به تحقیق یادم نیست ولی در بسیاری از این رشته‌ها ما اشخاص واجد شرایط و عده مورد احتیاج را پیدا نکرده‌ایم امروز لیسانسیه ریاضی آنقدر وجود ندارد که بتواند در کلاسهای امسال ما درس بدهد در مقابلش نمی‌دانیم چرا لیسانسیه طبیعیات خیلی زیادتر از آنچه می‌خواستیم وجود دارد و ما معلم می‌خواستیم که برود در سر کلاس و درس بدهد معلم را برای تماشا که نمی‌خواهند نمی‌توانستیم بگوئیم لیسانسیه طبیعیات برود ریاضیات درس بدهد ملاحظه می‌کنید که این سوء تقسیم نتایج خوبی ندارد از یک طرف یک عده جوانهای مملکت که حق حیات دارند و باید یک کاری بکنند اینها در یک رشته تحصیل کرده‌اند که مورد احتیاج فوری لااقل برای مملکت نیستند و در مقابل مملکت احتیاجاتی دارد که برای تأمین آنها کاملاً معطل مانده است برای اینکه از اول پیش‌بینی نشده که چه اشخاص برای چه کارهایی لازم است در بعضی قسمت‌های دیگر شاید طرز تقسیم کار عیب دارد زیرا یک عده‌ای لیسانسیه‌های کشاورزی بیکار مانده‌اند اینها چرا باید بیکار بمانند لیسانسیه کشاورزی تکلیفش معلوم نیست که باید کشاورزی بکند آیا از اول فکر کرده بودیم که این جوانها را چطور تربیت بکنیم چه کاری از آنها برمیآید البته آقایان لیسانسیه کشاورزی چهل نفرشان

بلکه ۵۰ نفرشان ممکن است مدیر کل وزارت کشاورزی بشوند اما بالاخره بقیه‌شان چکار باید بکنند ملاحظه میفرمائید که مطلب اینطور نیست البته آزادی تحصیل صحیح است و هر جوانی باید آزاد باشد که هر رشته‌ای که خواست تحصیل بکند البته هر رشته‌ای مفید است بنده زبان کره‌ای را مثل زدم ولی زبان کره و زبان سیام و زبان لاشین زبان سرخ‌پوستهای امریکا اینها رشته‌ای است که اتفاقاً بخود من مربوط است و البته مورد مطالعه باید قرار بگیرد خیلی هم از نظر اصول زبانشناسی مهم است اما باید ببینیم آیا مورد احتیاج فوری همان هست یا نیست؟ تعلیمات عالی بخلاف تعلیمات ابتدائی مدام که مملکت احتیاجات معینی دارد باید برای رفع این احتیاجات کار کند پس از اینکه احتیاجات مادی رفع شد و سطح اقتصاد مملکت بالا رفت البته از همین وجوه درآمد عمومی و سرمایه ملت قدری هم برای علم محض برای ارضای حس کنجکاوی برای ارضای شوق خاص و هوس که هر کس دارد سزاوار است که خرج بشود اما بعد از اینکه احتیاجات عامه رفع شد والا اگر غیر از این بکنیم نتیجه همینطور میشود که ۵۰۰ نفر در یک رشته کار کرده‌اند و بلا تکلیف هستند و ۳۰۰ نفر مورد احتیاجند و نیستند البته مساله عمق معلومات که در اینجا پیش می‌آید خودبخود حل خواهد شد وقتیکه علاقه تحصیل کرده‌ها زیاد شد و علاقه داوطلب زیاد شد خواه ناخواه همینطور می‌شود که حالا شده است یعنی عده‌ای کثیری می‌آیند می‌روند بدر دانشکده ناچار دانشکده‌ای که جای همه آنها را ندارد و نباید هم داشته باشد میان آنها مسابقه می‌گذارد و در مدرسه عالی هم دقت بیشتری باید بشود و می‌شود و بالتیجه آدمهای باسوادتر و عمیق‌تر پرورش پیدا می‌کنند این عرض کردم خودبخود البته منظور اینست که بی هیچ کوششی می‌شود و حتماً طرحهای اساسی برای پیشرفت معلومات جوانان در نظر گرفت اما ضرورت هم به آن کوشش که ما خواهیم کرد کمک می‌کند چرا این همه جوانها بدانشگاه‌ها رومی‌آورند و غالباً شکایت میشود که جوانهای ایرانی بیکار پشت در دانشگاه مانده‌اند و راه چاره‌ای هم که بنظر می‌آید اینست که خوب پس دانشگاه را زیاد کنیم یک دانشگاه کم است دو تا کم است سه تا کم است شش تا درست کرده‌ایم بعضیها دروغکی و بعضیها هم راست ۶ تا هست دوازده تا دیگر درست کنیم اینکار نتیجه اینست که تصور کنیم بمدرسه ابتدائی رفت باید دکتر و لیسانسیه بشود در حالی که که چنین چیزی نیست چرا ما اینقدر شوق داریم حالا که خود مانیم «بشرط آنکه زمجلس سخن بدر نیرو» دنبال و جهش می‌رویم این پته خزانه است جوانها میخواهند بروند بدانشگاه برای اینکه بعد از گرفتن پته بهتر استخدام بشوند و

مواجه بیشتر بگیرند و احتیاجاً لیسانس هم بگیرند و گمان می‌کنند که این راه یافتن تامین آینده ایشانست و دلیلشان هم این است که نمیتوانند لیسانسیه‌ها زودتر کار پیدا کنند ولی دیپلمه‌ها بیکارند اما چرا لیسانسیه‌ها زودتر کار پیدا می‌کنند و حقوق بیشتری هم می‌گیرند آنها از یک نکته غافلند علت اینکه لیسانسیه‌ها زودتر کار پیدا می‌کنند برای این است که عده‌شان کمتر است اینها که سالی ۳ هزار تا بیرون می‌آیند کار پیدا کردن برایشان آسانتر است تا دیپلمه‌های که سالی ۱۵ هزار تا بیرون می‌آیند و اگر آنها هم سالی ۱۵ هزار تا از این کارخانه بیرون بیایند عین این اشکال وجود دارد پس این در دانشگاه تا آن در دانشگاه برای همین است که این در دانشگاه هم راه تامین زندگی نمی‌تواند باشد پس راه دیگری باید پیدا کرد و گفتگو که به اینجا رسید درد دل خیلی زیاد شد ما خیلی در تعلیمات عالی قصور می‌کنیم و شاید بیشتر در این قسمت قصور می‌کنیم تا در تعلیمات متوسطه و ابتدائی اما گمان می‌کنیم بهتر است اینجا که به درد دل رسیدیم گفتگو را کوتاه بکنیم و این بحث را بگذاریم برای نوبت دیگر که فرصتی بدست می‌آید و بحث بکنیم که تحصیلات عالی ما از جهات مختلف چه نقصهائی دارد و چه چاره‌ای برای آن می‌توان اندیشید.

بنده عرضم را تمام می‌کنم و دلم می‌خواهد که اگر کسی سئوالی داشت بتوانم جواب بدهم نمی‌دانیم که وقت اجازه اینکار را می‌دهد ولی در هر حال چند دقیقه‌ای صرف اینکار می‌کنم و استدعا می‌کنم آقایانی که سئوالی دارند تشریف بیاورند که اینجا سئوال بفرمایند بنده هم جواب بدهم.

[خانلری]

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

٤

منابع تحقيق

منابع تحقیق

- هدایت، عیسی، «جواب به آقای دکتر خانلری دربارهٔ صادق هدایت»، نگین، ش ۲۹ (۱۳۴۷): ۱۲-۱۳، ۶۶.
- ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا، «شهر سمک»، نشر دانش، ۶ (۱۳۶۴): ۲۰-۲۲.
- فاضلی بیرجندی، محمود، «گشت و گذار در شهر سمک»، کیهان فرهنگی، ۴ (۱۳۶۶): ۱۱/۴۸-۴۴.
- یوسفی، غلامحسین، «داستانهای بیدپای»، نشر دانش، ۴ (۱۳۶۳): ۳۴-۳۸/۳.
- اجلالی، امین پاشا، «چند نکته قابل تأمل در دیوان حافظ چاپ دکتر خانلری»، نشر دانش، ۷ (۱۳۶۶): ۳۱۱-۳۰۷.
- برهانی، مهدی، «آخرین حرف دربارهٔ حافظ خانلری، قزوینی غنی»، حافظ شناسی، ۳ (۱۳۶۵): ۱۲۳-۱۴۸.
- برهانی، مهدی، «حافظ قزوینی - غنی یا خانلری، کدام؟»، حافظ شناسی، ۱ (۱۳۶۴): ۶۷-۱۱۰.
- پرواز، سیاوش، «دربارهٔ بعضی لغات و تعبیرات دیوان حافظ»، کیهان فرهنگی، ۲ (۱۳۶۴): ۳۸-۳۰/۱.
- تنکابنی، فریدون، «نگاهی به نوشته‌های شاملو دربارهٔ حافظ دکتر خانلری»، آرش، ۶ (تیر ۱۳۷۰): ۱۸-۲۱.
- کاووسی، هوشنگ، «روش جهل و جعل در نقد و تفسیر»، دنیای سخن، ش ۴۰ (اردیبهشت ۱۳۷۰): ۲۸-۳۸.
- نجفی، ابوالحسن، «حافظ نسخهٔ نهائی»، دربارهٔ حافظ، تهران، (۱۳۶۵): ۱۲۱-۱۴۰.
- نذیر احمد، «نظری در دیوان حافظ چاپ دکتر خانلری»، ایوان نامه، ۷ (۸-۱۳۶۷): ۱۲۶-۱۴۰.
- نوریان، مهدی، «حوزهٔ انتقال»، حافظ شناسی، ۴ (۱۳۶۶): ۲۳۰-۲۳۹.

- هروی، حسینعلی، «در جواب نکته‌گیر بر حافظ چاپ خانلری»، نشر دانش، ۸ (۱۳۶۶): ۶۷-۷۱.
- هروی، حسینعلی، «دو نکته دیگر بر حافظ چاپ خانلری»، مقالات حافظ، تهران، (۱۳۶۸): ۵۵۶-۵۷۲.
- هروی، حسینعلی، «دیوان حافظ»، نشر دانش، ۴ (۱۳۶۴): ۱۰۱-۱۱۳.
- هروی، حسینعلی، «سخنی از تصحیح جدید دیوان حافظ»، مقالات حافظ، تهران، (۱۳۶۸): ۳۴۳-۳۶۴.
- هروی، حسینعلی، «نکته‌هایی در تصحیح دیوان حافظ»، مقالات حافظ، تهران، (۱۳۶۸): ۴۳۹-۴۸۷.
- هروی، حسینعلی، «یادداشت»، حافظ‌شناسی، ۶ (۱۳۶۶): ۱۳۳-۱۳۴.
- افشار، ایرج، دکتر پرویز ناتل خانلری، آینده، ۱۶ (۱۳۶۹): ۶۴۸-۶۶۳.
- صدرالدین، از خاطرات ادبی دکتر پرویز ناتل خانلری درباره ملک‌الشعراء بهار، ایرانشناسی، ۳ (۱۳۷۰): ۳۹۴-۴۱۵.
- الهی، صدرالدین، شمار صحبت... امید، ش ۱ (مهر ۱۳۶۰): ۱۲-۱۵ و ش ۲ (آذر ۱۳۶۶): ۱۹-۱.
- پارسی‌نژاد، ایرج، استاد: دکتر خانلری، ایرانشناسی، ۳ (۱۳۷۰): ۲۳۹-۲۴۳.
- نام، مهدی، سخن‌سنجی گرانمایه، قافله سخن، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۱۷-۳۲۸.
- تقی‌زاده، صفدر، آخرین نوشته‌ای که خانلری در دست داشت، دنیای سخن، ش ۳۴ (مهر ۱۳۶۹): ۱۴-۱۵.
- جعفری، عبدالرحیم، خانلری و کتابهای درسی، قافله سالار سخن، تهران، ۱۳۷۰، ۳۲۹-۳۳۵.
- خانلری، پرویز، چند برگ از دفتر خاطرات خانلری، بنیاد فرهنگ، ایرانشناسی، ۳ (۱۳۷۰): ۳۹۱.
- خانلری، پرویز، خاطرات، به کوشش یدالله جلالی پندری، آینده، ۱۶ (۱۳۶۹): ۴۲۷-۴۴۸ (مصاحبه).

- خانلری، پرویز، [مصاحبه با یدالله جلالی پندری]، *هفتاد سخن*، (۱۳۷۰): ۳۱۶-۳۲۰.
- خانلری، پرویز، [مصاحبه]، *دنیای سخن*، ش ۳۴ (مهر ۱۳۶۹)، ۸-۱۰.
- خانلری، پرویز، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۳۷-۳۴۱.
- خطیبی، حسین، به یاد دوست از دست رفته‌ام، *قافله سالار سخن*، تهران: ۱۳۷۰، ص ۳۴۳-۳۵۲.
- سادات اشکوری، کاظم، نیما و خانلری، *دنیای سخن*، ۳۴ (مهر ۱۳۶۹): ۲۰-۲۱.
- سرکوهی، فرج، عمری دو هزار و پانصد ساله، آدینه، ش ۴۹ (شهریور ۱۳۶۹): ۸.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر، خانلری ۲۵۰۰ ساله، *دنیای سخن*، ش ۳۴ (مهر ۱۳۶۹): ۱۸.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، خانلری و تحقیقات ادبی، *دنیای سخن*، ش ۳۴ (مهر ۱۳۶۹): ۱۶-۱۷.
- شهریاری، پرویز، نشریه علمی سخن، *قافله سالار سخن*، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۵۷-۳۶۲.
- منیر، خانلری و شاگردانش، *ایران شناسی*، (۱۳۷۰): ۲۴۴-۲۴۶.
- بزرگ، خانلری فرهنگی و خانلری سیاسی، *دنیای سخن*، ش ۳۴ (مهر ۱۳۶۹): ۱۰-۱۲.
- بلی، محمد، زنده یاد دکتر خانلری گرانیهایش، *قافله سالار سخن*، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۶۹-۳۷۹.
- ش، محمود، [دکتر پرویز ناتل خانلری]، *اصل کتاب*، ۳ (۱۳۷۰)، ش ۲: ۱۱۴-۱۱۸.
- جلال، [درباره دکتر پرویز ناتل خانلری]، *ایران شناسی*، ۳ (۱۳۷۰): ۲۳۳-۲۳۸.
- مجتبائی، فتح الله، دوستان و دشمنان خانلری، *دنیای سخن*، ش ۳۴ (۱۳۶۹): ۱۹.
- مجتبائی، فتح الله، پرویز ناتل خانلری، *ایران فا*، (۱۳۶۸/۹): ۶۵۶-۶۶۴.
- وب، محمدجعفر، [دکتر پرویز خانلری]، *ده آورد*، ش ۲۶ (زمستان ۱۳۶۹): ۲۹-۳۰۴.
- فلاح، حسینعلی، خانلری و موسیقی، *قافله سالار سخن*، تهران، ۱۳۷۰: ۳۹۰-۴۰۱.
- نادرپور، نادر، خانلری و نثر جدید دبیری، *دنیای سخن*، ش ۳۴ (مهر ۱۳۶۹): ۱۹-۲۰.
- نادرپور، نادر، از بلندیها به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری، *آینده*، ۱۶ (۱۳۶۹): ۶۴۳-۶۴۷.
- نادرپور، نادر، کتب «سخن» و نثر «دبیری» پژوهشی کوتاه شیوه نگارش دکتر پرویز ناتل خانلری، *ایران شناسی*، ۳ (۱۳۷۰): ۲۴۷-۲۵۵.

- نادرپور، نادر، کتب سخن و نثر دبیری، پژوهشی کوتاه به شیوه نگارش دکتر پرویز ناتل خانلری، قافله سالار سخن، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۹۷-۳۰۹.
- یارشاطر، احسان، درگذشت سخن سالار: پرویز ناتل خانلری، ایرانشناسی، ۲ (۱۳۶۹): ۴۷۱.
- یارشاطر، احسان، درگذشت سخن سالار، قافله سالار سخن، تهران، ۱۳۷۰، ص ۴۲۱-۴۲۸.

۵

گزیده اسناد

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

علی اکبر دهخدا

(۱۲۹۷-۱۳۳۴ ش)

صفحه سفید

۱: زندگینامه

در سال ۱۲۹۷ ه.ش. برابر با ۱۸۷۹ م در تهران به دنیا آمد. پدرش مرحوم خانباخان پیش از تولد او، از قزوین به تهران کوچ کرد و در این شهر اقامت گزید. میرزا علی اکبر زبان عربی و معارف اسلامی را نزد استادان عصر از جمله شیخ غلامحسین بروجردی و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی آموخت و زبان فرانسه و سایر علوم را در مدرسه‌ی سیاسی تهران فراگرفت. پس از فراغت از تحصیل در معیت مرحوم معاون‌الدوله‌ی غفاری که مأمور سفارت ایران در بالکان بود به عضویت در همان سفارت‌خانه رسید و عازم بخارست شد. دهخدا دو سال در اروپا و بیشتر در وین (اتریش) اقامت کرد و به تکمیل زبان فرانسه و دانش‌های جدید خود پرداخت. پس از بازگشت به ایران به خدمات فرهنگی اشتغال ورزید و با همکاری میرزا جهانگیرخان روزنامه‌ی صوراسرافیل را منتشر کرد. دهخدا در هر شماره‌ی این روزنامه مقاله‌های کوتاهی به نام «چرند و پرند» می‌نوشت که در انتقاد از وضع حاکم و مبارزه با ظلم و خرافات بود. از همین زمان واژه‌ی دهخدا و نیز دخو به نام علی اکبرخان قزوینی افزوده شد. در کودتای ۱۳۲۶ روزنامه‌ی مذکور تعطیل شد و در روز تخریب مجلس، به همراه چند تن دیگر در مجلس شورای ملی متحصن بود ولی یک شب به همراه سیدحسن تقی‌زاده از تحصن گاه خارج شد و چون روز برآمد و مجلس را به توپ بستند به سختی خود را به خارج از آن جا رساندند. دهخدا سرانجام به خارج از کشور تبعید شد و از راه باکو به اروپا رفت و در پاریس و سوئیس اقامت کرد. در پاریس روزنامه‌ی صوراسرافیل را تا سه شماره منتشر نمود. او از سوئیس به ترکیه رفت و در استانبول روزنامه‌ای هفتگی به نام سروش را تا چهارده شماره منتشر کرد. پس از فتح تهران به وسیله‌ی مجاهدین، دهخدا از ترکیه به ایران بازگشت و به نمایندگی مردم کرمان و تهران به مجلس شورای ملی راه یافت. با آغاز جنگ جهانی اول و حرکت قشون روسیه به سوی تهران، دهخدا به چهارم‌حال بختیاری رفت و تا پایان جنگ در روستای ده کلاته به سر برد. پس از پایان جنگ از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و ادبی و فرهنگی پرداخت و یک چند رئیس کابینه‌ی وزارت معارف و چندی رئیس اداره‌ی تفتیش وزارت عدلیه و نزدیک هفده سال رئیس مدرسه‌ی علوم سیاسی بود. از کارهای مهم او تأسیس جمعیت مبارزه با بیسوادی در اسفند ۱۳۲۵ ه.ش. است او پس از

جنگ جهانی دوم از کارهای دیوانی به کلی کنار گرفته و اوقات خویش را صرف تألیف لغت‌نامه نمود. پس از کودتای ۲۸ مرداد، دهخدا به اتهام همکاری با جبهه‌های ملی و دکتر مصدق، با بی‌مهتری دستگاه حاکم مواجه شد و خانه‌نشین گردید و سرانجام در روز دوشنبه هفتم اسفند ۱۳۳۴ ه.ش. درگذشت و جنازه‌ی او در بامداد روز چهارشنبه در ابن بابویه شهر ری دفن گردید.

۲

آثار

۱- کتاب

- ابوریحان بیرونی، تهران، ۱۳۲۴.
- اشعار دهخدا، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۳۴، ۱۳۵+۳۷ ص.
- اشعار دهخدا، (منتخب)، به کوشش عبدالغفار طه‌وری، تهران، ۱۳۳۴، ۶۴ ص.
- امثال و حکم، تهران، ۱۳۰۸، [۴ مجلد].
- چرند و پرند، تهران، ۱۳۴۱.
- دیوان اشرف غزنوی، محمد تقی مدرس رضوی و اصلاحات دهخدا و فروزانفر، تهران، ۱۳۲۸.
- لغت‌نامه.
- منتخبی از اشعار دهخدا، تهران، ۱۳۳۳.

۲-مقالات

- «تاریخچه زندگانی یوسف اعتصامی»، بهار، چاپ اول، دوره اول، ص، ب - و.
- «نامه به امین‌الضرب درباره راه خراسان»، ساختمان، ۱(۱۳۶۶): ۱-۷-۹.
- «ترکیبات حافظ»، حافظ شناسی، ۱۳(۱۳۶۹): ۱۶۲-۱۶۶.
- «یادداشت‌هایی درباره اشعار حافظ»، درباره حافظ، تهران، ۱۳۶۹/۳۵-۵۴.
- «سه نامه تکان‌دهنده از دهخدا»، خواندنی‌های تاریخی، تهران، ۱۳۶۲/۸۰-۸۸.
- «نامه‌ای از علی اکبر دهخدا»، ایران نامه، ۶(۱۳۶۶): ۲۸۰-۲۸۲.

۳

اسناد

۱

۳۰/سرطان/۱۳۳۰

قربانت شوم بنده جناب مستطاب عالی تابحال معروف باجحاف و زیاده‌طلبی نبوده است که حالا بخواهد صد و هفتاد تومان هم از این خوان یغما حق بخواهد. وقتی که حاصل زحمات بی‌اجر هفت - هشت نفر دیوانه مثل بنده یعنی دولت قویشوکت امروزیرا به تقسیم گذاشتند نه به مطالبه این بنده بلکه بملاحظات عمیق‌تر از آنچه بفهم بنده برسد هیئت دولت آنوقت از الاحضرت اقدس نایب‌السلطنه روحی فداه گرفته تا کابینه وزراء بالتماس و الحاح این بنده را بنوشتن در روزنامه آفتاب برخلاف میل خود بنده مجوز نمودند و پس از چندروز رقیمه از طرف جناب مستطاب عالی آقای قوام‌السلطنه وزیر داخله به بنده رسید که در آنجا یکصد و پنجاه تومان برای بنده ماهیانه مقرر فرموده و درخواست قبول اوامر سابقه هیئت وزراء را نموده و از قلم...!! از بنده استمداد خواسته بودند. بنده به هیئت وزراء رفته و اظهار کردم با اینمقدار قلیل و از این کار مجهول‌التبیجه (که عبارت از حمایت دولت امروزی باشد) قبول این مدت مسئله و مشمول با صد دینار باز، از ته چاه بیرون آوردن است. فرمودند: موجب تو را دوپست تومان مقرر میکنم. بنده آمدم ولی بدبختانه بعوض اینکه بنده معنی و مقصود دولت را دانسته و فهمیده، قلم بکاغذی بگذارم بهمان ظواهر فرمایشات دولت!! قناعت کرده یعنی با قلم... خودم با کمال سادگی دفاع یا تقویت اذهان ظواهر الفاظ کردم. غافل از اینکه هیئت دولت یا دیپلمات است و فرمایشهایشان هفتاد و چند هزار بطن دارد که ادراکه قاصر بنده و امثال بنده از فهم آن عاجز است. پس از یک ماه و چند ساعت و چند دقیقه و چند ثانیه کم (بحساب بانکی کردی لیونر فرانسه) پشت دولت، بنده و آقای آقا میرزا قاسم خان و آقای آقا میرزا محمدصادق طباطبائی دامت برکاته را خواسته و با زبان فصیح فرمودند که: این روزنامه را ما می‌خواهیم کلاً بتو و میرزا قاسم خان واگذار کنیم. یعنی مدیر آنوقت را لایق نشمردند و خواستند بنده را؟؟؟ باین مقام نبیل سرافراز فرمایند و امر فرمودند که شما از حالا بروید و تهیه مواد مادی و معنوی برقی تشکیل اداره بکنید. بنده شرمنده غافل از اینکه در زیر این صورت بنائی است که فقط وزاری مملکت میدانند با کمال فلاکت یا فلک‌زدگی مشغول تهیه مقدمات شده و قریب چهل پنجاه تومان هم به داخله و خارجه همان گراوور و غیره داده و هر دو سه روز یک بار هم در هیئت وزراء مذاکره این روزنامه و بودجه آن و

وا گذاشتن آن به بنده بعمل می آمد و هر سه چهار شب یک مرتبه هم یک یا دو نفر از وزراء عظام بنده و آقای طباطبائی را به منزل خودشان دعوت کرده و در این باب سه ساعت الی شش ساعت ملاقاتها و شرح و بیانهای غراء مجری می شد. در این اثناء که تقریباً سه، چهار ماه طول کشید والا حضرت اقدس هم چندین دفعه کلیه های قصه حضوراً از هیئت وزراء فرموده اند و در اسم بنده تکیه فرموده و حتی گاهی کار راجع به همین روزنامه به تغییر و تشدد هم کشید به هنگام تشریف فرمائی بفرنگ هم همانطور که سابقاً عرض کرده ام اگر قبول بفرمائید که بنده دیپلمات نیستم، به هر چه مقدس است، قسم که بی کوچکترین به اشاره و ابراز این بنده از مستقیم یا غیر مستقیم دستخطی به وزارت داخله فرموده اند و همانطور که جناب مستطاب آقای قوام السلطنه وزیر داخله سابق وعده فرموده بودند و حالا هم امر این پول تصدیق شفایابی و کتبی گمان میکنم امتناع داشته باشند. مقرر داشته و کسر این یکصد و هفتاد تومان طلب بنده از بابت بقیه حقوق یکماهه پرداخته شود.

این تاریخ اما مطلب این است که اگر بحساب دقیق ارباب جمشید چند روز و چند دقیقه بنده کمتر از یکماه در اداره آفتاب بوده ام برحسب امر هیئت وزراء بوده که بنده را به تهیه روزنامه دیگری مامور فرستادیم یعنی از برج جدی تا اواسط ثور!! بنده در [این] مدت شش هفت سال همیشه مقام اول را داشته ام و چون تا حال دزدی نکرده ام، عموم را میجانی هم نمی دهم. یکصد و هفتاد تومان طلب بنده نیست از جدی تا ثور طلبی بنده هشتصد تومان و کسری می شود ولی چون حالا از همان قدرشناسی دولت به فرا شباشی گری حیاط عدلیه مفتخر و سرافرازم از آن چند ماه بازی دیپلماتی!!! عرض می کنم ولی از آن یکصد و هفتاد تومان که همین وزیر داخله آنوقتی از تصدیق آن امتناع ندارند و هم والا حضرت اقدس روحی فدا در ایفاد آن تاکید و اصرار فرمودند و هم قرض و پریشانی خودم اجازه میدهد، نمی گذارم و گمان میکنم پنهان حضرت مستطاب عالی هم رضا ندهند که بنده اصرار یک دولت بعظمت دولت ایران چهار پنج ماه جدیت کنم یا بدوم و آن وقت تلگراف نامه عرایض بنده را که از آفتاب بخواهند.

العبد علی اکبر دهخدا

[سازمان اسناد ملی، ۲۹۳۰۰۳۲۰۸-۲۲۰۱۰۷]

* * *

وزارت داخله**اداره خزانه‌داری کل**

آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا با توصیه نیابت سلطنت عظمی و تصویب وزارت داخله قریب یکماه در اداره روزنامه نیم‌رسمی آفتاب مشغول خدمت بوده و بطوریکه وزیر داخله وقت مرقوم داشته‌اند ماهی دو‌یست تومان برای ایشان از طرف دولت منظور و بابت حقوق این یکماه فقط مبلغ سی تومان دریافت نموده و پس از استعفای ایشان مخصوصاً از طرف والا حضرت اقدس تاکید در پرداخت بقیه حقوق مشارالیه شد و اینک ورقه درخواست معادل مبلغ یکصد و هفتاد تومان بقیه حقوق ایشان صادر و لغاً بداره خزانه‌داری کل ارسال شد و مخصوصاً خواهشمندم که هر چه زودتر حواله این وجه صادر نمایند.

[سازمان اسناد ملی، ۲۹۳۰۰۳۲۰۸-۲۲۰۱۰۷]

* * *

۳

وزارت داخله

خیلی فوری است

۲/ثور/۱۳۳۰

آقای میرزا حسین خان مدیر جریده آفتاب

از قرار اظهار آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا مبلغ یکصد و هفتاد تومان بابت حقوق مشارالیه در اداره روزنامه آفتاب باقی است لزوماً استعلام می‌شود تقصیر چیست مراتب را اطلاع دهید که جواب مفری الیه داده شود.

از طرف وزیر داخله رئیس کابینه

[امضاء و مهر]

[سازمان اسناد ملی ۲۹۳۰۰۵۴۰۵-۴۳۰۰۶۷]

* * *

۴

وزارت مالیه

۸/میزان/۱۲۹۶

مقام منیع حضرت اشرف ریاست وزراء عظام دامت عظمه

دستخط مطاع راجع به شهریه معوقه آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا زیارت گردیده توضیحاً بعرض می‌رساند که آقای میرزا علی اکبر خان شهریه ندارند که معوق مانده باشد ماهی یکصد تومان حقوق اداری دارند که در جزو بودجه و ورقه درخواست وزارت معارف منظور شده و تا آخر ثور حقوق ایشان در جزو حقوق آن وزارتخانه تادیه شده و اخیراً نیز به هریک از وزارتخانه‌ها مبلغی اعتبار داده شده از جمله سه هزار تومان هم به وزارت معارف پرداخت شد و اگر مخارج ضروری پیش بیاید از آن محل بدهند. [امضاء]

[سازمان اسناد ملی، ۸۰۰۰۲۸-۲۴۰۰۰۴۵۶۹]

* * *

۵

وزارت مالیه

۳۰/میزان/۱۲۹۶

اداره محترمه محاسبات کل مالیه

در باب ورقه درخواست نمره ۹۸ راجع به مقرری آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا تصدیق می‌دهد لازم است تاریخ رجوع خدمت بایشان را معین فرمایند تا تکلیف ورقه مزبوره معلوم شود.

[امضاء و مهر]

[سازمان اسناد ملی ۸۰۰۰۲۸-۲۴۰۰۰۴۵۶۹]

* * *

۶

قربانت شوم مفاد دستخط شریف را به تقریر باولیای معارف ابلاغ کردم. بر طبق آن هم مقام معظم ریاست وزراء عظام امر اکیدی به وزارت جلیله علوم صادر فرمودند که این مختصر را بپردازند اینک وزارت معارف در صورتیکه هزار تومان هم از بقیه سه هزار تومان وجه اعتبار حاضر دارد باز مراسله لَفّ را به وزارت جلیله مالیه می نویسد بنده بندگان عالی از روی هم رفته اقدامات وزارت معارف یقین می کند که مقصود مساعدتی در کار نیست و چون مکرّر اسرار قاسمی را مطالعه کرده ام و عمل قرطاس آنرا هم به کرات تجربه نموده ام می دانم که در این عمل چیزی که نیست پول است. بنابراین چون امر مبارک صادر شده بود که اگر وزارت معارف از پرداختن حقوق معوقه این بنده امتناع ورزید خاطر محترم حضرت مستطاب عالی را مجدداً تصدیق دهم این است که دفعه دیگر در مقام جسارت برآمد حالا دیگر حسن جریان امر در دست خودتان است و باید بر طبق وعده صریح دستخط قبلی و نیز امر اکید همان حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکت بنده خودتان را اقلأ در ظرف همین دو سه روزه بوصول این وجه قرین امتنان دائمی فرمایند.

العبد علی اکبر دهخدا

[امضاء]

[سازمان اسناد ملی ۴۵۶۹-۲۴۰۰۰۲۸-۸۰۰۰]

۷

حواله آقای میرزا علی اکبر خان که جزء درخواست کل وزارت معارف متصدی معزی الیه از قرار ماهی یکصد تومان است صادر و جهت امضای مبارک تقدیم گردید. توافق یادداشتی که از مقام وزارت صادر شده بود اداره محاسبات بوسیله متحدالمالی به مقام وزارتخانهها اطلاع داده درخواست انفرادی صادر نمایند و چنانچه لازم باشد مساعدتی بیک یا چند نفر از اعضاء بشود در همان وجه اعتبار هر یک از وزارتخانهها بعضی دریافت نموده اند تا دیه دارند در این صورت چنانچه وزارت مالیه بدون درخواست حوالجات انفرادی صادر نمایند باز اداره محاسبات دو بار به همان منظور منتهی اگر وزارتخانهها بقدر درخواست انفرادی

صادر نمی نمودند اداره محاسبات درخواست را مدرک قرار داده حواله صادر می نمود. مالیه بدون درخواست همان حوالجات را صادر مینماید. [امضاء]

جواب در حاشیه سمت راست:

جواب خدمت حضرت آقای رئیس الوزراء عرض می کند که آقای میرزا علی اکبر خان شهریه ندارند که معوقه مانده باشد حقوق خدمتی دارند که جزء بودجه وزارت معارف و جزء درخواست معارف منظور می شود تا آخر برج ثور که حقوق آن وزارتخانه تادیه شده این حقوق هم تادیه گردیده اخیراً هم به هر یک از وزارتخانه ها مبلغی اعتبار داده شد. از جمله سه هزار تومان هم به وزارت معارف داده شده که اگر مخارج ضروری پیش بیاید از آن محل بدهند. [امضاء]

[سازمان اسناد ملی ۲۴۰۰۰۴۵۶۹-۲۸-۸۰۰۰۲۸]

۸

وزارت مالیه

اول/عقرب/۱۲۹۶

وزارت جلیله معارف و اوقاف

راجع به ورقه درخواستی که ۹۸ بابت مقرری آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا از آن وزارت جلیله صادر شد کمیسیون تطبیق حوالجات ذیل ۱۳۸۷ شرحی بداره محاسبات کل نامه نگاشته تقاضا نموده اند تاریخ رجوع خدمت بایشان معین شود تا ورقه درخواست مذکوره را تصدیق نمایند اینک موادی از مراسله کمیسیون مزبور برای مزید استحضار خاطر محترم اولیاء آن وزارت جلیله لفاً ایفاء می دارد که هر طور مقتضی می دانند اقدام فرمایند. [امضاء]

[سازمان اسناد ملی، ۲۴۰۰۰۴۵۶۹-۲۸-۸۰۰۰۲۸]

۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۶/عقرب/۱۲۹۶

وزارت جلیله مالیه

مرقومه محترمه با سواد مشروحه کمیسیون محترم تطبیق حوالجات تحت نمره (۳۳۰۲۹) واصل گردید. آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا از تاریخ اول سنبله قبول خدمت کرده اند و الان بدستور وزارت معارف مشغول ترجمه کتب مفیده هستند. تمنا دارد راجع بایشان که یکی از خدمتگذاران صدیق دولت بوده و هستند بهتر توجه شده مقرر فرمایند که حواله ایشان سریعاً صادر گردد.

[امضاء]

[مهر]

[سازمان اسناد ملی، ۴۵۶۹-۲۴۰۰۰۴۵۶۹-۸۰۰۰۲۸]

* * *

۱۰

۱۲۹۶/عقرب/۲۶

وزارت مالیه**ریاست محترمه کمیسیون تطبیق حوالجات**

در جواب مرقومه شریفه ۱۳۸۷ راجع بورقه درخواست ۹۸ صادره از وزارت جلیله معارف بابت مقرری آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا اینک مواد مرقومه جوابیه وزارت جلیله مفری الیه را برای استحضار خاطر اعضاء محترم کمیسیون ارسال می دارد تا ورقه درخواست مذکور را تصدیق فرموده با اداره محاسبات کل عودت دهند. [امضاء]

رئیس اداره محاسبات کل مالیه

۱۳۳۶/۸/۲۳

[سازمان اسناد ملی، ۴۵۶۹-۲۴۰۰۰۴۵۶۹-۸۰۰۰۲۸]

* * *

۱۱

اداره محاسبات کل مالیه

فوری است

راجع به حقوق آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا چند روز قبل در مقام ریاست وزراء عظام توصیه آقا؟؟ در پرداخت آن شده است. معین نمائید چه اقدامی شده است و فعلاً حواله درخواست کجا است. چنانچه حاضر است ضمیمه را امر مراتب را فوراً ابلاغ نمائید.

[امضاء]

[سازمان اسناد ملی ۴۵۶۹-۲۴۰۰۰-۲۸-۸۰۰۰]

۱۲

وزارت مالیه

۱۲۹۷/۷/۱

اداره خزانه دار کل

لازم است قدغن نمائید مبلغ چهارصد تومان بابت حقوق چهار ماهه جوزا و سرطان و اسد و سنبله آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا که جزء درخواست کل وزارت معارف منظور است در وجه آن وزارت جلیله تادیه و پرداخت نمائید پس از اینکه حوالجات درخواست کل وزارت معارف بابت چهار ماه به آن اداره رسید مبلغ مزبور را کسر نمائید از قرار؟؟؟ یکصد تومان تادیه شود.

۱۲۹۷/۷/۳۰

[امضاء]

در حاشیه سمت راست

مستقیم حوالجات

[سازمان اسناد ملی ۴۵۶۹-۲۴۰۰۰-۲۸-۸۰۰۰]

۱۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۲۹۷/میزان/۱۷

وزارت جلیله مالیه

برحسب حکم مطاع مقام محترم ریاست وزراء عظام دامت عظمة مقرر است که حقوق عقب افتاده آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا از اول جوزا لغایت میزان پنج ماهی پرداخته شود

و بعد در موقع پرداخت اقساط وزارت معارف فرمایند تمنا دارد در این خصوص امر اکید صادر شود که فوراً اجرای امر محترم بعمل آید [امضاء و مهر]
در حاشیه سمت راست:
اداره محاسبات کل
مراسله صادره امضا گردید

۲۹ میزان ۱۳۳۷ [۱۳]

[سازمان اسناد ملی، ۴۵۶۹-۲۴۰۰۰۲۸-۸۰۰۰۲۸]

۱۴

ریاست وزراء

۳۰ سنبله/۱۲۹۷

وزارت جلیله مالیه

آقای آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا شهریه دارند که از قرار معلوم پنج ماه است که پول نرسیده چون معاش مشارالیه منحصر به همین شهریه و تعویق آن اسباب... نهانی شده است مخصوصاً لازم است قدغن فرمایند از هر محلی که رفع الوصول باشد شهریه عقب افتاده ایشان را برسانند و برای آتیه هم ترتیبی مقرر دارند که مرتباً شهریه مزبور را دریافت و صرف معاش خود نمایند مخصوصاً تمنی می‌کنم در این باب اقدام عاجل بفرمایید تا خاطر آقای دهخدا قرین آسایش شود. [امضاء]

[سازمان اسناد ملی، ۴۵۶۹-۲۴۰۰۰۲۸-۸۰۰۰۲۸]

۱۵

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف

این بنده در صدد است که روزنامه عجالتاً هفتگی و بعداً یومیه به اسم فردا انتشار دهد، متمنی است مقرر فرمایند. این امتیاز از طرف وزارت جلیله به این بنده داده شود.

۱۵ محرم ۱۳۴۰

علی اکبر دهخدا

حاشیه: صادر شود، ۲۶ سنبله ۱۳۰۰

[سازمان اسناد: ۱۳۵/۲۲۱۱/۱/۵۸۰۰۱]

* * *

۱۶

۲۶/سنبله/۱۳۰۰
۳۳۲۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره انطباعات

چون آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا امتیاز روزنامه موسومه به فردا را از وزارت معارف تقاضا نموده لذا مشارالیه با مراعات شرایط ذیل و بر طبق التزامیکه سپرده اند مجاز در طبع و نشر روزنامه مزبوره می باشند.

۱- در موقع طبع و نشر روزنامه فردا دارنده امتیاز مکلف است کاملاً مراعات مواد قانون مطبوعات را بنماید.

۲- بدون تصویب وزارت معارف حق تفویض امتیاز خود را بدیگری نخواهد داشت.

۳- از تاریخ صدور این امتیاز الی مدت شش ماه در صورتیکه صاحب امتیاز بواسطه موانعی موافق بانتشار روزنامه نشود باید بوزارت معارف رجوع نموده تجدید امتیاز نماید.

[۵۸۰۰۱]
۳

* * *

۱۷

این جانب در اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف ملتزم و متعهد میشوم که در موقع نشر جریده خود کاملاً مراعات قانون مطبوعات را نموده و تقبل میکنم که در صورت تخلف مجازاتهاییکه در قانون معین است از عهده برایم و محض استحضار خاطر اولیاء وزارت جلیله اطلاعات ذیلرا تقدیم مینمایم و در صورت تغییر هر یک از کیفیات ذیل در ثانی معلومات لازمه را کتباً اطلاع خواهم داد.

(۱) اسم و رسم مدیر روزنامه، علی اکبر دهخدا

(۲) محل اداره آن خیابان علاءالدوله

(۳) اسم و رسم مطبوعه که روزنامه در آن بطبع خواهد رسید، فاروس
 (۴) عنوان روزنامه و جریده و ترتیب طبع آن که یومیه و هفتگی یا ماهیانه است. هفتگی
 است

(۵) عده چاپ هر نمره. دو هزار
 (۶) مسلک روزنامه و سیاق مطلب آن سیاسی اجتماعی تاریخی و اخلاقی، علمی
 (۷) هرگاه اعلانی از طرف وزارت معارف رجوع شود مجاناً طبع نمایم. اطاعت شود
 (۸) از هر شماره در موقع انتشار چهار نسخه برای وزارت معارف و کتابخانه بفرستم.
 اطاعت شود

بتاریخ ۲۵ شهر محرم ۲۶ برج سنبله تخافوی نیل ۱۳۰۰

مدیر مسئول علی اکبر دهخدا

[۵۸۰۰]
 ۳

* * *

۱۸

۱۳۰۵/اسفند/۷
 ۱۲۲۲۹

ریاست وزراء

وزارت جلیله معارف و اوقاف

هیئت وزراء در جلسه ۶ اسفند ۱۳۰۵ برحسب پیشنهاد وزارت معارف تصویب نمودند
 که در تاریخ فوق مدرسه سیاسی با تمام متعلقات آن از قبیل بودجه و اثاثیه و پرسنل و محل
 بوزارت معارف منتقل گردد. تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.
 [آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۱۹

۱۳۰۵/اسفند/۷
 ۸۳۴۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا رئیس مدرسه سیاسی

چون به موجب امر هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم، مدرسه علمی سیاسی از تاریخ

هفتم اسفند با تمام متعلقات آن از قبیل بودجه و اثاثیه و پرسنل و محل به وزارت معارف منتقل می‌گردد. لذا لازم است اولاً صورت جامعی از اثاثیه و پرسنل و بودجه تهیه کرده، توسط آقای مظفری مفتش وزارت معارف ارسال دارید. ثانیاً در مسائل اداری و فنی، از این به بعد منتظر دستورات از وزارت معارف باشید.

علی اصغر حکمت

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۲۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۵/بهمن/۲۵

در این تاریخ فرمان بجهت آقایان ذیل صادر و عضویت رسمی شورای عالی معارف انتخاب شده‌اند:

آقای میرزا غلامحسین خان رهنما ۲۸ عقرب ۱۳۰۱

آقای دکتر محمد خان مؤتمن ۲۸ عقرب ۱۳۰۱

آقای دکتر امیراعلم ۲۸ عقرب ۱۳۰۱

آقای آفاسید مهدی لاهیجی نوبت اول ۲۸ عقرب ۱۳۰۱ نوبت دوم ۱۵ عقرب ۱۳۰۲ به

جای آقا میرزا محمدامین

آقای میرزا حسینخان سمیعی ۱۶ عقرب ۱۳۰۲

آقای دکتر ولی‌اله‌خان ۱۶ جدی ۱۳۰۲

در تاریخ ۱۷ عقرب ۱۳۰۳ آقایان آفاسید مهدی لاهیجی و امیراعلام و میرزا حسین خان سمیعی و مجیرالدوله و دهنخدا بقرعه از عضویت خارج و در تاریخ ۱۹ عقرب ۱۳۰۳ رقعۀ دعوت بجهت آقایان لاهیجی و سمیعی و دکتر امیراعلم و دهنخدا فرستاده شده و آقای دهنخدا استعفا کردند و آقای مجیرالدوله هم بسمت عضو افتخاری دعوت شدند و بجای آقایان دهنخدا و مجیرالدوله آقای لقمان‌الدوله و آقای میرزا زین‌العابدین بموجب رقعۀ دعوت و بسمت عضو رسمی انتخاب شدند. و تاریخ انتصاب آقایانی که فعلاً بدون فرمان عضویت

دارند مطابق صورت ذیل است:

اعضاء رسمی

- ۱- آقا سید مهدی لاهیجی ۱۹ عقرب ۱۳۰۳ فرمان سابق را دارد
 - ۲- آقای میرزا حسینخان سمیعی ۱۹ عقرب ۱۳۰۳ فرمان سابق را دارد
 - ۳- آقای دکتر امیر اعلم ۱۹ عقرب ۱۳۰۳ فرمان سابق را دارد
 - ۴- آقای میرزا زین العابدین رهنما ۲۸ عقرب ۱۳۰۳ فرمان ندارد
 - ۵- آقای دکتر محمدحسین خان لقمان ادهم ۲ اردیبهشت ۱۳۰۴ فرمان ندارد
 - ۶- آقای میرزا غلامحسین خان رهنما- مجدداً ۲۹ آذر ۱۳۰۵ فرمان سابق را دارد
 - ۷- آقای میرزا محمدتقی بهار ۱۸ دی ۱۳۰۵ فرمان ندارد
 - ۸- آقای دکتر محمدخان مؤتمن مجدداً ۱۸ دی ۱۳۰۵ فرمان سابق را دارد
- صورت اسامی آقایانی که با رقعہ دعوت بعضویت افتخاری شورای عالی معارف در تاریخهای ذیل انتخاب شده‌اند.

- ۱- آقای میرزا علیمحمدخان شببانی- ۱۹ عقرب ۱۳۰۳ فرمان عضویت رسمی سابق برای

ایشان صادر شده است

- ۲- آقای سید محمدتقی فخر داعی- ۹ قوس ۱۳۰۳ فرمان ندارد
- ۳- آقای حسینقلی میرزای سالود- ۱۲ حوت ۱۳۰۳ فرمان ندارد
- ۴- آقای میرزا اسمعیل خان مرآت- ۲۶ میزان ۱۳۰۳ فرمان ندارد
- ۵- آقای دکتر حسینقلی خان قزل‌ایاغ- ۱۴ آذر ۱۳۰۴ فرمان ندارد
- ۶- آقای نقیب‌زاده طباطبائی- ۷ شهریور ۱۳۰۵ فرمان ندارد
- ۷- آقای میرزا محمودخان وحیدسعد- ۷ شهریور ۱۳۰۵ فرمان ندارد

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

قربانت شوم چنانکه قبلاً خاطر مبارک را سابقه داده بودم حال میرزا یحیی خان در پترز
بورغ از بدو ورود تا بحال بد بوده و اگر چه مقداری را از بنده پنهان می کند ولی بتوسط یکی
دو نفر مسافر شنیده ام که حال سینه اش خوب نیست. حالا سر سکه ها [؟؟] تمام شده است و
موقعی است که می شود او را خواست باسم آوردن سر سکه ها [؟؟] و اگر حالش خوب بود
فوراً مراجعتش می توان داد. در این امر اگر قدری ابرام و اصرار مشاهده می فرمائید برای این
است که از حیث مزاج او خیلی نگران و بلکه بیمناکم و باز لطف و توجه خاطر مبارک را
نسبت به خودم و او می دانم. ایام شوکت مستدام باد

علی اکبر دهخدا

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۲۲

ریاست وزراء

۱۳۰۶/مهر/۳۰
۵۸۶۵

جناب جلالتماب آقای شکوه‌الملک

حرکت آقای دهخدا به فوریت ضرورت دارد. قدغن فرمائید مطالبات ایشان به فوریت برسند و تسهیلات وصول آن را فراهم کنند.

۱۳۰۶/مهر/۲۰

مهدیقلی هدایت

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۲۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۷/مرداد/۳۱
۴۰۷

قرار داد فیما بین وزارت جلیله معارف و جناب آقای دهخدا رئیس مدرسه حقوق سیاسی

ماده ۱- وزارت جلیله معارف کتب فرهنگ فرانسه بفارسی تالیف آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا را هزار مجلد به طبع می‌رساند کاغذ و صافی کتاب بعهده وزارت معارف است.

ماده ۲- در مسائل فنی مطبوعه مستقیماً مسئول ایشان است و بر طبق تعلیمات آقای دهخدا رفتار خواهد نمود.

ماده ۳- وزارت معارف دو نفر نویسنده فارسی و یک نفر مصحح فرانسوی در تحت اختیار آقای دهخدا خواهد گذاشت و انتخاب نویسندگان فارسی با آقای دهخدا است.

ماده ۴- صدی بیست از مجلدات طبع شده را پس از اتمام تحویل وزارت معارف داده و مابقی متعلق بایشان خواهد بود.

علی اکبر دهخدا

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۲۴

۱۳۰۸/۲/۲۶

قربانت شوم^(۱) چندین ماه است که از درک حضور مبارک محروم است و مخصوصاً برای اینکه اوقات عزیز بندگان عالی را مشغول نکرده باشد حتی المقدور در تشریف عمداً تعلیل نموده لیکن حالا برای بعضی عرضهای ضروری متوقع اجازه چند دقیقه شرفیابی است در صورتیکه ممکن باشد متمنی است در این دو سه روزه امر باحضر فرمایند.

حقیر علی اکبر دهخدا

[حاشیه]، صبح شنبه بیایند.

* * *

۲۵

۱۳۰۸/۱۲/۱۳

تصدقت شوم پسر بزرگ آقای میرزا قاسمخان صور بواسطه جزئی اختلالی که در فکرش پیدا شده مدتیست باصفهان رفته و در قریه منزل کرده است. دیروز از تلگرافخانه به بنده اطلاع دادند که با کارد بشکم خود زده است و او را به مریضخانه برده اند و بخیه زده اند و دوباره بخیه‌ها را شکافته است و آقای مشارالدوله حکمران اصفهان مکرر تلگراف کرده است که او را به طهران حرکت بدهند ولی حالا با ضعف فوق العاده میرزا قاسم خان این مطلب را باو نمی توان گفت و مقصود مشارالدوله هم این است که مسئولیتی را از گردن خود بردارد. استدعای خصوصی بنده این است که فوراً تلگرافی بحاکم بفرمائید و تقاضا بفرمائید که او را در تحت مراقبت شدید نگاه دارند تا هفت هشت روز دیگر که بتوان مطلب را به آقای میرزا قاسم خان گفت این دستخط تلگراف سبب می شود که مشارالدوله حضرت اشرف امر مراقبت او را چون تکلیف و وظیفه بشمارد و شاید این جوان به همین دستخط تلگرافی زندگی و حیات از سر بگیرد و ناجی و محیی به همان حضرت اشرف باشید ایام شوکت و عظمت زیاده باشد.

۱- این نامه خطاب به تیمورتاش وزیر دربار نوشته شده است.

علی اکبر دهخدا

[امضاء]

در پائین نامه:

به مشارالدوله تلگراف شود پسر جناب مستطاب میرزا قاسم خان را باین حال به طهران
فرستادن مقتضی نیست مراقبت در پرستاری او بکنند حالش بهتر شود بعد

[۱۳۰]۸/۱۲/۲۳

[سازمان اسناد ۶/۹۵۶-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۲۶

۱۳۰۸/۱۲/۱۳
۱۰۲۹۹

ریاست وزراء

تلگراف

جناب مستطاب اجل آقای مشارالدوله حکمران اصفهان

پسر جناب مستطاب اجل آقای میرزا قاسم خان صور اسرافیل را با این حال به طهران
فرستادن مقتضی نیست مراقبت در پرستاری او بفرمایند حالش بهتر بشود بعد

نصرالله نخعی

[سازمان اسناد ۶/۹۵۶-۱۱۶۰۰۶]

* * *

۲۷

۱۳۰۹/۱۰/۱۸
۷۱۰۸

ریاست وزراء

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نه فقره فهرست صاده از آن وزارت جلیله راجع به اشخاص مفصله ذیل از شرف عرض
لحاظ مبارک اعلیحضرت اقدس آقای میرزا غلامحسن خان رهنما بسمت معلمی ریاضیات
مدارس متوسطه آقای میرزا هادی خان حائری بسمت ریاست مدرسه متوسطه علمیه آقای
میرزا عبدالعظیم خان قریب بسمت معلمی و مدرس در مدارس متوسطه و عالییه آقای میرزا
علی اکبر خان دهخدا بسمت ریاست مدرسه عالی حقوق سیاسی آقای دکتر محمد حسین

خان لقمان ادهم بسمت معلمی مدرسه متوسطه عالیہ طب
 آقای دکتر ولی اله خان نصر بسمت ریاست اداره کل معارف و تعلیمات آقای میرزا احمد
 خان سعیدی بسمت ریاست مدرسه متوسطه ثروت آقای میرزا محمد خان وحید تنکابنی
 بسمت معلمی ریاضیات مدارس متوسطه آقای محمد حسن خان ادیب بسمت ریاست
 مدرسه متوسطه امیر کبیر
 همایون شاهنشاهی ارواحنا فداہ گذشت و مورد تصویب ملوکانه واقع گردید قدغن
 فرمائید فرامین آنها را صادر نموده بکابینه ریاست وزراء ارسال دارند.
 [آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۲۸

$$\frac{۱۳۱۳/۳/۱}{۱۳۲۷}$$

ریاست وزراء

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

فهرست نمره (۲۲۸۹/۶۶۱۰) مبنی بر تعیین اعضاء شورای عالی معارف مورد تصویب
 خاکپای مبارک ملوکانه واقع گردید توشیح بصرحة همایونی را تهیه و برای فرامین ارسال
 نمائید. رئیس الوزراء
 [آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۲۹

$$\frac{۱۳۱۴/۳/۱۲}{۱۲۹۶۲/۱۵۹۴}$$

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

انطباعات

نظر بماده ششم اساسنامه فرهنگستان ایران منصوب پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ و
 بموجب تصویب نامه نمره $\frac{۱۷۲۷}{۱۴/۳/۶}$ هیئت وزراء عظام جناب آقای میرزا علی اکبر خان
 (دهخدا) بسمت عضو پیوسته فرهنگستان ایران منصوب می شوند.
 وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 [سازمان اسناد ملی، ۵۷۰۰۱/۲۶۹۹/]

* * *

۳۰

۱۳۱۷/۷/۲۵
۲۷۴۴۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

جناب آقای نخست‌وزیر

بر حسب امر مبارک گزارش تالیف و چاپ کتاب فرهنگ فارسی را که قرار است بوسیله آقای دهخدا تهیه گردد بعرض می‌رساند:

مدت بیست سال است که آقای دهخدا در صدد تهیه فرهنگی برآمده‌اند که تمام لغت‌های فارسی متداول در محاوره و کتب نظم و نثر فارسی را از هزار سال به اینطرف جمع‌آوری کرده و لغت‌های عربی معمول را نیز به آن ضمیمه کنند.

زحمات ایشان که می‌توان گفت فوق‌العاده نفیس و ذقیمت است نتیجه‌اش در این مدت قریب هفتصد هزار برگه (فیش) شده است که شاید چهل جلد هزار صفحه‌ای به قطع بزرگ از چاپ بیرون می‌آید. البته برای کتابت و تنظیم الفبائی این برگها در مدت بیست سال ایشان دو سه نفر دائماً موظف در زیردست خود داشته‌اند که شخصاً حقوق آنها را می‌داده‌اند در ۱۳۱۳ بدون درخواست ایشان دولت در صدد برآمد که کمکی به آقای دهخدا بشود و برای اینکار تا به حال از بابت حق‌الزحمه تالیف دویست هزار برگه اولی که قبلاً تهیه شده بود و قسمتی از هزینه چاپ بدفعات مبلغ دویست و ده هزار ریال (۲۱۰۰۰۰) به ایشان پرداخته شده و چون فعلاً آقای دهخدا پیر و از طرفی مریض هستند و پس از ایشان ممکن نیست که از این برگهای فعلی چنانکه باید استفاده لازم به عمل بیاید این است که ایشان پیشنهاد می‌کنند که یکی از بانکها خانه ایشان را که در حدود یک میلیون و سیصد هزار ریال (۱۳۰۰۰۰۰) ارزش دارد به رهن بردارد و نصف آن مبلغ را با فرع معمولی به ایشان بپردازد تا آقای دهخدا آنچه را که از دولت برای قرارداد گرفته مسترد دارد و کتاب خود را هم در پنج شش چاپخانه در آن واحد به چاپ بدهند که اقلأ تا دو سال دیگر از چاپ آن فراغت حاصل شود ولی وزارت فرهنگ چون نظر موافق دولت را در نوع این امور می‌داند با مذاکره با ایشان دو طریق دیگر در نظر گرفته است:

۱- چون برای دستمزد دویست هزار لغت وزارت فرهنگ ۱۵۰۰۰۰ ریال پرداخته اکنون

که چهارصد هزار لغت اضافه بر آن جمع آوری شده مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال دستمزد این زحمت اضافی به ایشان تادیه شود تا جناب آقای دهخدا بتوانند به این اعتبار شروع به چاپ کتاب نمایند و هر قسمت چاپ شده را که تحویل وزارت فرهنگ کردند بهاء چاپ آنرا بتدریج دریافت دارند.

۲- قرارداد جدیدی برای دستمزد چاپ کتاب لغت که مشتمل بر ششصد هزار لغت باشد با ایشان بسته و چون برای چاپ دویست هزار لغت ۳۵۰۰۰۰ ریال به ایشان قرارداد بسته شده بود اکنون که عده لغتها به ۶۰۰۰۰۰ رسیده مبلغ مزبور سه برابر و بالغ بر ۱۰۵۰۰۰۰ ریال خواهد شد.

نظر وزارت فرهنگ این است چون آقای دهخدا از دانشمندان کشور و مزاجاً هم علیل شده است تحمیل چاپ کتاب که کار بسیار پرزحمتی است بر ایشان سزاوار نیست زیرا اولاً مقداری وقت ایشان را که صرف کارهای علمی و ادبی باید بشود می گیرد. ثانیاً بواسطه علت مزاج ایشان بیم آن می رود کار چاپ چنانکه باید به سرعت پیشرفت نکند دستمزد چهارصد هزار لغت اضافی که جمع آوری کرده اند پرداخت شود یعنی مبلغ مناسبی به ایشان تادیه گردد و چاپ کتاب را وزارت فرهنگ مستقیماً و با نظارت جناب آقای دهخدا شروع نماید و از بابت نظارتی که ایشان بر چاپ کتاب می کنند دستمزدی بطور ماهانه به آقای دهخدا پرداخت شود. متمنی است مراتب را از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسانده اوامر مطاع را ابلاغ فرمایند.

کفیل وزارت فرهنگ

حاشیه: به وزارت فرهنگ نوشته شود، گزارش، روشن و اداری نیست. اولاً اسماعیل مرآت معلوم نمایند در مقابل ۲۱۰ هزار ریال داده شده به چه عنوان بوده و در مقابل آقای دهخدا چه بایستی بکند. می نویسد نهصد هزار ریال به حساب مساعده داده شده و در صورتی که هنوز اقدام به چاپ نشد، نظریات وزارت فرهنگ اصولاً تصدیق می شود. بهتر این است یا این برگه ها را (فیش) از آقای دهخدا خرید و برای نظارت در چاپ هم قرار قراردادی با ایشان منعقد نمائید. یا این که قطعاً پیشنهاد نمائید در مقابل وثیقه که می دهد، دولت پولی را که لازم دارد به ایشان بدهد و یک مقدار از مجلات را پس از چاپ قبول کند. در هر صورت نظر قطعی وزارت فرهنگ را به هیئت وزیران پیشنهاد کنید.

نخست وزیر

۱۳۱۷/۱۰/۱۷

[سازمان اسناد، ۹۵۸/۴۰۶/۱۱۶۰۰۴]

* * *

۳۱

۱۳۱۷/۱۱/۴
۴۵۴۵۳

وزارت فرهنگ

اداره دفتر ریاست وزیران

رونوشت گزارش شماره ۲۷۴۴۳ و ۱۷/۷/۲۵. این وزارت در باب قرارداد آقای دهخدا که به مقام نخست‌وزیری تقدیم شده، مورد احتیاج است. متمنی است دستور فرمایند به آقای صنیعی عضو دفتر وزارت فرهنگ مرحمت دارند. موجب امتنان خواهد بود.

رئیس دفتر وزارت فرهنگ

[سازمان اسناد، ۹۵۸/۴۰۶/۱۱۶۰۰۴]

* * *

۳۲

۱۳۲۴/۸/۲۴
۲۳۲۹

وزارت فرهنگ

ریاست دفتر نخست‌وزیری

با اعاده‌نامه مربوط به چاپ فرهنگ دهخدا بطوری که مستحضرنند چاپ فرهنگ مذکور به موجب تصمیم مجلس شورای ملی واگذار به چاپخانه مجلس شده و این وزارت هیچگونه مداخله‌ای در امور آن ندارد.

از طرف وزیر فرهنگ

[سازمان اسناد ملی ۹۵۹/۶-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۳۳

۱۳۴۴/دیماه/۲۹
۲۹۰۵۰

مجلس شورای ملی

تصمیم قانونی مربوط به چاپ فرهنگ دهخدا

هیئت رئیسه مجلس شورای ملی مکلف است وسایل طبع کتاب فرهنگ آقای دهخدا را فراهم نموده هر نوع کمک و وسیله‌ای را که آقای دهخدا لازم داشته باشد در اختیار ایشان بگذارند و قراردادی که مورد موافقت طرفین باشد به ایشان منعقد نماید.

تصمیم بالا در جلسه بیست و پنجم دیماه هزار و سیصد و بیست و چهار مجلس شورای ملی اتخاذ شده است.

رئیس مجلس شورای ملی

* * *

۳۴

مجلس شورای ملی

۱۳۲۴/اسفند/۱۹

قانون اجازه پرداخت دویست و پنجاه هزار ریال از محل صرفه جویی بودجه سال ۲۴ مجلس جهت هزینه اعتبار طبع فرهنگ دهخدا

ماده واحده - مجلس شورای ملی به کارپردازی مجلس اجازه می‌دهد که از محل صرفه جویی بودجه سال ۱۳۲۴ مجلس فعلاً مبلغ دویست و پنجاه هزار ریال برای هزینه اعتبار طبع فرهنگ آقای دهخدا از وزارت دارائی دریافت دارد و این اعتبار با تصویب هیئت رئیسه از حیث حقوق متصدیان عمل و خرید کاغذ و هزینه طبع و غیره بمصرف خواهد رسید.

تبصره: نظر به خدمات فرهنگی و علمی شایان تقدیر آقای محمد قزوینی به وزارت دارائی اجازه داده می‌شود ماهی ده هزار ریال حقوق به آقای محمد قزوینی مادام‌العمر پرداخت نماید.

این قانون مشتمل بر یک ماده و یک تبصره است در جلسه شانزدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و بیست و چهار به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

رئیس مجلس شورای ملی

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۹-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۳۵

۱۹/اسفند/۲۴

مقام منبع هیئت وزراء عظام

چون در مدت سی و چند سال که مشغول تألیف کتاب لغت بودم همیشه عده‌ای از پنج‌الی پانزده نفر موظفاً با تعلیمات این بنده مشغول کتابت و تنظیم و الفبائی کردن لغات و کارهای دیگر بودند (چنانکه می‌توان گفت کتاب حاضر نتیجه‌سی و چند سال عمر بنده نیست بلکه نتیجه صد سال عمر دیگران هم هست) و از روز اول آنچه که خرج این کار می‌شد با قرض تومانی هفت پول و یک عباسی به عمل می‌آید و از طرفی هم ماهیانه که به نام ریاست مدرسه حقوق به اینجانب می‌دادند حتی به قدر کفاف عائله کثیرالعده بنده نیز نبود این بود که اصل دیون و فرع آن که هر ساله بر اصل مزید می‌شد تا امروز بقرب دویست و سی هزار تومان رسید و چون همه دارائی من از موروث و مکتب عبارت از یک خانه و قطعه زمین مسلوب‌المنفعه بود و سه دانگ از خانه در یازدهم فروردین ۱۳۲۵ به حراج می‌رفت و سه دانگ دیگر هم موعده سرآمده و متتها سه ماه دیگر حراج می‌شد این بود که دوستان بنده چون بحران فعلی پول و حاضر نشدن خریداران را تا روز مزایده خانه که بر طبق قوانین مقرر تمام خانه و زمین در ازاء دین خواهد رفت می‌دانستند در صدد برآمدند که بر طبق قانونی دولت خانه این بنده را خریداری نمایند تا با مازاد آن بتوانم خانه محقری برای جا دادن کسان خود بخرم یا رهن کنم. و وکلای محترم مجلس این منت را بر بنده گذاشته و قانون مزبور را از مجلس گذرانیده و موافقت این بنده را هم شرط کردند. اینک این بنده با تشکر از مساعدت وکلای محترم مجلس شورای و هیئت معظّم دولت موافقت خود را با این قانون اعلام می‌دارم و اینک صورت قروض خود را شرح می‌دهم تا اگر کسی در صدد تفتیش برآمد اطلاع بر آن آسان باشد:

بانو توران فرزانه دو دانگ خانه به شماره $\frac{25340}{25313}$ دفترخانه ۲۵ تهران

بانو قمر عدل نیم‌دانگ خانه به شماره $\frac{25341}{25314}$ دفترخانه ۲۵ تهران

آقای نصرالله عدل نیم‌دانگ خانه به شماره $\frac{25342}{25315}$ دفترخانه ۲۵ تهران

آقای یوسف سوfer سه دانگ خانه به شماره $\frac{27840}{27782}$ دفترخانه ۲۵ تهران

آقای علی اکبر وکیل همدانی سه دانگ شعاع زمین به شماره $\frac{33182}{32539}$ دفترخانه ۱ تهران

آقای مهندس تقی جامی امین سه دانگ شعاع زمین به شماره $\frac{20021}{19833}$ دفترخانه ۲ تهران

علی اکبر دهخدا
 به عرض عالی می‌رساند
 ۲۴/۱۲/۲۵
 [سازمان اسناد، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۳۶

۱۳۲۴/۱۲/۲۵
 ۲۲۹۴۴

دفتر نخست وزیر

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

قانون اجازه پرداخت دویست و پنجاه هزار ریال از محل صرفه جوئی بودجه سال ۲۴ مجلس جهة هزینه اعتبار طبع فرهنگ دهخدا که در جلسه شانزدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و بیست و چهار به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است برای توشیح بصره مبارک ملوکانه تصمیم اتخاذ می‌گردد.

نخست وزیر

[سازمان اسناد ملی ۶/۹۵۹-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۳۷

۱۳۲۴/۱۲/۲۶
 ۶۱۸۹

جناب آقای نخست وزیر

در پاسخ نامه شماره (۲۲۹۴۴) ۱۳۱۴/۱۲/۲۵ فرمان اجرای قانون اجازه پرداخت دویست و پنجاه هزار ریال از محل صرفه جوئی بودجه سال ۱۳۲۴ مجلس جهة هزینه اعتبار طبع فرهنگ دهخدا صادر و با اصل قانون تلوا ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۹-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۳۸

با تأییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم
ماده اول قانون اجازه پرداخت دویست و پنجاه هزار ریال از محل صرفه‌جویی بودجه
سال یکهزار و سیصد و بیست و چهار مجلس جهة هزینه اعتبار طبع فرهنگ دهخدا که در
جلسه شانزدهم اسفندماه ۱۳۲۴ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و منضم به این دستخط
است به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند. به تاریخ بیست و ششم اسفند ماه

۱۳۲۴

[سازمان اسناد ملی، ۹۵۹/۶-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۳۹

$$\frac{۱۳۲۵/۱/۲۴}{۲۶۲۱}$$

دفتر نخست‌وزیر

وزارت دارائی

به موجب قانون بودجه سال یکهزار و سیصد و بیست و پنج مجلس شورای ملی
شماره $\frac{۳۰۲۵۳}{۲۴/۱۲/۲۰}$ که مستقیماً به آن وزارتخانه ابلاغ شده طبق تبصره ماده هفتم قانون مزبور
دولت موظف است که خانه آقای علی اکبر دهخدا را در صورت تمایل آقای دهخدا بفروش
بقیمت عادلانه خریداری نموده و دبستانی در آنجا بنام دهخدا ایجاد کند. و آقای دهخدا کتباً
تمایل خود را اطلاع داده‌اند دستور فرمائید در اجرای قانون مزبور فوری اقدام نماید.

[سازمان اسناد، ۹۵۷/۶-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۴۰

۱۳۲۵/۱/۲۴

تصدقت شوم فردا قبل از ظهر مزایده خانه به عمل می آید نه آقای وزیر عدلیه و نه آقای وزیر مالیه هنوز اقدامی نفرموده اند علاج منحصر این است که فردا صبح نماینده مالیه با اعتبارنامه به مزایده حاضر شود و رسماً بگوید که دولت خریدار این خانه است و حتی اگر ممکن باشد چک هفتاد و پنج هزار تومان هم برش ثبت بدهند که فی المجلس طلب دائم وصول شود تا وقتی که دولت بعدها خانه را تقدیم و خریداری کنند.

؟

[سازمان اسناد ملی، ۹۵۷/۶-۱۱۶۰۰۴]

۴۱

۱۳۲۵/۱/۲۶

دفتر نخست‌وزیر

استاد محترم

مرقومه مورخه ۲۴/۱۲/۱۹ راجع به زحماتیکه در تالیف کتاب لغت تحمل فرموده‌اید زیب وصول دارد در باب قروض جنابعالی و خریداری خانه به وزارت دارائی دستور داده شده است و زودتر اقدام نماید و خاطر محترم از این حیث کاملاً مطمئن باشد.

[سازمان اسناد، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۴۲

۱۳۲۵/۲/۹
۳۱۸۱

وزارت دارائی**جناب آقای نخست‌وزیر**

پاسخ مرقومه شماره ۲۶۲۱ - ۱۳۲۵/۱/۲۴ راجع به خرید خانه آقای علی اکبر دهخدا که مقرر فرموده‌اند در خرید خانه مزبور تسریع و نتیجه اقدام را به استحضار برساند بدینوسیله معروض می‌دارد:

با آنکه خرید خانه آقای دهخدا از لحاظ ایجاد دبستان جدید مربوط به وزارت فرهنگ بوده و بهای آن هم بایستی از بودجه وزارت معزی‌الیها بمشارالیه پرداخت شود معهدا از لحاظ اجرای قانون و با در نظر گرفتن اینکه طبق آگهی منتشره از طرف اجرای ثبت اسناد خانه مورد بحث در قبال بدهی آقای دهخدا و طلب بستانکاران حراج و در نتیجه ممکن بود این وزارت به خرید خانه مورد نظر موفق نگردد بدین لحاظ برای جلوگیری از حراج آن مبلغ ۸۵۰۰۰۰ ریال بطور علی‌الحساب از محل تنخواه گردان خزانه به آقای دهخدا پرداخت گردید که در قبال پرداخت به بستانکاران از حراج خانه مذکور جلوگیری به عمل آید و در ضمن دستور داده شد با حضور مهندس اداره کل ساختمان وزارت دارائی و نمایندگان ادارات حسابداری و اموال دولتی و شهرداریها و معمار اداره ساختمان شهرداری تهران و نماینده وزارت فرهنگ با مشارکت و حضور آقای دهخدا خانه مزبور را ارزیابی و بهای

حقیقی آنرا با تنظیم صورت مجلس که به امضاء نامبردگان بالا خواهد رسید اطلاع دهند تا در صورتیکه خانه مزبور بیش از مبلغ پرداخت شده ارزش داشته باشد نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت بهای آن اقدام شود و بطوریکه اداره کل ساختمان طی نامه شماره ۵۴۳-۱۳۲۵/۱/۲۹ اطلاع داده ساعت ۱۰ صبح روز شنبه هفتم اردیبهشت ماه جاری خانه مذکور ارزیابی و نتیجه معلوم خواهد شد.

وزیر دارائی

[سازمان اسناد ملی ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۴۳

۱۳۲۵/۲/۲۲
۸۱۳۷

وزارت دارایی

جناب آقای نخست‌وزیر

پیرو نامه شماره ۳۱۸۱-۱۳۲۵/۲/۵ و با عطف به مرقومه شماره ۲۶۲۱-۱۳۲۵/۱/۲۴ راجع به خرید خانه آقای علی اکبر دهخدا که مقرر فرموده‌اند در خرید خانه مزبور تسریع و نتیجه اقدام را به استحضار برساند معروض می‌دارد:

این وزارت از لحاظ اجرای قانون و جلوگیری از حراج خانه مذکور مبلغ هشتصد و پنجاه هزار ریال بطور علی‌الحساب از محل تنخواه گردان خزانه به آقای دهخدا پرداخت و در ضمن دستور داده شد خانه مورد بحث با حضور آقای دهخدا و نمایندگان ادارات وابسته به این وزارت و وزارت فرهنگ و شهرداری تهران ارزیابی و بهای حقیقی آنرا تعیین و اطلاع دهند و بطوریکه طی نامه فوق‌الاشعار به استحضار رسانید روز هفتم اردیبهشت ماه جاری برای ارزیابی تعیین شده بود ولی آقای دهخدا ضمن یادداشت اطلاع دادند.

«جناب آقای نخست‌وزیر در این باب تصمیم دیگری گرفته‌اند که بعداً ابلاغ خواهند بود» بدین لحاظ از ارزیابی خانه مزبور خودداری گردید. اینک با توجه به اینکه بیش از ده روز از تاریخ مزبور می‌گذرد و تاکنون تصمیم آن جناب ابلاغ نشده مراتب را به عرض رسانیده تا هرگونه تصمیمی که اتخاذ خواهند فرمود امر به ابلاغ فرمایند.

وزیر دارائی

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

۴۴

$\frac{۱۳۲۵/۳/۱۵}{۶۰۳۸}$

وزارت دارایی

جناب آقای نخست‌وزیر

پیرو نامه‌های شماره (۳۱۸۱) به تاریخ ۱۳۲۵/۲/۵ و نامه شماره (۸۷۳۷) به تاریخ نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ خواهشمند است تصمیم آن جناب را نسبت به خرید خانه آقای علی اکبر دهخدا امر به ابلاغ فرمائید تا از همان‌قرار اقدام گردد.

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

۴۵

$\frac{۱۳۲۵/۳/۱۷}{۲۷۱۱۱}$

وزارت دارایی

جناب آقای نخست‌وزیر

معطوفاً به مرقومه شماره ۸۴۷۴-۱۳۲۵/۴/۱۰ اینک رونوشت نامه شماره ۸۷۳۷-۱۳۲۵/۲/۲۲ این وزارت راجع به خرید خانه آقای دهخدا به ضمیمه ایفاد و استحضار می‌دهد که چون آقای دهخدا بموجب مشروح مورخ ۱۳۲۵/۴/۱۰ حاضر بودن خود را برای فروش خانه اعلام و تقاضا نموده بودند نسبت به ارزیابی آن اقدام شود بدین لحاظ این وزارت طی نامه شماره ۱۶۴۱۱-۱۳۲۵/۴/۱۱ مراتب را به اداره کل ساختمان ابلاغ و دستور داده شد فوراً روز ارزیابی را تعیین و به نمایندگانی که قبلاً برای مشارکت در امر ارزیابی تعیین شده‌اند و همچنین به آقای دهخدا اطلاع دهند تا هر چه زودتر خانه مورد بحث تقویم و ترتیب خرید آن داده شود.

وزیر دارایی

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۴۶

دفتر نخست وزیر

وزارت دارائی عطف به نامه شماره $\frac{۲۶۸۵۹}{۲۵/۴/۹}$ راجع به خرید خانه های علی اکبر دهخدا خواهشمند است دستور فرمایید بطوریکه ضمن نامه شماره $\frac{۸۴۷۴}{۲۵/۴/۱۰}$ اشاره گردیده در ارسال رونوشت نامه شماره $\frac{۸۷۳۷}{۲۵/۲/۱۹}$ تصدیق نمایند. نخست وزیر

دبیران

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۴۷

وزارت دارائی

۱۳۲۵/۵/۱

موضوع خرید خانه آقای علی اکبر دهخدا با اعلام وصول نامه شماره ۲۷۱۱۱ مورخ ۲۵/۴/۱۷ مقتضی است دستور فرمائید نتیجه اقدامات بعدی را نیز گزارش دهند.

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۴۸

وزارت دارائی

$$\frac{۱۳۲۵/۹/۱۶}{۵۳۱۶۷}$$

جناب اشرف آقای نخست وزیر

توجه جناب اشرف را به طرح تصویب نامه تقدیمی ضمن نامه شماره ۴۰۶۷۵ به تاریخ ۲۵/۷/۱ موضوع اضافه اعتبار برای خرید خانه آقای دهخدا معطوف داشته و استدعا دارد امر و مقرر فرمایند تصویب نامه آنرا صادر و ابلاغ فرمایند تا بتوان در انجام و ختم معامله که مقدمات خرید آن از حیث تنظیم سند مالکیت و غیره فراهم شده زودتر اقدام نمود.

وزیر دارایی

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۴۹

وزارت دارائی

$$\frac{۱۳۲۵/۹/۱۹}{۳۴۸۱۴}$$

هیئت وزیران در جلسه ۲۵/۹/۱۶ بنا به پیشنهاد و موافقت شماره $\frac{۴۰۶۷۵}{۲۵/۷/۱}$ وزارت دارایی تصویب نمودند بهای خانه آقای دهخدا که طبق صورتمجلس مورخ ۲۵/۶/۱۳ به مبلغ سه میلیون و سیصد و نود هزار ریال (۳۳۹۰۰۰۰ ریال) تعیین و مبلغ دو میلیون ریال آن سابقاً طبق تصویب نامه شماره ۲۰۷۰۸ به تاریخ ۱۳۲۵/۶/۱۱ تصویب شده که از محل درآمد جاری کشور پرداخت گردد بقیه آن نیز که بالغ بر یک میلیون و سیصد و نود هزار ریال است از محل درآمد جاری کشور پرداخت گردد.

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۵۰

وزارت دارائی

$$\frac{۱۳۲۵/۹/۱۹}{۳۴۸۱۴}$$

جناب اشرف آقای نخست وزیر

طبق تبصره ماده ۷ قانون بودجه سال ۱۳۲۵ مقرر شده بود خانه آقای دهخدا واقع در خیابان ایرانشهر به قیمت عادلانه خریداری و دبستانی در آنجا به نام دهخدا از طرف وزارت فرهنگ تاسیس شود ولی چون بهای خانه مورد بحث تحقیقاً معلوم نبوده است ضمن تصویبنامه شماره (۲۰۷۰/۱۰) به تاریخ ۱۳۲۵/۶/۱۱ مبلغ دو میلیون ریال بطور علی الحساب منظور گردید که از محل درآمد سال جاری پرداخت گردد. اکنون اداره کل ساختمان وزارت دارائی بشرح صورتمجلس ارسالی به امضای، نماینده وزارت فرهنگ نماینده شهرداری تهران، نماینده اداره حسابداری وزارت دارائی، نماینده اداره اموال دولتی و شهرداریها، نماینده اداره کل ساختمان، نماینده آقای دهخدا بهای خانه مذکور را به مبلغ سه میلیون و سیصد و نود هزار ریال تشخیص و تعیین نموده اند چون از مبلغ مذکور مبلغ دو میلیون ریال آن بر طبق تصویبنامه نامبرده تصویب گردیده که از محل درآمد جاری پرداخت گردد و اینک برای پرداخت بقیه بهای خانه که بالغ بر یک میلیون و سیصد و نود هزار ریال (۱۳۹۰۰۰۰ ریال) است طرح تصویبنامه آن تهیه و برای تصویب هیئت وزیران تقدیم می دارد. ع

وزیر دارائی

[سازمان اسناد ملی، ۶/۹۵۷-۱۱۶۰۰۴]

* * *

۵۱

وزارت دارائی

$$\frac{۱۳۳۰/۱۲/۴}{۸۳۶۳۵}$$

جناب آقای نخست وزیر

با توجه به مرقومه شماره ۳۲۲۰۴ - ۱۳۳۰/۱۱/۲۰ از مبلغ ۱۰۴۹۹۸۵ ریال وجه مورد حواله بابت هزینه چاپ فرهنگ دهخدا با توجه به قدرت پرداخت خزانه مبلغ سیصد هزار ریال در تاریخ ۱۵ بهمن ماه و دویست هزار ریال در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۳۰ پرداخت شده و بقیه در دو قسط تا آخر سال جاری تادیه خواهد شد.

کفیل وزارت دارایی

آقای رزاقی

رونوشت برای جناب آقای دهخدا فرستاده شود.

۳۰/۱۲/۷

* * *

۵۲

۱۳۳۱/۳/۱۷
۴۲۷۵

وزارت دارائی

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف بمرقومه شماره ۵۶۰۹ به تاریخ ۱۳۳۱/۲/۲۸ متضمن رونوشت نامه جناب آقای دهخدا راجع به اعتبار چاپ فرهنگ دهخدا معروض می‌دارد. اعتبار چاپ فرهنگ مورد نظر در بودجه پیشنهادی سال ۱۳۳۱ مانند سالهای پیش منظور گردیده است ضمناً به استحضار آنجناب می‌رساند که در فروردین و اردیبهشت ماه سال جاری برای چاپ فرهنگ مزبور و سایر مخارج مربوطه درخواست لازم تهیه و به جریان گذارده شده با این ترتیب نظر جناب آقای دهخدا تامین گردیده و به همین قرار مراتب به اطلاع ایشان رسانیده شد.

وزیر دارایی

[تاریخ معاصر، ش.ب. ۱۱۳۹۲]

* * *

۵۳

۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۱

قربانت شوم دو جزو از لغت‌نامه که تازه از طبع خارج شده به حضورتان فرستادم. چهار پنج جزو دیگر هم در دست صحافی است و عنقریب تقدیم می‌کنم. از تصمیم تشریف فرمائی بلانهایت خرسندم و تائیدات الهی را با دعا از درگاه خداوند رحیم برای پیشرفت نیات مقدسه شما می‌خواهم. در شرفیابی اخیر قصدم این بود که اگر ممکن شود خرج طبع این کتاب را به عهده آمریکائی‌ها بگذاریم (اگرچه آنها ظاهراً میل ندارند پولشان را برای

کارهای اساسی خرج کنند) به عقیده بنده اگر از این طریق مخارج طبع تامین نشود باید این خرج جزئی را برای نفع کلی این کتاب تحمل کرد. این کتاب به عقیده اکثر مستشرقین که آنرا دیده‌اند و نیز علما و ادبای خودمان شاید اقلای یک قرن ما را پیش می‌برد. گذشته از اینکه مبلغی را که دولت برای این کار در بودجه می‌گذارد همه ساله قریب یک ثلث آن صرفه‌جوئی می‌شود از دو ثلث دیگر هم مبلغ عمده آن به مطبوعه مجلس می‌رسد که در معنی دولت از یک جیب به جیب دیگر می‌ریزد و علاوه بر اینها سالی قریب سی هزار تومان از آن فروخته می‌شود که جزو بودجه مجلس به حساب می‌آید از قراری که بنده شنیده‌ام هیاتی که مامور تدوین بودجه بوده‌اند یا وزارت مالیه خرج طبع این کتاب را حق‌التألیف تصور کرده‌اند در صورتی که از روز اول بنده حق‌التالیفی قبول نکردم. فقط ماهیانه به اندازه حداقل زندگی به بنده می‌دادند از این جهت تمنا می‌کنم امر بفرمائید مبلغ مزبور را مانند سنوات سابق در بودجه بگذارند و این ضرر قلیل را برای نفع کثیر آن تحمل کنیم، بار دیگر در این مملکت یک نفر که مطلع از شعب علوم قدیمه و تا حدی از علوم جدید عیناً اطلاع داشته باشد پیدا نخواهد شد (برای اینکه مدارس فعلی از علوم قدیمه صرف نظر کرده‌اند و دکتر ادبیات صاد و سین را تمیز نمی‌دهد) در صورتیکه علوم قدیمه رکن و اساس ملیت و علم و ادب ماست. و تنها اتفاق و صدقه بنده را به ستوه آورده که چهل و پنجسال عمر سخت را، حتی عید و جمعه صرف این کار کند و اگر امروز این کار نشود بعد از مردن بنده و چندین عمر دیگر اگر بخواهیم لغت یا شبه‌دائرةالمعارفی بنویسیم باید از فرنگی و امریکا متخصص بخواهیم. چهار میلیون و نیم یادداشت در این مدت تهیه شده و مقداری از آن به طبع رسیده حیف است بقیه جزو زباله به کوچه ریخته شود. در خاتمه خاطر مبارک را تصدیع می‌دهد که در ماه فروردین و اردیبهشت حقوق اجزاء خدمتگذار این کار را نداده‌اند و زندگی بنده ارادتمند و سایرین در نهایت اختلال است. قربانت علی اکبر دهخدا از روی کمال ضرورت گاهی تصدیع می‌دهم و متأثرم که وقت گرانبها و مضیق حضرت اجل عالی را بخود مشغول می‌کنم لیکن از راه کمال ضرورت و اجبار تصدیع می‌دهم.

پرستنده علی اکبر دهخدا

[امضاء]

* * *

۵۴

۱۳۳۲/۱۰/۱

قربانت شوم بیش از سه ماه است که دندان بجگر گذاشته‌ام تا از اوقات گرانبهای ناجی ایران دقیقه‌ای را تلف نکرده باشم حالا هم اگر اندک مزاحمتی باشد باز صبر می‌کنم و اگر نه چند دقیقه اجازه فرمائید که با دیدار آن جمال عدیم‌المثال چشم خود را روشن کنم چون تلفن مرا بسته‌اند اگر وقت تعیین می‌شد امر فرمائید کتباً به پرستنده اطلاع دهند بهتر است. ساعت پنج بعدازظهر وقت تعیین و ابلاغ شده است.

علی اکبر دهخدا

[تاریخ معاصر، ش.ب. ۱۰۶۷۸]

* * *

۵۵

۱۳۳۶/۱۱/۲۲
۴۴۲۲

وزارت فرهنگ

جناب آقای نخست‌وزیر

به موجب تبصره الحاقی به ماده ۷ قانون بودجه مجلس شورای ملی که ذیلانقل میشود:
«دولت موظف است خانه آقای علی اکبر دهخدا را در صورت تمایل آقای دهخدا بفروش به قیمت عادلانه خریداری نموده و دبستانی در آنجا به نام دهخدا ایجاد کند».
که وزارت فرهنگ خانه مسکونی آن مرحوم را طبق قانون مزبور خریداری نموده و شرح مذاکرات مذکور در صورت مجلس‌های کمیسیون بودجه از طرف وزیر فرهنگ وقت پیشنهاد شده که مرحوم دهخدا مادام‌الحیات در این خانه ساکن باشد و به همین نحو هم عمل شده اکنون که وزارت فرهنگ در مقام تخلیه و تحویل ملک برای ساختمان دبستان دبیرستانی است بازماندگان مرحوم دهخدا در این خانه ساکنند از طرفی مستمری پرداختی بورات ایشان ماهی ۳۴۰۰ ریال است که در حال حاضر بین عیال و خواهر آن مرحوم تقسیم می‌شود که به لحاظ خدمات فرهنگی مرحوم دهخدا و وضع خاص مالی ورثه در هر دو قسمت از دولت تقاضای کمک دارند مراتب به استحضار خاطر محترم رسید تا عنداللزوم با عرض مراتب به پیشگاه ملوکانه از دستوری که در این زمینه صادر خواهد شد وزارت

فرهنگ را مستحضر فرمایند.

وزیر فرهنگ

[سازمان اسناد ملی]

۵۶

۱۳۳۸/۱۰/۲۲
۴۲۷۵۶/۴

دانشگاه تهران

وزارت فرهنگ

چنانکه اطلاع دارند وضع زندگی بانو عذرا دهخدا عیال مرحوم علی اکبر دهخدا با سهمی که از حقوق و وظیفه ناچیز علامه فقید دریافت می دارد بسختی می گذرد و اقتضا دارد همانطور که جناب آقای نخست وزیر طی نامه شماره ۱۸۶۷۵ - ۳۶/۹/۵ که رونوشت آن ضمیمه است مرقوم داشته اند لطفاً برقراری شهریه مناسبی را درباره این خانم ضمن لایحه ای به مجلس شورای ملی پیشنهاد فرمایند. البته موجب سپاسگزاری خواهد بود.

دکتر فرهاد

رئیس دانشگاه

[سازمان اسناد ملی]

۵۷

دانشگاه تهران

۱۳۳۸/۹/۵
۱۸۶۷

نوشت نامه شماره ۱۸۶۷ - ۳۸/۹/۵

وزارت فرهنگ

چندی قبل بانو عذرا دهخدا عیال مرحوم استاد دهخدا نامه‌ای نوشته بود مبنی بر اینکه زندگی مشارالیها با مبلغ یکصد و هفتاد تومانی که عجزاً بابت حقوق وظیفه فقید مذکور دریافت می‌دارد به هیچ وجه تأمین نمی‌شود و علاوه بر اینکه در حدود مبلغ هفتاد هزار تومان بابت مخارج معالجه استاد مقروض است خانه‌ای هم که در آن سکنی دارد متعلق به وزارت فرهنگ می‌باشد در این باره توجه مجلس شورای ملی بلزوم تأمین زندگی و رفع نگرانی مشارالیها جلب گردید. اینک مجلس شورای ملی طی نامه شماره ۱۲۸۷۹ - ۳۶/۸/۲۱ اعلام می‌دارد با تصمیمی که اخیراً مبنی بر انتقال سازمان علمی و اداری فرهنگ دهخدا به دانشگاه تهران اتخاذ شده لایحه‌ای به منظور برقراری شهریه علاوه بر مبلغ تقاعدی فعلی تهیه و به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود. دستور فرمائید در این باره اقدام لازم معمول نمایند تا زندگی و آسایش عیال مرحوم دهخدا تأمین و رفع نگرانی مشارالیها بشود.

نخست‌وزیر

امضا

رونوشت برابر رونوشت است.

[سازمان اسناد ملی]

۵۸

وزارت فرهنگ

۱۳۳۸/۱۰/۲۶

اداره دفتر وزارتی

برای بازماندگان مرحوم علی‌اکبر دهخدا اضافه بر حقوق وظیفه (۴۷۵۰ ریال) سه هزار ریال دیگر به عنوان مستمر به وزارت دارائی پیشنهاد شد و در قانون مستمری‌ها که بتصویب مجلس شورای ملی رسید. نام ورثه متوفی ثبت گردیده ولی عین قانون هنوز به اداره کل

کارگزینی نرسیده تا احکام آنان صادر گردد.

مدیر دارائی بازنشستگان - رکنی

۱۳۳۸/۱۰/۲۶

[سازمان اسناد ملی]

چاپخانه وزارت فرهنگ

* * *

٤

منابع تحقيق

منابع تحقیق

- افشار، ایرج، «علی اکبر دهخدا»، فرهنگ ایران زمین، ۴۰۸/۳ - ۴۱۰.
- تقی زاده، حسن، «دهخدا»، مقدمه لغت نامه دهخدا، ص ۳۹۴ - ۳۹۶.
- خانلری، پرویز، «درگذشت دهخدا»، سخن، ۹۲/۷ - ۹۴.
- دبیرسیاقی، محمد، «یادی از دهخدا»، یغما، ۱۲/۱۰ - ۱۵.
- معین، محمد، «چراغی که خاموش شد»، یغما، ۲۹۴/۹ - ۳۰۱.
- کتیرائی، محمود، «یادداشت‌هایی درباره امثال و حکم»، مجله دانشکده ادبیات تهران، ۱۵ (۱۳۴۷): ۵۰۵ - ۵۳۲.
- «نامه‌های دهخدا»، راهنمای کتاب، ۱۲ (۱۳۴۸): ۴۶۱ - ۴۶۳.
- افشار، ایرج، «دو یادگار از مشروطیت»، راهنمای کتاب، ۱۲ (۱۳۴۸): ۳۱۱ - ۳۱۳.
- غلامحسین، یوسفی، «دخو»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۶ (۱۳۴۹): ۵۱۳ - ۵۵۲.
- درویدیان، ولی‌الله، «گزیده کتاب‌شناسی دهخدا»، نشر دانش، ۶ (۱۳۶۵): ۴۲۰ - ۴۲۵.
- «دیوان دهخدا»، آینه، ۸ (۱۳۶۱): ۲۷۱ - ۲۷۹.
- خلیخالی، صادق، «باز هم درباره لغت‌نامه دهخدا»، کیهان اندیشه، ۳۹ (دی ۱۳۷۰): ۲۰۷ - ۲۰۹.
- دبیرسیاقی، محمد، «دیوان دهخدا»، آینه، ۸ (۱۳۶۱): ۷۳۴ - ۷۳۶.
- زرین کوب، عبدالحسین، «اشعار دهخدا»، نقش بر آب، تهران، ۱۳۶۸/۶۵۱ - ۶۵۶.
- افشار، ایرج، «دو نوشته دیگر از دهخدا»، آینه، ۹ (۱۳۶۲): ۷۹۱ - ۷۹۳.
- افشار، ایرج، «دو یادگار از دهخدا»، آینه، ۸ (۱۳۶۱): ۱۷۸ - ۱۸۳.
- افشار، ایرج، «نامه‌ای تازه‌یاب از دهخدا»، آینه، ۱۵ (۱۳۶۸): ۸۰۳ - ۸۰۶.
- معین، مهدخت، «همراه دهخدا با حافظ»، کیهان فرهنگی، ۵ (۱۳۶۷): ۲۸/۱۱ - ۳۱.
- گلبن، محمد، «روزنامه‌نگاری دهخدا»، آینه، ۵ (۱۳۵۸): ۴۹۰ - ۴۹۹.
- کتیرائی، محمود، «یادداشت‌هایی درباره امثال و حکم»، زبان و فرهنگ مردم، تهران، ۱۳۵۷/۹۲ - ۱۳۰.
- «مصدق و دهخدا»، آینه، ۶ (۱۳۵۹): ۷۴۸ - ۷۵۰.

- اصفهانی، کلیم، «علامه دهخدا»، هلال، ۱۸/۳/۵ - ۲۲.
- افشار، ایرج، «مرگ دهخدا»، کتابهای ماه، ۱/۲۴۰.
- پارسا، ه، «به یاد علی اکبر دهخدا»، پیام نوین، ۳/۹/۱۳.
- دستغیب، عبدالعلی، «علی اکبر دهخدا»، پیام نوین، ۴/۱/۱۹.
- افشار، ایرج، «دهخدا در راهسازی خراسان»، نگین، ش ۱۷۴ (دی ۱۳۵۸): ۱۸-۱۹.
- افشار، ایرج، «سالشمار زندگی دهخدا»، آینده، ۵ (۱۳۵۸): ۴۲۸-۴۳۰.
- افشار، ایرج، «دو عکس نادیده از دهخدا»، آینده، ۷ (۱۳۶۰): ۲۹۱.
- افشار، ایرج، «سندی دیگر از دهخدا»، نگین، ش ۱۷۰ (شهریور ۱۳۵۸): ۱۶-۱۹.
- افشار، ایرج، «مبارزات دهخدا و یارانش علیه محمدعلی شاه در اروپا»، نگین، ش ۱۶۷ (خرداد ۱۳۵۸): ۲۳-۳۴ و ش ۱۶۸: ۲۸-۳۴ و ش ۱۶۹: ۲۶-۳۳.
- افشار، ایرج، «نکته‌ای مکتوم مانده از زندگی دهخدا. خیال تابعیت عثمانی»، نگین، ش ۱۷۲ (آبان ۱۳۵۸): ۲۳-۲۶.
- الهی، صدرالدین، «علی اکبر دهخدا»، جشن نامه، ش ۶/۵ (اردیبهشت ۱۳۵۷): ۴۲.
- پروین گنابادی، محمد، «علی اکبر دهخدا»، جشن نامه، ش ۶/۵ (اردیبهشت ۱۳۵۷): ۴۱.
- تقی زاده، سیدحسن، «سرگذشت دهخدا»، آینده، ۵ (۱۳۵۸): ۵۶۵-۵۶۹.
- حالت، ابوالقاسم، «یاد دخو بخیر»، آینده، ۵ (۱۳۵۸): ۴۶۸-۴۷۷.
- دبیرسیاقی، محمد، «امثال و حکم دهخدا»، آینده، ۵ (۱۳۵۸): ۴۵۱-۴۶۰.
- دبیرسیاقی، محمد، «حکایتی از دهخدا»، نگین، ش ۱۷۶ (اسفند ۱۳۵۸): ۳۰-۳۱.
- دبیرسیاقی، محمد، «خاطراتی از دهخدا و از زبان دهخدا»، نامه نور، ش ۱۱/۱۰ (اسفند ۱۳۵۹): ۱۳-۴۸.
- دبیرسیاقی، محمد، «دخو قزوینی و دخو گیلانی»، آینده، ۶ (۱۳۵۹): ۶۳۰-۶۳۱.
- دبیرسیاقی، محمد، «علی اکبر دهخدا»، جشن نامه، ش ۳ (۱۳۵۶): ۲۲-۲۴.
- درودیان، ولی الله، «باز درباره مشتی اسمال»، آینده، ۶ (۱۳۵۹): ۴۱۵-۴۱۸.
- درودیان، ولی الله، «مشتی اسمال / دخو»، آینده، ۵ (۱۳۵۸): ۹۷۴-۹۷۹.
- درودیان، ولی الله، «نکته‌ای از یحیی ریحان درباره دهخدا»، آینده، ۶ (۱۳۵۹): ۸۹۸-۸۹۹.
- دهخدا، علی اکبر، «توصیه نامه از دهخدا و وصیت او»، آینده، ۶ (۱۳۵۹): ۷۵۶-۷۵۸.
- دهخدا، علی اکبر، «نامه دهخدا به اداره اطلاعات امریکا»، به کوشش ایرج افشار، آینده، ۵

(۱۳۵۸): ۹۱۲-۹۱۴.

- دهخدا، علی اکبر، «نامه‌ای به حبیب یغمائی»، به کوشش ایرج افشار، آئینده، ۷ (۱۳۶۰):

۸۷-۷۹.

- دهخدا، علی اکبر، «نامه‌های دهخدا»، به کوشش ایرج افشار، آئینده، ۵ (۱۳۵۸): ۵۷۳-

۵۸۲.

- دهخدا، علی اکبر، «یک نامه از دهخدا»، به کوشش ابراهیم صفائی، انجمن تاریخ، ش ۱

(بهار ۱۳۵۷): ۲۴-۳۳.

- رضازاده ملک، رحیم، «پراکنده‌هایی از دخو»، آئینده، ۶ (۱۳۵۹): ۱۹۹-۲۰۶.

- رئیسی، نصره‌الله، «دهخدای شاعر»، نگین، ش ۱۷۳ (آذر ۱۳۵۸): ۴۸-۴۹.

- رئیسی، نصره‌الله، «دهخدای شاعر. نقد و بررسی دیالکتیکی»، تهران، ۱۳۵۹، ص ۵۲-

۵۹.

- رعدی آذرخشی، غلامعلی، «دهخدا از دیده رعدی در شعر»، آئینده، ۶ (۱۳۵۹): ۷۵۴-

۷۵۵.

- رعدی آذرخشی، غلامعلی، «شعر دهخدا»، آئینده، ۵ (۱۳۵۸): ۴۳۲-۴۴۹.

- سهیلی خوانساری، احمد، «علی اکبر دهخدا و حاجی حسین آقا ملک»، آئینده، ۶ (۱۳۵۹):

۲۲۱-۲۳۴.

- شمیسا، سیروس، «رباعی دهخدا و نقد رهی معیری»، آئینده، ۶ (۱۳۵۹): ۸۹۹-۹۰۰.

- شهیدی، سیدجعفر، «علی اکبر دهخدا»، جشن نامه، ش ۶/۵ (اردیبهشت ۱۳۵۷): ۴۳.

- طباطبائی، میراحمد، «یادی از دهخدا»، آئینده، ۷ (۱۳۶۰): ۲۳۸-۲۳۹.

- طبری، احسان، «درباره اثر بزرگ علی اکبر دهخدا: امثال و حکم»، نوشته‌های فلسفی و

اجتماعی، ۱ (۱۳۵۹): ۵۴۳-۵۴۸.

- «علی اکبر دهخدا»، رودکی، ش ۵۳ (اسفند ۱۳۵۴): ۴۵-۴۶.

- غیور، حسین، «قطعه‌ای منسوب به دهخدا»، آئینده، ۶ (۱۳۵۹): ۷۵۵.

- فرشیدورد، خسرو، «علی اکبر دهخدا»، جشن نامه، ش ۶/۵ (اردیبهشت ۱۳۵۷): ۴۲-۴۳.

- محیط طباطبائی، محمد، «دکتر مصدق و دهخدا»، آئینده، ۵ (۱۳۵۸): ۴۶۲-۴۶۷.

- مستوفی، عبدالله، «سه نظر درباره دهخدا»، آئینده، ۵ (۱۳۵۸): ۵۷۰-۵۷۲ (نظریات مهدی

بامداد و ابوالحسن علوی).

- مهدوی، احمد، «دهخدا ابر مرد فرهنگ معاصر ایران»، تلاش، ش ۶۹ (اردیبهشت

۱۳۵۶: ۱۴-۱۶ و ش ۷۰: ۲۶-۲۸.

- نیکویه، محمود، «دهخدا ابر مردی با کولبار واژه‌ها»، رودکی، ش ۱۶ (بهمن ۱۳۵۱): ۳-۵ و ۷.

- «یاد آر زشمع مرده یاد آر»، بیداران، ۶ (نوروز ۱۳۶۱): ۷۷-۸۲ (درباره دهخدا و میرزا جهانگیرخان).

- یوسفی، غلامحسین، «دخو»، دیداری با اهل قلم، مشهد، ۱۳۵۸، ۲: ۱۴۹-۱۸۴ (درباره علی اکبر دهخدا).

- اختر حسین، «نگاهی به شخصیت علی اکبر دهخدا»، دانش، ش ۲۲ (تابستان ۱۳۶۹): ۱۹-۲۳.

- افشار، ایرج، «نامه علی اکبر دهخدا از پاریس»، آرمان، ش ۵ (آبان ۱۳۶۹): ۱۱.
- الهی، صدرالدین، «دهخدا جاودانه مرد»، جنگ، ش ۱۶/۱۵ (فروردین ۱۳۷۰): ۵۴-۵۹ و ش ۱۸/۱۷: ۶۰-۶۶ و ۸۸.

- انوار، عبدالله، «مشتی اسمال از دهخدا نیست»، آینه، ۱۲ (۱۳۶۵): ۷۸۳-۷۸۲.
- پرهام، مهدی، «عشق و سکوت»، آینه، ۱۴ (۱۳۶۷): ۱۰۱-۱۰۹ و ۴۸۶-۴۹۷.
- حیدری، اصغر، «دهخدا خادم یا خائن؟»، کیهان اندیشه، ش ۳۴ (اسفند ۱۳۶۹): ۱۸۷-۱۹۰.
- دبیرسیاقی، محمد، «باز هم مشتی اسمال [دهخدا]»، آینه، ۱۳ (۱۳۶۶): ۵۰۰.
- شریف الاسلامی کرمانی، «[درباره دهخدا]»، کیهان اندیشه، ش ۳۲ (آبان ۱۳۶۹): ۱۸۵-۱۸۶.

- عنایت، محمود، «دهخدا و طنز سیاسی»، کلک، ۱ (۱۳۶۹)، ش ۷: ۱۹-۳۱.
- عنبرانی، محمود، «دهخدا در عرصه ادب و اندیشه»، کیهان اندیشه، ش ۳۰ (تیر ۱۳۶۹): ۱۴۵-۱۵۳.

- محجوب، شهریار، «دهخدا آزادیخواه مبارز، لغوی، محقق و شاعر»، کتاب جمعه‌ها، ش ۱۱ (تابستان ۱۳۶۶): ۵۱-۶۵.

- مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، «نکاتی چند درباره دهخدا»، کیهان اندیشه، ش ۳۲ (آبان ۱۳۶۹): ۱۸۴-۱۸۵.

- نبوی، ایرج، «شادروان دهخدا و مکاتبات راهسازی»، راه و بار، ش ۵ (دی ۱۳۶۳): ۶۲۵-۶۴۲.

- یوسفی، غلامحسین، «[دهخدا] آراسته به چندین هنر»، یادداشتها، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲.

۲۲۴-

- «به مناسبت سی‌امین سال درگذشت دهخدا»، آدینه، ش ۷ (۱۹ اسفند ۱۳۶۴): ۱۲.

۵

گزیده اسناد

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

صادق رضا زاده شفق

(۱۲۷۱-۱۳۵۰ ش)

سفید

۱: زندگینامه

در سال ۱۲۷۱ ه.ش در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر به پایان رساند. در سال ۱۲۸۵ به مدرسه‌ی آمریکایی مموریال تبریز رفت و حدود پنج سال در آنجا تحصیل کرد. در سال ۱۲۸۷ که محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست با عده‌ای از همفکران و همدرسان خود به صف مجاهدین مشروطه پیوست و انجمنی به نام جمعیت وطن خواهان را تشکیل دادند. در سال ۱۲۸۹ روزنامه‌ی شفق را به مدیریت حاج آقا رضازاده پدر دکتر شفق دایر کردند که هفته‌ای یک بار منتشر می‌شد و بیشتر مقاله‌های آن را دکتر شفق می‌نوشت. به دلیل فعالیت‌های سیاسی مورد تعقیب قرار گرفت تا آن که در سال ۱۲۹۱ به عثمانی گریخت در استانبول معلّم زبان فارسی دبستان ایرانیان آن سامان شد. در سال ۱۲۹۳ به معرفّی دکتر ویلسن (Wilson) رئیس مدرسه‌ی آمریکایی تبریز وارد مدرسه‌ی عالی شبانه‌روزی آمریکایی استانبول (رابرت کالج Robert college) گردید و در سال ۱۲۹۷ باخذ درجه‌ی B.A. نایل گشت و بلافاصله معلّم همان کالج شد. در سال ۱۳۰۰ به ایران آمد و مدّت هشت ماه در تهران به سر برد در سال ۱۳۰۱ به برلن رفت و در سال ۱۳۰۳ وارد دانشگاه برلن شده و دانشنامه‌ی دکتری فلسفه را اخذ کرده به ایران برگشت و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و علاوه بر تاریخ و کلیات فلسفه، تاریخ ادبیات ایران را از آغاز تا اسلام تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۱۴ به همیاری بزرگانی چون ملک‌الشعراء بهار، عبدالعظیم قریب، علی اکبر دهخدا و... به تأسیس فرهنگستان همّت گماشت و چون تنها کسی بود که با زبانهای انگلیسی، آلمانی و فرانسه و ترکی و عربی آشنایی کامل داشت و با زبان پهلوی و فرس قدیم نیز آشنا بود از اعضای فعال فرهنگستان به شمار می‌آمد. در فروردین سال ۱۳۲۸ به دعوت کمیسیون حقوق بشر به آمریکا رفت و در بهمن همان سال به ایران بازگشت و به نمایندگی دوره‌ی اول مجلس سنا منصوب گردید. در شهریور ۱۳۳۰ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مجدداً از او دعوت کرد و به آمریکا رفت. در پایان کار کمیسیون به دعوت دانشگاه کلمبیا و میشیگان در آمریکا و دانشگاه مک گیل در کانادا دو سال و نیم تدریس کرد و در آذرماه ۱۳۳۲ به ایران بازگشت و تا ۱۳۴۲ که بازنشسته شد استاد ممتاز دانشگاه به شمار می‌رفت.

در سال ۱۳۴۲ عضو شورای فرهنگی سلطنتی گردید و در همین سال به نمایندگی دوره‌ی چهارم مجلس سنا و در سال ۱۳۴۶ به نمایندگی دوره‌ی پنجم و در سال ۱۳۵۰ به نمایندگی دوره‌ی ششم آن مجلس برگزیده شد.

دکتر شفق سرانجام در روز چهارشنبه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۰ در بیمارستان مهر پس از دو عمل جراحی چشم از دنیا فرو بست.

۲

آثار

۱- کتاب‌ها و تألیفات

- تاریخ ادبیات ایران، چاپ دوم، شیراز، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲ ش.
- تاریخ ادبیات ایران: برای دبیرستان‌ها، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۱ ش.
- چند بحث اجتماعی، سخنرانی‌های رضازاده شفق در رادیو ایران، تهران، زوار، ۱۳۴۰ ش.
- فرهنگ شاهنامه، به کوشش و تصحیح مصطفی شهابی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، بی‌تا.
- فرهنگ شاهنامه با شرح حال فردوسی و ملاحظاتی در باب شاهنامه، تهران، مجمع ناشر کتاب، ۱۳۲۰ ش.
- نادرشاه از نظر خاورشناسان، گردآورده‌ی رضازاده شفق، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹ ش.

۲- تألیف مقدمه

- انسان در تکاپوی تمدن، ادوین پالو، ترجمه‌ی محمد سعیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- ایران صغیر یا تذکره‌ی شعرای پارسی زبان کشمیر، خواجه عبدالحمید عرفانی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۵ ش.
- شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، به اهتمام حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، برلین، ایرانشهر، ۱۹۲۶ م.
- صحنه‌های زندگی، نورالهدی منگنه، تهران، ۱۳۳۷ ش.
- قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، کریم طاهرزاده بهزاد، اقبال و شرکا، ۱۳۳۴.
- نظریات سیاسی فلاسفه‌ی غرب، ترجمه و تألیف بهاء‌الدین بازارگاد، تهران، اقبال با همکاری فرانکلین، ۱۳۳۳ ش.
- چهل گفتار درباره‌ی سالگردهای تاریخی، یادبود دانشمندان معاصر ایران، عیسی صدیق، تهران، کتاب فروشی دهخدا، ۱۳۵۲.

۳- مقالات

- «آیا ایران باستان آثار ادبی داشته است؟»، مهر، ۱، ص ۲۶-۲۹.
- «ابن خلدون و فلسفه‌ی تاریخ» نشریه‌ی دانشکده ادبیات تبریز، ج ۳، ش ۷، ص ۳-۱۲.
- «ابوالفضل بیهقی و تاریخ بیهقی»، ارمغان، ۱۲، ص ۷۰-۷۸، ۸۴-۹۶، ۹۷-۱۰۲، ۱۴۵-۱۵۲، ۱۹۹-۲۰۸.
- «اسامی ایرانی جهات چهارگانه»، باختر، ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴.
- «استاد نلدکه و شاهنامه»، باختر، ۲، ص ۵-۱۰.
- «اشعار متفرقه‌ی فردوسی»، مهر، ۲.
- «تأثیر ایران در عرب»، باختر، ۱، ص ۳۴۸-۴۴۱.
- «تاریخ مختصر تقویم در ایران»، سالنامه‌ی شرق، ۳، ص ۳-۱۹.
- «تقی زاده و مشروطیت»، یغما، ۱۲، ص ۴۹۰-۴۹۴.
- «تمدن ایران قدیم»، یادنامه‌ی دینشاه ایرانی، ص ۱۴۷-۱۶۶.
- «حروف پتی و پاتی در فارسی»، مهر، ۱، ص ۲۱۵-۲۱۶.
- «دبستان و دبیرستان»، مهر، ۲، ص ۱۰-۱۳.
- «درسی که جوانان باید از شاهنامه یاد بگیرند»، تعلیم و تربیت، ۴، ص ۴۰۵-۴۰۷.
- «زبان فرهنگستان»، ارمغان، ۲۲، ص ۴۸۴-۴۸۷.
- ستارخان، سردار ملی، «مردان خودساخته»، ص ۷۸-۱۰۱.
- «سفارت کلاویو به دربار تیمور»، مهر، ۱، ص ۳۶۲-۳۶۵ و ۴۲۸-۴۳۲.
- «شاهنامه و اوستا»، مهر، ۲، ص ۴۴۲-۴۴۸.
- «فردوسی از لحاظ دینی»، هزاره‌ی فردوسی، ص ۱۶۷-۱۷۲.
- «کتاب اسرار التوحید»، مهر، ۴، ص ۳۲۵-۳۳۴ و ۴۷۳-۴۸۲.
- «گوته و حافظ»، ایرانشهر، ۴، ص ۷۱۷-۷۳۴.
- «مسافرت به افغانستان»، یغما، ۱۱، ص ۲۰۱-۲۰۷.
- «مساله‌ی تقلید و ابتکار در صنایع هخامنشی»، ایران امروز، ج ۳، ش ۴، ص ۵-۶.
- «مقدمه‌ی ابن خلدون»، ارمغان، ۱۵، ص ۴۰۱-۴۰۶.
- «مقدمه‌ی ابن خلدون»، ارمغان، ۲۶، ص ۲۴۱.

- «نسخه‌ی ترجمان‌البلاغه»، یغما، ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰.
- «نفوذ فارسی در عربی»، شرق، ۱، ص ۱۹-۲۵.
- «نکاتی درباره‌ی عمر خیام»، ارمغان، ش ۲۹، ص ۴۹-۵۹.
- «نکاتی راجع به گلستان»، تعلیم و تربیت، ۷، ص ۶۸۱-۶۸۶.
- «نهان بینی و جهان بینی خواجه عبدالله انصاری»، نهصدمین سال، ص ۴۰-۴۹.
- «نهان بینی و جهان بینی خواجه عبدالله انصاری»، یغما، ۱۵، ص ۳۸۵-۳۹۳.
- «نهان بینی و جهان بینی خواجه عبدالله انصاری»، مجله دانشکده ادبیات، ۱۰، ص ۱۲۵-۱۳۳.
- «وسعت انتشار زبان و ادبیات فارسی»، ارمغان، ۲۶، ص ۴-۹.
- «وطن پرستی فردوسی را چطور باید فهمید»، باختر، ۱، ص ۸۳۰-۸۳۷.
- «یادی از دکتر غنی»، مهر، ۸، ص ۵۳۳-۵۳۶.
- «یوسف و زلیخای فردوسی»، مهر، ۲، ص ۵۸۷-۵۹۲.

۴- ترجمه

- آسیای غربی (آمدن اقوام هندو اروپایی)، برستد، جیمز هنری، ایران از نظر خاورشناسان، ص ۹۷-۱۰۹.
- ادیان شرق و فکر غرب، رادها کریشنان، تهران، مختار، بی تا.
- ایران از نظر خاورشناسان، تهران، اقبال، ۱۳۳۵ش.
- پارسی باستان؛ کنت، رولند؛ ایران از نظر خاورشناسان، ۱۱۰-۱۱۹.
- تاریخ ادبیات فارسی؛ اته، هرمان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۲۵۳۶ش.
- تاریخ مختصر ایران، پاول هرن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ش.
- تاریخ ملخص ایران، ویلبر، دونالد؛ ایران از نظر خاورشناسان، ص ۱-۹۶.
- تحقیق در فهم و فکر بشر، جان لاک، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
- تلاقی فکر اسلامی و غربی در ایران؛ یانگ، کاپلر؛ ایران از نظر خاورشناسان، ص ۲۶۲-۲۷۳.
- جستاری در فهم بشر، جان لاک، تهران، شفیعی، ۱۳۸۰ش.
- دین قدیم ایرانی، جکسن، ویلیام، ایران از نظر خاورشناسان، ص ۱۲۰-۱۳۲.
- روان شناسی ایرانی؛ هاز، ویلیام؛ ایران از نظر خاورشناسان، ص ۲۰۶-۲۲۷.
- زردشت پیامبر، ایران از نظر خاورشناسان، ص ۱۳۳-۱۴۳.

- زندگانی اجتماعی [ایران] و سازمان آن، کروس کلوز، الگین، ایران از نظر خاورشناسان، ص ۲۷۴-۲۸۴.
- شاهکارهای هنر ایران؛ پوپ، آرتور؛ ایران از نظر خاورشناسان، ص ۱۵۱-۱۹۴.
- عقاید در ایران قدیم، مور، جرج فوت، ایران از نظر خاورشناسان، ص ۱۴۴-۱۵۰.
- کوروش کبیر، هارولد لمب، تهران، ابن سینا با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۰ش.
- گزیده‌ی اوپه نیشدها، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ش.
- منابع هنر اسلامی، دیمند، ایران از نظر خاورشناسان، ص ۱۹۵-۲۰۵.
- ناصرالدین شاه و خانواده‌ی شاهی و رجال دربار او، بنجامین، ایران از نظر خاورشناسان، ۲۲۸-۲۶۰.

۳

اسناد

۱

خلاصه ولادت

تاریخ صدور روز نهم ماه آذر سال یکهزار و سیصد و هشت شمسی (۱۳۰۸) نمره ۲۶۱۴۶ آقای صادقخان رضازاده شفق که پدر او موسوم به مرحوم رضا و مادر او مسماءه به زهرا خانم است و در ولایت قصبه شهر طهران محله حسن آباد کوچه چهار سوق چوبی خانه نمره بلوک - قریه ساکن است.

در تاریخ روز نهم ماه جدی سال هزار و دویست هفتاد و یک (۱۲۷۱) شمسی تولد یافته است در تبریز

امضاء مامور و مهر سجل احوال شعبه نمره ۵ حسن آباد

دفتر سجل ولایتی تهران

حاشیه: سواد با اصل مطابق است [امضا و مهر]

* * *

۲

دکتر رضازاده شفق

(۱) تصدیق تحصیلات متوسطه و تحصیلات فوق متوسطه در عربی و فارسی و علوم اسلامی از معارف آذربایجان

(۲) تصدیق درجه B.A. از رابرت کالج امریکائی استانبول

(۳) تصدیق درجه دکتری در علوم فلسفه از دارالفنون برلین

(۱) تصدیق معلمی در مدارس تبریز (رشدیه، نوبر، آرامنه، روس و ایران)

(۲) تصدیق سه سال معلمی در کالج امریکائی استانبول

(۳) تصدیق دو سال معلمی در دبستان ایرانیان استانبول

(۱) مدیریت و نویسندگی روزنامه شفق تبریز قریب دو سال

(۲) مقالات در مجله‌ها و جراید در مدت بیست سال

(۳) رسالات و مقدمه‌های سیاسی و اقتصادی

* * *

۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای دکتر شفق

از اول مهر ۱۳۰۸ با ماهی ۱۸۰ تومان حقوق به معلمی کلیات فلسفه و معرفه‌النفس و اخلاق مدرسه دارالمعلمین عالی منصوب هستند.
حاشیه: سواد برای اطلاع خاطر ریاست محترم معارف ارسال می‌شود.
[آرشیو سازمان اسناد ملی ایران]

* * *

۴

$$\frac{۱۳۰۸/۷/۱۳}{۳۵۳۲}$$

آقای دکتر رضازاده شفق

دروسی که در هذه السنه در سال اول و دوم مدرسه دارالمعلمین عالی بعهدده جنابعالی محول خواهد بود عبارت از دو قسمت تاریخ و فلسفه است بشرح ذیل:
۱- تاریخ- تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام- تاریخ قدیم و تمدن روم و یونان- ملل شرق بطور اختصار- قرون وسطی ۲- فلسفه- معرفه‌النفس- کلیات فلسفه- اخلاق.
البته مطابق دستور مصوب مواد فوق را تدریس خواهید فرمود.

علی اصغر حکمت

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۵

۱۳۱۲/۷/۲۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای دکتر رضازاده شفق

معلم فلسفه دارالمعلمین عالی

نسخه خطی تاریخ ادبیات تالیف خود را که برای ملاحظه شورای عالی معارف و تطبیق محتویات آن با مواد پروگرام دوره اول متوسطه هذه السنه انطباعات ارسال داشته‌اید در دویست و چهل و ششمین جلسه شورای عالی معارف مورخه ۱۳۱۲/۷/۱۸ مطرح و تصدیق شد. عین نسخه مزبور تلواً عودت داده می‌شود که پس از مذاقه و امعان نظر ثانوی برای طبع به مطبعه بدهند.

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۶

$$\frac{۱۳۰۸/۷/۱۴}{۲۵۳۲}$$

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای دکتر رضازاده شفق

دروسی که در هذه السنه که سال اول و دوّم مدرسه دارالمعلمین عالی به عهده جنابعالی محول خواهد بود عبارت از دو قسمت تاریخ و فلسفه است به شرح ذیل:

۱- تاریخ- تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام- تاریخ قدیم و تمدن روم و یونان- ملل مشرق بطور اختصار- قرون وسطی ۲- فلسفه- معرفه النفس- کلیات فلسفه- اخلاق البته موافق دستور مصوب تدریس خواهید فرمود.

۱. حاشیه: سواد مطابق اصل است [امضاء]

* * *

۷

۱۳۰۸/مرداد/۲۴
۴۵۲۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

قرارداد تالیف تاریخ ادبیات و منتخبات

آقایان دکتر رضازاده شفق و بدیع الزمان

بعد از مقدمه:

- ماده ۱: آقایان دکتر رضازاده شفق و بدیع الزمان هر یک به نوبه خود متعهد می‌شوند، دو جلد کتاب تاریخ ادبیات را مطابق ترتیب ذیل تهیه نمایند:
- تاریخ ادبیات برای دوره اول متوسطه لااقل دو بیست صفحه
 - منتخبات ادبیات برای دوره اول متوسطه لااقل سیصد صفحه
- ماده ۲- مدت تالیف و طبع کتاب فوق از تاریخ این قرارداد لغایت مدت چهار ماه خواهد بود که تدریجاً کتاب مزبور را تهیه و طبع نمایند.
- ماده ۳- هرگاه تهیه شد، فوراً به شورای عالی معارف فرستاده می‌شود تا پس از تصویب شورای مولفین کتب مذکور با کاغذ و طبع و جلد خوب که مرغوبیت آن را وزارت معارف تصدیق نموده باشد با حروف نو طبع و نشر نمایند.
- ماده ۴- مولفین مکلفند که کتاب مذکور را با علاوه کردن صدی بیست از قیمت تمام شده آن، به فروش برسانند.
- ماده ۵- مولفین مکلفند از هزار جلد اولی که از هر کتاب طبع می‌کنند، یکصد جلد آن را مجاناً به وزارت معارف تسلیم نمایند.
- ماده ۶- وزارت معارف در مقابل این خدمت فقط مبلغ سه هزار و پانصد تومان به عنوان حق التالیف به اقساط ذیل به مولفین فوق پرداخت بنمایند. مبلغ یک هزار تومان. پس از امضاء این قرارداد مبلغ یک هزار تومان پس از تسلیم تاریخ ادبیات برای طبع به مطبعه. مبلغ پانصد تومان پس از تسلیم منتخبات برای طبع به مطبعه. مبلغ یک هزار تومان پس از اتمام طبع کتاب. و تسلیم دو بیست جلد متعلق به وزارت معارف.
- ماده ۷- آقایان مولفین مشترکاً مسئول تعهدات این قرارداد بوده و در عین حال هر یک از آقایان ضامن تعهد دیگری خواهند بود.
- ماده ۸- هرگاه تاریخی که ماده ۲ تصریح شده است، آقایان مولفین تعهدات مندرجه در

این قرارداد را اجرا ننموده، متعهد هستند اقساطی که تا آن تاریخ پرداخته شده، به وزارت معارف مسترد نمایند.

ماده ۹- این قرارداد در سه نسخه تهیه شده، یک نسخه به هر یک از مولفین داده می شود و نسخه ثالث در محاسبات وزارت معارف ضبط خواهد شد.

بدیع الزمان دکتر رضازاده شفق

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مقام منبع کفالت جلیله متبوع محترم دامت شوکتہ

برحسب قرارداد $\frac{4528/1264}{9/2/22}$ منعقد بین وزارت معارف و آقایان دکتر رضازاده شفق و بدیع الزمان در باب تالیف دو مجلد کتاب تاریخ ادبیات قبل از اسلام تا عصر حاضر و منتخبات آن آقایان معزی الیهمما خدمت خود را انجام داده اینک نسخه تاریخ ادبیات را که آقای دکتر رضازاده شفق در حدود دویست صفحه تالیف کرده اند و نظر آقای بدیع الزمان را نیز جلب نموده تلواً تقدیم می دارد که غدغن فرمائید برحسب مدلول قرارداد برای تصویب بشورای عالی معارف ارجاع گردد که در آتیه در جزء دستور دوره اول مدارس متوسط تدریس شود و ضمناً امر فرمائید اداره محاسبات ورقه درخواست مبلغ یکهزار تومان قسط دویم را صادر نمائید که بعد از تصویب شورای عالی معارف شروع بطبع شود.

۱۳۰۹/۷/۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره پرسنل

نمره ۳۹۷۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه با آقای دکتر صادقخان ولد آقایی که نام خانوادگی او رضازاده شفق و تبعه دولت ایران است بر طبق مواد ذیل قرارداد می نماید که از اول ماه مهر سال ۱۳۰۹ شمسی لغایت آخر ماه اسفند سال ۱۳۰۹ شمسی بسمت معلمی فلسفه و کلیات آن در مدرسه دارالمعلمین عالی اشتغال داشته باشد.

ماده ۱- ملزم است که مطابق دستور و نظامات وزارت معارف رفتار نماید و در صورت تخلف وزارتخانه حق الغاء این قرارداد را خواهد داشت.

ماده ۲- ساعت کار مشارالیه در هفته تمام اوقات رسمی و حقوق ایشان در ماه مبلغ دو بیست و دوازده تومان خواهد بود.

ماده ۹- متعهد می شود که شغل موظف دیگری را در سائر دوائر دولتی تا موقع انقضاء این قرارداد قبول ننماید (مگر بتقاضا و رضایت وزارتخانه های مربوط) و در صورت تخلف وجوهی را که از بابت آن شغل دریافت نموده کلاً به سود دولت کارسازی نماید.

ماده ۳- هر موقع مشارالیه بخواهد استعفا نماید باید دو ماه قبل بوزارت معارف اطلاع دهد.

ماده ۴- چنانچه برخلاف ماده (۳) عمل نماید وزارت معارف حق خواهد داشت که دو ماه حقوق مشارالیه را بصندوق خزانه داری کل پس از وصول مسترد دارد.

ماده ۵- وزارت معارف اختیار دارد که محل خدمت مشارالیه با رعایت مندرجات این قرارداد و برحسب لزوم تغییر بدهد.

ماده ۶- آقای رضازاده شفق در طول مدت قرارداد حق ندارد از ساعات خدمت خود مقداری کسر کرده استعفا بدهد و الا کترات مشارالیه با اجراء مدلول ماده (۴) کلاً الغاء خواهد شد.

ماده ۷- هرگاه در جریان مدت قرارداد مقتضیات اساسی اداری و رعایت امول مالی و یا مسائل فنی و علمی ایجاب نماید وزارت معارف حق الغاء این قرارداد را خواهد داشت.

ماده ۸- این قرارداد در ۴ نسخه تحریر شده بامضای طرفین می‌رسد.
 ماده ۱۰- با اجرای این قرارداد کتبرات سابق از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.
 امضاء صاحب کتبرات امضاء و مهر اداره پرسنل امضاء و مهر وزارت

* * *

۱۰

۱۳۱۰/۹/۲
 ۷۴۴۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره پرسنل

قراردنامه مدارس متوسطه و عالییه

بین وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه با آقای دکتر صادق خان فرزند آقای
 تبعه دولت ایران که نام خانوادگی او رضازاده شفق است قرارداد ذیل منعقد می‌شود که از اول
 ماه مهر سال ۱۳۱۰ شمسی لغایت آخر ماه شهریور سال ۱۳۱۱ شمسی بسمت معلمی فلسفه
 مدرسه دارالمعلمین عالی اشتغال داشته باشد.

ماده ۱- مشارالیه ملزم است که مطابق دستور و نظامات وزارت معارف رفتار نماید.

ماده ۲- ساعات خدمت مشارالیه در هفته کما فی السابق بوده و حقوق ایشان در ماه مبلغ
 ۲۱۲ تومان است که از محل بودجه دارالمعلمین عالی تأدیه خواهد شد.

ماده ۳- هر موقع که مشارالیه بخواهد استعفاء کند باید دو ماه قبل بوزارت معارف اطلاع
 دهد والا وزارت معارف حق دارد که حقوق دو ماه او را کارسازی ننماید چنانچه پرداخته
 شده باشد استرداد کند.

ماده ۴- پرداخت حقوق ایام تعطیل تابستان مشارالیه موکول باین است که تا خاتمه
 امتحانات سال تحصیلی مشغول خدمت بوده باشد و میزان آن به تناسب مدتی خواهد بود که
 در نه ماهه سال تحصیلی خدمت کرده است یعنی اگر در تمام نه ماه مزبور خدمت کرده باشد
 تمام حقوق مدت تعطیل تابستان تأدیه و اگر کمتر خدمت کرده باشد بهمان نسبت از حقوق
 مدت تعطیل تابستان کسر خواهد شد.

ماده ۵- هرگاه مشارالیه در جریان سال تحصیلی بخواهد بر طبق ماده ۳ استعفاء بدهد و یا
 آنکه کتبرات ایشان از طرف وزارتخانه ملغی شود مشارالیه حق مطالبه حقوق ایام تعطیل

تابستان را نخواهد داشت.

ماده ۶- مشارالیه متعهد است که تا انقضاء مدت این قرارداد شغل موظف دیگری در سایر دوائر دولتی قبول نکند مگر آنکه قبلاً رضای وزارت معارف را جلب نموده باشد.

ماده ۷- هرگاه در مدت قرارداد مشارالیه با وجود اخطار کتبی وزیر معارف برخلاف نظامات و احکام و دستورهای وزارتی عمل نماید و یا اینکه از نقطه نظر تعلیم و تدریس یا اخلاق عدم رضامندی وزارتخانه را فراهم سازد وزارت معارف حق الغاء این قرارداد را خواهد داشت.

ماده ۸- این قرارداد در ۴ نسخه تحریر و بامضاء طرفین می‌رسد.

امضاء صاحب کتترات اداره پرسنل اداره محاسبات

وزارت معارف و اوقاف

* * *

۱۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

متحدآلعمال

در تعقیب متحدآلعمال $\frac{۲۳۱۱۵}{۳۲۴۵}$ مورخ ۱۳/۶/۱۲ لزوماً ابلاغ می‌نماید که کتاب تاریخ ادبیات تألیف آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانش‌سرای عالی مطابقت آن با پروگرام رسمی بتصدیق شورای عالی معارف رسیده مقرر است که با کتاب منتخبات ادبیات تألیف آقای بدیع‌الزمان در کلاسهای چهارم و پنجم و ششم متوسطه مورد استفاده واقع گردد.

مدیر کل وزارت معارف

* * *

۱۲

۱۳۱۲/۱۰/۱۹
۱۴۱۸۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف

اداره انطباعات

چون کتاب تاریخ ادبیات فارسی تألیف آقای دکتر رضازاده شفق و منتخبات ادبیات فارسی، مولف آقای بدیع الزمان معلمین دارالمعلمین عالی در نتیجه از روی کمال ممارست و نهایت بصیرت تألیف گردیده و از طرف وزارت معارف مطابق دستور تحصیلات دوره دوم متوسطه تشخیص داده شده است علیهذا باید در کلاسهای مربوط تدریس گردد.

* * *

۱۳

۱۳۱۴/۳/۱۲
۱۵۸۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره انطباعات

نظر بماده ششم اساسنامه فرهنگستان ایران مصوب پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ و بموجب تصویب نامه نمره $\frac{۱۷۲۷}{۱۴/۳/۶}$ هیئت وزراء عظام آقای دکتر رضازاده شفق بسمت عضو پیوسته فرهنگستان منصوب می شوند.

وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

* * *

۱۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

کارگزینی

آقای دکتر صادق رضازاده شفق

بموجب مقررات ماده ۱۰ و ۱۶ قانون تاسیس دانشگاه مصوب هشتم خرداد ماه ۱۳۱۳ و با رعایت مفاد نظامنامه اجرای ماده شانزدهم قانون مزبور مصوب اول اسفندماه ۱۳۱۳ از تاریخ

اول اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ با درجه هشت استادی و مبلغ دو هزار و چهارصد و شصت ریال حقوق بسمت استادی دانشکده ادبیات منصوب می‌باشید سنوات خدمت گذشته چون تعهد پرداخت کسور تقاعد را نموده‌اید از تاریخ اول مهرماه ۱۳۰۷ که اشتغال داشته‌اید جزء خدمات رسمی شما محسوب خواهد گردید حقوق فعلی شما ماهی دو هزار و چهارصد ریال است که از محل اعتبار بودجه دانشکده ادبیات دریافت خواهید داشت کسر حقوق درجه هشت استادی که ماهی شصت ریال است در موقع وجود اعتبار جبران خواهد شد.

وزیر معارف و اوقاف. علی اصغر حکمت

رونویس برای اطلاع ریاست دانشکده ادبیات ارسال می‌شود.

کارگزمین وزارت معارف و اوقاف. حسن فرزاد

* * *

۱۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

کارگزمینی

آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی

از تاریخ اول مهرماه ۱۳۱۶ تدریس تدبیر منزل و سیاست مدن در مؤسسه و عظم و خطابه دانشکده معقول و منقول بعهدده شما محول می‌شود دست‌مزد بقرار ماهی مبلغ سیصد ریال است که از تاریخ مزبور از محل اعتبار مربوط بمؤسسه و عظم و خطابه دریافت خواهید نمود. وزیر معارف و اوقاف علی اصغر حکمت

رونوشت برای اطلاع دانش‌سرای عالی در تعقیب ابلاغ ارسال می‌شود.

کارگزمین وزارت معارف و اوقاف حسن فرزاد

* * *

وزارت معارف دانشگاه تهران

۴/اسفند/۱۳۱۷

اداره بازرسی وزارت فرهنگ

بعد از احترامات این جانب از اول ماه آذر امسال تا دهه اول بهمن ماه تقریباً تمام ساعتهای معین شده را هر هفته بدبیرستانهای «اسعدیه بانوان» «دارالفنون» «شرف» رفته سر درسهای زبان خارجه (انگلیسی و فرانسوی) و تاریخ و جغرافیا و فلسفه و گاهی هم فارسی و عربی حاضر شدم و اینک بمناسبت نامه آن اداره محترم نظر خود را معروض می‌دارم:

۱- معلمین و معلمات بطور کلی قابل و لایقند و بعد از این بازرسی دو ماه و نیم برای من قناعت حاصل است در اینکه اگر ساعتهای تدریس آنها کمتر و حقوقشان مناسب‌تر گردد و تشویق بعمل آید اغلب آنها شایسته معلمی هستند و جوهر دارند و ممکنست با این طریق جمله معروف «ما معلم نداریم» باطل گردد.

۲- گذشته از کمی وقت و کمی حقوق که سابق به نبودن ذوق و علاقه و حسن نیت می‌گردد نقایص کلی مشترک در مدارس که برای تذکر در ذیل گفته می‌شود در حسن جریان امور تدریسی صدمه و سخته وارد می‌کند و مانع حصول مقصود می‌گردد:

۱- کتابهای متنوع در هر موضوع تدریس می‌شود یعنی در هر مدرسه و گاهی در هر کلاس کتابی برحسب توصیه یکی از معلمین معمول است و معلوم نیست مطالب همه این کتابها صحیح یا مطابق مقصود اساسی فرهنگ باشد.

۲- بزرگترین بلای مدارس نبودن جا و یا زیادی محصل است حتی در دارالفنون که مخصوص مدرسه ساخته شده، اطاقهای ۳۰ نفری را ۷۰ نفر گذاشته‌اند و معلم ولو اینکه لایق و استاد باشد نمی‌تواند از عهده تدریس برآید.

۳- اغلب مدارس خانه‌های اجاره‌ایست و ابداً مطابق احتیاجات مدرسه ساخته نشده و کار تدریس از این حیث بسیار مشکل شده است. بعلاوه در این ساختمانها بخصوص از لحاظ مدارس اصول بهداشت منظور نگشته و تقسیمات و ساختمان ابداً تکافؤ به ضرورتترین حاجات مدرسه نمی‌کند. از آنجمله در اغلب مدارس برای سیصد نفر محصل تنها دو یا سه مستراح است.

۴- معمولاً درسهامائلی یا حفظی است و مباحثه کم می‌شود و محصل کمتر فرصت برای

اظهار نظر یا شرح مطالب پیدا می‌کند معلم خودش هم معمولاً موضوع را حاضر نمی‌کند و از روی کتاب یا جزوه می‌خواند و محصلین می‌نویسند در صورتیکه خلاصه درس باید با توضیح و بیان ساده و عمل بشکل صحبت با مداخله دادن گاه‌گاهی بمحصل از طرف معلم تقریر شود.

۳- از اصلاحات فوری و عملی که بنظر اینجانب می‌آید اینست که هر سه ماهی یک مجلس مرکب از تمام دبیران و مدیران متوسطه و یکی هم مرکب از آموزگاران و دبیران ابتدائی تحت ریاست خود جناب آقای وزیر تشکیل گردد و نواقص اساسی یکی یکی ذکر و نظر آقایان خواسته شود و مباحثات و تبادل نظری در آن مطالب بشود.

با احترامات دکتر رضازاده شفق

* * *

آمار استخدامی

رتبه و حقوق سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۶		نوع خدمت		تاریخ ورود بخدمت فرهنگ	تاریخ ورود به خدمت دولت	محل صدور و ورقه شناسنامه	شماره شناسنامه	تاریخ تولد	نام پدر	نام	نام خانوادگی
حقوق	رتبه	کسب و کار	رسمی	تا ۱۳۱۴	تا ۱۳۰۷	تهران: بخش ۵	۲۶۱۳۶	۱۲۷۱ش	رضا	صادق	رضازاده شفق
شماره دفتر تحت السلاح	شماره ورقه خاتمه خدمت تحت السلاح	پاداش		محل خدمت	میزان معلومات با قید مدارک رسمی	شغل در سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۶	عده اولاد	متاهل است یا مجرد	تاریخ شروع به رتبه فعلی		
—	—	توبیخ	تقدیر	تهران	متوسطه کالج B.S. آمریکایی استانبول دکتری در فلسفه دانشگاه برلن	معلمی	—	مجرد	۱۳۱۴		
نوع خدمت نظام				نوع معافیت		خدمت نظام را انجام داده		تاریخ خاتمه خدمت زیر پرچم		تاریخ شروع به خدمت زیر پرچم	
تیپ	هنگ	ذخیره مقدم	احتیاط	مرخصی خانه	معاف دائم	شماره در کدام لشکر در تکفل چه صف	سرباز	افسر	روز	ماه	سال
—	—	—	—								
محل امضاء تصدیق مراتب مندرجه				مراتب یا مدارجی که از حیث خدمت ایلموده				نشانی خانه			
تاریخ				وزارت فرهنگ و دانش سرا (دانشیار)				بخش		شهرستان خیابان علانی کوچه پلاک	
								دست تلفن ۶۷۵۶			

۱۸

۱۳۱۷/۱۰/۱۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

الف - بازرسی فنی در عرض ماه ۱۱ مرتبه بموجب شرح زیر آقایان بازرسان برای بازرسی در دبیرستان دارالفنون حضور بهم رسانیده‌اند.

آذر ماه ۱۳۱۷

شماره	نام بازرس	تاریخ بازرسی	کلاس بازرسی شده	موضوع بازرسی شده	دبیر بازرسی شده	مدت بازرسی
۱	آقای دکتر رضازاده شفق	۱۷/۹/۸	۵ و ۶ ادبی	ادبیات فارسی	آقای جلال همائی	از ساعت ۹ تا ۱۱
۱	آقای دکتر رضازاده شفق	۱۷/۹/۸	۵ و ۶ ادبی	ادبیات عربی	آقای جواد تارا	
۱	آقای دکتر رضازاده شفق	۱۷/۹/۸	۴ ادبی	تاریخ	آقای بهمنش	
۲	آقای جمال افشار	۱۷/۹/۹	سوم ۱	ریاضیات	آقای دانائی	از ساعت ۹ تا ۱۰.۱۵
۲	آقای جمال افشار	۱۷/۹/۹	سوم ۲	ریاضیات	آقای رزاقی	
۳	آقای دکتر رضازاده شفق	۱۷/۹/۱۵	۶ ادبی	جغرافیا	آقای بهمنش	از ساعت ۹ تا ۱۲
۴	آقای جمال افشار	۱۷/۹/۱۵	۴ علمی	ریاضیات	آقای سجادیان	از ساعت ۹ تا ۱۰
۵	دکتر محمود حسابی	۱۷/۶/۱۵	۵ علمی	شیمی	آقای رضا تقی‌زاده	سه بعد از ظهر تا ۳.۱۵
۶	آقای بن‌فاسیو	۱۷/۹/۲۰	۶ علمی	زبان فرانسه	آقای ممتاز	از ساعت ۹ تا ۱۰
۷	آقای دکتر رضازاده شفق	۱۷/۹/۲۱	چهارم	زبان انگلیسی	آقای شایورد	از ساعت ۹ تا ۱۱
۸	آقای جمال افشار	۱۷/۹/۲۴	اول ۲	ریاضیات	آقای رزاقی	از ساعت ۱۰ تا ۱۱
۹	آقای دکتر حسابی	۱۷/۹/۲۴	آزمایشگاه	آزمایش	آقای جزائری	از ساعت ۱۰ تا ۱۱
۱۰	آقای دکتر رضازاده شفق	۱۷/۹/۲۸	۵ علمی	زبان فرانسه	آقای ممتاز	از ساعت ۱۰ تا ۱۱
۱۱	آقای جمال افشار	۱۷/۹/۲۹	۴ علمی	ریاضیات	آقای سجادیان	از ساعت ۱۰ تا ۱۱

۱۹

سازمان پرورش افکار هیئت مرکزی دبیرخانه

موضوع:

سازمان پرورش افکار مرکب از یک هیئت مرکزی و هفت کمیسیون است که تحت نظر جناب آقای نخست‌وزیر قرار دارند.

هیئت مرکزی

۱- جناب آقای اسمعیل مرآت وزیر فرهنگ رئیس هیئت مرکزی.

- ۲- آقای حسین فرهودی رئیس آموزش سالمندان کارمند و رئیس دبیرخانه.
- ۳- آقای دکتر صدیق
- ۴- آقای دکتر شایگان
- ۵- آقای دکتر ادیب
- ۶- آقای فروزانفر
- ۷- آقای دکتر غنی
- ۸- آقای رشید یاسمی
- ۹- آقای بازارگاد
- ۱۰- آقای فرامرزی
- ۱۱- آقای علی اشرف ممتاز
- ۱۲- آقای امیرخیزی
- کارمند بعنوان نمایندگان دانشگاه
- نماینده مجلس شورای ملی کارمند
- استاد دانشسرای عالی کارمند
- رئیس پیشاهنگی کارمند
- کفیل نامه‌نگاری کارمند.
- رئیس دانشسرای دختران کارمند
- رئیس دبیرستان دارالفنون کارمند

روسای کمیسیونها

- ۱- جناب آقای مظفر اعلم وزیر امور خارجه رئیس کمیسیون سخنرانی
- ۲- تیمسار سرتیپ خسروی وزیر دارائی رئیس کمیسیون رادیو
- ۳- جناب آقای حکمت وزیر کشور رئیس کمیسیون کارهای اجتماعی
- ۴- جناب آقای رهنما رئیس دانشکده فنی رئیس کمیسیون کتابهای درسی
- ۵- جناب آقای علی نصر معاون وزارت پیشه و هنر رئیس کمیسیون نمایش
- ۶- سرکار سرگرد مین‌باشیان رئیس اداره موسیقی کشور رئیس کمیسیون موسیقی
- ۷- آقای محمد حجازی مدیر مجله ایران امروز رئیس کمیسیون مطبوعات

کارمندان پیوسته فرهنگستان

- ۱- جناب آقای اسمعیل مرآت رئیس فرهنگستان
- ۲- جناب آقای حسین سمیعی نایب‌رئیس
- ۳- آقای دکتر عیسی صدیق نایب رئیس
- ۴- آقای رشید یاسمی منشی
- ۵- آقای فروزانفر منشی
- ۶- آقای حسین گل‌گلاب سردبیر

- کارمند ۷- جناب آقای دکتر احمد متین دفتری
- کارمند ۸- جناب آقای محمدعلی فروغی
- کارمند ۹- جناب آقای حسن اسفندیاری
- کارمند ۱۰- تیمسار سرتیپ احمد نخجوان
- کارمند ۱۱- جناب آقای مصطفی عدل
- کارمند ۱۲- جناب آقای احمد اشتری
- کارمند ۱۳- جناب آقای غلامحسین رهنما
- کارمند ۱۴- جناب آقای دکتر ولی اله نصر
- کارمند ۱۵- آقای دکتر رضازاده شفق
- کارمند ۱۶- آقای عبدالعظیم قریب
- کارمند ۱۷- آقای دکتر علی اکبر سیاسی
- کارمند ۱۸- آقای جمال اخوی
- کارمند ۱۹- آقای حسنعلی مستشار
- کارمند ۲۰- آقای دکتر محمود حسابی
- کارمند ۲۱- آقای سرکار سرهنگ مقتدر
- کارمند ۲۲- آقای دکتر غنی
- کارمند ۲۳- آقای پورداد
- کارمند ۲۴- آقای سعید نفیسی
- کارمند ۲۵- آقای محمدتقی بهار
- کارمند ۲۶- آقای عباس اقبال
- کارمند ۲۷- آقای محمد قزوینی
- کارمند ۲۸- آقای محمد حجازی

* * *

۲۰

دانشگاه تهران

۱۳۱۸/۶/۱۷

جناب آقای دکتر صادق رضازاده شفق استاد دانشکده

ادبیات و نماینده مجلس

چون از تاریخ چهارم مرداد ماه ۱۳۲۶ که بنماینده‌گی دوره پانزدهم قانونگزاری در مجلس شورای ملی شروع بکار فرموده‌اید کتباً متعهد گردیده‌اید که دروس خود را در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مانند پیش بدون وقفه انجام نمائید باستناد تصویبنامه شماره ۳۸۳۰ مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۶ هیئت وزیران تمام مبلغی که از بودجه دانشگاه دریافت می‌داشته‌اید عیناً بعنوان حق تعلیم بشما پرداخته خواهد شد.

رئیس دانشگاه - دکتر سیاسی

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات ارسال می‌گردد

کارگزين دانشگاه

* * *

۲۱

دانشگاه تهران

۱۳۲۴/۱۲/۲۸

آقای دکتر صادق رضازاده شفق

از تاریخ بیست و دوم اسفند ماه ۱۳۲۴ که دوره نمایندگی شما در مجلس شورای ملی پایان رسیده است و بسمت استاد دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مشغول خدمت شده‌اید حقوق پایه ده استادی شما بقرار ماهی هفت هزار و سیصد و نود ریال پرداخته خواهد شد.

رئیس دانشگاه

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی فرستاد می‌شود.

کارگزين دانشگاه

* * *

۲۲

تهران ۲۶/۸/۲۳ [۱۳]

ریاست محترم دانشکده ادبیات

چون اینجانب برحسب دعوت سازمان ملل متحد و اجازه دولت برای مدت محدودی که گویا حداکثر از دو ماه نگذرد عازم سویس هستم، از آقای دکتر هوشیار خواهش کردم، ساعات دروس فلسفه بنده را بعهده خود بگیرند و برای احتیاط به آقای دکتر مهدوی هم همین مذاکره را می‌کنم تا هیچگونه تعطیلی رو ندهد، امیدوارم تا بازگشتی اینجانب به این ترتیب موافقت فرمائید.

دکتر رضازاده شفق

۱. حاشیه: در شصت و دومین جلسه شورای دانشکده مورخ سوم آذر [۱۳]۲۶ مطرح و

موافقت شد ۲۶/۹/۴ [۱۳]

* * *

۲۳

تهران ۲۶/۵/۱۳ [۱۳]

دفتر نخست‌وزیر

وزارت امور خارجه

پیرو نامه شماره ۶۶۷۴-۲۶/۴/۱۶ [۱۳] راجع به تقاضای دبیرکل سازمان ملل متحد نسبت به عضویت آقای دکتر رضازاده شفق در کمیته فرعی مرتبت به حمایت اقلیت‌ها اشعار می‌شود. چون تاریخ تشکیل کمیته مزبور سه ماه بعد و مدت آن هم یک ماه بیشتر نخواهد بود، لهذا با عضویت آقای دکتر شفق در سازمان منظور موافقت فرمودند.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر

[حاشیه] خیلی فوری است - آقای دکتر پرنهاد - آقای رهبری

راجع به دعوت سازمان ملل از آقای دکتر شفق شرحی رسیده بود که جواب بفرستد، آقای دکتر شفق در موقع افتتاح مجلس باید در تهران باشند.

* * *

۲۴

تهران ۲۶/۳/۳۰ [۱۳]

۸۲۷۵

وزارت امور خارجه

نخست‌وزیری

دبیرکل سازمان ملل متحد شرحی به وزارت امور خارجه نگاشته دائر بر اینکه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان در چهارمین جلسه خود آقای دکتر رضازاده شفق را به عضویت کمیته فرعی مربوط به از بین بردن تبعیضات و حمایت اقلیت‌ها انتخاب نموده لذا دبیرکل سازمان تقاضا دارد دولت شاهنشاهی اعلام دارد آیا با این انتخاب موافقت دارند یا خیر اولین جلسه کمیته فرعی نامبرده در تاریخ اول الی ۱۳ دسامبر ۴۷ در Loke Success نیویورک منعقد خواهد شد. رونوشت نامه مزبور به پیوست تقدیم می‌شود مستدعی است مقرر فرمائید از هر پاسخی که باید اکنون در این باب داده شود وزارت امور خارجه را آگاه سازند.

وزیر امور خارجه محمدعلی همایون جاه

۱. در حاشیه: آقای فرماتی ۶/۴/۱۰ [۱۳۲]

فرمودند آقای دکتر شفق نماینده تهران در مجلس شورای ملی هستند و چون عنقریب مجلس شورای ملی افتتاح خواهد شد نمی‌توانند به این ماموریت بروند.

* * *

۲۵

[۱۳۲] ۶/۴/۱۴

دفتر نخست‌وزیر - وزارت امور خارجه

گزارش شماره ۳۷۱۸/۸۲۷۵ مورخه ۲۶/۳/۳۰ راجع به تقاضی دبیرکل سازمان ملل متحد نسبت به تعیین آقای دکتر رضازاده شفق به عضویت کمیته فرعی مربوط به حمایت اقلیت‌ها و از بین بردن تبعیضات مراتب به عرض رسیده فرمودند آقای دکتر شفق نماینده تهران در مجلس شورای ملی هستند و چون عنقریب مجلس شورای ملی افتتاح خواهد شد نمی‌توانند به این ماموریت بروند.

* * *

۲۶**وزارت امور خارجه**

نخست‌وزیر

دبیر سازمان ملی متحد شرحی بوزارت امور خارجه نگاشته دایر بر اینکه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان در چهارمین جلسه خود آقای دکتر رضازاده شفق را عضویت کمیته فرعی مربوط به از بین بردن تبعیضات و حمایت اقلیت‌ها انتخاب نمود. لذا دبیرکل سازمان تقاضا دارد دولت شاهنشاهی اعلام دارد آیا با این انتخاب موافقت دارند یا خیر اولین جلسه کمیته فرعی نامبرده در تاریخ اول الی ۱۳ دسامبر ۴۷ در Lake Success نیویورک منعقد خواهد شد رونوشت نامه مزبور پیوست تقدیم می‌شود مستدعی است مقرر فرمائید از هر پاسخی که باید اکنون در این باب داده شود وزارت امور خارجه را آگاه سازند.

وزیر امور خارجه محمدعلی همایون جاه

* * *

۲۷

مجلس سنا

۲۰/بهمن/۱۳۳۰

جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر

چنانکه در واشنگتن حضوراً عرض کردم و روز ۱۶ بهمن نیز مجدداً یادآور شدم همه روزه در جراید امریکا مصائب خلاف واقعی درباره ایران منتشر می‌شود و کسی به آنها جواب نمی‌دهد و بنابراین اذهان مردم مشوب می‌شود افکارشان نسبت به مملکت ما غیر مساعد می‌گردد. چون فرمودید اشخاصی را برای تاسیس اداره اطلاعات در نیویورک معرفی کنم اینک اسامی اشخاصی را که بنظرم می‌رسد ذیلاً عرض می‌کنم:

دکتر شفق - علی یاشا صالح - محمد حجازی - محسن اسدی - عبدالله فریار - غلام عباس آرام - شاید اسداله بیژن.

این اشخاص هم به زبان انگلیسی بنویسید آشنا هستند و تا آنجا که بنده اطلاع دارم درست و فعال و وطن پرست می‌باشند. شش نفر اولی برای مدیریت و آخری برای معاونت شایستگی دارند.

راجع به مسئله نفت هم بطوری که حضوراً عرض کردم پیشنهاد بانک خواهد رسید و ملاحظه فرمودید که خود آنها مقدم شدند. امیدوارم این مرتبه موضوع را به نفع مملکت و صلح عالم حمل و تعیین فرمائید.

ارادتمند واقعی

[امضاء]

۲۸

۱۳۳۰/۱۲/۲۸
۳۵۶۵۶

دانشگاه تهران

آقای دکتر شفق استاد محترم دانشکده ادبیات و دانشسرایعالی

عطف به نامه مورخ اول اسفند ۱۳۳۰ باستحضار خاطر عالی می‌رساند که شورای دانشگاه طی چهارصد و چهل و پنجمین جلسه مورخ چهارشنبه ۲۱ اسفند ماه ۱۳۳۰ برطبق ماده ۱۸ آئین‌نامه مسافرت‌های علمی موافقت نمود که برحسب دعوت مؤسسه مطالعات شرقی دانشگاه کلمبیا از اول فروردین تا پایان سال تحصیلی جاری بایراد درس و سخنرانی در آن دانشگاه بپردازند حقوق استادی شما در این مدت در صورت عدم استفاده از حقوق سناتوری و سایر موانع پرداخته خواهد شد. -ع

رئیس دانشگاه

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات و دانشسرایعالی فرستاده می‌شود. -ع
از طرف رئیس دانشگاه - دکتر بیانی

۲۹

۲۵ مرداد ماه ۱۳۳۶

هرنج - طالقان

دفتر دانشکده ادبیات

با کمال احترام مصدع است چون اینجانب بعد از پانزدهم شهریور ماه در طهران خواهم بود، متمنی است در تعیین تاریخ امتحان تجدیدی فلسفه جدید این موضوع مرعی شود. در ثانی چون منزل مسکونی بنده دور شده و به یوسف‌آباد منتقل شده‌ام خواهشمندم ساعات درس مرا بجای ساعت اول که تا کنون معمول بوده ساعت سوم و چهارم قرار دهند که حضور مرتب سر وقت در کلاس ممکن گردد.

با تقدیم احترامات

شفق

۱. در حاشیه: خانم صبح - اقدام شد بایگانی شود.

حضرت آقای ستوده ۳۶/۶/۲ [۱۳]

* * *

۳۰

دانشگاه تهران

۱۳۳۶/۷/۱۰
۲۴۴۵۵/۳

آقای دکتر صادق رضازاده شفق استاد دانشکده ادبیات

شرکت شما در کنفرانس بین‌المللی اسلامی که از سی‌ام دسامبر ۱۹۵۷ تا هشتم ژانویه ۱۹۵۸ در پاکستان منعقد می‌شود در پانصد و چهل و سومین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۳۶/۶/۴ بتصویب رسیده. ن

رئیس دانشگاه - دکتر فرهاد

رونوشت به ادبیات ارسال می‌گردد.

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه - دکتر کی‌نیا

* * *

۳۱

دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات

۱۳۴۲/۶/۶
۲۴۱۵۷

آقای دکتر شفق استاد محترم دانشکده ادبیات

باستحضار خاطر شریف می‌رساند که بیست و پنجمین جلسه انجمن تألیف و ترجمه ساعت ده صبح سه‌شنبه ۴۲/۷/۹ در باشگاه دانشگاه تشکیل خواهد شد - بنابراین در صورتیکه جنابعالی علاقمند بطرح و احیاناً تصویب چاپ کتاب (ادیان مشرق و فکر مغرب) در جلسه مزبور می‌باشید خواهشمند است دستور فرمائید دو نسخه ماشین شده از کتاب مورد بحث را حداکثر تا آخر وقت اداری روز دوشنبه ۴۲/۷/۸ - بدایره تألیفات اداره کل انتشارات و روابط دانشگاهی واقع در دبیرخانه دانشگاه تهران تحویل دهند.

رئیس اداره کل انتشارات و روابط دانشگاهی

دکتر حافظ فرمانفرمائیان

رونوشت جهت استحضار دانشکده ادبیات ایفاد می‌گردد.
 از طرف رئیس اداره کل انتشارات و روابط دانشگاهی
 دکتر حافظ فرمانمائیان

* * *

۳۲

۱۳۴۲/۸/۲۹

دانشگاه تهران

جناب آقای دکتر جهان‌شاه صالح رئیس دانشگاه

عطف بمراسله شماره ۳۴۷۷۹ - ۱۳۴۲/۸/۲۹ راجع بتاریخ تصویب اعتبارنامه آقایان
 استادان که بنمایندگی دوره جدید مجلس سنا انتخاب و منصوب شده‌اند اشعار می‌دارد:
 اعتبارنامه آقایان پرفسور عدل - دکتر عیسی صدیق - دکتر امیر حکمت - دکتر شفق - دکتر
 متین دفتری - پرفسور جمشید اعلم - دکتر سعید مالک در تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۴۲ بتصویب
 مجلس سنا رسیده است. ه.

رئیس مجلس سنا

* * *

دانشگاه تهران

۱۳۴۲/۱۱/۲
۴۰۸۹۵

اداره حسابداری مجلس سنا

پاسخ نامه شماره ۹۶۴ - ۴۲/۹/۴ چون اعتبارنامه جناب آقای دکتر رضازاده شفق استاد بازنشسته دانشگاه در تاریخ ۴۲/۷/۲۱ بتصویب مجلس سنا رسیده است طبق نامه اداره کل بازنشستگی که ضمیمه است صورت اضافه دریافتی ایشان از حقوق بازنشستگی بشرح زیر تعیین و تقاضای کسر و ارسال آنرا بصندوق بازنشستگی دارد.

۱- بابت اضافه دریافتی حقوق بازنشستگی از ۴۲/۷/۲۱ لغایت ۴۲/۷/۳۰	۵۰۹۹ ریال
۲- بابت اضافه دریافتی حقوق بازنشستگی در یکماهه آبان ۱۳۴۲	۲۳۲۸۸ ریال
۳- بابت اضافه دریافتی حقوق بازنشستگی در یکماهه آذر ۱۳۴۲	۲۳۲۸۸ ریال
جمع	۵۱۶۷۵ ریال

ضمناً جناب آقای دکتر رضازاده شفق مبلغ ۱۲۶۵۹۴ ریال از سالهای قبل بادره کل بازنشستگی بدهی دارند که باید مبلغ ۱۰۸۲ ریال در ۱۱۷ قسط از حقوق ایشان کسر و به اداره کل بازنشستگی پرداخت گردد خواهشمند است مقرر فرمائید از نتیجه اقدامی که بعمل خواهند آورد اداره کل حسابداری دانشگاه و اداره کل بازنشستگی را مطلع فرمایند. - ض

مدیرکل امور مالی دانشگاه

هوشیدر

رونوشت جهت اطلاع در پاسخ نامه شماره ۴۰۰۹۷ - ۴۲/۹/۲۵ بادره کل کارگزینی ارسال می گردد.

مدیرکل امور مالی دانشگاه

هوشیدر

دانشگاه تهران
دانشکده ادبیات

۱۳۴۲/۱۲/۲۵
۱۰۹۸۹

اداره کل دبیرخانه دانشگاه

باستناد ماده ۱۲ قانون هیأت آموزشی دانشگاه چون استادان بازنشسته آقایان دکتر رضازاده شفق و پورداد در ایام خدمات فرهنگی و دانشگاهی خود منشأ خدمات برجسته‌ای بوده‌اند خواهشمند است دستور فرمایند به ایشان عنوان استاد ممتاز اعطا شود.

رئیس دانشکده ادبیات

دکتر ذبیح‌اله صفا

* * *

۳۵

وزارت دارائی

۱۳۴۲/۷/۲۲
۴۷۵۹۲

دانشگاه تهران

وزارت دارائی با پیشنهاد شماره ۲۴۴۶۲ - مورخ ۱۳۴۲/۷/۷ آن دانشگاه دایر به برقراری ماهی بیست و پنجهزار ریال (۲۵۰۰۰) ریال حقوق از صندوق بازنشستگی درباره جناب آقای دکتر صادق رضازاده شفق استاد پیشین دانشگاه تهران (۲۰۳ ب) باستناد قسمت اول از ماده ۲۹ لایحه قانون استخدام هیأت آموزشی دانشگاه مصوب ۱۳۴۲/۶/۱۶ و قسمت اخیر تبصره ۲۰ قانون بودجه سال ۱۳۳۴ کل کشور مصوب ۲۷ فروردینماه ۱۳۳۴ از تاریخ اول مهرماه ۱۳۴۲ موافقت می‌نماید.

مراتب بشماره ۳۷۳۱۱ دفتر کل بازنشستگان ثبت گردیده است.

پرونده استخدامی نامبرده بضمیمه اعاده می‌گردد خواهشمند است سند برقراری حقوق بازنشستگی درباره مشارالیه را صادر و ابلاغ فرمائید.

ضمناً بموجب تبصره ۳۶ قانون بودجه سال ۱۳۴۱ مبلغ ۱۲۹۸۶۰ ریال بابت کسور بازنشستگی بدهکار می‌باشد که به اقساط ۱۰ ساله بایستی وصول گردد و مبلغ ۷۹۷۱ ریال نیز بابت کسور بازنشستگی مدت خدمت غیررسمی بدهکار است که از محل اولین حقوق بازنشستگی وصول و به درآمد صندوق بازنشستگی منظور می‌گردد.

مدیرکل بازنشستگی کشوری، مرتضی تجدد

* * *

۳۶

دانشگاه تهران
دانشکده ادبیات

۱۳۴۳/۳/۶
۱۴۰۸

جناب آقای دکتر صالح ریاست محترم دانشگاه

پیرو نامه شماره ۱۰۹۸۹-۴۲/۱۲/۲۵ چون در نظر است در سال تحصیلی آینده از وجود استادان محترم آقایان حکمت، دکتر رضازاده شفق و پورداود برای ایراد سخنرانی استفاده شود. استدعا دارد دستور فرمایند پیشنهاد دانشکده در این مورد در دستور جلسه هیأت ممیزه خارج از نوبت مطرح گردد.

ضمناً بعرض می‌رساند در شورای دانشکده ادبیات اعطاء عنوان استادی ممتاز به ایشان مورد تصویب قرار گرفته است.

رئیس دانشکده ادبیات
دکتر ذبیح‌اله صفا

* * *

۳۷

دانشگاه تهران

۱۳۴۳/۳/۲۰
۱۲۱۹۴

اداره کل کارگزینی دانشگاه

با ارسال عین نامه‌های شماره ۵۷۵۱-۴۲/۱۰/۱۲ و ۱۰۹۸۹-۴۲/۱۲/۲۵ و ۲۴۹۶-۴۲/۱۲/۲۸ دانشکده ادبیات در مورد اعطای عنوان استاد ممتاز به جناب آقای علی اصغر حکمت. آقای دکتر رضازاده شفق آقای پورداود و جناب آقای سیدحسن تقی‌زاده اعلام می‌نماید که مراتب در بیست و هشتمین جلسه هیأت ممیزه دانشگاه مورخ ۴۳/۳/۴ مطرح و اعطای عنوان استاد ممتاز به آنان به استناد ماده ۱۲ لایحه قانونی استخدام هیأت آموزشی دانشگاه مورد تصویب واقع گردید که مادام‌العمر از آن استفاده نمایند.

معاون دانشگاه
دکتر عبدالله شیبانی

* * *

۳۸

۱۳۴۳/۳/۳۱
۱۴۶۸۹

دانشگاه تهران

مقام معظم ریاست دانشگاه

محترماً به استحضار می‌رساند.

در بیست و هشتمین جلسه هیأت ممیزه دانشگاه مورخ ۴۳/۳/۴ اعطای عنوان استاد ممتاز به جناب آقای علی اصغر حکمت - آقای دکتر رضازاده شفق - آقای پورداد و جناب آقای سیدحسن تقی‌زاده مورد رسیدگی واقع گردید اینک به استناد ماده ۱۲ لایحه قانونی استخدام هیأت آموزشی دانشگاه مراتب جهت تصویب بحضور عالی تقدیم می‌گردد.
با تقدیم احترام - فرزانه

* * *

۳۹

۱۳۴۳/۴/۱
۲۴۲۶

دانشگاه تهران

استاد محترم جناب آقای دکتر صادق رضازاده شفق

به پیشنهاد دانشکده ادبیات و با استناد ماده ۱۲ لایحه قانونی استخدام هیأت آموزشی دانشگاه و تأیید تشخیص بیست و هشتمین جلسه هیأت ممیزه مورخ چهارم خرداد ماه ۱۳۴۳ به موجب این حکم به سمت استاد ممتاز دانشگاه منصوب می‌شوید. ع
رئیس دانشگاه
دکتر جهان‌شاه صالح
رونوشت جهت اطلاع دانشکده ادبیات عطف به نامه شماره ۱۰۹۸۹ - ۴۲/۱۲/۲۵ ارسال
می‌گردد. ع

رئیس اداره کل کارگزینی دانشگاه - فرزانه

* * *

۴۰

طهران ۴۳/۷/۲۰ [۱۳]

جناب آقای دکتر صفا رئیس محترم دانشگاه ادبیات با کمال احترام معروض است پس از آمدن حضرت رئیس جمهوری هند به ایران شورای دانشکده ادبیات به موجب نامه مورخ ۴۲/۳/۲۹ [۱۳] با اتفاق آراء بنده را موظف به ترجمه کتاب «ادیان شرقی و فکر غربی» کرد و این کار در حدود دو سال زحمت به توفیق الهی در حدود ششصد صحیفه کتابیه به اتمام رسید به علاوه توضیحاتی به شکل پاورقی ضمیمه کردم و یک مقدمه و یک فهرست و یک لغتنامه خواهم افزود. باید توضیحاً اظهار بدارم که به حکم غامض بودن مطالب کتاب زحمتی زیادی در ترجمه متحمل شده‌ام و جا دارد دانشگاه در تعیین پاداش زحمات مترجم را چنانکه شایسته است منظور دارد کتاب حاضر است و پس [از] اخذ تصمیم و تعیین تکلیف تقدیم خواهد شد.

با احترامات دکتر رضازاده شفق

* * *

۴۱

۱۳۴۳/۷/۲۶

دانشگاه تهران - یادداشت

اداره کل انتشارات دانشگاه

با ارسال رونوشت‌نامه استاد محترم جناب آقای دکتر رضازاده شفق همچنانکه ملاحظه خواهند فرمود ایشان ترجمه کتاب «ادیان شرقی و فکر غربی» تالیف و تحریر حضرت رادکریشان رئیس جمهوری هندوستان را به پایان برده‌اند. با توضیحاتی که جناب آقای دکتر شفق در نامه خود داده‌اند لذا معلوم می‌شود شماره صحایف این کتاب از هفتصد تجاوز خواهد کرد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که بجای یک حق تالیف از بابت ترجمه کتاب مذکور به میزان دو حق التالیف (یعنی یک صد و بیست هزار ریال) به مترجم محترم پرداخته شود.

رئیس دانشکده ادبیات

رونوشت در پاسخ‌نامه مورخ ۴۳/۷/۲۰ [۱۳] برای اطلاع استاد محترم جناب آقای دکتر رضازاده شفق ایفاد می‌گردد.

* * *

۴۲

دانشگاه تهران

۱۳۴۳/۸/۵
۴۱۸۴۳

جناب آقای دکتر شفق استاد ممتاز دانشگاه

مستدعی است عین کتاب رادهاکریشان و متن ترجمه شده را برای ارائه به انجمن تالیف و ترجمه ارسال فرمایند تا پس از طرح در انجمن نتیجه به عرض عالی رسانیده شود. - د
رئیس اداره کل انتشارات و روابط کتابخانه‌ها
ایرج افشار
رونوشت در پاسخ نامه شماره ۵۸۰۵ مورخ ۴۳/۷/۲۷ جهت اطلاع دانشکده ادبیات
ارسال می شود.

از طرف رئیس اداره کل انتشارات و روابط کتابخانه‌ها
ایرج افشار

* * *

۴۳

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات

اداره کل انتشارات و روابط کتابخانه‌ها

پیرو نامه شماره ۵۸۰۵ - ۴۳/۷/۲۷ و بازگشت برونوشت نامه شماره ۵۲۵۹ / الف -
۴۳/۱۰/۱۳ اشعار می دارد:
کتاب «ادیان مشرق و فکر مغرب» ترجمه جناب آقای دکتر رضازاده شفق استاد محترم
دانشگاه کتاب درسی می باشد.

رئیس دانشکده ادبیات
ذبیح‌الله صفا

* * *

۴۴

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات

۱۳۴۵/۲/۱۸

گروه آموزش فلسفه

چون بر طبق ابلاغ شماره $\frac{۱۴۷۳۲}{۴۳/۳/۳۱}$ مقام محترم ریاست دانشگاه استاد محترم جناب آقای

دکتر شفق سمت استادی ممتاز دانشگاه را احراز فرموده‌اند، خواهشمند است در مواقع لازم از ایشان برای ایراد سخنرانی در آن گروه آموزشی دعوت به عمل آید.

رئیس دانشکده ادبیات
ذبیح‌الله صفا

* * *

۴۵

۱۳۴۶/۷/۵
۱۴۷۲

دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات تهران

بطوری که استحضار دارند طبق فرمان ملوکانه از روز ۱۳ مهرماه جاری دوره چهارم مجلس سنا خاتمه یافته علیهذا خواهشمند است مقرر فرمائید حقوق ۸ روزه فاصله نمایندگی جناب آقای دکتر رضازاده شفق را که از ۲۲ مهرماه جاری مجدداً به نمایندگی سنا انتخاب گردیدند از صندوق بازنشستگی به معظم له پرداخت نمائید.

رئیس کل اداره حسابداری مجلس سنا - منو

* * *

۴۶

۱۳۵۰/۹/۶
۶۷۴۵

وزارت آموزش و پرورش

دفتر - اداره هیئت پیگیری و نظارت

حسب الامر مقام عالی وزارت به منظور بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی شادروان دکتر صادق رضازاده شفق استاد گرانقدر دانشگاه مجلس یادبودی از ساعت پنج تا شش و نیم بعد از ظهر روز دوشنبه هشتم آذرماه / ۱۳۵۰ در باشگاه معلمان تشکیل می‌گردد.

خواهشمند است به مناسبت تجلیل از خدمات صادقانه فرهنگی و شادی روح آن مرحوم دستور فرمایند همکاران گرامی نیم ساعت قبل از ساعت مقرر در این جلسه شرکت نمایند.

رضا معینی
مدیر کل اطلاعات و روابط عمومی
آقای میر شاهی

به استحضار همکاران برسانید.

۵۰/۹/۷

٤

منابع تحقيق

منابع تحقیق

- اتحادیه، منصوره، «مسائل و کیفیت گذران یک دانشجوی ایرانی در آلمان ۱۳۴۰-۱۳۴۸ قمری / ۱۹۲۱-۱۹۳۰ میلادی» (درباره دکتر صادق رضازاده شفق)، یکی قطره باران، تهران، ۱۳۷۰، ۲۶۸-۲۴۷.
- پروین گنابادی، محمد، «تاریخ ادبیات فارسی» (از هرمان اته، ترجمه رضازاده شفق)، *گزینۀ مقاله‌ها*، تهران، ۱۳۶۵، ۳۶۵-۳۸۰.
- س.ت. «فرهنگ شاهنامه» (از رضازاده شفق)، *یغما*، ۲۵ (۱۳۵۱): ۲۴۶-۲۴۸.
- پاک‌نیا، طاهره «خاطره خانوادگی»، *نشریه کتابخانه ملی تبریز*، ۱۵ (آبان ۱۳۵۵): ۱۳۱-۱۳۵.
- صدیق، عیسی، «دکتر رضازاده شفق»، *چهل گفتار*، تهران، ۱۳۵۲، ۱۰۳-۱۱۰.
- کارنگ، عبدالعلی، «یادی از مرحوم دکتر شفق»، *نشریه کتابخانه ملی تبریز*، ۱۵ (آبان ۱۳۵۵): ۱۲۳-۱۳۰.
- افشار، ایرج، «وفات دکتر صادق رضازاده شفق»، *راهنمای کتاب*، ۱۴ (۱۳۵۰): ۵۹۲-۵۹۷.
- شکفته، صغری، «شفق به روضه رضوان سفر کرد»، *هلال*، ۱۹ (۱۳۵۰): ۲۵/۹-۲۸.
- هواگیمیان، گایک، «یادی از استاد دکتر رضازاده شفق»، *هور*، ۱۳۵۰: ۶/۶-۱۶.

۵

گزیده اسناد

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

فاطمه سیّاح

(۱۲۸۱-۱۳۲۶ ش)

سفید

۱: زندگینامه

فاطمه رضازاده محلّاتی مشهور به فاطمه سیّاح فرزند میرزا جعفرخان رضازاده‌ی محلّاتی در سال ۱۲۸۱ ش برابر با ۱۳۲۰ ه.ق. و ۱۹۰۲ میلادی در مسکو چشم به دنیا گشود. پدر او در دانشکده‌ی زبانهای شرقی به تدریس زبان و ادبیات سرگرم بود. سیّاح تحصیلات خود را در مسکو سپری کرد و از دانشکده‌ی ادبیات درجه‌ی دکتری گرفت و رساله‌ی خود را درباره‌ی آناتول فرانس به رشته‌ی تحریر درآورد. در سال ۱۳۰۰ ه.ش. برای نخستین بار به ایران آمد.

پس از ورود به ایران به تدریس در وزارت فرهنگ مشغول شد و در سال ۱۳۱۳ ه.ش در کنگره‌ی هزاره‌ی فردوسی شرکت کرد و در سال ۱۳۱۴ در وزارت فرهنگ، معاون اداره‌ی تعلیمات نسوان گردید و در همان سال به عضویت هیأت مدیره‌ی «کانون بانوان ایران» درآمد. در سال ۱۳۱۵ در دانشسرای عالی به تدریس زبان‌های خارجی اشتغال یافت و تدریس زبان و ادبیات روسی با ورود او به این دانشسرا آغاز شد. در همین سال از طرف وزارت امور خارجه به ژنو رفت و در هفدهمین دوره‌ی جامعه‌ی ملل شرکت کرد. و در سال ۱۳۱۷ ه.ش به مقام دانشیاری دانشگاه تهران رسید و در سال ۱۳۲۲ سمت استادی او در شورای عالی فرهنگ تصویب شد.

سیّاح در زمینه‌ی احقاق حقوق بانوان و ارتقای سطح علمی و فرهنگی آنان تلاش بسیاری کرد. او عضو «حزب زنان ایران» بود و در سال ۱۳۲۳ از طرف این حزب از وزارت دادگستری اجازه‌ی رسیدگی به امور زنان را کسب کرد و بنا به دعوت دولت ترکیه به این کشور رفت و درباره‌ی ادب و فرهنگ سخنرانی نمود. در سال ۱۳۲۴ نخستین شماره‌ی مجله‌ی حزب زنان ایران را منتشر کرد و از طرف شورای زنان به پاریس رفت و در کنگره‌ی «زن و صلح» شرکت نمود. یک سال بعد به ریاست هیأت مدیره‌ی انجمن معاونت عمومی زنان

شهر تهران انتخاب گردید و در سال ۱۳۲۵ عضو کمیته‌ی مرکزی سازمان زنان ایران شد و در همین سال به عضویت «جمعیت شیر و خورشید سرخ بانوان ایران» درآمد. فاطمه سیاح پس از فعالیت‌های گسترده‌ی علمی و ادبی و فرهنگی خود سرانجام در سن ۴۵ سالگی در روز پنج‌شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۲۶ در ساعت ۹ صبح بر اثر عارضه‌ی سکته‌ی قلبی در تهران چشم از جهان فرو بست و روز جمعه در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

۲

آثار

۱- کتاب

- نقد و سیاحت (مجموعه مقالات و تقریرات دکتر فاطمه‌ی سیاحت)، به کوشش محمد گلبن، تهران، چاپ اول، توس، ۱۳۵۴ ش.

۲- مقالات

- «ادبیات معاصر ایران»، ترجمه‌ی فاطمه‌ی سیاحت و سعید نفیسی، پیام‌نو، ج ۱، ش ۱: ۲۴-۲۸.
- «ادبیات معاصر ایران، نقد و سیاحت»، تهران، ۱۳۵۴، ص ۲۵۳-۲۶۲.
- «انتقاد دانشمندان اروپایی در باب فردوسی»، مهر، ش ۲، ۶۷۳-۶۸۲.
- «بحث درباره‌ی نثر فارسی معاصر»، نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران، ص ۱۸۱-۱۸۳.
- «تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی»، مجموعه‌ی انتشارات قدیم انجمن، تهران، ۱۳۵۱ ش، ص ۲۱۹-۲۳۰.
- «درباره‌ی فردوسی و شاهنامه (سه مقاله)»، نقد و سیاحت، تهران، ۱۳۵۴، ص ۱-۴۸.
- «شاهنامه و دیگران»، رودکی، ش ۴۵، تیرماه ۱۳۵۴، ص ۱۷.
- «نثر فارسی معاصر (نظری به سخنرانی پرویز ناتل خانلری)»، نقد و سیاحت، تهران، ۱۳۵۴، ص ۲۷۸-۲۸۰.
- «نظریاتی چند در باب شاهنامه و زندگانی فردوسی»، سخن، ۲، ص ۷۳۱-۷۳۶.
- «نظری به نمایشگاه هنرهای زیبای ایران»، پیام‌نو، ج ۲، ش ۱۰، ص ۱۶-۲۳.

۳

اسناد

۱

وزارت داخله**اداره کل ثبت احوال**

سواد ورقه شناسنامه

صفحه ۱

خانم فاطمه سیاح ساکن شهر طهران محله حسن آباد کوچه - خانه - معین السلطنه جزء بلوک - دارنده هویت نمره ۲۲۶۲ صادره از شعبه ۳۰۰۰ دفتر سجل ولایتی تهران امضاء و

مهر مامور سجل احوال

صفحه ۲

نمره هویت ۲۰۲۶۲

خلاصه ولادت

تاریخ صدور چهاردهم ماه دی سال هزار و سیصد و دوازده شمسی

خانم فاطمه خانم دارای نام خانوادگی رضازاده سیاح فرزند میرزا جعفرخان دارنده هویت نمره ۱۹۴۰۱ صادره از شعبه ۳ تهران و دارنده هویت غیر معلوم صادره از - در تاریخ روز نوزدهم ۱۹ مهر سال هزار و دویست و هشتاد و یک (۱۲۸۱) در شهر مسکو محله - کوچه - خانه نمره - یا قصیه - جزء بلوک - متولد شده است. محل امضاء متصدی شعبه و مهر شعبه

مطابق با اصل است

مرتضوی

[بایگانی دانشگاه تهران]

وزارت فرهنگ**تعارفه احوال سالیانه کارمندان**

نام [فاطمه]

نام خانواده [سیاح]

نام پدر [میرزا جعفر]

شماره شناسنامه و جای صدور آن [۱۹۴۰۱]

تاریخ و جای تولد [مسکو - ۱۲۸۱]

شماره و تاریخ برگ خاتمه خدمت زیر پرچم یا معافی —

جای اقامت دائم [شهر طهران]

نشانه خانه اصلی (ملکی یا اجاره‌ای) [محلّه حسن آباد]

نشانی مسکن فعلی [خانه معین السلطنه]

صفحه مربوط بکارمند

پرسش از کارمند پاسخ کارمند

- ۱- میزان معلومات و سند رسمی تحصیلی (۱) دانشسرای عالی و دکتری در ادبیات (در انیورسیتته مسکو)
- ۲- آشنائی بزبانهای بیگانه: روسی فرانسه انگلیسی آلمانی ایتالیائی
- ۳- چه کمالات علمی مخصوص دارد: مطالعه در تاریخ ادبیات اروپائی
- ۴- متاهل است یا نه
- ۵- عده فرزندان، سن و کار آنها —
- ۶- دارائی - درآمد شخصی در سال: حقوق دانشیاری (ماهی ۱۱۲ تومان)
- ۷- تاریخ ورود به خدمت دولت و تاریخ ورود بخدمت وزارت فرهنگ: از اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ (وزارت فرهنگ و دانش سرای عالی از دانش سرای عالی)
- ۸- کارهائیکه تا کنون متصدی بوده: تدریس سنجش و روش ادبیات زبان خارجه در همین است.
- ۹- خدماتیکه فعلاً متصدی است.
- ۱۰- خدمات اضافی که می تواند تعهد انجام آنرا بنماید —
- ۱۱- کارهائیکه شوق تصدی آنها را دارد: مطالعه در تاریخ ادبیات و مقاله نویسی در

اطراف آن

۱۲- وضعیت مزاجی —

۱۳- وضعیت مضمولی از نظر خدمت سربازی نوع معافی تاریخ خاتمه خدمت زیر

پرچم (۲) —

۱۴- اعتیادات ممنوعه —

[بایگانی دانشگاه تهران]

پاسخهای بالا با کمال دقت و از روی صحت تنظیم شده و مطابق با واقع است.

* * *

۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دانشکده ادبیات

چون دانشکده ادبیات احتیاج به یک نفر دانشیار برای آموختن روش تاریخ ادبیات و سنجش ادبیات زبانهای اروپائی دارد. مطابق قانون اساسی دانشگاه مراتب اعلان می شود تا داوطلبانی که دارای درجه دکتری در رشته مذکور می باشند تا ۱۵ بهمن ماه خود را به دفتر دانشکده ادبیات (واقع در دانش سرای عالی) معرفی نموده اسناد و مدارک خود را تسلیم نمایند تا ترتیب مسابقه آنها داده شود.

دفتر دانشکده ادبیات

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۴

وزارت معارف - دانشگاه طهران - دانشکده ادبیات - دانشکده علوم دانش سرای عالی

مقام وزارت معارف

در جواب نامه ۲۱۷۰۶/۵۴۷۶۱ مورخ اول دی راجع به خانم سیاح می نگارد که اولاً پذیرفتن ایشان در دانش سرای عالی و ارجاع درس برحسب دستور کتبی آن مقام است که به تاریخ یازدهم اسفند ۱۳۱۴ مرقوم فرموده و در دوسیه مشارالیهها موجود می باشد ثانیاً چند مرتبه شفاهاً تاکید فرمودید که شغلی در سال تحصیلی جاری در دانشکده ادبیات به وی

ارجاع شود ثالثاً از خاتمه دادن به خدمت مشارالیه‌ها نه کتباً و نه شفاهاً اطلاعی به دانش‌سرای عالی داده نشده است. بنابر مقدمات فوق اگر درسی به انجام سیاح رجوع شده مطابق دستور مقام وزارت بود. و به هیچ وجه برخلاف مقررات عملی نشده است و از طرف دانش‌سرا نیز راجع به مشارالیه‌ها در ۲۲ آذر پیشنهادی به عمل نیامده زیرا از نبودن اعتبار مطلع بود و به اتکاء اینکه مستخدم وزارت معارف هستند و حقوق خود را از وزارتخانه دریافت می‌دارند به منظور اجرای دستور کتبی و شفاهی آن مقام هفته‌ای پنج ساعت درس به ایشان واگذار گردید و راپورت آن ضمن ۷۱۳۹ مورخ ۲۲ آذر داده شده است. اکنون چنانچه باید درس ایشانرا تعطیل کرد مقرر فرمائید اطلاع دهند تا اقدام کند.

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای دکتر صدیق

از خانم سیاح سزاوار است در دانشکده استفاده شود خوب است مطالعه نمائید چه خدمتی می‌شود ارجاع نمود چون ایشان معلومات و اطلاعات خوبی دارند و از وجودشان باید استفاده نمود. [۱۳]۱۴/۱۲/۱۱

حاشیه: ۱) در جلد پرسنلی خانم سیاح ضبط شود، در این باب پیشنهاد شفاهی شده است.

۲) تاریخ عمومی قرون جدید مخصوصاً روسیه، زبان و ادبیات روسی مقایسه ادبیات (در قسمت زبان خارجه) متد زبان خارجه

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۷۱۳۹
۱۳۱۵/۹/۲۲

مقام وزارت معارف

مطابق توصیه‌ای که از خانم فاطمه سیاح فرموده بودید، در این موقع که از اروپا مراجعت کرده‌اند دروس ذیل به عهده ایشان تفویض گردیده و از روز ۱۹ آذر مستخدم تدریس شده‌اند:

- ۱- تطبیق ادبیات قرون ۱۹ و ۲۰ فرانسه و انگلیس و آلمان و روس که جزو پیشنهادنامه؟؟ زبانهای خارجه و عده دانشجویان [۱۷ خط خورده] ۱۴ نفر است.
- ۲- زبان روسی مقدماتی که عده داوطلب شانزده نفر است.

[نام و امضا]

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره کارگزینی

۲۱۷۰۶
۱۳۱۵/۱۰/۱

ریاست دانشکده ادبیات و علوم و دانش سرای عالی

در پاسخ پیشنهادی $\frac{۷۱۳۹}{۱۵/۹/۲۲}$ اشعار می‌دارد با اینکه مسبوق و مستحضرید که خانم فاطمه سیاح پس از آنکه به اروپا مسافرت نمود، چون در موقع مراجعت نکرد در تاریخ ۱۳۱۵/۸/۲۰ به خدمت او خاتمه دیگری از محل اعتبار حقوق او انتخاب و مشغول کار گردید. دیگر اعتباری برای تجدید استخدام خانم سیاح موجود نیست معذک مشارالیه را بدون اطلاع و اجازه استخدام کرده‌اید. لازم است در آتیه این رویه را متروک دارید. زیرا استخدام اشخاص علاوه بر تشریفات قانونی موکول به تحصیل اجازه قبلی و تامین حقوق می‌باشد. چون درباره خانم مشارالیه هیچیک از این دو امر رعایت نشده است. با استخدام او فعلاً نمی‌توان موافقت نمود.

وزیر معارف و اوقاف

علی اصغر حکمت

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۷۲۱۱
۱۳۱۵/۱۰/۳

مقام وزارت معارف

در جواب نامه ۲۱۷۰۶/۵۴۷۶۱ مورخ اول دی راجع به خانم سیاح می‌نگارد که اولاً پذیرفتن ایشان در دانش‌سرای عالی و ارجاع درس برحسب دستور کتبی آن مقام است که به تاریخ یازدهم اسفند ۱۳۱۴ مرقوم فرموده و در دوسیه مشارالیه‌ها موجود می‌باشد ثانیاً چند مرتبه شفاهاً تاکید فرمودید که شغلی در سال تحصیلی جاری در دانشکده ادبیات به وی ارجاع شود ثالثاً از خاتمه دادن به خدمت مشارالیه‌ها نه کتباً و نه شفاهاً اطلاعی به دانش‌سرای عالی داده نشده است.

بنابر مقدمات فوق اگر درسی به خانم سیاح رجوع شده مطابق دستور مقام وزارت بوده به هیچ وجه برخلاف مقررات عملی نشده است و از طرف دانش‌سرا نیز راجع به مشارالیه‌ها در ۲۲ آذر پیشنهادی به عمل نیامده زیرا از نبودن اعتبار مطلع بوده و به اتکاء اینکه مستخدم وزارت معارف هستند و حقوق خود را از وزارتخانه دریافت می‌دارند به منظور اجرای دستور کتبی و شفاهی آن مقام هفته‌ای پنج ساعت درس به ایشان واگذار گردیده و راپورت آن ضمن ۷۱۳۹ مورخ ۲۲ آذر داده شده است.

اکنون چنانچه باید دروس ایشانرا تعطیل کرده مقرر فرمائید اطلاع دهند تا اقدام کند.

[بایگانی دانشگاه تهران]

۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

خانم فاطمه رضازاده سیاح

در تعقیب ابلاغ $\frac{۲۳۷۱۴/۶۰۸۴۵}{۱۵/۱۰/۲۰}$ اشاره می‌دارد محل خدمت شما نصف روز در اداره انطباعات بسمت مترجمی خواهد بود و لازم است تحت نظر و دستور ریاست اداره مزبور بانجام وظائف محوله اشتغال ورزید.

وزیر معارف و اوقاف. امضا و مهر وزارت
رونویسی برای اطلاع ریاست دانشسرای عالی فرستاده می‌شود.
کارگزینی وزارت معارف و اوقاف
حسن فرزانه
[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

خانم فاطمه رضازاده سیاح

از تاریخ شانزدهم آذرماه ۱۳۱۵ که در دانشسرای عالی مشغول خدمت شده‌اید بسمت دبیری ادبیات و زبان روسی منصوب می‌شوید که تحت نظر و دستور ریاست دانشسرای عالی بانجام وظائف محوله اشتغال ورزید حقوق شما ماهیانه بقرار ماهی هشتصد ریال است که از تاریخ مزبور از محل اعتبار مربوط بموجب قرارداد جداگانه دریافت خواهید داشت.
وزیر معارف و اوقاف امضا و مهر وزارت
رونویس برای اطلاع ریاست دانشسرای عالی ارسال می‌شود.
کارگزین وزارت معارف و اوقاف. حسن فرزانه
[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۱

وزارت معارف و اوقاف صنایع مستظرفه

۹۶۸۴
۱۳۱۶/۴/۱۳

خانم فاطمه رضازاده سیاح

در تعقیب ابلاغ شماره ۶۰۸۴۷/۲۳۷۱۵ - ۱۳۱۵/۱۰/۲۰ اشعار می‌دارد از تاریخ صدور این دستور محل خدمت شما برای تمام اوقات رسمی در اداره انطباعات خواهد بود لازم است تحت نظر و دستور رئیس اداره مزبور بانجام وظائف محوله اشتغال ورزید و در صورت عدم حضور بخدمت شما در وزارت معارف خاتمه داده خواهد شد.

وزیر معارف و اوقاف علی‌اصغر حکمت

رونوشت برای اطلاع اداره دانش‌سرای عالی ارسال می‌شود.

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۱۷۵
۱۳۱۶/آبان/۱

مقام وزارت معارف

بطوری که روز چهارشنبه ۲۸ مهرماه در دانشکده حقوق فرمودید خانم فاطمه سیاح و خانم نیره صمصامی را از امروز در دانش‌سرای عالی بجای موسیواسی تیه بکارگماشت. خانم سیاح تاریخ ادبیات فرانسه را تدریس خواهند کرد و بنابراین با دروسی که از سابق دارند هفته‌ای بیست و یکساعت در اینجا کار خواهند داشت و درخواست دارند که مقرر شود اولاً ایشان را بطور رسمی استخدام گشته و سمت دانشیاری داشته باشند ثانیاً از امضا کردن دفتر حضور و غیاب وزارتخانه معاف گشته تا بتواند دروسی که بعهدہ دارند بنحو مطلوب انجام دهند، خانم نیره صمصامی هفته‌ای هشت ساعت دوره عالی زبان فرانسه را تدریس خواهند کرد و درخواست می‌کند که به سمت دانشیاری استخدام گردند. مراتب گزارش شد تا در صورت تصویب اقدام لازم شود.

[امضاء]

حاشیه: ادبیات فرانسه ۶ ساعت

سنجش و روش ادبیات ۴ ساعت

دوره مقدماتی درس ۳ ساعت

دوره عالی درس ۸ ساعت

۲۱

[بایگانی دانشگاه تهران]

۱۳

$$\frac{۸۱۲}{۱۳۱۶/۸/۳}$$

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دانشسرای عالی

متمنی است مقرر فرمایند صورت ساعات درس خانم فاطمه سیاح را در دانشسرا (در سال تحصیلی جاری) تهیه و بداره انطباعات ارسال دارند تا در باب معافیت مشارالیهها از امضاء ورود و خروج در دفتر حضور و غیاب وزارتخانه در روزهاییکه اشتغال بتدریس دارند اقدام لازم بعمل آید.

کفیل اداره انطباعات

[بایگانی دانشگاه تهران]

۱۴

$$\frac{۴۹۷۳}{۱۳۱۶/۸/۸}$$

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره تعلیمات عالی

دانشسرای عالی

با پیشنهاد شماره ۱۱۷۵ به تاریخ اول آبان ۱۳۱۶ دایره اینکه دروس آقای... قبلاً بین خانم نیره صمصامی و خانم سیاح تقسیم شود موافقت می‌گردد لکن چون اعتبار برای تامین حقوق دانشیاری در بودجه نیست با استخدام آنان بعنوان دانشیار نمی‌توان موافقت کرد. لازم است برنامه دروس آنها را طوری تنظیم کنید که مانند سابق نصف روز به وزارتخانه آمده وظایف اداری خود را انجام دهند.

وزیر معارف و اوقاف

علی اصغر حکمت

[بایگانی دانشگاه تهران]

۱۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۲۳۱۱
 ۲۳/بهمن/۱۳۱۶

شورای دانشگاه

چون دانشکده ادبیات احتیاج به یک نفر دانشیار برای آموختن روش تاریخ ادبیات و سنجش ادبیات زبانهای اروپائی دارد. مطابق نظامنامه انتخاب دانشیار مراتب در روزنامهها اعلان شد و داوطلبان را دعوت نموده که تا پانزدهم بهمن ماه ۱۳۱۶ اسم خود را برای مسابقه بنویسند، تا تاریخ مذکور فقط خانم فاطمه رضازاده سیاح اسم خود را نوشته و مدارک خود را تسلیم نموده‌اند. و طبق مدارک مذکور ایشان در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۳۰ گواهی نامه از اتحادیه بنگاه علمی و تحقیقاتی علوم اجتماعی مسکو و در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۳۱ گواهی نامه از دانشگاه نیژنی گورد و در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۱۲ گواهی نامه از سفارت شوروی در تهران و در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۳۶ گواهی نامه از نخستین دانشگاه دولتی مسکو دریافت نموده‌اند. مدارک ایشان در سیصد و شصت و یکمین جلسه شورای عالی معارف مورخ ۵ بهمن ۱۳۱۶ تحت رسیدگی قرار گرفته و معادل دکتر شناخته شده است و سنجش ادبیات زبانهای اروپائی تصویب فرمایند.

[امضاء]

[بایگانی دانشگاه تهران]

۱۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۷۴۳۸
 ۱۳۱۶/۱۱/۱۱

دانش سرای عالی

پیرو دستور شماره ۴۹۷۳/۳۵۳۰/۱۶/۸/۸ مقام وزارت موافقت فرمودند که از اول مهر

خانمه فاطمه سیاح بعنوان دانشیاری استخدام شود خواهشمند است آگهی لازم را ارسال فرمایند تا احترام مقتضی به عمل آید.

رئیس تعلیمات عالیه
[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۷

۱۲/بهمن/۱۳۱۶

وزارت معارف دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات

چون دانشکده ادبیات احتیاج بیک نفر دانشیار برای آموختن روش تاریخ ادبیات و سنجش ادبیات زبانهای اروپائی دارد مطابق قانون اساسی دانشگاه مراتب اعلان می شود تا داوطلبانیکه دارای درجه دکتری در رشته مذکور می باشند تا ۱۵ بهمن ماه خود را بدفتر دانشکده ادبیات (واقع در دانشسرای عالی) معرفی نموده اسناد و مدارک خود را تسلیم نمایند تا ترتیب مسابقه آنها داده شود.

دفتر دانشکده ادبیات
[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۸

۱۳۱۶/۱۱/۲۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

ریاست دانشکده ادبیات

بموجب آگهی دانشکده ادبیات منتشره در شماره ۵۴۹۹- ۱۳۱۶/۱۱/۱۹ روزنامه ایران دایر بمعرفی و استخدام یکنفر دانشیار برای آموختن روش تاریخ ادبیات و سنجش ادبیات زبانهای اروپائی بعرض می‌رساند اینجانب فاطمه سیاح دارنده درجه دکتری در رشته مذکور بدینوسیله داوطلبی خود را برای دانشیاری رشته‌های مزبور اشعار داشته و چنانکه مدت دو سال است که این دو رشته را در دانش‌سرای عالی تدریس می‌نماید. متمنی است مقرر فرمائید نام بنده را برای شرکت در مسابقه مزبور ثبت نمایند «توضیحاً اشعار می‌دارد که اینجانب نیز مدت چهار سال رشته‌های مزبور را در دانشکده‌های روسیه با عنوان دانشیاری تدریس می‌کرده و اینک اسناد و مدارک خود را در ضمیمه برای مزید استحضار تقدیم می‌دارد.

محل نمونه

فاطمه سیاح

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۱۹

۱۳۱۶/۱۲/۱۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دانشسرایعالی

پیشنهاد شماره $\frac{۲۳۱۱}{۱۶/۱۱/۲۵}$ دانشسرایعالی راجع به تقاضای صلاحیت خانم فاطمه رضازاده سیاح برای دانشیاری روش تاریخ ادبیات و سنجش ادبیات زبانهای اروپائی در دانشکده ادبیات در چهل و چهارمین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۱۶/۱۲/۱۴ مطرح و صلاحیت مشارالیه از لحاظ ماده ۱۰ قانون دانشگاه تصویب شد.

سردبیر دانشگاه

[بایگانی دانشگاه تهران]

۲۰

وزارت فرهنگ

چون درس بخش ادبیات در شعبهٔ زبانهای خارجی دانشکدهٔ ادبیات در برنامهٔ سابق چهار ساعت منظور شده بود و بعد در موقع تجدیدنظر در برنامه یک ساعت آنرا حذف کرده و سه ساعت مقرر کرده‌اند و این سه ساعت به هیچ‌وجه کافی نیست و به همین جهت این بنده مجبور شده است در تمام این مدت یک ساعت درس فوق‌العاده بدهد و در هر صورت افزودن یک ساعت به ساعات این درس کمال لزوم را دارد و در کمیسیونی هم که سابقاً با حضور استادان این رشته تشکیل یافته آقایان همه با این پیشنهاد موافقت فرموده‌اند پیشنهاد می‌کند که این یک ساعت را در برنامه رسماً منظور دارند که ارسال دوم دو ساعت درس بخش ادبیات باشد.

فاطمه سیاح

(۱) حاشیه: موکول بکمیسیون تجدیدنظر در برنامه اساسی دانشکده شده است.

[بایگانی دانشگاه تهران]

آمار استخدامی

رتبه و حقوق سال تحصیلی ۱۳۱۸-۱۹		نوع خدمت		تاریخ ورود بخدمت فرهنگ	تاریخ ورود به خدمت دولت	محل صدور و ورقه شناسنامه	شماره شناسنامه	تاریخ تولد	نام پدر	نام	نام خانوادگی
		رسمی	کنتراپی								
حقوق	رتبه	از مهر ۱۳۱۷	اردیبهشت ۱۳۱۳	همان است	از اردیبهشت ۱۳۱۳	شعبه ۳ تهران	۲۰۲۶۲	۱۹۰۲	جعفر	فاطمه	رضازاده سیاح
شماره دفتر تحت السلاح	شماره برگه خاتمه خدمت تحت السلاح	پاداش		محل خدمت	میزان معلومات با قید مدارک رسمی	شغل در سال تحصیلی ۱۳۱۸-۱۹	عده اولاد	متاهل است یا مجرد	تاریخ شروع به رتبه فعلی	۱ مهر ۱۳۱۷	
		تقدیر	تویبخت							دانش سرای عالی	دکتر در ادبیات
نوع خدمت نظام				نوع معافیت		خدمت نظام را انجام داده		تاریخ خاتمه خدمت زیر پرچم		تاریخ شروع به خدمت زیر پرچم	
تیپ	هنگ	ذخیره مقدم	احتیاط	مرخصی خانه	سرباز	افسر	سال	روز	ماه	روز	سال
—	—	—	—	شماره در کدام معاف لشکر در تکفل چه صف	—	—	—	—	—	—	—
محل امضاء تصدیق مراتب مندرجه				مراتب یا مدارجی که از حیث خدمت ایتموده				نشانی خانه		شهرستان تهران	
فاطمه رضازاده سیاح تاریخ ۱۸/۸/۱۵				وزارت فرهنگ و دانش سرا (دانشیار)				بخش ولی آباد		خیابان کوچه صارم الدوله پلاک	
								دست روبروی سفارت رومانی تلفن ۵۳-۱۵			

[بایگانی دانشگاه تهران]

۲۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۶۲۷۲
۱۳۱۷/۷/۱۳

خانم فاطمه رضازاده سیاح

از تاریخ دوم مهرماه ۱۳۱۷ که در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مشغول آموختن روش تاریخ ادبیات و سنجش ادبیات زبانهای اروپائی شده اید طبق مقررات قانون تاسیس دانشگاه مصوب هشتم خرداد ۱۳ و سایر آئین نامه های مصوب مربوط با درجه یک دانشیاری و ماهی مبلغ یکهزار ریال حقوق بسمت دانشیاری دانشکده ادبیات منصوب می باشید و حقوق خود را از تاریخ مزبور از محل اعتبار مربوط بدانسکده ها دریافت خواهید داشت.

کفیل وزارت فرهنگ مرات

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی ارسال می شود.

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۲۲

وزارت فرهنگ

خانم سیاح

محترماً برنامه درسی جنابعالی در سال تحصیلی ۲۲-۱۳۲۱ را ارسال می دارد خواهشمند است در روز و ساعات مقرر بدانش سرای عالی تشریف بیاورید دروس از روز دوشنبه ۲۷ مهرماه شروع خواهد شد.

معاون دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی

دکتر خانبابا بیانی

ایام هفته	مواد	ساعت شروع	اطاق	ملاحظات
شنبه	سنجش ادبیات سال دوم دکتری و سوم زبان خارجه	۱۱ $\frac{۱}{۴}$ تا ۱۲ $\frac{۱}{۴}$	۳	
چهارشنبه	سنجش ادبیات خارجه سال دوم زبان	۱۰ $\frac{۱}{۴}$ تا ۱۴ $\frac{۱}{۴}$	۳	

و اول دوره دکتری

چهارشنبه سنجش ادبیات خارجه سال سوم زبان
۱۱ $\frac{۱}{۴}$ تا ۱۲ $\frac{۱}{۴}$ ۳
و دوم دکتری

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۲۳

۹۳۹۵
۱۳۲۲/۷/۲۸

دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی

خواهشمند است در صورتیکه خانم فاطمه رضازاده سیاح تصدی کرسی منظمی را بر عهده دارد مراتب را اعلام فرمایند، تا برای صدور ابلاغ استخدامی ایشان اقدام شود در صورتیکه برای تامین این نظر جلب موافقت شورای دانشکده نیز لازم باشد مقرر خواهند فرمود اقدام بایسته بشود، و نتیجه را به این اداره اعلام فرمایند.

کارگزینی دانشگاه

[نام امضاء]

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۲۴

۱۳۲۲/۸/۲۶

خانم فاطمه رضازاده سیاح متصدی کرسی درسی در دانشکده ادبیات

باستناد ماده ۱۱ قانون تأسیس دانشگاه از تاریخ صدور این حکم از پایه سه دانشیاری به پایه سه استادی ارتقاء می یابید. حقوق شما بقرار ماهی دو هزار و پانصد و هفتاد ریال پس از تصویب بودجه پرداخته خواهد شد.

کفیل وزارت فرهنگ

رونوشت بدانشکده ادبیات فرستاده میشود.

کارگزین دانشگاه

[بایگانی دانشگاه تهران]

۲۵

ریاست دانشکده ادبیات

بموجب آگهی دانشکده ادبیات منتشره در شماره ۵۴۹۹ - ۱۳۱۶/۱۱/۱۹ روزنامه ایران، دایر بمعرفی و استخدام یکنفر دانشیار برای آموختن روش تاریخ ادبیات و سنجش ادبیات زبانهای اروپائی بعرض میرساند اینجانب فاطمه سیاح دارنده درجه دکتری در رشته مذکور بدینوسیله داوطلبی خود را برای دانشیاری رشته‌های مزبور اشعار داشته و چنانکه مدت دو سال است که این دو رشته را در دانشسرای عالی تدریس مینماید، متمنی است مقرر فرمائید نام بنده را برای شرکت در مسابقه مزبور ثبت نمایند، توضیحا اشعار میدارد که اینجانب نیز مدت چهار سال رشته‌های مزبور را در دانشکده‌های روسیه با عنوان دانشیاری تدریس میکرده و اینک اسناد و مدارک خود را در ضمیمه برای مزید استحضار تقدیم میدارد.

فاطمه سیاح

۲۲/۱۱/۱۶

[بایگانی دانشگاه تهران]

آمار استخدامی

رتبه و حقوق سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۶		نوع خدمت		تاریخ ورود بخدمت معارف	تاریخ ورود به خدمت دولت	محل صدور و ورقه شناسنامه	شماره شناسنامه	تاریخ تولد	نام پدر	نام	نام خانوادگی	
		رسمی	کنتراپی									
حقوق		رتبه	کنتراپی	از اردیبهشت ۱۳۱۴	از اردیبهشت ۱۳۱۴	۱۳۱۳	۲۰۲۶۲	۱۲۸۱	جعفر	فاطمه	رضازاده سیاح	
شماره دفتر تحت السلاح	شماره ورقه خاتمه خدمت تحت السلاح	پاداش		محل خدمت	میزان معلومات با قید مدارک رسمی	شغل در سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۶	عده اولاد	متاهل است یا مجرد	تاریخ شروع به رتبه فعلی			
		تقدیر	توبیخ									
—		—		دانش سرای عالی و اداره انطباعات وزارت معارف	دکتر در ادبیات دارای دیپلمهای دانش سرای عالی مسکو	دانشیاری در دانشسرای عالی	—	مجرد	۱۳۱۵			
نوع خدمت نظام				نوع معافیت		خدمت نظام را انجام داده		تاریخ خاتمه خدمت زیر پرچم		تاریخ شروع به خدمت زیر پرچم		
تیپ	هنگ	ذخیره مقدم	احتیاط	مرخصی خانه	معاف دائم	شماره معاف لشکر در تکفل چه صف	در کدام	سرباز	افسر	روز	ماه	سال
—	—	—	—									
محل امضاء تصدیق مراتب مندرجه				خدمت نموده		مراتب یا مدارجی که از حیث		نشانی خانه				
تاریخ ۲۴/۱/۱۷						دانشیاری		بخش		شهرستان تهران خیابان ولی آباد کوچه صارم الدوله هردو پلاک دست تلفن —		

[بایگانی دانشگاه تهران]
فاطمه سیاح
۲۲/۱۱/۱۶

۲۶

وزارت فرهنگ

مهر ۱۳۲۴

استاد محترم خانم سیاح

محترماً برنامه امتحانات تجدیدی و مهرماه ۱۳۲۴ دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی را برای اطلاع جنابعالی ارسال میدارد خواهشمند است در روز و ساعات معین تشریف بیاورید و اوراق امتحانات و نمرات را بخود اینجانب لطف فرمائید.

معاون دانشکده ادبیات

و دانش سرای عالی

تاریخ امتحان	مواد	تاریخ شروع	مدت	اطاق	ملاحظات
یکشنبه اول مهر	سنجش ادبیات خارجه سال دوم و سوم زبان خارجه و اول و دوم دکتری	۱۰	۲	۷	
		۱۰	۲	۷	

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۲۷

دانشگاه تهران

$$\frac{۱۲۴۶}{۱۳۲۴/۸/۲۰}$$

استاد محترم خانم دکتر فاطمه سیاح

چند نفر از دانشجویان زبان اول و دوم خود را روسی انتخاب نموده‌اند خواهشمند است برنامه و ساعات و دروس ایشان را به دفتر لطف فرمائید و به دانشجویان ابلاغ شود.

معاون دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۲۸

۱۳۲۴/۱۱/۲۸

شورای محترم دانشکده ادبیات

نظر به اینکه تدریس زبان و ادبیات روسی و هم‌چنین تدریس زبان روسی برای مبتدیان رشته زبان (زبان دوم) به عهده اینجانب است و عده داوطلبان این زبان (چه زبان اول و چه زبان دوم) روز به روز در تزايد است و عده ساعات تدریس تمام کلاسها خیلی زیاد و از عهده یک نفر خارج است خواهشمند است مقرر فرمایند برای سال تحصیلی آینده یک نفر دبیر زبان روسی برای تعلیم زبان دوم استخدام شود.

دکتر فاطمه سیاح

۱۳۲۴/۱۱/۲۸

حاشیه: ۱) آقای ستوده -

خانم سیاح چند ساعت درس دارند

۲) بعرض مقام ریاست دانشکده برسد [۱۳۲۴]/۱۱/۲۸

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۲۹

$$\frac{9258}{1325/4/15}$$

دانشگاه تهران
اداره کارگزینی

خانم فاطمه رضازاده سیاح استاد دانشکده ادبیات

باستناد ماده ۱۲ قانون آموزش اجباری از تاریخ اول فروردین ۱۳۲۵ بپایه پنج استادی و ماهی چهار هزار و ششصد ریال حقوق ترفیع میابید. تفاوت حقوق شما پس از تصویب بودجه و تامین اعتبار پرداخته خواهد شد.

رئیس دانشگاه

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۳۰

$$\frac{789}{1325/6/16}$$

دانشگاه تهران

استاد محترم خانم سیاح

محترمانه برنامه امتحانات دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی در شهریور ماه ۱۳۲۵ را ارسال میدارد خواهشمند است در روز و ساعات معین بدانشکده تشریف بیاورید.
معاون دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی

تاریخ امتحان	مواد امتحان	ساعت	شروع مدت	اطاق	ملاحظات
یکشنبه ۲۴ شهریور	سنجش ادبیات خارجه سال دوم و سوم	۸	۲	۴	
دوشنبه ۲۵	روسی زبان اول و دوم سال اول	۸	۲	۴	
دوشنبه ۲۵	روسی زبان دوم سال دوم	۸	۲	۴	

[بایگانی دانشگاه تهران]

۳۱

۳۱۶
۱۳۲۶/۲/۱۹

وزارت فرهنگ

اداره کل دبیرخانه دانشگاه

چون خانم دکتر فاطمه سیاح استاد این دانشکده بواسطه کسالت ممتد و نبودن وسایل معالجه در ایران عازم اروپا هستند (چنانکه از نامه وزارت بهداری که رونوشت آن پیوست است مستفاد می شود) دانشکده از موقع استفاده کرده به مشارالیها ماموریت می دهد که در ضمن به مطالعات علمی پرداخته و یادداشتهای خود را که برای نوشتن کتابهایی به نام «سنجش ادبیات» و «تاریخ ادبیات روسی» تهیه کرده اند تکمیل فرمایند.

از طرف رئیس دانشکده ادبیات

دانش سرای عالی

۳۲

۶۸۱۳
۱۳۲۶/۲/۲۶

دانشگاه تهران

خانم فاطمه رضازاده سیاح استاد دانشکده ادبیات

در اینموقع که برای معالجه بسویس عزیمت مینمائید بشما ماموریت داده میشود که در مدت چهار ماه مسافرت خود بمطالعات علمی پرداخته و یادداشتهای خود را که برای نوشتن کتابهای سنجش ادبیات و تاریخ ادبیات روسی تهیه کرده اید تکمیل فرمائید.

رئیس دانشگاه

دکتر سیاسی

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۳۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۳۱۶
۱۳۲۶/۲/۱۹

وزارت بهداری

طبق تصدیق آقای دکتر رفیع امین آقای پروفیسور منشین و آقای دکتر یاتواکانیان گواهی مینماید که بانو فاطمه سیاح استاد دانشگاه بعلت ابتلاء به بیماری دیابت و اغماء دیابتی و عوارض قلبی که با وسایل عادی علاج پذیر نمیباشد لازم است برای معالجه قطعی به کشور سوئیس مسافرت نماید.

وزیر بهداری

دکتر اقبال

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۳۴

دانشگاه تهران

۷۰۲۸ ح.د.
۱۳۲۶/۲/۲۸

وزارت فرهنگ

خانم فاطمه رضاسیاح استاد دانشکده ادبیات برای مدت چهار ماه بماموریتی از طرف دانشگاه بفرانسه و سویس عزیمت مینمایند خواهشمند است برای صدور گذرنامه خدمت ایشان اقدام فرمائید.

از طرف رئیس دانشگاه - دکتر جناب
[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۳۵

دانشگاه تهران

۶۸۱۱
۱۳۲۶/۲/۲۶

خانم فاطمه رضازاده سیاح استاد دانشکده ادبیات

چون بموجب گواهی وزارت بهداری به بیماری دیابت و اغماء دیابتی و عوارض قلبی مبتلا بوده و لازم است که مدت چهار ماه معالجه نمائید باستناد ماده ۷ ائین نامه مرخصیها مدت چهار ماه مرخصی استعلاجی درباره شما تصویب میگردد.

رئیس دانشگاه - دکتر سیاسی

* * *

۳۶

دفتر دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی

محترماً بعرض میرسانم اینجانب که برای چهار ماه مرخصی جهت معالجه و مطالعه عازم اروپا هستم ممکن است برای امتحانات شهریور ماه مراجعت ننمایم لذا امتحانات ورودی زبان روسی را به دبیر این زبان خانم مهری آهی واگذار میکنم.

فاطمه سیاح

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۳۷

دانشگاه تهران

$$\frac{۱۳۷۵}{۱۳۲۶/۸/۹}$$

اداره کل دبیرخانه دانشگاه

عطف به بخشنامه‌ی $\frac{۲۱۴۶۹}{[۱۳]۲۶/۸/۶}$ از استادان این دانشکده آقایان دکتر جلالی و رشید یاسمی و دکتر مستوفی در مسافرت هستند که مرخصی آقایان دکتر جلالی و رشید یاسمی خاتمه یافته و اداره دبیرخانه به آنان خاتمه مدت مرخصی را ابلاغ کرده است و هم‌چنین خانم دکتر سیاح طبق ابلاغ $\frac{[۱۳]۲۶/۲/۲۶}{۶۸۱۱}$ ک/ر و $\frac{۶۸۱۳}{[۱۳]۲۶/۲/۲۶}$ ک/ر برای مدت چهار ماه جهت معالجه و مداوا به اروپا مسافرت کرده و تاکنون مراجعت ننموده است. نظر به اینکه شروع مرخصی خانم دکتر سیاح در ابلاغ‌های شماره‌های فوق ذکر نشده و خانم دکتر سیاح نیز از تاریخ مسافرت خود این دانشکده را مطلع نساخته است بنابراین دانشکده می‌تواند تاریخ خاتمه مرخصی خانم دکتر سیاح را به تحقیق اعلام فرماید.

معاون دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی

[نام و امضاء]

* * *

۳۸

دانشگاه تهران

$$\frac{۲۴۴۵۹}{۱۳۲۶/۹/۲۶}$$

اداره حسابداری دانشگاه

در تعقیب رونوشت نامه شماره ۲۴۰۵۷ - ۲۶/۹/۸ موضوع خودداری از پرداخت حقوق آبان‌ماه ۱۳۲۶ خانم فاطمه رضازاده سیاح استاد دانشکده ادبیات هنوز برای خدمت حاضر نشده‌اند خواهشمند است تاکید فرمائید تا اطلاع ثانوی از پرداخت حقوق ایشان خودداری شود.

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه - بیرشگ

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۳۹

۱۸۹۵
۱۳۲۶/۱۰/۵

دانشگاه تهران

اداره کل دبیرخانه دانشگاه

خانم دکتر سیاح روز شنبه ۵ دیماه ۲۶ در دانشگاه حاضر شده و بتدریس درس خود شروع کرده است.

معاون دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی
[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۴۰

۱۳۲۶/۱۰/۷

ریاست محترم دانشگاه تهران

مرخصی چهارماهه برای معالجه در اروپا به موجب حکم شماره ۶۸۱۱/ک
۱۳۲۶/۲/۲۶ [۱۳] غلط شده ولی بواسطه معطلی تهیه ارز و بلیط طیاره و گذرنامه تاریخ شروع
مرخصی در حکم معین نشده و اینجانبه در ۳۰ تیرماه ۱۳۲۶ که بلیط طیاره بدست آمد از
مرخصی استغاف نمود در مراجعت با وجود مشکلاتی که برای تهیه بلیط طیاره بوده و بالاخره
بوسیله ایران تور میسر نشد که با وجود اینکه اسم نویس شده بود با طیاره هندی تا بغداد آمده
و از آنجا با اتومبیل عازم تهران شده و اتومبیل ایران تور در راه خراب شد و راهها را هم برف
گرفته بوسیله اتومبیل دیگری روز جمعه چهارم دیماه وارد تهران گردیده و فوراً از فردای
آنروز بدانشگاه حاضر و شروع به انجام وظیفه نمود. متمنی است مقرر فرمایند غیبت بدون
اجازه بنده که در نتیجه این مشکلات و ناچاری پیش آمده جزو مرخصی محسوب شود و
امیدوار است در ظرف سال جبران بنماید و امر فرمائید حقوق اینجانبه را که توقیف نموده‌اند
پردازند.

با تقدیم احترامات

فاطمه سیاح

* * *

۴۱

$$\frac{۲۶۴۲۲}{۱۳۲۶/۱۰/۱۵}$$

دانشگاه تهران

اداره حسابداری دانشگاه

تعقیب نامه شماره ۲۴۴۵۹ - ۲۶/۹/۲۶ چون بموجب گزارش دانشکده ادبیات خانم فاطمه رضازاده سیاح از تاریخ ۵ دیماه ۱۳۲۶ در دانشکده حاضر و مشغول انجام وظیفه شده اند خواهشمند است برای پرداخت حقوق ایشان از آن تاریخ اقدام فرمائید.

رئیس اداره کارگزینی دانشگاه - بیرشک

رونوشت جهت اطلاع دانشکده ادبیات ارسال میگردد.

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۴۲

$$\frac{۲۸۰۰۶}{۱۳۲۶/۱۱/۱۶}$$

دانشگاه تهران

خانم فاطمه رضازاده سیاح استاد دانشکده ادبیات

غیبت شما از تاریخ ۳۰ آبان ۳۲۶ که مرخصی شما موضوع حکم شماره ۶۸۱۱ - ۲۶/۲/۳۲۶ پایان یافته است تا پنجم دیماه ۳۲۶ که مشغول انجام وظیفه شده اید بموجب آئین نامه مرخصیها جزو مرخصی استعلاجی شما محسوب میگردد.

رئیس دانشگاه

دکتر سیاسی

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۴۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۲۵/۱۱/۱۰

حضرت آقای دکتر شبیانی معاون دانشسرای عالی

خانم فاطمه سیاح چند روز کسالت دارند و یک فقره تصدیق طبیب به این اداره ارسال نموده برای مدت سه روز از حضور به خدمت معذرت خواسته‌اند چون در دانشسرا نیز تدریس مینمایند از بنده تقاضا نموده‌اند مراتب را به اطلاع سرکار رسانیده تصدیق ایشان را خدمت عالی بفرستم.

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۴۴

دانشگاه تهران

۲۴۸۶
۱۳۲۶/۱۱/۲۴

استاد محترم خانم دکتر سیاح

عده‌ای از دانشجویان رشته زبان خارجه که بعلت مسافرت جنابعالی در شهریور درس کلیات ادبی سال اول را امتحان نداده بودند، تقاضا داشتند که از آنان در ضمن سال امتحان بعمل آید موضوع تقاضای دانشجویان مزبور در کمیته دائمی مورخ ۲۰ بهمن مطرح شد نظر به اینکه بعلت مسافرت جنابعالی از دانشجویان مزبور امتحان بعمل نیامده و تقصیری متوجه آنان نبود. به این جهت قرار شد که برای امتحان درس مزبور موافقت جنابعالی جلب شود، بنابراین خواهشمند است از دانشجویان مزبور درس کلیات ادبی را امتحان فرموده و نتیجه را به دفتر لطف فرماید اسامی آنان پس از موافقت جنابعالی با امتحان ایشان تسلیم خواهد شد.

معاون دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی

[امضاء]

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۴۵

دانشگاه تهران

۱۳۲۶/۱۲/۲۶

اداره کل دبیرخانه دانشگاه

خانم دکتر سیاح استاد کرسی زبان و ادبیات روسی شب جمعه ۱۴ اسفند ۱۳۲۶ فوت
نموده مراتب به همین وسیله به اطلاع آن اداره می‌رسد.

معاون دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی

[امضاء]

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

۴۶

۱۳۲۶/۱۲/۲۴

انجمن هنرمندان ایران

دانشسرای عالی

چون بمناسبت فوت مرحومه بانودکتر فاطمه سیاح در انجمن هنرمندان ایران روز
دوشنبه: ۲۶/۱۲/۲۴ مجلس یادبودی منعقد است. خواهشمند است موقتاً عکس فقید نامبرده
را امانتاً برای روز مزبور باین انجمن تحویل فرمایند تا پس از انجام مراسم یادبود مجدداً
مسترد شود.

از طرف رئیس عامل انجمن هنرمندان ایران

عفت خواجه‌نوری

[بایگانی دانشگاه تهران]

* * *

٤

منابع تحقيق

منابع تحقیق

- بانو دکتر فاطمه‌ی سیاح، خدایار محبّی، منوچهر، تهران، ۱۳۲۵، ص ۱۲۷-۱۲۹.
- جامعه‌ی بانوان ایران بزرگترین عضو خود را از دست داد، احتشامی، ابوالحسن، شکوفه‌های ذوق و ادب، تهران، ص ۱۸۴-۱۸۶.
- خاطرات دکتر خانلری [نظری درباره‌ی دکتر فاطمه سیاح]، ناتل خانلری، پرویز، سپید و سیاه، ۱۳۴۸ش، ش ۳، ص ۵۰.
- درگذشت استاد؛ خطیبی، حسین؛ سالنامه‌ی دنیا، سال سوم، ۱۳۲۷ش، ص ۷۵-۷۸.
- «دکتر فاطمه‌ی سیاح، استاد دانشگاه»؛ قویمی، فخری (خشایار وزیری)، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۲، ص ۱۶۹-۱۷۱.
- زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران [شرحی درباره‌ی دکتر فاطمه‌ی سیاح]، شیخ‌الاسلامی، پری، تهران، ۱۳۵۱، ص ۱۸۶ و ۱۵۰.
- فعالیت سیاسی دکتر فاطمه سیاح، صدقدار، زینت، [نقش سیاسی زنان ایران، پایان‌نامه‌ی لیسانس در رشته‌ی حقوق سیاسی دانشگاه تهران]، ص ۶۲-۶۳.
- فوت بانو فاطمه سیاح، خبرهای دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۲۶، ص ۶۲-۶۳.
- کشور ما یکی از بزرگترین و دانشمندترین زنان عصر حاضر را از دست داد، تربیت، هاجر، اطلاعات، دوره‌ی ۲۲، شماره مسلسل ۱۵۸۴ (۱۶ اسفند ۱۳۲۶)، ص ۱، ستون ۲.
- گفتگو با خانم سیاح (انتقاد بر انتقاد دکتر فاطمه سیاح)، کسروی، احمد، پیمان، دوره‌ی ۱، ش ۷ (اسفند ۱۳۱۲): ۱۸-۲۲؛ دوره‌ی ۱، ش ۸ (اسفند ۱۳۱۲): ۱۹-۲۳؛ دوره‌ی ۱، ش ۹ (فروردین ۱۳۱۳): ۱۷-۲۰.
- گمشده‌ی عزیز؛ دولت‌آبادی، صدیقه، اطلاعات، دوره‌ی ۲۲، شماره مسلسل ۱۵۸۴، ص ۱۶ (اسفند ۱۳۲۶): ص ۱، ستون ۳.
- مختصری از فعالیت‌های اجتماعی دکتر فاطمه سیاح، حکمت، فروغ، مجله‌ی حزب زنان ایران، ش ۱ (دی ماه ۱۳۲۴): ۲۸-۲۹.
- ملاقات من با لنین [شرحی درباره‌ی دکتر فاطمه سیاح]، سیاح، حمید، سالنامه‌ی دنیا،

سال ۱۶ (۱۳۳۹): ۱۴۹-۱۵۰.

- نقد و سیاحت (مجموعه‌ی مقالات و تقریرات دکتر فاطمه سیاح)، گلبن، محمد، تهران، توس، چاپ اول، ۱۳۵۴.

- یادى از استادان رفته، آریان‌پور، امیرحسین، آموزش و پرورش، دوره‌ی ۳۳، ش ۶،

ص ۸.

۵

گزیده اسناد

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

غلامرضا رشید یاسمی

(۱۲۷۵-۱۳۳۰ ش)

سفید

۱: زندگینامه

غلامرضا یاسمی متخلص به رشید در سال ۱۲۷۵ ه.ش در کرمانشاه به دنیا آمد تحصیلات مقدماتی را در همان شهر فراگرفت و برای تکمیل تحقیقات و اطلاعات علمی و ادبی و آموختن زبان فرانسه به تهران رفت و در سال ۱۲۹۲ در دبیرستان سن‌لویی دوره‌ی متوسطه را به پایان برد و مدتی بعد به سمت ریاست دبیرستان در کرمانشاه به اشتغال پرداخت. آن‌گاه به تهران برگشت و به همراه ملک‌الشعراى بهار و سعید نفیسی و علی دشتی و عباس اقبال خدمات مطبوعاتی و ادبی خود را آغاز کرد و به عضویت انجمن ادبی ایران درآمد و به سبب انتشار مقالات ادبی و انتقادی در روزنامه‌ی شفق سرخ مشهور شد. او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی به تدریس تاریخ می‌پرداخت. رشید یاسمی در اسفند ۱۳۲۷ در تالار دانشکده‌ی ادبیات هنگامی که درباره‌ی تأثیر حافظ در اندیشه‌ی گوته شاعر آلمانی سخنرانی می‌کرد، ناگهان دچار سکنه‌ی ناقص شد و مدتی در بیمارستان بستری گردید. آن‌گاه به اروپا رفت و پس از یک سال که در بستر بیماری به سر می‌برد در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ چشم از جهان فرو بست. رشید یاسمی به زبانهای انگلیسی، فرانسه، پهلوی و عربی تسلط داشت و چندی در وزارت فرهنگ و دارایی شاغل بود و مدتی نیز در دبیرخانه‌ی سلطنتی اشتغال داشت و عضو فرهنگستان ایران نیز بود. در سال ۱۳۲۲ به همراه هیأتی که علی اصغر حکمت و ابراهیم پور داوود از جمله‌ی آنان بودند به هند سفر کرد و چکامه‌های «ایران و هند» و «خاطرات هند» یادگار او از این سفر است. دامنه‌ی دانش او از حدود شعر و ادب فراتر می‌رفت و در امور اجتماعی و فلسفه و حکمت مطالعاتی داشت.

۲

آثار

۱- کتاب

- آیین نگارش تاریخ، تهران، وزارت معارف، ۱۳۱۶.
- احوال ابن یمین، تهران، محمد رضائی، ۱۳۰۳ ش.
- ادبیات معاصر، تهران، چاپخانه‌ی روشنایی، ۱۳۱۶ ش.
- تاریخ ایران برای تدریس در سال پنجم و ششم ابتدایی، تهران، چاپ دهم، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، بی تا.
- تتبع و انتقاد احوال و آثار سلمان ساوجی، تهران، محمد رضائی، ۱۳۴۵.
- دیوان خسروی کرمانشاهی، مقدمه، به اهتمام شاهزاده محمد صادق میرزا، برو خیم، ۱۳۰۴ ش.
- دیوان سید احمد اصفهانی، مقدمه، تهران، کتابخانه‌ی علمیه اسلامی، ۱۳۲۷ ش.
- دیوان مسعود سعد سلمان، ویراستاری و تصحیح رشید یاسمی، تهران، شرکت کتابفروشی ادب، ۱۳۱۸.
- فرخی سیستانی، گزیده اشعار برای دبیرستانها، به خط جواد شریفی، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۱۹ ش.
- کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، چاپ سوم، ابن سینا، بی تا.
- مقاله و رساله‌ها نوشته‌ی رشید یاسمی، گردآوری ایرج افشار با همکاری محمدرسول دریاگشت، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۳ ش.

۲- مقالات

- «ابوطاهر خسروانی»، نوبهار، دوره‌ی ۵: ۵۸-۶۰، ۷۲.
- «اردا و یرافنامه» مهر، ۳: ۹-۱۶، ۱۴۹-۱۵۶، ۲۴۱ و ۲۴۸، ۳۶۵-۳۷۲ و ۴۶۵-۴۷۲.
- «اعتقاد فردوسی در باب کوشش و تقدیر»، هزاره‌ی فردوسی، ص ۱۷۳-۱۷۸.
- «انتقاد درباره‌ی شرح حال ابن یمین و پدرش»، وفا، ۱: ۲۴۵-۲۴۸.
- «اندرز او شتر دانا»، مهر، ۲: ۷۱۸-۷۲۲ و ۸۳۹-۸۴۲ و ۹۳۷-۹۴۲.

- «اوصاف زنان در شاهنامه»، مهر، ۳: ۳۶-۴۰.
- «ایران کشور شعر و شاعری»، ترجمه‌ی احمد احمدی، نقشی از هستی، ص ۲۵-۴۳.
- «باباطاهر»، ارمغان، ۱۰: ۶۶-۷۰.
- «تعلیم و تربیت در ایران»، تعلیم و تربیت، ج ۱، ش ۱، ۶-۸؛ ش ۲، ۱-۴، ش ۵، ۳۳.
- «حرکت جوهری، یادنامه‌ی دین شاه ایرانی»، فلسفه‌ی ملاصدرا، ص ۱۷۳-۱۹۹.
- «خسروی»، آینده، ۱، ۱۳۱-۱۳۴.
- «در باب فولکلور»، تعلیم و تربیت، ۶، ص ۸۶-۹۳.
- «رای ابن خلدون در تعلیم و تربیت»، تعلیم و تربیت، ۳، ص ۴۲۵-۴۳۶.
- «سعدی و عشق»، تعلیم و تربیت، ۷، ص ۸۲۴-۸۳۱.
- «شعر در عصر حاضر»، ترجمه‌ی احمد احمدی، یغما، ۷، ص ۴۲۴-۴۳۱.
- «طالبوف و کتاب احمد»، ایرانشهر، ۲، ص ۲۸۳-۲۹۷.
- «عشق و مناعت در شاهنامه»، مهر، ۲، ص ۵۲۳-۵۲۸.
- «عظمت اقبال لاهوری»، آموزش و پرورش، ۱۴، ص ۴۶۶-۴۶۷.
- «فرمانی از ناصرالدین شاه (درباره‌ی راه‌سازی مازندران)»، به اهتمام رشید یاسمی، راه‌نو، ۲، ص ۳۰۰-۳۰۲.
- «قصیده‌ی بشار مرغزی»، ایرانشهر، ۲، ص ۵۹۹-۶۰۵.
- «کلمات علی‌هی مکتبی شیرازی»، آینده، ۱، ص ۴۷-۵۱، ۱۱۰-۱۱۴.
- «لیلی و مجنون، مکتبی»، ایرانشهر، ۳، ص ۴۰۵-۴۱۲، ۴۸۲-۴۸۹، ۵۲۶-۵۳۳.
- «مهستی گنجوی»، آینده، ۲، ص ۱۴۰-۱۴۳، ۵۵۱-۵۵۳.
- «مهستی گنجوی شاعره‌ی ایرانی»، ایرانشهر، ۱، ص ۳۵۲-۳۵۸.

۳- ترجمه

- آثار ایران نوشته‌ی گدار و دیگران، ترجمه رشید یاسمی و محمدتقی مصطفوی، تهران، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۳۱۴.
- آیین دوست‌یابی، دیل کارنگی، تهران، بنگاه مطبوعاتی پروین، ۱۳۲۱ش.
- ابرکوه (ولایت یزد)، گدار، آندره، آثار ایران، ۱، ص ۲۳-۳۱.
- اسناد مغولی در موزه‌ی تهران، پلیو، پل، آثار ایران، ۱، ص ۱۹-۲۲.
- اکتشافات تازه‌ی تخت جمشید، هرتسفلد، مهر، ۱، ص ۹۱-۹۶.
- اندرزه‌های اپیکتوس، اپیکتوس، تهران، چاپخانه فرد، ۱۳۱۲ش.
- ایران در زمان ساسانیان، آرتور امانوئل کریستن سن، چاپ دوم، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۲.
- چاپ سوم، ۱۳۴۵.
- برج‌های لاجم و رسگت، گدار، آندره، آثار ایران، ۱، ص ۴۷-۵۳.
- تاریخ ادبیات ایران، ادوارد گرانویل براون، جلد چهارم (از آغاز عهد صفویه تا قرن حاضر)، چاپ سوم، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۵ش.
- تاریخچه‌ی نادرشاه، ولادیمیر فدوروویچ، تهران، کمیسیون معارف، ۱۳۱۳ش.
- تکمله راجع به مزارات مراغه، گدار، آندره، آثار ایران، ۱، ص ۵۴-۷۰.
- چنگیزخان، هارلد لمب، تهران، کمیسیون معارف، ۱۳۱۳ش، امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
- مسجد جامع تبریز، گدار، آندره، آثار ایران، ۱، ص ۷۱-۷۴.
- منبر مسجد جامع محمدیه (یزد)، اسمیت مایرون بمفت، آثار ایران، ۱، ص ۷۴-۷۶.
- نطنز (ولایت کاشان)، گدار، آندره، آثار ایران، ۱، ص ۳۲-۴۶.

۳

اسناد

۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

سواد سبجل آقای یاسمی

۴۹۸ - دفتر سبجل احوال دارالخلافه طهران - ناحیه ۲ دولت - خلاصه سبجل ولادت آقای غلامرضاخان یاسمی پسر محمد ولی خان مرحوم و نور تاج خانم در کرمانشاهان در تاریخ یکهزار دویست و هفتاد و سه (۱۲۷۳) شمسی تولد یافته است. محل مهر و تمبر سبجل احوال محل امضاء مامور سبجل احوال خلاصه سبجل ازدواج محل عکس و مهر اداره سبجل احوال - محل شیر و خورشید - نظمیه طهران - ورقه هویت این ورقه از طرف کمیسیاریای ناحیه دولت به آقای غلامرضاخان یاسمی که ساکن محله دولت کوچه خیابان خانقاه خانه ۲۹ است و سبجل ولادت او در ظهر این ورقه تصریح شده است تسلیم گردید. طهران به تاریخ سوم برج جوزا هزار و دویست و نود و هفت - امضای کمیسر پلیس

بیست و سوم شهر شعبان هزار و سیصد و هفت
سواد مطابق با سواد بیست که در دوسیه
آقای یاسمی ضبط است
[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

حاشیه: سواد مطابق با اصل است امضاء اسماعیل
محل مهر دارالمعلمین عالی

* * *

۲

وزارت جلیله معارف و صنایع مستظرفه اداره معارف کرمانشاهان

۱۳۳۸/صفر/۲۵
۴۸۱

خدمت جناب آقای رشیدالسلطان دام اقباله العالی

نظر بر پیشرفت امور معارف و موفقیت امروزه کرمانشاهان مقرر شد سه کلاس فرانسه و انگلیسی از اول برج قوس دایر شود. جناب عالی را زحمت می دهد از تاریخ مقرر فوق علاوه بر تدریس ادبیات و تاریخ ساعات بعد از ظهر را نیز هر روزه برای تدریس فرانسه و

انگلیسی حاضر شوید تا در ظل توجه عاملان و اخلاق حمیده شخص جنابعالی اطفال کرمانشاهان اولین مقام تحصیلی را دارا شوند. چون صندوق اداره کاملاً امروز جبران زحمات جنابعالی را نمی‌نماید لهذا در هر برج مبلغ چهل تومان تادیه خواهم نمود. بدیهی است نظریات معارف‌خواهی و احساسات نوع‌پروری جنابعالی قبول مسئولیت این زحمت را می‌نماید.

رئیس معارف

مهر اداره معارف

حاشیه: سواد مطابق سواد اصل است که به اداره تقاعد ارسال سند ۱۳۰/۸/۱/۲۵ [۱۳۰]

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

۳

وزارت جلیله معارف و صنایع مستظرفه اداره معارف کرمانشاه

۵۵

۲۴/شعبان/۱۳۳۸

خدمت جناب اجل آقای رشیدالسلطان دام‌اقباله

نظر به جدیت و فعالیت‌هایی که در مدت شش ماهه تدریس افتخاری مدرسه ۱ در سنه قوی ثیل گذشته از جنابعالی مشاهده افتاده و برای مدرسه مزبور وجود یک نفر شخص لایق مجرب مهذب‌الاخلاق لازم است. تاریخ اول برج جوزای هذاه‌السنه پیچی ثیل مدیریت مدرسه متوسطه نمره یک را با ماهی مبلغ شصت تومان حقوق جنابعالی که از هر حیث شایستگی و لیاقت شغل شریف مذکور را دارا هستید واگذار نموده و امیدوارم بطور اکمل از عهده خدمات عالی که قصد و غرض جنابعالی است برآئید.

مزین الممالک

رئیس معارف

حاشیه: (۱) سواد مطابق سواد اصل است.

که به اداره تقاعد ارسال شد پژمان

(۲) سواد مطابق اصل است امضاء احمد صدیقی محل مهر اداره کل تفتیش ۱۳۰۲/۱۱/۲

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

۴

وزارت مالیه

۱۳۰۱/۶ قوس
۸۸۱۵

آقای رشیدالسلطان یاسمی در تاریخ ۲۳ برج ثور ۱۲۹۹ موافق تصویب رئیس معارف کرمانشاهان به ریاست مدرسه نمره (۱) دولتی آنجا با ماهی شصت تومان حقوق انتخاب شده است و به موجب اسنادی که از رئیس معارف کرمانشاهان در دست دارد به خوبی از عهده انجام وظیفه برآمده است و در سنه ۱۳۰۰ شمسی از شغل خود کناره‌جوئی نموده و به مرکز آمده است وزارت معارف نیز به اعتبار اسنادی که از رئیس معارف کرمانشاهان در دست دارد تصدیق می‌کند که خدمت مشارالیه قابل تمجید بوده است.

محترم‌السلطنه

وزیر معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

حاشیه: پائین (۱) سواد مطابق اصل است که

آقای غلامرضاخان ارائه نمود. پژمان

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

۵

وزارت مالیه

۱۳۰۱/۶ قوس
۸۸۱۵

آقای رشیدالسلطان یاسمی در تاریخ ۲۳ برج ثور ۱۲۹۹ موافق تصویب رئیس معارف کرمانشاهان به ریاست مدرسه نمره (۱) دولتی آنجا با ماهی شصت تومان حقوق انتخاب شده است و به موجب اسنادی که از رئیس معارف کرمانشاهان در دست دارد به خوبی از عهده انجام وظیفه برآمده است و در سنه ۱۳۰۰ شمسی از شغل خود کناره‌جوئی نموده و به مرکز آمده است وزارت معارف نیز به اعتبار اسنادی که از رئیس معارف کرمانشاهان در دست دارد تصدیق می‌کند که خدمات مشارالیه قابل تمجید بوده است.

محترم‌السلطنه

محل مهر وزارت معارف

و اوقاف و صنایع مستظرفه

حاشیه: سواد مطابق اصل است. مهر کابینه وزارت مالیه

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۶

۲۶ سرطان ۱۳۰۱

وزارت مالیه - دایره پرسنلی

نظر به مقتضیات اداری وزارت مالیه به موجب این حکم آقای رشیدالسلطان یاسمی را به سمت عضو استاژیر در اداره کابینه منصوب و برقرار می نماید رتبه و حقوق مشارالیه در ثانی تعیین خواهد شد.

وزارت مالیه - فهیم الملک

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۷

۲۹/سنبله/۱۳۰۱

وزارت مالیه

در تعقیب حکم ۱۱۷۰۲ مورخ ۲۶ سرطان که به موجب آن آقای رشیدالسلطان یاسمی به خدمت قبول شده اینک وزارت مالیه به موجب این حکم مشارالیه را به سمت منشی اولی و متصدی این دفتر تقنینیه منصوب و برقرار می دارد تا با کمال اهتمام و مراقبت در تحت تعلیمات اداره کابینه به ایفاء وظایف مقرر قیام و اقدام نماید. حقوق آقای رشیدالسلطان از قرار برجی پنجاه تومان مقرر و به خرج پذیرفته شده بود.

وزیر مالیه - فهیم الملک [امضا]

حاشیه: (۱) سمت راست: برطبق ابلاغ شفاهی ریاست محترم اداره مینوت حاضره تهیه شده است. برحسب امر شفاهی مقام وزارت بنا بر [۱]؟؟ تهیه حکم و دستور داده شده است.

[امضاء]

(۲) پائین: سواد حکم فوق برای اطلاع اداره محاسبات کل مالیه ارسال می شود.

[امضاء]

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

۸

۶/قوس/۱/۱۳۰۱
۸۸۱۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای رشیدالسلطان یاسمی در تاریخ ۲۳ برج ثور ۱۲۹۹ موافق تصویب رئیس معارف کرمانشاهان به ریاست مدرسه نمره (۱) دولتی آنجا با ماهی شصت تومان حقوق انتخاب شده است و به موجب اسنادی که از رئیس معارف کرمانشاهان در دست دارد به خوبی از عهده انجام وظیفه برآمده است و در سنه ۱۳۰۰ شمسی از شغل خود کناره جوئی نموده و به مرکز آمده است وزارت معارف نیز به اعتبار اسنادی که از رئیس معارف کرمانشاهان در دست دارد تصدیق می کند که خدمات مشارالیه قابل تمجید بوده است.

محتشم السلطنه

محل مهر وزارت معارف

و اوقاف و صنایع مستظرفه

حاشیه: سواد مطابق اصل و اصل در نزد آقای رشیدالسلطان

ضبط است محسن ناصر

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

۹

قسم نامه

اسم رشیدالسلطان یاسمی

عضو اداره تفتیش کل

تاریخ تحلیف ۳ - دلو تنگوزئیل ۱۳۰۲

مذهب اسلام

مستخدم فوق الذکر در حضور شهود ذیل مراسم تحلیف را بر طبق ماده ۳۶ نظامنامه

قانون استخدام بترتیب ذیل بعمل آورد:

«من خداوند متعال را گواه گرفته باین (کلام الله مجید) و تمام مقدسات عالم قسم یاد میکنم»

«مادام که در خدمت دولت هستم بملک و ملت و اصول حکومت ملی خیانت ننموده در پیشرفت صلاح و صرفه آن ساعی باشم و قوانین و نظامات مربوطه بمشاغل خود را کاملاً رعایت نمایم. امضا رشید یاسمی معتقد بدیانت اسلام.
(شهود)

وزیر

معاون

رئیس کل مالیه

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

۱۰

۱۸ مارچ ۱۹۲۳

پرسنلی

به موجب این حکم آقای رشید یاسمی از اداره کابینه به اداره تفتیش کل منتقل می شود. پست و حقوق مشارالیه مطابق بودجه اداره کل تفتیش معینی خواهد شد.

ا. س. میلسپو

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

۱۱

۱۰ سرطان تنگوزئیل ۱۳۰۲

وزارت مالیه

وزارت مالیه به موجب این حکم آقای رشیدالسلطان یاسمی را بر طبق بودجه هذہ السنه با رتبه منشی دوم به عضویت دارالانشاء اداره تفتیش کل به خدمت ابقاء و برقرار می دارد. حقوق مشارالیه از قرار برجی شصت تومان مقرر و بخرج پذیرفته خواهد بود.

ذکاء الملک

میلسپو

مهر وزارت مالیه

حاشیه: سواد مطابق اصل است

پژمان

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۱۲

۵ دلو ۱۳۰۳

خدمت جناب مستطاب عالی آقای میرزا یانس دام جلاله

نظر به اینکه قریب یکسال است در اوقات اداری و غیراداری برای تهیه راپورت ششم و هفتم و هشتم آقای رئیس کل مالیه حضرتعالی کار کرده و به گمان خود موجبات رضایت حضرتعالی را فراهم ساخته‌ام بخود حق می‌دهم که راجع به وضع اداری خود شمه معروض دارم.

قبل از سال ۱۲۹۹ مدتی در وزارت جلیله معارف به شغل معلمی اشتغال داشته و در ثور ۱۲۹۹ به ریاست مدرسه متوسطه ارتقا یافته‌ام، حقوق بنده در آن تاریخ ۶۰ تومان بوده (هر چند مدیر مدرسه متوسطه معمولاً ۸۰ تومان دریافت می‌دارد ولی بنده محض مساعدت با معارف قبول کردم ۲۰ تومان کمتر بدهند). در سرطان ۱۳۰۱ به وزارت مالیه انتقال یافته و سه ماه بی حقوق خدمت کرده پس از آن رتبه منشی اولی برای بنده معین گردید. در موقع اجرای قانون (اول سال ۱۳۰۲) بجای اینکه ارتقائی یافته یا به همان حدود منشی اولی حقوقی برایم معین گردد متأسفانه یکدرجه تنزل یافته و حکم منشی دومی با ۶۰ تومان حقوق صادر گردید. به امید اینکه در سال ۱۳۰۳ جبران خواهد شد منتظر نشستم لیکن در این سال هم ابدا رعایت جانب بنده نشده و با اینکه عموم اعضاء اداره پرسنل به اخذ اضافه نایل گردیدند بنده به همان حالت سالهای قبل باقی ماندم.

حال که بودجه سال جاری هنوز ابلاغ نشده و بودجه سال ۱۳۰۴ در شرف تهیه است تمنی می‌نماید جبران گذشته شود و اگر نسبت به درجه زحمات و لیاقت بنده اقدامی نمی‌شود

لااقل بر طبق موجبات قانون و به نسبت ترقی سایر همکاران با بنده معامله گردد.
از حضر تعالی خواهشمندم در صورتیکه سزاوار می دانید وضعیت اداری بنده را که تا
کنون موفق نشده‌ام بعرض ریاست کل برسانم گوشزد فرمائید.

رشید یاسمی [امضاء]

در قسمت پایین:

چون در جدیت و هوشمندی و لیاقتی که آقای یاسمی در ایفای وظایف اداری راجع به
قسمتی که با اینجانب مشغول بوده بروز داده‌اند کمال رضایت را دارم لهذا با موافقت نظر
جناب آقای مفتاح‌الملک که رئیس مستقیم ایشان هستند عریضه ایشان را به مقامات عالی
تقدیم داشته پیشنهاد می‌کنم نسبت به تعدیل مقام ایشان توجه مساعد و مناسبی بعمل آید.

میرزا یانس [امضاء]

هفتم دلو ۱۳۰۳

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مقام منبع وزارت جلیله متبوعه دامت شوكة

مطابق ماده اول اساسنامه کمیسیون انتخاب کتب اعضاء این کمیسیون پس از تصویب شورای محترم عالی معارف باید از طرف مقام وزارت انتخاب گردند. اینک مستدعی است مقرر فرمایند اسامی اشخاص ذیل را که حسب الامر مبارک برای عضویت کمیسیون دعوت شده‌اند در شورای محترم عالی معارف قرائت نموده در صورت موافقت شورای امر فرمائید احکام آنها از طرف دائره محترم پرسنل صادر گردد.

آقای آقامیرزا رضا ایروانی رئیس دائره تحقیق

آقای آقا شیخ محمد بروجرودی مدعی العموم کل استیناف

آقای میرزا عبدالعظیم خان قریب معلم دارالفنون

آقای دکتر میرزا محمدخان شیمی معلم دارالمعلمین

آقای میرزا جوادخان عامری معلم دارالفنون

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت رئیس متعلمین

آقای میرزانصراله خان جهانگیر

[آقای] میرزا حبیب‌اله خان مظفری

آقای میرزا اسمعیل خان مرآت

آقای فروغی رئیس دارالمعلمین

آقای میرزا غلامحسینخان رهنما معلم دارالمعلمین

آقای میرزا محمدخان تنکابنی معلم دارالفنون

آقای میرزا علی اکبر خان سیاسی معلم دارالفنون

آقای مصطفی قلیخان بیات معاون وزارت فوائد عامه

آقای فخر داعی

آقای میرزا محسن خان قریب

آقای رشید یاسمی

آقای آقا سید ابوالفتوح علوی نماینده محترم مجلس شورای ملی

آقای میرزا رضاخان فهیمی

آقای آفا شیخ علی آشتیانی

آقای میرزا عیسی خان صدیق معلم دارالمعلمین

[آرشیو سازمان اسناد ملی]

* * *

۱۴

۱۳۰۴/۱/۳۱

مستر پرین

در صورت اضافات اداره پرسنلی و محاکمات مربوط بسنه ۱۳۰۴ مبلغ هشت تومان هم بنام بنده مقرر بوده که در رتبه من دخالت تام دارد، چون اینجانب در اواخر سال ۱۳۰۴ به دفتر مخصوص شاهنشاهی منتقل شده‌ام و طبعاً از مقررات سنه مزبوره حق استفاده دارم بوسیله این مختصر از جنابعالی تقاضا می‌کنم که امر فرمائید رتبه منشی اولی را که به موجب اضافه مزبور مستحق هستم در ورقه خدمت و سوابق اداری من منظور دارند که در موقع از استفاده آن محروم نمانم و چون جنابعالی شخصاً اطلاع دارید که سه سال در رتبه منشی دومی مانده‌ام و قبل از اجرای قانون مقام منشی اولی داشته‌ام به استحقاق بنده از عان فرموده و این لطف را البته دریغ نخواهید داشت.

رشید یاسمی

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۱۵

۱۳۰۴/اردیبهشت/۱۵
۲۳۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مقام منبع وزارت جلیله معارف دامت شوکه

چون آقای رشیدالسلطان یاسمی که از نویسندگان لایق و دانشمند عصر حاضر است اخیراً تاریخ زندگانی ابن یمن شاعر معروف را مطالعه نموده و دیوان آن شاعر بزرگ را دقیقاً مورد بحث قرار داده و کتابی سفید که در نوع خود تالی و نظیر ندارد به رشته تالیف درآورده‌اند علاوه در هر موقع که وزارت معارف تقاضای خدمت علمی و ادبی از ایشان

نموده است بی مضایقه انجام داده‌اند. سزاوار است از طرف وزارت جلیله معارف مورد قدرشناسی مواقع شود. لذا به موجب فقره اول از ماده پانزدهم نظامنامه نشان علمی پیشنهاد می‌نماید که معزی‌الیه را به اعطای یک قطعه نشان علمی... زحمات ایشانرا مورد تقدیر قرار دهند.

فدوی علی‌اصغر حکمت

وزارت معارف

حاشیه: (۱) اداره محترم کل معارف - حسب‌الامر مقام منیع وزارت جلیله متبوعه پیشنهاد مزبور را صادر فرمائید [نام و امضاء]

(۲) به شورای عالی معارف پیش پیشنهاد مرجوع شود ۱۵ اردیبهشت

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۱۶

۱۳۰۴/۲/۱۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مقام منیع وزارت جلیل متبوعه دامت شوکتها

نظر به اینکه آقای رشیدالسلطان یاسمی که از نویسندگان لایق این عصر می‌باشند اخیراً کتابی راجع به شرح احوال ابن‌یمن شاعر معروف تالیف نموده که مورد بسی تمجید است لهذا اداره معارف محض اظهار تقدیر از مشارالیه و پیشنهاد اداره محترم تفتیش کل وزارت معارف بر طبق قسمت (۱) از ماده (۱۵) نظامنامه نشان و مدال علمی پیشنهاد می‌نماید که مقرر فرمایند یک قطعه نشان علمی درجه (۱) به معزی‌الیه اعطاء برای تصویب مراتب به شورای عالی معارف ارسال گردد. [نام و امضاء]

حاشیه: (۱) ارسال شود ۲۱ اردیبهشت

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۱۷

۱۳۰۴/۲/۲۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

شورای عالی معارف

آقای رشیدالسلطان یاسمی از فضلا و نویسندگان عصر حاضر اخیراً کتابی در شرح احوال ابن یمن شاعر معروف تالیف کرده اداره معارف بر طبق قسمت (۱) از ماده (۱۵) نظامنامه مدال و نشان «مُصَنِّفین و مولفین کتب عام‌المنفعه علمی و ادبی» پیشنهاد اعطای نشان علمی درجه دوم درباره مشارالیه نموده وزارت معارف نیز مراتب را به شوری مواجه می‌نماید که تصمیم لازم در موضوع پیشنهاد مزبور انجام گردد.

[نام و امضاء]

حاشیه: (۱) تصویب شد.

(۲) اداره محترمه کل معارف - پیشنهاد فوق در بیست و پنجمین جلسه شورای عالی معارف مورخه بیستم خرداد ۱۳۰۴ مطرح و اعطای یک قطعه نشان علمی درجه دو درباره آقای رشید یاسمی تصویب شد.

[نام و امضاء] مهر: دارالانشاء شورای عالی معارف منطقه ۱۳

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۱۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نظر به مراتب لیاقت آقای رشیدالسلطان یاسمی برحسب تصویب شورای عالی معارف به موجب قسمت اول از ماده ۱۵ نظامنامه نشان و مدال علمی وزارت معارف و اوقاف مشارالیه را به یک قطعه نشان علمی از درجه دوم نایل می‌دارد.

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۱۹

۱۳۰۴/دی/۲

خدمت حضرت مستطاب اجل عالی آقای فرج‌اله خان بهرامی رئیس محترم کابینه سلطنتی دام اجلاله تعالی این بنده چندین سال است در وزارت جلیله مالیه مشغول خدمت هستم از آنجائیکه مایلم تحت نظر رئیسی مانند حضرت مستطاب عالی خدمت کنم در این موقع که مسموع

افتاد در اداره کابینه محترم سلطنتی تجدید تشکیلات می شود وقتی را مغتنم شمرده خود را یادآور می گردم که اگر استعدادم را قابل توجه بدانند وسیله انتقال بنده را از وزارت مالیه با حفظ کاریر فراهم فرمایند تا در آستان مقدس شهریاروی ارواحنا فداه ابراز خدمت نموده و با مراحم حضرت اجل عالی به مشاغل متناسب با قریحه خود اشتغال ورزم زیاده جسارت است.

رشید یاسمی

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۲۰

۱۳۰۴/دی/۵

دفتر مخصوص شاهنشاهی

وزارت جلیله مالیه

برای دفتر مخصوص شاهنشاهی آقای رشید یاسمی بسمت منشی گری در نظر گرفته شده است. متمنی است انتقال مشارالیه را با حفظ سابقه خدمت مطابق قانون استخدام قبلی موافقت فرمائید.

وزیر دربار پهلوی تیمور تاش

حاشیه: اداره پرسنلی ۱۳۰۴/۷/۱۰/۴ [۱۳۰]

[پرونده پرسنلی - دانشگاه تهران]

* * *

۲۱

۱۳۰۴/دی/۲۶
۴۱۴۰۹

وزارت مالیه

وزارت جلیله دربار پهلوی

در جواب مرقومه نمره ۷۱۳ مورخه پنجم دیماه ۱۳۰۴ راجع به انتقال آقای رشید یاسمی به سمت عضویت در دفتر مخصوص شاهنشاهی اینک انتقال مزبور را با رعایت شرایط مذکوره طی مراسله نمره ۴۱۱۵۵ مورخه ۲۶ دی راجع به آقای میرزا محسن خان منشور مبنی بر حفظ سوابق خدمات مشارالیه در وزارت مالیه تصویب نمائید.

[نام و امضاء و مهر]

دفتر مخصوص شاهنشاهی

در حاشیه پائین: دفتر مخصوص شاهنشاهی - ضبط شود.

* * *

۲۲

دفتر مخصوص شاهنشاهی

۲۱ بهمن ۱۳۰۴
۵۲۰۸

مقام محترم ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

نظر به اینکه ما امضاکنندگان ذیل حاضر هستیم که بر طبق ماده ۶۳ قانون استخدام کشوری کسور تقاعد خود را پردازیم و ممکن است بعدها اختلاف با اشکالی فراهم شود مستدعی هستیم به محاسبات محترمه دربار پهلوی دستور بدهید که هر قسم معمول است کسور تقاعد بندگان را از روز انتقال به دفتر مخصوص شاهنشاهی توسط وزارت جلیله مالیه به خزانه دارای کل پرداخته و از حقوق ما کسر بگذارند تا شخصاً مجبور بر رفتن و اتلاف وقتی نشویم.

رشید یاسمی، محسن منشور

[امضاء]

حاشیه: (۱) دفتر مخصوص - چون دفتر مخصوص فقط با صندوق خانه همایونی سروکار دارد محاسبات دربار عذر خواهند در کار دفتر مداخله نمایند. به این لحاظ به فرهنگ بودرجمهور بنویسند. ۲۰ بهمن

(۲) اداره محترمه محاسبات وزارت جلیله دربار پهلوی شرح فوق را آقایان یاسمی و منشور بر اثر مراسله وزارت مالیه که در ضبط دفتر مخصوص شاهنشاهی است به بنده نوشته‌اند. انجام تقاضا و پیشنهاد ایشان موقوف به اقدام آن اداره محترمه خواهد بود.

بهرامی

[امضاء]

* * *

۲۳

مقام منیع وزارت جلیله مالیه

این بنده چهار سال در ادارات کابینه و پرسنل آن وزارت جلیله خدمت نموده و در اواخر سال ۱۳۰۴ حسب الامر به دفتر مخصوص شاهنشاهی انتقال یافته‌ام. سواد مدارک خدمتی خود را که قبل از ورود به وزارت مالیه در وزارت معارف انجام داده‌ام در ابتدای اجرای قانون استخدام تسلیم اداره پرسنل کرده و ظاهراً نقصی در سوابق خدمات بنده نباشد. اینک تمنی دارم قدغن فرمائید ورقه خدمت بنده را صادر نمایند و اگر نقایص در اوراق موجوده در دوسیه پرسنلی ملاحظه می‌شود هر چه زودتر اعلام دارند که در رفع آن سعی لازم به عمل آید. متمنی است مدتی را هم که در دفتر مخصوص شاهنشاهی خدمت نموده‌ام مطابق ماده (۶۳) قانون استخدام به سنین خدمتم اضافه و بقیه کسور تقاعدی را که باید پرداخته شود معین فرمائید.

رشید یاسمی عضو دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضاء]

حاشیه: (۱) اداره محترم استخدام [۱۳۰]۸/۱/۱۰

(۲) ۷ فروردین ۱۳۰۸

(۳) قرار شد آقای یاسمی یک نسخه دیگر تعرفه خدمت و مدارک تهیه کرده بیاورد تا اقدام

شود [۱۳۰]۸/۱/۲۱

(۴) اقدام شد ضبط شود [۱۳۰]۸/۱/۲۵

۲۴

۲۳ شهریور ۱۳۰۸

مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت عظمة

مستظهر به توجه مخصوص که بندگان حضرت اشرف عالی همواره نسبت به این بنده داشته‌اند استدعا می‌نماید که این معروضه را مورد وقت خاص قرار دهند.

چنانکه خاطر مبارک مسبوق است چاکر از ابتدای زندگی تا سه چهار سال پیش که به افتخار خدمت دفتر مخصوص نایل آمد تمام عمر خود را بر طبق سوق فطری شوق خلقی و خویش در تعلّم و تعلیم فنون ادبی مصروف داشته و بیش و کم در این قسمت تخصصی ناچیز حاصل کرده است و همیشه امید داشتم که روزی این استعداد کامل

نشده مورد توجه مروّت و جوانمردی که خاصه ذات مبارک است شده و مانند هزاران مردم دیگر که در ظل تشویق و تربیت بندگان حضرت اشرف به راه و جای خود افتاده و برای خدمت به دولت و مملکت مفید گردیده‌اند چاکر نیز به شغلی در خور طبع و میل خویش مامور گردد.

از سوء حظّ بواسطه حُجب جبلی خود تاکنون نتوانسته‌ام این مقصود خود را چنانکه باید بعرض رسانیده و جلب مراحم بندگان حضرت اشرف را بنمایم. شغل کنونی چاکر در دفتر مخصوص با اینکه موجب مباحات است هیچ نوع توافقی با فن و ذوق این بنده نداشته از طرفی معلومات و قوای محصله یک عمر چاکر عاطل و باطل و از تکمیل خویش بازمانده‌ام و از طرفی نیز خدمت مرجوعهٔ بچاکر چنانکه باید انجام نمی‌شود و به قول آن عرب کم‌کم میمیرم (اموت قليلاً قليلاً).

چون بندگان حضرت اشرف همیشه پشتیبان عملی اصول آزادی افراد بوده‌اند و میل خاطر مبارک همیشه سپردن کار به کاردان بوده است و خصوصاً نسبت به سرنوشت زندگانی چاکر سالهاست بذل توجه خاص فرموده‌اید این است که درخواست می‌نمایم امر فرمائید که به خدمت چاکر در دفتر خاتمه دهند.

و هر گاه رأی مبارک علاقه گیرد در وزارت علوم که وزارتخانهٔ مخصوص بروز خدمات این بنده است به شغلی سزاوار مامور فرمایند و اگر نه مقرر دارند شخصاً در خارج به تفحص کاری مناسب برآیم و پیش از پیش خود را آمادهٔ خدمتگذاری کنم.

یقین دارم با توجه بعرایض فوق قلب حضرت اشرف عالی راضی نخواهد شد که بیش از این آزادی و ترقی یکی از چاکران مخصوص متوقّف گردد و از خدمات شایسته و مفید محروم ماند.

در این باب شفاهاً و کتباً از ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی نیز درخواست نموده و حضرت ایشان را به تصدیق عرایض خود همراه و در انجام این تقاضای مختصر موافق می‌دانم. چاکر رشید یاسمی

[امضاء]

۱۳۰۸/۸/۸

محترمه کل استخدام

چنانکه خاطر اولیاء محترم آن اداره مسبوق است این بنده در ابتداء اجرای قانون استخدام (فروردین ۱۳۰۲) از اداره کابینه وزارت مالیه به آن اداره انتقال یافته‌ام حقوق بنده را از آن تاریخ شصت تومان که حداکثر رتبه سوم است معین فرموده‌اند. به شهادت دوسیه کراراً از این رتبه و حقوق شکایت نموده و وعده مساعدت شده است تا اینکه در پایان سنه ۱۳۰۳ که بودجه ادارات به مجلس فرستاده می‌شد. برای بنده نیز (که دو سال در حداکثر رتبه سه باقی بوده‌ام) رتبه چهار منظور و در لیست پیشنهادی قید فرمودند. در حقیقت مطابق بودجه ۱۳۰۴ بنده دارای رتبه چهار گردیده‌ام لکن نظر بتاخیری که در تصویب و اعاده بودجه از طرف کمیسیون مجلس شورای ملی می‌شد اعضاء بطور موقت حقوق را مطابق یک دوازدهم از بودجه سال ۱۳۰۳ دریافت می‌داشتند. اتفاقاً بنده بنا بر امر وزارت جلیله دربار پهلوی و موافقت وزارت مالیه با حفظ کاریر به دفتر مخصوص شاهنشاهی منتقل گردیدم (آذرماه ۱۳۰۴) و بودجه مصوبه بعد از رفتن بنده به وزارتخانه‌ها ابلاغ گردید و حقوقی که بنام بنده به تصویب رسیده بود جزء صرفه‌جوئی ضبط شد.

حال از قرار معلوم موسسه تقاعد آخرین رتبه بنده را رتبه ۳ تشخیص داده از نظری به این جریان که فقط در آن اداره محترمه سابقه محفوظه دارد نفرموده‌اند. چون حذف یک رتبه برای سابقه مختصر بنده لطمه بزرگی است استدعا دارم مطابق مندرجات دوسیه شخصی بنده و صورت پیشنهاد حقوقات سال ۱۳۰۴ در جواب این تقاضا شرحی مرقوم فرمایند که به موجب آن موسسه محترمه تقاعد از ابتدای سال ۱۳۰۴ رتبه چهار را برای بنده تصدیق و در ورقه تعرفه ثبت فرمایند.

ضمناً خاطر محترم را بسطر آخر ماده ۶۳ قانون استخدام کشوری معطوف می‌دارد که می‌نویسد اعضاء منتقله بدربار: «مقام و مقرری را که اخیراً در وزارت خانه مربوطه دارد بوده یا ممکن بود دارا شوند اساس حقوق انتظار خدمت و تقاعد آنها خواهد بود». جمله «یا ممکن بود دارا شوند» تأیید قانونی است بر عرایض فوق بنده زیرا که از ابتدای سال ۱۳۰۴ نه فقط «ممکن بوده است» رتبه چهار را دارا شوم بلکه بنا بر وقوف دو سال در یکرتبه و موافق تصمیمات اداره متبوعه خودم (اداره استخدام) محققاً واجد رتبه مزبوره بوده‌ام منتها بواسطه تاخیر عمومی در ابلاغ بودجه و صرفه‌جوئی که دولت و مجلس در نظر گرفته بودند که بواسطه یک دوازدهم در مخارج و حقوقات به عمل آورند و بعلت اینکه بنده قبل از ابلاغ

بودجه منتقل به دربار شده‌ام. حقوق رتبه چهار به بنده پرداخته نشده است. استدعا دارم جوابی را که مرقوم می‌دارند مطابق سوابق مضبوطه بنحوی باشد که موسسه تقاعد در پذیرفتن رتبه چهار برای بنده از اول سال (۱۳۰۴) ... مشاهده نفرمایند از تصدیع معذرت می‌خواهم.

رشید یاسمی

* * *

۲۶

۱۳۰۸/۷/۱۳
۵۴۵۳

دفتر مخصوص شاهنشاهی

وزارت جلیله مالیه

حسب الامر بمطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداه مقرر است از تاریخ این مشروح به آقای میرزا رحیمخان مدیر... و آقای رشید یاسمی منشی و مترجم از محل بودجه دفتر مخصوص یکصد و شصت تومان حقوق داده شود در ورقه درخواست حقوق آنها به این ترتیب منظور خواهد گردید. آقای میرزا محسن خان منشور نیز که دارای سمت مترجمی بودند مستعفی و به خدمت ایشان در دفتر خاتمه داده شده است.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

* * *

۲۷

بتاریخ ۱ ماه ۷ سال ۱۳۰۹ شمسی

اداره پرسنل

نمره ۳۹۷۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه با آقای دکتر صادقخان ولد آقای که نام خانوادگی او رضازاده شفق و تبعه دولت ایران است برطبق مواد ذیل قرارداد مینماید که از اول ماه مهر سال ۱۳۰۹ شمسی لغایت آخر ماه اسفند سال ۱۳۰۹ شمسی بسمت معلمی فلسفه و کلیات آن در مدرسه دارالمعلمین اشتغال داشته باشد.

ماده ۱- ملزم است که مطابق دستور و نظامات وزارت معارف رفتار نماید و در صورت تخلف وزارتخانه حق الغاء این قرارداد را خواهد داشت.

ماده ۲- ساعت کار مشارالیه در هفته تمام اوقات رسمی و حقوق ایشان در ماه مبلغ دو بیست و دوازده تومان خواهد بود.

ماده ۹- متعهد میشود که شغل دیگری را در سائر دوائر دولتی تا موقع انقضاء این قرارداد قبول ننماید (مگر بتقاضا و رضایت وزارتخانه‌های مربوط) و در صورت تخلف و جوهی را که از باب آن شغل دریافت نموده کلاً به سود دولت کارسازی نماید.

ماده ۳- هر موقع مشارالیه بخواهد استعفا نماید باید دو ماه قبل بوزارت معارف اطلاع دهد.

ماده ۴- چنانچه برخلاف ماده (۳) عمل نماید وزارت معارف حق خواهد داشت که دو ماه حقوق مشارالیه را بصندوق خزانهداری کل پس از وصول مسترد دارد.

ماده ۵- وزارت معارف اختیار دارد که محل خدمت مشارالیه با رعایت مندرجات این قرارداد و برحسب لزوم تغییر بدهد.

ماده ۶- آقای رضازاده شفق در طول مدت قرارداد حق ندارد از ساعات خدمت خود مقداری کسر کرده استعفا بدهد والا کتترات مشارالیه با اجراء مدلول ماده (۴) کلاً الغاء خواهد شد.

ماده ۷- هرگاه در جریان مدت قرارداد مقتضیات اساسی اداری و رعایت امور مالی و یا مسائل فنی و علمی ایجاب نماید وزارت معارف حق الغاء این قرارداد را خواهد داشت.

ماده ۸- این قرارداد در ۴ نسخه تحریر شده بامضای طرفین میرسد.

ماده ۱۰- با اجراء این قرارداد کتترات سابق از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

امضاء صاحب کتترات امضاء و مهر اداره پرسنل امضاء و مهر وزارت

۲۸

وزارت معارف و اوقاف صنایع مستظرفه

۱۳۱۲/۱۱/۸
۱۲۳۶۳

ریاست محترم دارالمعلمین عالی

چون برحسب امر و اجازه صادره از ناحیه اقدس بندگان و اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه آقای رشید یاسمی به معلمی در مدرسه دارالمعلمین عالی منصوب شده‌اند لازم است ترتیب ساعات دروس ایشان را مطابق تصمیمی که حضوراً دستور داده شده بنویسد که مشغول تدریس باشند.

* * *

۲۹

۱۳۱۲/۱۱/۸

وزارت معارف و اوقاف صنایع مستظرفه

ریاست محترم دارالمعلمین عالی

اقای رشید یاسمی بموجب کتترات ۱۲۳۱۷ به سمت معلمی تاریخ آن مدرسه از اول بهمن ماه ۱۳۱۲ بجای آقای آشتیانی انتخاب شده اند ساعات تدریس ایشان در هفته دوازده ساعت خواهد بود.

* * *

۳۰

۱۳۱۲/۱۰/۱۱
۶۸۵۸

کابینه ریاست وزراء

دفتر محترم مخصوص شاهنشاهی

جناب مستطاب اجل آقای بهرامی تقاضا دارند که آقای رشید یاسمی ماموریت یابند که در معیشت ایشان به خراسان رفته در تالیف کتابی که ماموریت دارند با ایشان مساعدت کنند لهذا مقتضی است اگر لازم است مراتب را بعرض رسانده اجازه بخواهند. همچنین آقای بهرامی تقاضا می نمایند که اطلاعاتی را که لازم دارند و از دفتر مخصوص طلب خواهند کرد به ایشان بدهند.

رشید یاسمی

[۱۳]۱۲/۱۰/۱۰

۱۱۶۰۰۴-۴۴/۱۱۰۵

* * *

۳۱

۱۳۱۲/۱۱/۷
۱۲۴۱۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره پرسنل

قرارنامه مدارس متوسطه و عالییه

بین وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه با آقای رشید فرزند مرحوم محمدرولی خان تبعه دولت ایران که نام خانوادگی او یاسمی است قرارداد ذیل منعقد میشود که از اول ماه بهمن سال ۱۳۱۲ شمسی لغایت آخر ماه شهریور سال ۱۳۱۳ شمسی بسمت معلمی تاریخ مدرسه دارالمعلمین عالی اشتغال داشته باشد.

ماده ۱- مشارالیه ملزم است که مطابق دستور و نظامات وزارت معارف رفتار نماید.

ماده ۲- ساعات خدمت مشارالیه در هفته ۱۲ ساعت و حقوق ایشان در ماه مبلغ هزار و چهارصد ریال است که از محل بودجه مربوط تأدیه خواهد شد.

ماده ۳- هر موقع که مشارالیه بخواهد استعفاء کند باید دو ماه قبل بوزارت معارف اطلاع دهد و الا وزارت معارف حق دارد که حقوق دو ماه او را کارسازی ننماید چنانچه پرداخته شده باشد استرداد کند.

ماده ۴- پرداخت حقوق ایام تعطیل تابستان مشارالیه موکول باین است که تا خاتمه امتحانات سال تحصیلی مشغول خدمت بوده باشد و میزان آن به تناسب مدتی خواهد بود که در نه ماهه سال تحصیلی خدمت کرده است یعنی اگر در تمام نه ماه مزبور خدمت کرده باشد تمام حقوق مدت تعطیل تابستان تأدیه و اگر کمتر خدمت کرده باشد بهمان نسبت از حقوق مدت تعطیل تابستان کسر خواهد شد.

ماده ۵- هرگاه مشارالیه در جریان سال تحصیلی بخواهد بر طبق ماده ۳ استعفاء بدهد و یا آنکه کتبرات ایشان از طرف وزارتخانه ملغی شود مشارالیه حق مطالبه حقوق ایام تعطیل تابستان را نخواهد داشت.

ماده ۶- مشارالیه متعهد است که تا انقضاء مدت این قرارداد شغل موظف دیگری در سایر دوائر دولتی قبول نکند مگر آنکه قبلاً رضای وزارت معارف را جلب نموده باشد.

ماده ۷- هرگاه در مدت قرارداد مشارالیه با وجود اختار کتبی وزیر معارف برخلاف نظامات و احکام و دستورهای وزارتی عمل نماید و یا اینکه از نقطه نظر تعلیم و تدریس یا اخلاق عدم رضامندی وزارتخانه را فراهم سازد وزارت معارف حق الغاء این قرارداد را خواهد داشت.

ماده ۸- این قرارداد در ۴ نسخه تحریر و بامضاء طرفین میرسد.

اداره محاسبات

اداره پرسنل

امضاء صاحب کتبرات

۳۲

۱۳۱۲/۱۱/۷
۸۹۷۱

وزارت جلیله معارف و اوقاف

مراسله نمرة $\frac{۱۱۳۴۸}{۳۰۱۷۲}$ که تقاضا فرموده اید آقای رشید یاسمی عضو دفتر مخصوص هفته چند ساعت در دارالمعلمین عالی درس بدهند و اصل و؟؟ آن به شر فعرض خاکپای مبارک ملوکانه ارواحنا فداه رسید با تقاضای آن وزارت جلیله موافقت حاصل است و بایشان اجازه داده شده مطابق ترتیبی که برای تدریس مشمولین اداری در مدارس عالییه مقررات است رفتار نماید. رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

* * *

۳۳

۱۳۱۲/بهمن/۱۴

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکة

قرارنامه ۱۲۳۱۷ راجع به تدریس در مدرسه دارالمعلمین عالی شرف وصول بخشید. چون در ماده ۶ آن قید شده است که بدون اجازه وزارت معارف نباید شغل موظف دیگر داشته باشد با اینکه ساعات مقررہ برای درس دارالمعلمین مصادف با اوقاف کار دیگر نمی باشد برای رعایت ماده مذکور خاطر مبارک را مستحضر می دارد، که بنده علاوه بر خدمت رسمی دفتر مخصوص شاهنشاهی چند ساعتی در مدارس نظام تدریس می کنم و چون فعلاً وسط سال است نمی توان بلامقدمه آن درس را ترک کرد مستدعی است اجازه فرمائید تا وقتی که معلم پیدا کنند به روش خود ادامه دهم که لطمه به مدرسه نظام از این جهت وارد نیاید.

رشید یاسمی [امضاء]

حاشیه پائین: با ادامه این تدریس موقتاً موافقت می شود تا وقتی که معلم دیگری در مدرسه نظام پیدا کنند.

علی اصغر حکمت [امضاء]

[۱۳]۱۲/۱۱/۱۵

* * *

۳۴

[۱۳]۱۲/۱۱/۲۴
۱۳۱۴۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره محترم تقاعد کشوری

با ارسال سواد ورقه هویت و سواد و ورق کتترات [۱۳]۱۲/۱۱/۷ مربوط به آقای
۱۳۳۱۷
غلامرضا خان رشید یاسمی معلّم تاریخ دارالمعلمین عالی متمنی است موافقت خود را با
پرداخت دو هزار و چهارصد ریال حقوق مقرری درباره مشارالیه در تاریخ اول بهمن ۱۳۱۲
اعلام فرمائید.

[نام و امضاء]

* * *

۳۵

[۱۳]۱۲/۱۲/۲
۱۴۰۳۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای میرزا غلامرضا خان یاسمی

در تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۱۲ که در مدرسه دارالمعلمین عالی به خدمت مشغول شده‌اید
با ماهی دو هزار و چهارصد ریال حق التدریس برای هفته دوازده ساعت تدریس به سمت
معلمی تاریخ مدرسه مزبور منصوب می‌باشید.

یحیوی [۱۳]۱۲/۱۲/۲

[امضاء]

در حاشیه پائین: سواد برای اطلاع اداره
محاسبات - دارالمعلمین عالی - تقاعد - ارسال شود.

* * *

۳۶

۱۳۱۴/۲/۹
۴۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات

بر طبق ماده سوم و پنجم قانون شورای عالی معارف به عضویت افتخاری شورای عالی معارف انتخاب شده‌اید و فهرست آن برای صدور فرمان از خاکپای بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنافداه نیز خواهد گذشت. مقتضی است در جلسات شوری که عاجلاً روزهای سه‌شنبه ساعت شش بعدازظهر در وزارت معارف منعقد می‌شود حضور به هم رسانید.

محل امضاء و مهر وزارت

سواد مطابق با اصل است حبیب‌اله مظفر [امضاء]

* * *

۳۷

۱۳۱۴/۲/۱۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

فهرست عرضی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نظر به اینکه آقای میرزا غلامرضا خان رشید یاسمی به عضویت افتخاری شورای عالی معارف انتخاب شده است از خاکپای مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه استدعای اجازه صدور فرمان مبارک را به سمت مزبوره درباره مشارالیه می‌نماید.

[نام و امضاء]

[۱۳]۱۴/۲/۱۴

* * *

۳۸

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه [۱۳]۱۴/۲/۳۱

نظر به استدعای جناب مستطاب آجل میرزا علی اصغر خان حکمت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه که بوسیله جناب اشرف میرزا محمد علیخان فروغی (زکاءالملک) رئیس الوزراء معروض افتاده است به موجب این فرمان همایونی میرزا غلامرضا خان رشید یاسمی را به عضویت افتخاری شورای عالی معارف مزین افتخار فرمودیم به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۱۴

[نام و امضاء]

* * *

۳۹

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه [۱۳]۱۴/۳/۱۰
۱۲۰۷

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام دامت عظمة

عطف به مرقومه محترمه [۱۳]۱۴/۲/۲۸ و از تصویب به انتخاب آقای میرزا غلامرضا خان رشید یاسمی به سمت عضویت شورای عالی معارف که از شرف عرض خاکپای مبارک ملوکانه ارواحنا فداه گذشته، اینک فرمان آن را برای توشیح وجود انور ملوکانه تلواً تقدیم می دارد.

اردلان [امضاء]

* * *

۴۰

دفتر مخصوص شاهنشاهی ۱۴ خرداد ۱۳۱۴
۲۰۱۷

وزارت جلیله معارف

چون بنا به اظهار آقای رشید یاسمی وزارت مالیه راجع به ساعات تدریس مشارالیه توضیحی خواسته است در تعقیب (۸۹۷۱) ۷ بهمن ۱۳۱۲ زحمت می دهد که ساعات کار مشارالیه فعلاً در دفتر مخصوص از هشت تاده صبح و از دو تا هفت بعدازظهر مقرر گردیده است. رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

حسین

وزارت معارف

۱۳۱۷/۱/۱۶

بنابر اظهار آقای رشید یاسمی راجع به ساعات تدریس مشارالیه توضیحی خواسته شده است در پیرو شماره ۲۰۱۷ (۱۳۱۴/۲/۱۴) زحمت می‌دهد که ساعات کار مشارالیه در دفتر مخصوص کماکان از هشت تا ده صبح و از دو تا هفت بعداز ظهر است و تا اخطار ثانوی به همین ترتیب مقرر خواهد بود البته در صورت تغییر به آن وزارتخانه اطلاع داده خواهد شد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

حسین

حاشیه: (۱) رونوشت برابر با اصل است [مهر]

* * *

۴۱

۱۳۱۴/۳/۱۲
۱۲۴۵۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

نظر بماده ششم اساسنامه فرهنگستان ایران مصوب پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ و بموجب تصویب نامه نمره $\frac{۱۷۲۷}{۱۴/۳/۶}$ هیئت وزراء عظام آقای غلام رضا خان رشید یاسمی بسمت عضو پیوسته فرهنگستان ایران منصوب میشوند.

وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

* * *

۴۲

[۱۳]۱۴/۳/۲۷

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای میرزا غلامرضا خان رشید یاسمی

یک طرفی سواد فرمان همایونی (۲۱۸۹) [۱۳]۱۴/۳/۲۱ دایر به انتخاب شما به سمت عضویت افتخاری شورای عالی معارف که از طرف مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکت طی مرقومه (۲۰۰۹) [۱۳]۱۴/۳/۲۱ به وزارت معارف ارسال شده است تلوا ایفاد می‌دارد.

[نام و امضاء]

* * *

۴۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۲۱/خرداد/۱۳۱۴
۲۱۸۹

سواد حکم نمبره ۲۱۸۹ مورخه ۲۱ خرداد ۱۳۱۴ اداره که اصل آن بنمره..... ثبت شد.
وزارت
با تائیدات خداوند متعال، پهلوی شاهنشاه ایران نظر باستدعای جناب مستطاب اجل
میرزا علی اصغر خان حکمت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه که بوسیله جناب
اشرف میرزا محمدعلی خان فروغی (زکاءالملک) رئیس الوزراء معروض افتاده است
بموجب این فرمان همایون میرزا غلامرضا خان رشید یاسمی را بسمت عضویت افتخاری
شورای عالی معارف قرین افتخار فرمودیم تاریخ ۲۸ اردی بهشت ماه یکهزار و سیصد و
چهارده ۱۳۱۴

اصل این فرمان همایونی در کابینه ریاست وزراء ضبط است

وزیر
محل امضاء
سواد مطابق با اصل است

رئیس الوزراء
محل مهر و امضاء

۴۴

وزارت جنگ

۲۳/۱۱/۱۳۱۴

اداره.....

دائرة دبیرستان نظام طهران

نمبره ۶۳۳۰

گواهی میدهد

آقای رشید یاسمی سال تحصیلی ۱۳-۳۱۲ در این دبیرستان ۱۱ ساعت در هفته بتدریس
ادبیات اشتغال داشته و از قرار ساعتی ۱۸ ریال مبلغ ۷۹۲/ ریال در ماه حق التدریس دریافت
مینمودند

رئیس دبیرستان نظام طهران - سرهنگ اسفندیاری

۴۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بتاریخ ۱۳۱۵/۱/۲۴

نمره ۷۰/۴۶۸۰ ضمیمه.....

$$\frac{۱۳۱۵/۱/۲۴}{۴۶۸۰}$$

اداره تعلیمات عالیہ

دایره.....

دانش‌سرای عالی

عطف بمراسله نمره ۲۰۶۶ مورخه ۲۲ فروردین ۱۳۱۵ اشعار میدارد که راجع به درس آقای رشید یاسمی از مقام وزارت تلگرافا کسب تکلیف بعمل آمد جوابا تلگراف فرموده‌اند که عجالاً آقای سعید نفیسی بطور موقت دروس آقای یاسمی را تدریس نمایند بعد از مراجعت از خراسان شخصا تکلیف قطعی این امر را تعیین خواهند فرمود بنابراین مقتضی است بهمین قرار اقدام فرمائید تا درس تاریخ ایران بعد از اسلام فعلا تعطیل نشود.

مدیر کل وزارت معارف

* * *

۴۶

وزارت معارف - دانشگاه تهران

$$\frac{۱۳۱۵/۳/۴}{۲۵۸}$$

دائر الانشاء

اداره استخدام

چون رساله آقای غلامرضا رشید یاسمی در نوزدهمین جلسه شورای دانشگاه بتاريخ ۲۹ آبان ۱۳۱۴ بتصویب رسیده است و مشاراًلیه مشمول ماده (۱۶) قانون تاسیس دانشگاه است ابلاغ استادی ایشان را صادر نمائید.

رئیس دانشگاه تهران

علی اصغر حکمت [امضاء]

* * *

۴۷

۱۷/اردیبهشت/۱۳۱۵
۲۱۳۰

وزارت معارف - دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات
دانشکده علوم - دانش سرای عالی

اداره محاسبات

تعقیب نامه نمره $\frac{[۱۳]۱۵/۱/۲۲}{۲۰۶۶}$ که به مقام وزارت ارسال شده چون آقای رشید یاسمی استاد تاریخ ایران بعد از اسلام از پانزدهم فروردین ماه سال جاری به دانش سرای عالی حاضر نشده اند طبق نامه نمره ۷۰/۴۶۸۰ مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۱۵ صادر از وزارتخانه دروس ایشان را آقای سعید نفیسی عهده دار گردیده اند. مقتضی است مقرر دارند حقوق ایشانرا از تاریخ فوق نگهدارند تا ترتیب پرداخت آن به آقای سعید نفیسی داده شود.

از طرف رئیس دانش سرای عالی
ع.م. عامری [امضاء]

* * *

۴۸

۶/مرداد/۱۳۱۵

جناب آقای عامری

یادداشت ۱۷ تیر راجع به بنده مراقبت و رسالات محصلین زیارت شد چون بنابر اجازه مدرسه به محصلین مهلت داده شد که تا مرداد رساله خود را پاکنویس کرده نزد مخلص بفرستند و هنوز ارسال نکرده اند، دادن نمره میسر نیست قدغن فرمائید به هر کدام دسترسی است اخطار نمایند به آدرس ذیل رساله خود را نزد بنده بفرستند که نمره آنها معلوم گردد.
ارادتمند
رشید یاسمی

حاشیه: (۱) تجریش باغ کربلائی حسین سالمی منزل رشید یاسمی

* * *

۴۹

۱۳۱۵/۶/۲۱

دفتر مخصوص شاهنشاهی

سواد تصدیق درجه دکتری ادبیات

دانشگاه ادبیات

نظر به اینکه آقای غلامرضا رشید یاسمی در سال تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۳ در دانشسرای عالی مشغول تدریس بوده و بر طبق تبصره اول ماده شانزدهم قانون تاسیس دانشگاه در رشته ادبیات رساله تازه تالیف نموده که در جلسه نوزدهم به تاریخ بیست و نهم آبان ماه ۱۳۱۴ مورد قبول شورای دانشگاه تهران واقع گردیده است این تصدیق که به منزله درجه دکتری در رشته ادبیات می باشد به مشارالیه اعطا می شود تا از مزایای قانونی آن بهره مند گردد به تاریخ بیست و یکم شهریور ۱۳۱۵

رئیس شورای دانشگاه

مهر دانشگاه تهران

* * *

۵۰

۱۳۱۵/۶/۳۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

چندی قبل برحسب امر ملوکانه برای تربیت افکار عامه و علاقه مند ساختن افراد جاهل بکشور برنامه برای وزارت معارف تنظیم شد که مواد آن در دو فقره تصویب نامه بتصویب هیئت وزراء رسیده است از جمله آن مواد تعلیم تاریخ معاصر ایران در دبستانها است که نوباوگان خردسال هم از ابتدای عمر پی به رژیم جدید دولت شاهنشاهی برده و مبادی جدید این دولت همایون در لوح ضمیرشان رسم گردد برای این منظور اینک تاریخی جهت دوره مذکور بطور اختصار (تا حدی که در دبستانها باید تدریس شود) بوسیله آقای رشید یاسمی تالیف گردید و در نظر است قسمت مذکور در پایان کتاب تاریخ پنجم و ششم ابتدائی چاپ شود اینک با ارسال یک نسخه کتاب تاریخ پنجم و ششم و یک نسخه متمم آن که جدیداً تالیف شده متمنی است مراتب را بعرض پیشگاه همایونی برسانند تا چنانچه اجازه فرمایند و مندرجات قسمت اخیر تاریخ محتاج بتجدید نظر نباشد بچاپ آن مبادرت شود.

وزیر معارف و اوقاف

* * *

۵۱

۱۳۱۵/۸/۱۲
۵۶۵۶

وزارت معارف و اوقاف

نامه شماره ۴۴۱۵۷ بانضمام دو جلد تاریخ ابتدائی ایران تالیف آقای رشید یاسمی واصل و بشرف عرض پیشگاه همایون شاهنشاهی رسیده مورد توجه واقع شد.
رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

* * *

۵۲

۱۳۱۷/۱/۲۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دفتر محترم دانشسرای عالی

راجع به ساعات مرخصی بنده استعلامی شده بود به موجب مرقومه که از دفتر مخصوص شاهنشاهی در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۱۷ به وزارت معارف ابلاغ گردید ساعات کار بنده در دفتر مخصوص شاهنشاهی از هشت صبح تا ده صبح است بنابراین از ده تا ۱۲ که در دانشسرا تعلیم می‌دهم کار اداری ندارم و تدریس در غیر اوقات اداری انجام می‌گیرد.
[امضاء]

۲۱ فروردین ۱۳۱۷

حاشیه: جواب تهیه شود - ۲۱ فروردین ۱۳۱۷

* * *

۵۳

۱۳۱۷/۵/۲۹
۱۷۶۳۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت امور خارجه

در پاسخ رونوشت نامه شماره ۴۳۶۳ - ۲۶۰۹۹ مورخ امروز اشعار میدارد. در موقعیکه

جناب آقای رئیس‌الوزراء در مصر تشریف داشته‌اند راجع باینکه چهار تن از اعضاء فرهنگستان ایران به عضویت افتخاری فرهنگستان مصر انتخاب و در مقابل چهار نفر از اعضاء فرهنگستان مصر بعضویت افتخاری فرهنگستان ایران انتخاب گردند میان هیئت نمایندگی ایران و اولیای دولت مصر مذاکراتی شده و جریان امر را جناب آقای رئیس‌الوزراء بعرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسانده و اساس موضوع از شرف تصویب ملوکانه گذشته است.

اینک برای مزید آگاهی اطلاع می‌دهد که اولیای دولت مصر من غیر رسم چهار نفر عضو فرهنگستان مصر را که بعضویت افتخاری فرهنگستان ایران ممکن است انتخاب شوند بشرح ذیل معرفی نموده بودند:

- | | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| ۱) جناب آقای محمدحسین هیکل | وزیر معارف مصر |
| ۲) جناب آقای محمد رفعت پاشا | رئیس فرهنگستان مصر. |
| ۳) آقای دکتر منصور بیک فهمی | عضو فرهنگستان و رئیس کتابخانه |
| ۴) آقای علی بیک الحارم | عضو فرهنگستان |

و اکنون سفارت پادشاهی مصر در تهران طبق یادداشت خود نامزدی چهار نفر مزبور را برای اینکار تأیید کرده‌اند از طرف فرهنگستان ایران نیز چهار نفر بتناسب مشاغلیکه آقایان نامبرده دارند بشرح ذیل:

- | | |
|-------------------------|---------------------|
| ۱) جناب آقای حسین سمیعی | نائب رئیس فرهنگستان |
| ۲) آقای دکتر قاسم غنی | عضو فرهنگستان |
| ۳) آقای رشید یاسمی | عضو فرهنگستان |

و اینجانب بمناسبت تصدی کفالت وزارت معارف برای عضویت افتخاری فرهنگستان مصر در نظر گرفته شده‌اند متمنی است دستور فرمایند تلگرافی بسفارت شاهنشاهی ایران در قاهره تعلیمات لازم و مقتضی را بدهند که اسامی چهار نفر اعضاء فرهنگستان ایران را من غیررسم باطلاع اولیای معارف دولت مصر رسانده و نتیجه مذاکرات را بوسیله آنوزارتخانه اطلاع دهند تا نسبت بانجام این موضوع بطریق رسمی اقدام گردد.

کفیل وزارت معارف و اوقاف

رونوشت برابر اصل است.

۵۴

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۱۷/۱۱/۲۹
۹۲۱۰

مقام وزارت

چون قدردانی و تشویق از دانشمندان و نویسندگان مبرز و استادان دانشکده‌ها که با جدیت باشاعه علم و ادب و خدمت بفرهنگ کشور میپردازند همواره مورد نظر وزارت فرهنگ میباشد و آقای رشید یاسمی معلم دانشکده ادبیات سالهاست که بخدمات علمی و ادبی و تدریس مشغول میباشند و هر سال لااقل یک جلد کتاب گرانبها و سودمند تالیف و طبع کرده‌اند و اخیرا نیز کتاب تاریخ تمدن ساسانیان را که از کتب بسیار مفید در تاریخ ایران میباشد ترجمه و منتشر ساخته‌اند علیهذا مراتب را بعرض رسانده است دعا دارد که چون در تاریخ ۷ تیرماه ۱۹۰۴ نظر بمراتب علمی و ادبی باعطای نشان علمی مطلا از درجه دوم مفتخر گردیده‌اند مقرر فرمایند باستناد ماده ۱۴ و بند یک و چهار ماده ۱۵ آئین‌نامه مدال و نشان علمی شورایعالی فرهنگ ایشان را باعطای نشان علمی درجه اول مفتخر نمائید تا بیش از پیش موجب تشویق ایشان در خدمات گرانبها بفرهنگ و ادب کشور گردد.

پی نوشت مقام وزارت محل امضاء

بشوری ارجاع شود.

۱۷/۱۲/۱

رونوشت با اصل برابر است.

۵۵

دانشگاه تهران - وزارت معارف

داژ الانشاء

۱۳۱۷/۱۲/۲۴
۹۴۶

اداره آموزش عالی

پیشنهاده شماره (۱۷/۱۱/۲۹/۹۲۱۰) آن اداره در سیصد و هشتاد و نهمین جلسه شورایعالی فرهنگ مورخ سه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۱۷ مطرح و اعطاء نشان اول علمی با آقای

غلامرضا رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات تصویب شد.

رئیس دبیرخانه شورای عالی فرهنگ

محل امضاء و مهر

رونوشت با اصل برابر است

* * *

۵۶

۱۳۱۷/۱۲/۲۵
۴۸۸۷۲

وزارت فرهنگ

بر طبق جزء اول و جزء چهارم از ماده پانزدهم فصل چهارم آئین نامه مدال و نشان علمی وزارت فرهنگ نظر به مراتب لیاقت آقای غلامرضا رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات را یک قطعه نشان علمی از درجه اول نائل می دارد.

[نام و امضاء]

حاشیه: (۱) سمت راست: به موجب (۹۷۰۹) ۱۳۱۷/۱۲/۱۶ [اداره آموزش عالی دو برگ رونوشت ضمیمه آن.

* * *

۵۷

۱۳۱۸/۲/۲۴
۵۴۴۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات

نظر باینکه مدت چهار سال عضویت شما در شورای عالی فرهنگ منقضی شده است لذا از این تاریخ بر طبق مواد سوم و چهارم و پنجم و دهم از قانون شورای عالی فرهنگ عضویت افتخاری شما در شورای مزبور تجدید و فهرست آن برای صدور فرمان از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز خواهد گذشت مقتضی است کماکان در جلسات شوری حضور بهم رسانید.

امضاء - کفیل وزارت فرهنگ - اسمعیل مرآت.

رونوشت برابر با اصل است.

* * *

۵۸

۱۳۱۹/۷/۲۲

دفتر محترم دانشرای عالی

چون سال گذشته بواسطه مکاتباتی که در خصوص ساعات تدریس این جانب می شد در پرداخت حق التدریس تاخیر بعمل آمد تمنی دارد با مراجعه به مراسله شماره ۷۴ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۷ خطاب به اداره کارگزینی وزارتخانه فرهنگ قدغن فرمائید ساعات تدریس امساله اینجانب را زودتر به اداره حسابداری اطلاع بدهند ضمناً محض تکمیل پرونده دو مرقومه دفتر مخصوص شاهنشاهی را ایفاد می دارد که قدغن فرمائید رونوشت آنها را پیوسته به نامه اداره حسابداری بنمایند و نیز رونوشت این نامه را برای بنده بفرستند. با تجدید احترامات [نام و امضاء]

حاشیه: (۱) در پرونده آقای رشید یاسمی بایگانی شود. ۲۲ مهر ۱۳۱۹

* * *

۵۹

۱۳۲۰/مهر/۲۶
۱۷۹

وزارت فرهنگ

ریاست اداره کارگزینی

نظر به اینکه مطابق ماده پنجم قانون شورایعالی فرهنگ انتخاب اعضاء رسمی و افتخاری شوری به موجب فرمان همایونی رسمیت می یابد مقام وزارت دستور فرمودند به آن اداره ابلاغ شود که برای صدور فرمان همایونی بنام آقایانی که به عضویت شوری انتخاب می شوند و رونوشت ابلاغ آنان از طرف دبیرخانه کمافی السابق به آن اداره فرستاده خواهد شد اقدام لازم بعمل آورند.

رئیس اداره دبیرخانه شورایعالی فرهنگ: حبیب اله مظفری

حبیب اله مظفری [امضا]

حاشیه: آقای قزل ایغ - فوراً اقدام نمائید

[۱۳]۲۰/۷/۲۶

* * *

۶۰

۱۳۲۱/۳/۲۵
۷۵۳

اداره کل انتشارات و تبلیغات

جناب آقای نخست‌وزیر

آقای رشید یاسمی طبق ابلاغ شماره ۹۹۱۵۷/۲۳۵۳۵ تاریخ ۱۳۱۸/۱۱/۱۳ وزارت کشور موظف شده‌اند که در مقابل دریافت ماهی یکهزار ریال هر ماه هشت مقاله برای طبع در جراید تهیه کنند و این عمل تا پایان سال گذشته انجام یافته است. اینک نسبت به سال جاری چون طبق دستور شماره ۳۵۴۶ تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۱ بایستی درباره اینگونه امور قبلاً موافقت جنابعالی جلب و سپس اقدام شود در صورتیکه با اصل موضوع و ادامه ترتیب مذکور موافقت میفرمائید بنظر اینجانب فعلاً تهیه مقالات برای جرائد موضوعی ندارد و بهتر آنست که در مقابل این دستمزد آقای رشید یاسمی بجای مقالات کتاب سودمندی با نظر اداره تبلیغات ترجمه یا تألیف نمایند.

رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات

مقالات موضوعی ندارد ترجمه یا تألیف کتاب هم قرارداد جداگانه دارد که بر طبق آن باید

عمل شود ۲۱/۳/۶

[تاریخ معاصر]

* * *

۶۱

۱۳۲۱/۳/۲۵
۹۸۸۱

وزارت فرهنگ

آقای غلامرضا رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات و دانش‌سرای عالی

در تعقیب حکم شماره $\frac{۱۴۴۴۲/۴۱۵۰}{۱۳۱۵/۳/۷}$ از تاریخ اول خردادماه ۲۱ که دفتر مخصوص شاهنشاهی با انتقال محل خدمت شما به وزارت فرهنگ موافقت نموده است طبق قانون دانشگاه با پایه ده سر استادی و ماهی مبلغ پنج هزار و چهارصد و بیست ریال حقوق پایه آن به سمت استاد دانشکده ادبیات و دانش‌سرای عالی منصوب می‌شوید حقوق شما پس از

تصویب بودجه سال جاری از محل اعتبار ذیربط پرداخت خواهد شد.

وزیر فرهنگ

حاشیه: پایین (۱) رونوشت ضمیمه اطلاع: اداره حسابداری
اداره بازنشستگی - اداره آموزش عالی - دبیرخانه دانشگاه
دانش سرای عالی - دفتر مخصوص شاهنشاهی

* * *

۶۲

۲/خردادماه/۱۳۲۱ [۱۳]
۹۸۸۱

وزارت فرهنگ

مدلول نامه‌های شماره ۲۵۵۴۵/۴۲۱۶۳ و شماره ۱۲۰۱/۳۴۸۱ به عرض پیشگاه مبارک
۱۳۲۰ آبان ۱۳۲۰ / ۲۱/۱/۱۹
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رسید و اجازه فرمودند از اول خردادماه ۱۳۲۱ با انتقال آقای
رشید یاسمی به دانشگاه موافقت شود ضمناً به اطلاع آن وزارتخانه میرساند که آقای یاسمی
قریب هفده سال در دفتر مخصوص سابقه خدمت دارند، و خدمات ایشان همیشه مورد
تقدیر و موجب رضامندی بوده است.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[نام و امضاء]

حاشیه: حکم آقای یاسمی صادر شود.

* * *

۶۳

۱۳۲۲/۹/۱۵

ضمیمه رونوشت نامه سفارت آنکارا

ریاست محترم دانشکده ادبیات

نامه شماره ۷۷۶ به انضمام رونوشت نامه سفارت شاهنشاهی آنکارا راجع به مندرجات
جریده استقلال و مقاله نظام‌الدین نظیف در باب گفتگوی چند نفر از سربازان عثمانی با
سواران ایرانی در مرز عثمانی در زمان شاه عباس کبیر و اصل شد. نویسنده خواسته است در
این مقاله خود ثابت کند که عثمانیان بزرگوار بوده‌اند و سواران ایرانی را بخوردن غذا دعوت

نموده‌اند ولی بعکس ایرانیان از مهمان‌نوازی بوئی نبرده و مهمانان خود را آزار رسانده‌اند. اما از لحاظ تاریخی این نوشته اعتباری ندارد زیرا که سراپا مجعول است و بر فرض هم در یادداشت‌های آن عصر چنین امری به قلم یک نفر عثمانی نوشته شده باشد چون، در آن عصر میان دو ملت نزاع‌هایی بوده در واقع قلم در کف دشمن بوده و بیان این واقعه خالی از اهمیت است بعقیده اینجانب دنبال کردن چنین مطالب کوچک و بی‌مقداری شان یک نفر ایرانی نیست و موجب تولید کدورت بی‌نفعی خواهد گردید و مسکوت گذاشتن این مسائل اولی است بسته به نظر محترم اولیای امور است.

استاد تاریخ دانشکده ادبیات

رشید یاسمی

حاشیه: آقای بهمنش - رونوشت این را در پاسخ‌نامه مربوطه ارسال فرمائید.

[۱۳]۲۲/۹/۱۷

* * *

۶۴

۱۳۲۲/۱۱/۲۷

دانشکده محترم ادبیات

بطوری که خاطر محترم مسبوق است برحسب دعوتی که از طرف دولت هندوستان شده است. این بنده نیز معین شده‌ام که به اتفاق هیئت اعزامی فرهنگی به هندوستان بروم بنابراین اولاً از اولیاء محترم آن دانشکده تقاضای موافقت به این مسافرت دارم و ثانیاً متمنی هستم که قسم دستوری که برای کسب اطلاعات و اقدامات مربوطه به دانشگاه در نظر هست مرقوم فرمائید که انجام شود. در یادداشت جداگانه که تقدیم شده ترتیب دروس خود را به اطلاع دفتر دانشکده رسانیده‌ام آقایان دکتر بیانی و دکتر بینا لطفاً تقبل فرموده‌اند که رسیدگی بدروس بنده نموده دنباله برنامه را بطوری که معین کرده‌ام به انجام برسانند.

رشید یاسمی [امضاء]

* * *

۶۵

۱۳۲۲/دی/۱۱

وزارت فرهنگ

ریاست فرهنگستان ایران

پاسخ نامه شماره ۱۱۹ - ۲۲/۸/۱۶ چون بموجب قانون مطبوعات مصوب سوم دیماه ۱۳۲۱ شورای عالی فرهنگ صلاحیت علمی و اخلاقی آقای رشید یاسمی را برای مدیریت نامه فرهنگستان تصویب نموده است بنابراین چاپ و انتشار نامه فرهنگستان بمدیریت آقای رشید یاسمی و سردبیری آقای حبیب یغمائی مانعی ندارد.

وزیر فرهنگ

دکتر عیسی صدیق

رونوشت بمقام نخست وزیر تقدیم میشود.

وزیر فرهنگ

دکتر عیسی صدیق

۶۶

دانشگاه تهران

۵- آقای غلامرضا رشید یاسمی

در تاریخ اول عقرب ۱۲۹۸ تا سال ۱۳۰۰ به سمت معلمی ادبیات در مدارس و از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۰۴ کارمند وزارت دارایی و از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۲۰ کارمند دفتر مخصوص شاهنشاهی بوده ضمناً از سال ۱۳۱۲ نیز در وزارت فرهنگ و دانشگاه به تدریس مشغول بوده اند و در سال ۱۳۱۴ و ۱۳۱۸ به عضویت شورای عالی فرهنگ منصوب و در سال ۱۳۲۱ که انتقال ایشان به دانشگاه رسمی صورت گرفت با پایه ده استادی به سمت استاد دانشکده ادبیات منتهی به تدریس گردیده در سال ۱۳۲۲ به عضویت هیئت روابط فرهنگی به هندوستان عزیمت نمودند و در مدت خدمت... دو بار بدریافت مدال و نشان مفتخر گردیده اند.

۶۷

وزارت فرهنگ

۱۳۲۳/۴/۲۵

فهرست ضمیمه فهرست عرض

- ۱- دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی مدیر کل وزارت فرهنگ - مطابق قانون شورایی عالی فرهنگ مدیر کل وزارت فرهنگ بالطبع عضو رسمی شورایی عالی فرهنگ می باشد.
- ۲- دکتر لطفعلی صورتگر رئیس دبیرستان البرز مطابق قانون شورایی عالی فرهنگ یک نفر رئیس آموزشگاه متوسطه واجد شرط عضو رسمی شورایی عالی فرهنگ می باشد.
- ۳- دکتر سعید مالک استاد دانشگاه قبلاً عضو رسمی شوری بوده و چون دوره چهار ساله به پایان رسیده از آن رو تجدید انتخاب می شود.
- ۴- دکتر محمود حسابی استاد دانشگاه قبلاً عضو افتخاری شوری بوده و چون دوره چهار ساله به پایان رسیده از آن رو تجدید انتخاب می شود.
- ۵- دکتر عبدالحمید اعظمی زنگنه [استاد دانشگاه] قبلاً عضو افتخاری شوری بوده و چون دوره چهار ساله به پایان رسیده از آن رو تجدید انتخاب می شود]
- ۶- ابوالقاسم نراقی دبیر شیمی دبیرستانها و نماینده مجلس شورایی ملی [قبلاً عضو افتخاری] شوری بوده و اینک سمت او از افتخاری به رسمی تبدیل می شود.
- ۷- حبیباله مظفری مدیر کل وزارت فرهنگ بجای آقای نراقی به عنوان عضو افتخاری انتخاب می شود.
- ۸- دکتر امامی استاد دانشگاه قبلاً عضو افتخاری شوری بوده و چون دوره چهار ساله به پایان رسیده از این رو تجدید انتخاب می شود.
- ۹- رشید یاسمی [استاد دانشگاه] قبلاً عضو افتخاری شوری بوده و چون دوره چهار ساله به پایان رسیده از این رو تجدید انتخاب می شود.]
- ۱۰- بدیع الزمان فروزانفر [استاد دانشگاه] قبلاً عضو افتخاری شوری بوده و چون دوره چهار ساله به پایان رسیده از این رو تجدید انتخاب می شود]

کفیل وزارت فرهنگ

[امضاء]

[۱۳]۲۳/۴/۲۵

* * *

۶۸

وزارت فرهنگ**جناب آقای نخست‌وزیر**

عطف به مرقومه شماره ۲۹۹۴-۱۳۲۳/۳/۸

فهرست عرض و یک برگ صورت ضمیمه آن راجع به انتخاب ده نفر کارمندان شورایی عالی فرهنگ را بر طبق دستور تجدید نموده در ضمیمه تقدیم می‌دارد و مستدعی است از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استجازه فرمایند تا در صورت تصویب فرمان همایونی بنام آنان صادر و برای صحنه مبارک ملوکانه تقدیم شود.

کفیل وزارت فرهنگ - وحید

رونوشت برای اطلاع اداره دبیرخانه شورایی عالی فرهنگ تقدیم می‌شود.

رئیس اداره کارگزینی

* * *

۶۹

جناب آقای دکتر سیاسی وزیر مشاور و رئیس دانشگاه تهران

۱۳۲۳/۱۰/۱۰

آقای رشید یاسمی برای معالجه عیال خودشان برحسب توصیه پزشکان معالج قصد مسافرتی به مصر و فلسطین دارند و می‌خواهند در این مسافرت به عنوان مطالعات فرهنگی سمتی از طرف دانشگاه تهران داشته باشند. نظر به سوابق خدمت آقای یاسمی در دربار شاهنشاهی برحسب اجازه و فرمان مبارک ملوکانه ابلاغ می‌شود که قدغن فرمایند تقاضای نامبرده را با نظر مساعد مورد مطالعه قرار بدهند. البته در غیاب خود برای انجام خدمتی که در دانشگاه به ایشان محول است ترتیب لازم می‌دهند و انتظار خرج سفر و فوق‌العاده نیز ندارند هر نوع مساعدت از طرف جنابعالی در مورد ایشان بعمل آید موجب خشنودی خاطر مبارک ملوکانه خواهد بود.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[نام و امضاء]

حاشیه: (۱) دبیرخانه دانشگاه - وصول این نامه را اشعار داشته و اطمینان دهید که در حدود

امکان مساعدت خواهد شد.

۷۰

[۱۳]۲۳/۱۰/۲۶

وزارت فرهنگ - دانشگاه تهران

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

با اعلام وصول نامه شماره ۴۴۱۰ راجع به مسافرت آقای رشید یاسمی استاد دانشگاه به مصر و فلسطین اطمینان می دهد که در حدود امکان برای انجام نظر ایشان از طرف دانشگاه مساعدت خواهد شد.

رئیس دانشگاه - دکتر سیاسی

[امضاء]

۱۳۲۳/۱۰/۲۴

۷۱

۱۳۲۴/۲/۱

وزارت فرهنگ - دانشگاه تهران

وزارت امور خارجه

آقای رشید یاسمی استاد دانشگاه بعنوان مرخصی با استفاده از حقوق قصد عزیمت بخارج از کشور دارند و از طرف دانشگاه به ایشان ماموریت داده شده است که در سازمان دانشگاه و مدارس عالی محلی که بطور موقت توقفگاه ایشان خواهد بود. مطالعه نمائید. محاسبات دستور فرمایند برای ایشان گذرنامه خدمت صادر شود.

بجای رئیس دانشگاه

غلامحسین حسن؟؟

[امضاء]

۷۲

دیرخانه محترم دانشگاه

خاطر محترم مسبوق است که چند ماه قبل برای معالجه خانم عازم خارج بودم در این مدت برای اینکه برنامه تدریس تمام شود تامل نمودم حال ناچار به مسافرت هستم، تمنی دارم ۱- شرحی در موافقت به این نظر مرقوم بدارند که بتوان تحصیل ویزا نمود ۲- از نخست‌وزیری تقاضا فرمایند که گذرنامه خدمت بنام بنده و کسانم صادر فرمایند، بدیهی است قبل از اتمام امتحانات دانشکده مسافرت نخواهم نمود و تاریخ حرکت را نیز عرض خواهم کرد.

رشید یاسمی

استاد تاریخ دانشکده ادبیات

حاشیه: (۱) ۱۳۲۴/۲/۵

(۲) پیشینه ضمیمه شود. ضمیمه داده شد

(۳) بعرض مقام معاونت دانشگاه میرسد

(۴) با تقاضای آقای رشید یاسمی موافقت حاصل است شرح لازم به ایشان و به

نخست‌وزیری نوشته شود [۱۳]۲۴/۲/۶

(۵) بعرض رسید:

گذرنامه خدمت برای کسانی که ماموریتی دارند صادر می‌شود نه برای هرکسی که برای کار شخصی بخارج می‌رود. هر گاه نظر مبارک باشد در مورد آقای دکتر حسین رضاعی از طرف وزارت خارجه اشکالی نشده بود احتیاج بتصریح این نکته داشت که با دریافت حقوق و برای مطالعات علمی بخارج مسافرت فرمایند.

۸ اردیبهشت

۷۳

وزارت فرهنگ - دانشگاه تهران

تاریخ خروج ۱۳۲۴/۲/۱۰

آقای رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات

در این موقع که بجای مرخصی بخارج ایران عزیمت می‌کنید ماموریت دارید که در سازمان دانشگاه یا مدارس عالی محل اقامت موقت خود مطالعه دقیق نمائید تا پس از بازگشت به ایران دانشگاه بتواند از مطالعات شما استفاده نماید.

بجای رئیس دانشگاه

غلامحسین حسن‌لین

[امضاء]

* * *

۷۴

دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی

$$\frac{۱۳۲۴/۳/۲۷}{۴۳۲}$$

اداره کل دبیرخانه دانشگاه

تقاضای آقای رشید یاسمی استاد تاریخ ایران دانشکده ادبیات مبنی بر یکسال مسافرت ایشان بخارج از ایران در سی‌امین جلسه شورای دانشکده مورخ ۱۳۲۴/۳/۲۷ مطرح شد چون تقاضای ایشان با آئین‌نامه مربوط کاملاً تطبیق دارد تصویب گردید آقایان دکتر بیانی و دکتر بینا در مدت غیبت عهده‌دار دروس ایشان خواهند بود خواهشمند است دستور فرمایند مراتب را برای تصویب بعرض شورای دانشگاه برسانند.
رونوشت نامه آقای رشید یاسمی ارسال میشود.

معاون دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی

* * *

۷۵

[۱۳]۲۴/۴/۲۷

ریاست محترم دانشکده ادبیات

به موجب آئین نامه مسافرت معلمان دانشگاه اجازه می خواهم که برای تکمیل مطالعات مسافرتی به خارجه بنمایم در مدت غیبت دروس این جانب را استادان محترم آقای دکتر بیانی و دکتر بینا لطفاً تقبل فرموده اند. یقین است با وجود ایشان از حیث جریان تدریس نگرانی بوجود نخواهد آمد.

رشید یاسمی [امضاء]

حاشیه: (۱) در شورای دانشکده مطرح و با یک سال تحصیلی موافقت گردید

[۱۳]۲۴/۳/۲۷

(۲) این جانب موافقت دارد دکتر بانی [امضاء] [۱۳]۲۴/۳/۲۷

* * *

۷۶

تاریخ ثبت ۱۳۲۴/۵/۷

وزارت فرهنگ - دانشگاه تهران - اداره کارگزینی

آقای غلامرضا رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات

در مدت یک سال که به تصویب شورای دانشگاه برای تکمیل مطالعات به فرانسه سویس عزیمت میکند، حقوق و مزایای پایه ده استادی شما پرداخته خواهد شد. کرسی درس شما نیز در این مدت محفوظ خواهد ماند.

رئیس دانشکده

غلامحسین حسن لین

[امضاء]

حاشیه: رونوشت - به اداره بازنشستگی - به اداره کل بیمارستانها و حسابداری دانشگاه - دانشکده ادبیات ارسال سواد گواهی تصدی آموزش آقای رشید یاسمی را آقایان دکتر بیانی و دکتر بینا تعهد نموده اند.

[نام و امضاء]

[۱۳]۲۴/۵/۵

* * *

۷۷

دانشگاه تهران

۱۳۲۴/۵/۱۰

در مدت یکسال که بتصویب شورای دانشگاه برای تکمیل مطالعات بفرانسه و سویس عزیمت میکنید حقوق و مزایای پایه ده استادی شما پرداخته خواهد شد کرسی درسی شما نیز در این مدت محفوظ خواهد ماند.

بجای رئیس دانشگاه

رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات ارسال و متذکر شود که تصدی درس آقای رشید یاسمی را آقایان دکتر بیانی و دکتر بینا تعهد نموده‌اند.

کارگزين دانشگاه

رونوشت نامه‌ای را که برای علمی عزیمت آقای رشید یاسمی از طرف شورای دانشکده بتصویب رسیده به دبیرخانه فرستاده‌ایم برای ایشان ارسال فرمائید.

۲۴/۵/۱۰

* * *

۷۸

وزارت فرهنگ

۱۳۲۴/۸/۲۴
۲۷۴۶۷

خلاصه پیشینه خدمتی آقای غلامرضا رشید یاسمی

از تاریخ اول عقرب ۱۲۹۸ تا سال ۱۳۰۰ به سمت معلمی ادبیات در مدارس مشغول کار و از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۰۴ کارمند وزارت دارائی و در سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۲۰ کارمند دفتر مخصوص شاهنشاهی بوده، ضمناً از سال ۱۳۱۲ نیز در وزارت فرهنگ و دانشگاه به تدریس مشغول بوده‌اند در سال‌های ۱۴ و ۱۸ به عضویت شورای عالی فرهنگ منصوب و در سال ۱۳۲۱ که اشتغال ایشان به دانشگاه رسماً صورت گرفته با پایه ده استادی به سمت استاد دانشکده ادبیات مشغول تدریس گردیده و در سال ۱۳۲۲ به عضویت هیئت روابط فرهنگی به هندوستان عزیمت نمودند و در مدت خدمت بر اثر ابراز لیاقت دوبار بدریافت مدال و نشان مفتخر گردیده‌اند.

وزیر فرهنگ رهنما

[۱۳]۲۴/۸/۲۴

* * *

۷۹

وزارت فرهنگ

با تأییدات خداوند متعال

ما

محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به استدعای جناب غلامحسین رهنما وزیر فرهنگ که بوسیله جناب ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر معروض افتاده است به موجب این فرمان غلامرضا رشید یاسمی را به سمت عضو افتخاری شورای عالی فرهنگ منصوب فرمودیم به تاریخ یک‌هزار و سیصد و بیست و چهار

وحیدی [امضاء]

[۱۳]۲۴/۱۰/۱۱

حاشیه: تاریخ روز و ماه نوشته شود

[نام و امضاء]

۱۲ دی [۱۳۲۴]

* * *

۸۰

۱۳۲۵/۲/۹

ریاست محترم دانشگاه

نظر به اوضاع خاصی که در کشور فرانسه حکمفرماست برخلاف انتظاری که داشتم تکمیل مطالعات بنده در مدت معین صورت نگرفت و در بعضی رشته‌ها ناقص ماند تمنی دارم مطابق آئین‌نامه مرخصی استادان دستور فرمایند یکسال تمدید درباره بنده مرعی شود

که بتوانم مطالعات خود را بطور دلخواه انجام بدهم مقدمات امر از هر حیث مطابق سال گذشته فراهم است و در جریان دروس بنده وقفه حاصل نخواهد بود ۹ اردیبهشت ۱۳۲۵
 رشید یاسمی
 حاشیه: آموزش فوراً به دانشکده ادبیات بنویسید که اظهار نظر کنند و طبق مقررات عمل
 نمایند [۱۳]۲۵/۴/۱۶

* * *

۸۱

اول تیر ۱۳۲۵ از پاریس

ریاست محترم دانشکده ادبیات

بطوری که چند ماه قبل به اطلاع خاطر محترم رسانیده‌ام پس از ورود به پاریس در رشته تاریخ مشغول تکمیل مطالعات خود شده و با مراجعه به اسناد کمیاب کتابخانه‌ها و مواظبت در دروس استادان فن بسی مسائل را تحقیق کرده‌ام که البته در کتابی که مشغول تالیف هستم برای استفاده دانشجویان عرضه خواهد شد در این ضمن مخصوصاً در رشته فلسفه تاریخ که سابقاً هم کتابی بنام آئین نگارش تاریخ در آن باب منتشر ساخته بودم تحقیقات مبسوط‌تری نموده‌ام.

در معروضه سابق اجمالاً به این اشتغالات خود اشاره کرده و نسبت به تقدیم گزارش کسب تکلیف نمودم که آیا دانشگاه در رشته خاص و موضوع معینی لازم می‌دانند گزارشهایی تقدیم کنم یا خیر زیرا که تصور می‌کردم مقصود از ذکر گزارش در آئین‌نامه مرخصی این باشد که در رشته و مطلب معینی از استادان راپرت خواسته شود و الا اگر مراد هر قسم گزارشی باشد آنقدرها فایده بر آن مترتب نیست مخصوصاً در رشته تاریخ که اگر واقعاً شخص موفق به کشف و تحقیق جدیدی شود قطعاً آن را به منزله ماحصل دوره مرخصی و مسافرت خود شمرده و در کتابی باید به شرح و بسط و با مقدمات لازم قید کند نه اینکه مجملاً آن را در گزارش بنویسد و مبتذل سازد. این بود که در روش پنج ماه اول تقدیم این قبیل گزارشهای مجمل و مختصر را سزاوار شان دانشکده ادبیات ندانستم و کسب تکلیف کردم زیرا که به اصطلاح فورمالیته بازی و سرهم‌بندی را شعار خود قرار نداده بهتر دانستم که تمامی وقت خود را به کارهای اساسی‌تر برای فایده دانشکده به مصرف رسانم چون پاسخی

هم به آن معروضه نرسید پنداشتم که رای ناچیز را صائب دانسته و بجای گزارش همان نامه را مقبول داشته‌اند لکن بعد نامه ۲۴۱۳ دبیرخانه محترم دانشگاه مورخ ۲۹ فروردین در تاریخ اواسط خرداد بوسیله پست عادی زیارت شد که تاکید کرده بودند باید گزارش تقدیم شود بنده نیز بدون فوت وقت در باب بعضی مذاهب فلسفه و تاریخ و سیر تمدن‌ها و نظریات جدیدی که از راه آمار و مردم‌شماری برای توضیح تاریخ رواج دارد دو گزارش مبسوط تهیه کردم و اینک تقدیم می‌دارم، امید است که در نظر اولیاء امر و همکاران عزیز پسندیده افتد و با تصویب یکسال تمدید این کارمند دیرین دانشگاه را موفق فرمایند که رشته شروع شده را تمام کند و از این راه به دانشجویان خدمت کامل به عمل آورد. ضمناً از سابقه زندگی و عشق و علاقه به کار خود خاطر محترم را متذکر می‌سازم که چون اهل هوا و هوس و تنبلی و عیاشی نیستم ناچار در این شهر که به منزله دریای پهناوری از علوم و فنون است جز زحمت کشیدن کاری ندارم و وقت را به چیزی مشغول نمی‌کنم. پس هر قدر بیشتر در این جا توقف باشم به کمال به سود دانشکده محترم خواهد بود. خاصه اینکه مصارفی هم تعلق نمی‌گیرد و بر بودجه تحمیلی نمی‌شود. و خدا شاهد است اگر تنگی معیشت و قلت بضاعت (که با بودن هفت طفل محصل روزبروز صعب‌تر می‌گردد) اجازه میداد حقوق مقرر را هم دریافت نمی‌کردم بنابراین مقدمه خاطر شریف را به احوال خود معطوف می‌دارم که ملاحظه فرمایند عدم قبول پیشنهاد در این موقع چه لطمه مهلکی به این خدمتگزار دانشگاه می‌زند چه از لحاظ علمی و چه از جهت مالی که مترادف با تخریب زندگیم خواهد بود و ناچارم اولاد خود را که تازه امسال باید تحصیل مرتب خود را شروع کنند بی‌حاصل و نتیجه معاودت دهم و از معالجه خانم که ناتمام مانده صرف‌نظر نمایم در صورتیکه غیبت بنده در این چند ماه هیچ نقصی در شعبه تدریس وارد نمی‌شود و با بودن استادان محترم آقایان دکتر بیانی و دکتر بینا که تعهد خودشان را لطفاً ادامه داده‌اند درسهای بنده جریان خود را طی خواهد نمود. امیدوارم با ملاحظه وضع خاص بنده دانشکده محترم موجبات تصویب تقاضایم را فراهم فرمایند و اگر مصلحت می‌دانند عین این نامه را برای همکاران عزیزم در شورای دانشکده قرائت فرمایند که جلب توجه بنماید. خاصه آنکه به دیگران هم تمديد داده شده و استحقاق ارادتمند با طول مدت خدمت کمتر نیست.

رشید یاسمی

* * *

۸۲

دانشگاه تهران

تاریخ خروج ۱۳۲۵/۴/۱۶

دانشکده ادبیات و دانشرای عالی

رونوشت نامه مورخ نهم اردیبهشت ۱۳۲۵ [۱۳] آقای رشید یاسمی استاد دانشکده را که از فرانسه رسیده است تلواً ارسال می‌دارد. خواهشمند است دستور فرمایند ضمن اظهار نظر نسبت به تقاضای ایشان طبق مقررات اقدام مقتضی به عمل آورند.

مدیر کل دبیرخانه دانشگاه

[نام و امضاء]

* * *

۸۳

۱۳۲۵/۸/۷

ریاست محترم دانشگاه

بطوری که در عرایض قبل عرض نموده‌ام کسالت‌های جسمی نیز علاوه بر کسالت‌های روحی شده است. معالجاتی که از چند ماه قبل شروع نموده بودم بجا مانده است و دکترهای معالج در قسمت کلیه عملی را هم پیش‌بینی نموده‌اند ماه گذشته تصدیق دکتر کاپلن را فرستادم و اینک محض مزید اطمینان تصدیق دکتر برداس جراح خود را هم که بگواهی طب سفارت و مهر سفارت رسیده است ارسال می‌دارم تمنی دارم موافقت فرمایند که تا ختم معالجه حقوق بنده را بپردازند که بتوانم در این باب موفق بعلاج شوم.

در خاتمه احترامات فائقه را

تقدیم می‌دارم

رشید یاسمی

حاشیه: (۱) بالا آقای پزشک حضوراً مذاکره کند

(۲) ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶

پائین: بعرض مقام ریاست دانشگاه میرسد

* * *

۸۴

دانشگاه تهران

۱۳۲۵/۸/۱۲

آقای رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات

نامه مورخ ۲۳ مهر ۱۳۲۵ (= ۱۵ اکتبر) شما به انضمام گواهی دکتر برداس رسید. در گواهی مذکور نوشته شده است که جنابعالی باید چند ماه مرتباً به معالجه پردازید ولی گواهی مطرح نیست که شما از حرکت ممنوع باشید. بنابراین ممکن است، جنابعالی فوراً به تهران بازگردید و درس خود را ادامه دهید در ضمن به معالجه پردازید. در صورتیکه بیماری شما طوری باشد که قدرت حرکت و مسافرت نداشته باشید گواهی نامه وی که به تصدیق مقامات رسمی ایران در آنجا رسیده باشد ارسال خواهید فرمود. در صورت موافقت شورای دانشکده بر طبق آئین نامه فقط شش ماه از تاریخ انقضاء ماموریت از مرخصی استعلاجی استفاده خواهید کرد و از آن پس ناچار در ردیف منتظر خدمتها شناخته خواهید شد. خواهشمند است نظر خود را فوراً اعلام فرمائید.

رئیس دانشگاه

[نام و امضاء]

در حاشیه: رونوشت برای اطلاع به اداره کل بیمارستانها - حسابداری دانشگاه ابلاغ می شود. مقرر فرمائید تا اطلاع ثانوی از پرداخت حقوق آقای رشید یاسمی خودداری شود.

رئیس اداره کارگزینی

[۱۳]۲۵/۸/۱۲

[امضاء]

۸۵

دانشگاه تهران

مقدمه گزارش

تقدیم دانشکده ادبیات

از آغاز ورود بپاریس درصدد تهیه کتابی در اصول تاریخ و علل نهضت های تاریخی و ترقی و تنزل و اقوام جهان برآمده ام که در حقیقت مکمل و متمم کتاب کوچکی است که سابقاً تحت عنوان آئین نگارش تاریخ در طهران بطبع رسانیده ام.

در این عمل خود نه چنان است که تصور کنم تاریخ مثل سایر علوم تحت قواعد و ضوابط در می‌آید و صورت علم بخود می‌گیرد ولی معتقدم که اگر بآن پایه از اتقان و استحکام که سایر علوم رسیده‌اند نایل نشود باز فواید تحقیقات کلی در باب تاریخ فراوان است و برای دانشجویان حکم علم منطق و عروض را در ادبیات و علوم دارد که موجب ورزش اذهان و بیداری حس کنجکاوی میشود.

تاریخ اصلاً علم اسناد و مدارک است هر کس بیشتر جمع کند و صحیح و سقیم آنها را بهتر تشخیص بدهد و ضعیف را از قوی و مظنون را از یقین بهتر بشناسد در علم نگارش تاریخ خوبتر پیش میرود اما برای تمرین محصل باید جنبه علمیت تاریخ باو گوشزد شود تا در برابر هر سندی واقع شود بتواند با موازینی که در دست دارد عمل سنجش و طریق انتقاد را انجام دهد در کشور ما با اینکه کتب تاریخ چندان زیاد نیست ولی باز از سایر علوم بیشتر است پس دانشجو اگر واقعاً فکرش بوسیله تمرین در کلیات باز شود از میان این همه مواد متشتت بتواند راهی پیدا کند و حقایقی را بی پرده نمایند یعنی تاریخ قوم خود را از بعضی جهات خاص مورد مطالعه قرار بدهد اکتفا بشرح جنگلها و خلع و جلوس سلاطین و آغاز و انجام سلسله‌ها نکند فن تعلیم هر رشته ناظر بوجود افراد واهی و نابغه نیست و برای متوسطین کلاس باید وسایل تمرین ذهن فراهم بیاورد صرف نظر از حقیقت و بطلان مسائل در خارج و نفس الامر تکرار مسائل جزئی در تدریس تاریخ هم وقت بسیار می‌گیرد هم بدون توجه بقوانین کلی علمیت پیدا نمیکنند این قوانین در تاریخ بسیار کمیاب و ضعیف است ولی شخص را بتفکر در حل معضلات تاریخی و پیش‌بینی بعضی حوادث و امیدارد.

بنابراین اگر شاگردان تاریخ دسترسی به کتبی می‌داشتند که در کلیات تاریخ بحث گیرد و جریانهای تاریخی را مولود امور خاص قرار داده‌اند بینا تر می‌شدند و اعتقادشان به درس تاریخ محکمتر می‌گردید.

مثلاً ربط جغرافیا و تاریخ و تاثیر محیط جغرافیائی در ظهور و جریان و تکامل تاریخی اقوام یا تاثیر نژاد و خصایص ذاتی اقوام در ظهور تمدن و سیر تاریخ یا تاثیر حوائج اقتصادی و مادی در جریان تاریخ.

یا تاثیر امور دینی و اعتقادی در ترقی و انحطاط ملل و سایر اصولی که مورد بحث علماء قرار گرفته و کتب مبسوطه در آن باب بتالیف آمده است.

در حال حاضر این قبیل مسائل متکی بآمار شده و روز بروز جنبه علمی بیشتری می‌گیرد و نواقص آنها رفته رفته مرتفع میشود.

برای نمونه قسمتی از یادداشت‌های فراهم آورده خود را که متعلق بتاثیر نژاد و کیفیت افزایش و نقصان نسل است تقدیم میکنم برای سایر موثرات تاریخی نیز یادداشت‌ها و مدارک بسیار جمع نموده‌ام که اگر وسایل فراهم شود بصورت کتابی منتشر خواهد شد.

راجع بتاثیر نژاد در تاریخ و عظمت و حقارت نژادها نسبت بیکدیگر در کتب قدیم خودمان هم بحث‌های سودمند است چنانکه در نامه منتشر و در مقدمه ابن خلدون نمونه از آنرا میتوان یافت که توجه قدما را باین مطلب آشکار میسازد لکن تقریباً یک قرن است که علماء اروپائی با اسلوب علمی خاص در این باب وارد تحقیق شده‌اند و با اینکه آثارشان خالی از مبالغه نیست ولی تاثیری عجیب در افکار کرده است چنانکه به تحقیق ملل معاصر را دیدیم که تا همین اواخر فریفته این قبیل استدلالها شده و بعضی از نتایج این مسائل و نظریات را خواسته‌اند عملی کنند و مصنوعاً در بهبود نژاد خود بکوشند و نسل را بهتر و برتر سازند و معتقد بوده‌اند که واقعاً نژادی که جزء آند بر دیگران برتری ذاتی دارد. در گزارش تقدیمی مقصود تحقیق کامل در این رشته و جواب دادن به مسائل قابل تردید آن نیست زیرا که در این صورت کتابی باید تالیف کرد که حاوی نقض و ابرام همه مباحث باشد مراد از این گزارشها نمونه از تحقیقات فعلی است که مبنای تاریخ شمرده میشود و نشان میدهد که چگونه تحصیل و تدریس تاریخ از معجرات قدیم بجدولهای جدید افتاده که ممکن است روزی کامل شود و تاریخ هم در جرگه علوم درآید در باب مردم‌شماری که از لحاظ تاریخ اساسی معین محسوب میشود اگر دانشگاه توجه کنند ممکن است کتابی تدوین شود که راه این نوع تحقیق را بدان‌شجویان نشان بدهد. بسته بنظر محترم است.

* * *

۸۶

۲۰ دسامبر ۱۹۴۶

ریاست محترم دانشگاه

تلگراف محترم توسط سفارت ایران در پاریس واصل گردید موجب کمال تاسف است که دلایل و عرایضم راجع به تمدید مرخصی مورد توجه قرار نگرفته است محض استحضار خاطر محترم تصدیق میدهد که کسالت بنده طوری نیست که بتوانم در موقع مقرر به تهران مراجعت کنم لفاً گواهی پزشک معالج را ارسال می‌دارم و هرگاه کار منجر به مریضخانه شد گزارش جریان معالجه را نیز تقدیم خواهم کرد با تقدیم احترامات رشید یاسمی

حاشیه: بالا: ۱) آقای دکتر پانی - بعرض شورای دانشکده ادبیات برسد.
پائین: ۲) در شورای دانشکده مطرح و با یکسال تمدید از تاریخی که یکسال ایشان تمام شده
تصویب شد. ۸/۱۱

* * *

۸۷

۱۲ مرداد ۱۳۲۶

ریاست محترم دانشگاه

بخشنامه شماره ۱۳۹۸۳ مورخ ۱۳/۵/۲۶ [۱۳] واصل گردید بطوری که پرونده مسافرت بنده حاکی است در سال دوم اعطای مرخصی فقط برای معالجه بوده و مدارک لازمه هم تقدیم شده است بنابراین تصور نمی‌کنم مشمول ماده ۱۶ آئین‌نامه جدید مسافرت و ماموریت علمی واقع شود که قطع حقوقم را ایجاب کند به عقیده بنده مرخصی استعلاجی یک امر ساده اداری است. دیگر اینکه استادان در ابتدای سال تحصیلی بخدمات تدریسی خود مشغول باید شود. و حضور آنها در مردادماه برای پیشرفت امور محوله سودی ندارد و اکثر معلمین در تابستان به مسافرت داخله و خارجه می‌روند و از حقوق خود هم استفاده می‌نمایند به علاوه بعد از معالجات سختی که این خدمتگزار نموده و در بیمارستان بستری بوده حرکت او در مردادماه با حال نقاهت البته مورد نظر دانشگاه نیست زیرا که خطر جانی و بی‌حاصل داشته است. استدعا دارم با توجه به این نکات دستور فرمایند جلوگیری از حقوقم نشود و بنده در آغاز سال تحصیلی برای انجام خدمات در تهران حضور خواهم داشت.

با تقدیم احترامات

رشید یاسمی

در قسمت بالای صفحه: آقای پزشک - با مطالعه پرونده اقدام مقتضی فرمائید.

[نام و امضاء]

[۱۳]۲۶/۵/۲۶

* * *

۸۸

۲۱ ژانویه ۱۹۴۷

ریاست محترم دانشگاه

در پاسخ مرقومه شماره ۱۷۷۲۰ معروض می‌دارد که در این اوقات مرض کلیه شدت کرده و قادر به مسافرت نیستم گواهی پزشک تخصصی که مشغول معالجه است با تصدیق سفارت شاهنشاهی لفاً ارسال گردید تمنی دارم قدغن فرمایند که حقوق بنده را بپردازند که برای ادامه علاج معطل نمانم و ضمناً استدعای سابق بنده را دایر به تجدید اجازه تا اول تیر ۱۳۲۶ باشد قبول فرمایند تا به فراغت بتوانم معالجه را ادامه داده و در صورت لزوم عمل هم بنمایم با تجدید مراتب احترام انتظار جواب با پست هوائی را دارم.

رشید یاسمی

[امضاء]

حاشیه: بالا: (۱) شورای دانشگاه [امضاء]

پائین: (۲) آقای پزشک - خبر تقاضای تمدید ایشان شوری موافقت کردند.
موضوع گواهی پزشک متفی است.

* * *

۸۹

۲۰ سپتامبر ۱۹۴۷

ریاست محترم دانشگاه

مرقومه ۱۵۹۲۲ زیارت شد. بطوری که در نامه قبل عرض کرده‌ام بزودی عازم ایران هستم و در اوایل آبان برای انجام خدمت حاضر خواهم بود. چون حال مزاجی و نقاهتی که دارم اجازه سفر با هواپیما نمی‌دهد و بلیت کشتی هم بزودی تهیه نمی‌شود دو سه هفته بعد از شروع دروس خواهم رسید محض استحضار خاطر محترم عرض شد.

رشید یاسمی [امضاء]

حاشیه: بالا (۱) اداره کارگزینی - رونوشت دانشکده ادبیات فرستاده شود.

[امضاء] [۱۳]۲۶/۷/۳ [امضاء] [۱۳]۲۶/۶/۲

پائین: (۲) رونوشت برای اطلاع دانشکده ادبیات ارسال شود.

[نام و امضاء]

* * *

۹۰

وزارت فرهنگ

۱۳۲۶/۹/۱۲

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه نهم بهمن ماه ۱۳۲۷ بنا بر پیشنهاد شماره ۳۶۱۳/۱۷۸۱۷ مورخ ۲۷/۲/۲۹ وزارت فرهنگ و موافقت نامه شماره ۳۲۷/۲/۲۲/۴۰۰۰/۱ وزارت دارائی تصویب نمودند کمیسیون ارز برابر یکهزار لیره انگلیسی بنرخ رسمی دولت با آقای رشید یاسمی استاد دانشگاه که مدت دو سال از مهرماه سال ۱۳۲۴ تا مهرماه سال ۳۲۶ در کشور فرانسه مامور مطالعات علمی بوده، و طبق نامه شماره ۱۹۶۹۵ - ۴۸۶۰۹ - ۳۲۶/۹/۲۵ کمیسیون ارز دولتی استفاده ننموده است بفرشد تا دین خود را بوسیله سفارت شاهنشاهی ایران در سوئیس بتجارتخانه پردازد.

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است.

از طرف نخست وزیر - دکتر فاطمی

رونوشت برای اطلاع وزارت فرهنگ فرستاده میشود.

از طرف نخست وزیر دکتر فاطمی

رونوشت برای اطلاع اداره کل کارگزینی ارسال میشود.

رئیس اداره دفتر کارگزینی

* * *

۹۱

۱۰ آذر ۱۳۲۶

ریاست محترم دانشگاه

پرداخت حقوق این جانب از مردادماه متوقف گردیده است. ظاهراً این توقیف به استناد تاریخ حکم موافقت با مسافرت این جانب صورت گرفته که در ماه مرداد بوده است. محترماً خاطر عالی را مستحضر می دارد که تاریخ حکم نباید مناط عمل قرار بگیرد زیرا که بنده برای اطمینان از موافقت دانشگاه ناچار بوده ام که قبل از تهیه ویزا و سایر لوازم سفر تقاضای

صدور حکم بکنم ولی تا ابتدای سال تحصیلی ۱۳۲۴ در تهران بوده و در شورای دانشکده و کمیسیونها حضور به هم رسانیده ادای وظیفه کرده‌ام. در مراجعت از پاریس هم در ۷ اکتبر مقارن ۱۴ مهر بلیت دریافت داشته‌ام چنانکه از اسناد پیوسته معلوم می‌شود بعثت تاخیر هواپیما و الزام به تلقیح مایه و با مدت یکماه حرکت ما را به تاخیر انداخته و این تاخیر برای همه مسافرین فرانسه که عازم خاورمیانه بودند از جانب دولت فرانسه اجباری بوده است. خوشبختانه با وجود موانع بسیار درست در موقع شروع کلاسها وارد شده خدمات تدریسی خود را آغاز کرده‌ام بنابراین تمنی دارم دستور فرمایند که رفع توقیف بشود زیرا که بر فرض که این جانب در مردادماه به تهران می‌آمد بواسطه تعطیلی تابستان خدمتی انجام نمیداد و با انتظار افتتاح دانشکده بایستی معطل می‌ماند.

با توجه به قحط و غلائی که در پاریس حکمفرماست و معالجات ممتدی که اسباب خسارت این جانب گردیده ضرر اخیر موافق انصاف و رعایت جانب خدمتگزاران قدیم دانشگاه نخواهد بود با احترامات فائقه.

رشید یاسمی

حاشیه: بالای صفحه: آقای پزشک - با توجه بمفاد این نامه و مدارک ضمیمه آن و استشار لازم از دانشکده مربوط چنانچه مقتضی باشد ریاست محترم دانشگاه ابلاغ ضمیمه را اصلاح نمائید. [امضاء] ۱۳۲۶/۹/۱۰ [۱۳]

ریاست محترم دانشکده ادبیات

دروس محوله بعهدۀ این جانب (تاریخ ایران بعد از اسلام) که تقریباً ۱۳ قرن را فرا می‌گیرد به واسطه فقدان کتاب درسی و سهل الوصول محتاج آن است که استاد وقت بسیار برای تهیه دروس و تنظیم منابع و راهنمایی دانشجویان صرف نماید و با وجود این ملاحظه شده است که باز دانشجویان نیازمند راهنمایی و هدایت بیشتری هستند. بنابراین پیشنهاد می‌نمایم که یک نفر دانشیار برای مساعدت بنده تعیین فرمایند که بهتر انجام وظیفه شود و این شعبه از دروس دانشکده که از بزرگترین ارکان فرهنگ ملی محسوب می‌شود بنحو

جامع تری تدریس گردد.

با تقدیم احترامات
استاد تاریخ پس از اسلام
رشید یاسمی

* * *

۹۳

۸ اردیبهشت ۱۳۲۷

ریاست محترم دانشگاه

نظر به سابقه ممتدی که در دفتر مخصوص شاهنشاهی دارم اخیراً به این جانب تکلیف شده است که در قسمت تحریرات و ترجمه دفتر نامبرده چند ساعتی در روز کمک نمایم چون صعوبت زندگانی بحدی رسیده است که نیازمند هستم اوقاتی را در خارج دانشگاه بکار دیگری مشغول باشم تمنی دارم بر طبق تصویبنامه که در این باب صادر شده است موافقت شورای محترم دانشگاه را جلب فرمائید که مانند بسیاری از همکاران گرامی خود در ساعاتی که مانع انجام تدریس و خدمات دانشگاهی نباشد در دفتر مخصوص شاهنشاهی قبول خدمت نمایم.

رشید یاسمی استاد دانشگاه

حاشیه: (۱) در جلسه ۳۳۸ شورای دانشگاه مطرح و مورد موافقت واقع شد.

[امضاء]

عیناً برای دستور اقدام مقتضی به اداره کارگزینی ایفاء می‌گردد [امضاء]

(۲) جناب آقای دکتر آل‌بویه مدیر کل دبیرخانه دانشگاه چون این نامه را آقای یاسمی در ساعت ۹ صبح چهارشنبه یعنی در روز تشکیل شورای دانشگاه دادند، دانشکده نتوانست با کاغذ رسمی موافقت خود را با این موضوع ابلاغ نماید.

البته با پیشنهاد آقای یاسمی دانشکده موافقت دارد به شرط اینکه مانند سابق مرتباً در ساعات کار خود در دانشکده حاضر شوند.

معاون دانشکده

هشتم اردیبهشت ۱۳۲۷ [۱۳]

* * *

۹۴

۱۳۲۷/۲/۱۸
۲۷۹۴

دانشگاه تهران

آقای غلامرضا رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات

تقاضای مورخ ۸ اردیبهشت ۱۳۲۷ شما موضوع اشتغال در دفتر مخصوص شاهنشاهی در سیصد و سی و هشتمین جلسه شورای دانشگاه مطرح شد و با اشتغال شما در دفتر مخصوص شاهنشاهی موافقت گردید بشرط آنکه اشتغال مزبور در خارج از ساعات کار دانشگاهی شما بوده و مزاحم انجام وظائفی که در دانشگاه بعهدہ شما محول است نباشد.

رئیس دانشگاه

دکتر سیاسی

رونوشت بدانشکده ادبیات و دانشسرای عالی فرستاده میشود.

کارگزینی دانشگاه

* * *

۹۵

[۱۳]۲۷/۳/۲۷

ریاست محترم دانشگاه

پیرو معروضه روز گذشته راجع به صدور گذرنامه نظر به اینکه هر گاه از طریق وزارت امور خارجه اقدام شود محتاج تشریفات است، تمنی دارم نامه را خطاب به شهربانی کل مرقوم فرمایند به این مضمون که چون فلان برحسب دعوتی که از طرف انجمن خاورشناسان بعمل آمده است از جانب دانشگاه به ماموریت علمی عازم فرانسه و سویس و انگلستان می باشد، قدغن فرمایند گذرنامه بنام ایشان صادر گردد.

تقدیم احترامات

رشید یاسمی

۱۳۲۷/۷/۳۰

دانشگاه تهران

آقای رشید یاسمی استاد دانشکده ادبیات

بطوریکه تقاضا فرموده‌اید موافقت میشود که از مرخصی تعطیلی تابستان بمنظور اجابت دعوت کنگره خاورشناسان که از اول مرداد در پاریس منعقد خواهد شد استفاده نمائید. ضمناً از این فرصت برای معالجه کسالت چشم خود در کشورهای فرانسه و سویس و انگلستان استفاده خواهید فرمود.

رئیس دانشگاه - دکتر سیاسی

رونوشت برای اطلاع بدانسکده ادبیات فرستاده میشود.

از طرف رئیس دانشگاه - دکتر آل بویه

* * *

۹۶

اردیبهشت ۱۳۲۸

ریاست محترم دانشگاه

بطوریکه خاطر عالی مستحضر است آقای رشید یاسمی از سه ماه قبل دچار عارضه سکتته گشته‌اند و بنا به تجویز طبیب معالج و تشخیص کمیسیون پزشکی بهداری تحت نامه شماره $\frac{۱۴۹}{[۱۳]۲۸/۲/۲۸}$ که رونوشت آن ضمیمه است بایستی بمعیت یک نفر به اروپا مسافرت نمایند. بنابراین از آن مقام محترم استدعا دارم.

۱. موافقت فرمایند که حقوق ماهیانه ایشان را به ارز دولتی بدهند.

۲. و چون مسافرت بدون پرستار برای ایشان امکان‌پذیر نیست لذا خواهشمند است

دستور فرمایند به شخص همراه نیز ارز دولتی بفروشند.

با تقدیم احترامات فائقه مرات الملوک یاسمی

* * *

وزارت دارائی

خرداد ۱۳۲۸

اداره حسابداری وزارت فرهنگ

رونوشت تصویبنامه شماره ۲۸۵۵ بتاریخ ۱۳۲۸/۳/۱۲ که اصل آن بشماره ۲۰۹۴۹ وزارتی ثبت شده است.

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ تصویب نمودند.

۱- حقوق و مزایای سه ماه آقای غلامرضا رشید یاسمی استاد دانشگاه که بعارضه سکتی مبتلا گردیده و بنابه گواهی پزشکان برای معالجه باروپا مسافرت میکند بارز دولتی تبدیل گردد.

۲- چون برای مسافرت احتیاج بیکنفر پرستار دارد ماهی مبلغ پنجاه لیره ارز دولتی برای مخارج پرستار بایشان فروخته شود.

۳- در موضوع تصویبنامه ۱۷۷۰۵- ۲۸/۱۱/۱۲ چون آقای رشید یاسمی قبلا دین خود را بتجارخانه دادن واقع در سویس پرداخته است مبلغ یکهزار لیره ارز مصوب بخود ایشان واگذار شود.

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است

از طرف نخست وزیر - دکتر فاطمی

رونوشت برابر اصل است

و دستور اجرای آن در تاریخ ۲۸/۳/۱۷ بامضای جناب آقای گلشائیان وزیر دارائی رسیده است برای اطلاع فرستاده میشود.

مدیر کل دفتر وزارت دارائی

خطاطان

۹۸

وزارت فرهنگ

۱۳۲۸/۴/۲۹

هیئت وزیران

بنا به تصویب هیئت وزیران چندی قبل آقای غلامرضا رشید یاسمی استاد دانشگاه تهران برای معالجه به کشور فرانسه (پاریس) عزیمت نموده است برابر اطلاع علاوه بر اینکه در این مدت کمکی به ایشان نشده کمیسیون ارز نیز از پرداخت حقوق نامبرده به ارز دولتی خودداری نموده و از این نظر استاد مزبور به علت زیادی هزینه معالجه و گرانی نرخ اجناس و ارزاق در کشور مزبور مبالغ زیادی مقروض گردیده است چون آقای رشید یاسمی از اساتید قدیمی دانشگاه تهران است و با خدمات گرانبهائی که به فرهنگ کشور نموده انتظار دارد در این موقع که بیمار شده دولت کلیه هزینه معالجه او را بپردازد تا از این راه کمکی به ایشان شده و موجبات دلگرمی سایر افراد تحصیل کرده کشور فراهم گردد. بدین لحاظ طرح تصویبنامه ضمیمه را که با مراجعت وزارت دارایی تهیه و تدوین گردیده به پیوست تقدیم می‌دارد متمنی است قدغن فرمایند طرح قدیمی را در هیئت وزیران تصویب فرمایند تا حقوق استاد مزبور در مدت بیماری به ارز پرداخته شده و لااقل بتواند قروضی را که در آن کشور دارد پرداخت نماید.

وزیر فرهنگ

[نام و امضاء] ۱۳۲۸/۴/۲۹

* * *

۹۹

وزارت فرهنگ

۱۳۲۸/۱۲/۲۶

مقام ریاست دانشگاه تهران

آقای رشید یاسمی استاد دانشگاه از پاریس عریضه‌ای راجع بطول مدت کسالت خود به پیشگاه مبارک ملوکانه معروض و استدعا نموده برای تامین هزینه او از پاریس بتهران مساعدتی از طرف دولت بعمل آید حسب الامر مبارک ملوکانه خواهشمند است در این باب مطالعاتی بعمل آورده تصمیمی برای تامین هزینه مورد تقاضای آقای یاسمی اتخاذ و نتیجه را بدفتر مخصوص شاهنشاهی اطلاع دهند که بعرض پیشگاه مبارک همایونی برسد.

وزیر فرهنگ
دکتر عبدالحمید اعظمی زنگنه

* * *

۱۰۰

۱۳۲۸/۱۲/۲۹

آقای مهندس شاپور یاسمی

در تعقیب مذاکرات حضوری در مورد وضعیت خدمت استاد محترم آقای رشید یاسمی و نظر به اینکه ایشان برای معالجه در اروپا هستند و مجال مشورت با خود ایشان نیست به اطلاع خاطر شریف می‌رساند که از اسفند ماه ۱۳۲۷ که بیماری شدید عارض ایشان گردید و از کار بازماندند، آنچه قانوناً ممکن بود درباره ایشان مساعدت شود از قبیل مرخصی استعلاجی یا استحقاقی به عمل آمد و از ۱۹ اسفند ۱۳۲۸ که مرخصی ایشان پایان پذیرفته است حقوق ایشان قطع می‌گردد و قابل پرداخت نخواهد بود، مگر اینکه مجدداً خدمت را شروع نمایند. البته حکم بازنشستگی ایشان را نیز می‌توان صادر کرد تا از حقوق بازنشستگی استفاده نمایند. اما در این صورت پس از بهبودی بازگشت ایشان به خدمت منع قانونی دارد ولی اگر مدتی بدون استفاده از حقوق به معالجه ادامه دهند و بهبودی یابند خواهند توانست خدمت استادی خود را ادامه دهند.

ریاست دانشگاه میل دارند که اقدامی که در مورد آقای یاسمی خواهد شد با اطلاع خود ایشان یا لاقلاً با موافقت شما که در غیاب ایشان به کارهایشان رسیدگی می‌کنید باشد به همین مناسبت جریان امر را مشروحاً اشعار داشت تا نظر قطعی آقای رشید یاسمی یا شخص خودتان را اعلام فرمائید. تا بر طبق آن اعلام شود.

رئیس اداره مرکزی دانشگاه

[نام و امضاء] ۱۳۲۸/۱۲/۲۶ [۱۳]

* * *

۱۰۱

۱۳۲۹/۱۱/۳

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

از آنجا که همواره مراحم ملوکانه شامل حال خدمتگزاران صدیق کشور بوده است و بطریقه خاطر مبارک مستحضر است غلامرضا رشید یاسمی سالها در دربار شاهنشاهی به خدمتگزاری خاندان جلیل سلطنت مشغول بوده و سمت معلمی بر اکثر فرزندان برومند اعلیحضرت رضاشاه کبیر داشته و نیز چندین سال در دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ و فرهنگستان بخدمات فرهنگی اشتغال داشته است و تالیفات متعددی در اکثر رشته‌های ادبیات و تاریخ از او بیادگار مانده است دو سال قبل در حین انجام وظیفه دچار سکت قلبی شد و پس از اینکه معالجات پزشکان در تهران مفید فایده واقع نشد برای ادامه معالجه با اجازه دانشگاه بارو پافا رفت ولی متأسفانه در مدت یکسال و نیم هم که در اروپاست بهبودی کامل حاصل نشده است و با عدم وسائل و نداشتن اندوخته کافی وسیله ادامه معالجات برای او بدشواری تهیه شده است. گذشته ازین که نامبرده دارای فرزندان زیاد است که معیشت اکثر آنها هنوز بعهده اوست با حقوقی که از دانشگاه باو داده میشود از عهده فراهم آوردن وسائل مادی زندگانی و پرداخت هزینه هنگفت مداوای خود بر نمی‌آید چون همواره اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشوق و حامی خدمتگزاران کشور بوده‌اند با استظهار بمراحم عالیه ملوکانه استدعا دارد اوامر موکد صادر فرمایند که از هر راهی که برای دولت میسر است باو کمک شود.

فرزند غلامرضا رشید یاسمی

(شاهپور یاسمی)

* * *

۱۰۲

وزارت فرهنگ

۵۸۳۸
 ۲۹/۱۱/۷
 ۷۱۲۰۷/۱
 ۲۹/۱۱/۹

آقای شاهپور یاسمی فرزند آقای غلامرضا رشید یاسمی عریضه دائر به گرفتاری و کسالت پدر خود به پیشگاه مبارک ملوکانه معروض داشته و چون حقوق او از دانشگاه تکافو مخارج عائله و معالجه را نمی‌نماید تقاضا دارد به ترتیب که مقتضی بدانند به او کمک نمایند عین عریضه حسب الامر مبارک ملوکانه در پیرونامه شماره (۹۰۳۴-۲۸/۱۲/۱۰) برای اقدام لازم و صدور پاسخ آقای یاسمی و اعلام نتیجه به پیوست ارسال می‌گردد.

از طرف رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

۱۰۳

۱۷ فوریه

۱۳۲۹/۱۲/۵

تصدقت کردم از وقتی که تشریف برده‌اید هیچ اطلاعی از سرکار ندارم، امیدوارم که در این سفر به حضرت عالی خوش گذشته باشد. اگر از حالم خواسته باشید همان طورها هستم. دکترها می‌گویند باید مدتی با دارو در اینجا تحت معالجه باشی من هم که دیگر قادر به ماندن نیستم چون همان طور که می‌دانید پولی که قرض کرده و خانه‌هایم را گرو گذاشته بودم تمام شد و اگر پولی نرسد مجبور به مراجعت هستم. از قرار معلوم اعلحضرت شاهنشاه دستور فرمودند که به بنده کمک‌هایی از طرف فرهنگ بشود و گویا وزارت فرهنگ تصویب کرده و به دانشگاه فرستاده‌اند، خواهشی که از دوست مهربان عزیزم دارم، که نسبت به من که خودتان مسبوق هستید کمکی بفرمائید که شاید بقیه معالجه بنده تمام شود و برگردم برای خدمت به دوستان عزیزم حاضر باشم. اگر حضرت عالی در مجلس شورای ملی به دوستان خودتان سفارشی بفرمائید شاید کمکی بشود و مرا برای تمام عمر ممنون خواهید فرمود. خانم خدمت سرکار و حضرت علییه خانم عرض سلام دارند انشاءالله نور چشمان همگی

سلامت هستند، بچه‌ها عرض بندگی دارند استدعای دیگر این است که نسبت به سیاوش که مهندس کشاورزی شده و الان در طهران هست نظر لطف خودتان را دریغ نفرمائید من بجز سرکار کسی را ندارم. زیاد قربانت خودم.

رشید یاسمی [امضاء]

* * *

۱۰۴

۱۳۳۰/۹/۱۲

جناب آقای حادثی نماینده محترم مجلس شورای ملی

بطوریکه خاطر عالی مستحضر است استاد فقید جناب آقای رشید یاسمی همسر اینجانبه که عمر خود را وقف فرهنگ نموده و حق تعلیم و تربیت بر نسل جوان معاصر دارد و در راه انجام وظیفه و حین سخنرانی در دانشسرای عالی و ارشاد دانش پژوهان سکتہ نموده و با وجود تحمل مخارج گزاف و سفر به اروپا جهت معالجه سرانجام پس از دو سال مداوا بهبود نیافت و دار فانی را بدرود گفت و بر اثر این معالجه طولانی مبالغ هنگفتی مقروض شد که این قرض دامنگیر وراثت او شده است از آنجائیکه مجلس مقدس شورای ملی همواره به پاس خدمات فرهنگی اینگونه استادان و کمک به بازماندگان صغیر آنها مقرر می‌فرماید حقوق ایام خدمت آنها به وراثشان کماکان پرداخت شود تقاضا دارد راجع به برقراری حقوق مرحوم یاسمی درباره دو دختر او و اینجانبه از بذل هرگونه کمک و اقدام لازم دریغ نفرمایند.

مرات الملوک یاسمی

[امضاء]

* * *

۱۰۵

دانشگاه تهران

شماره: ۸۰۳۱

تاریخ: ۱۳۳۰/۳/۱۲

جناب آقای وزیر فرهنگ

بطوریکه استحضار دارند رشید یاسمی استاد دانشگاه پس از بیماری ممتدی دارفانی را وداع گفت. بر طبق مقررات جاری ماهی ۴۷۲۰/۵ ریال معادل نصف حقوق بازنشستگی آن مرحوم بهمسر و دو دختر او که قانوناً حق استفاده از حقوق وظیفه دارند تعلق می‌گیرد ولی این مبلغ برای اداره کردن زندگی آنان کافی نیست و بازماندگان مرحوم یاسمی که از این حیث در زحمت خواهند بود تقاضی دارند که معادل حقوق وظیفه آنان (یعنی ماهی ۴۷۲۰/۵ ریال) از بودجه دولت به آنان داده شود.

بنابراین مراتب باطلاع خاطر محترم می‌رسد تا در صورتیکه موافق باشند مقرر فرمایند طرح قانونی به این مضمون (علاوه بر وظیفه‌ای که از صندوق بازنشستگی پرداخته می‌شود ماهی ۱۵۷۳/۵ ریال از اعتبار دولت بهریک از همسر و دو دختر مرحوم رشید یاسمی مادام که شوهر اختیار نکرده‌اند داده شود) تهیه و به مجلس تقدیم شود.

نام همسر مرحوم رشید یاسمی خانم مرات الملوک و نام صبایای او مینا و یاسمن است.

رئیس دانشگاه - دکتر سیاسی

* * *

۱۰۶

کمیسیون ملی تربیتی و علمی و فرهنگی دانشگاه تهران

۱۳۳۰/۱۰/۱۱
۱۴۴۷

جناب آقای دکتر سیاسی رئیس محترم دانشگاه

گرچه اینجانب شخصاً از خدمات و زحمات استاد فقید مرحوم رشید یاسمی بخوبی استحضار دارم ولی اینجانب وظیفه وجدانی خود دانست که یکبار دیگر جنابعالی را بزحمات و رنج‌های فراوانی که در مدت یک‌کمر برای دانشگاه و فرهنگ تحمل نموده جلب نماید خصوصاً آنکه بیماری که منجر به مرگ غم‌انگیز ایشان گردید در حین انجام وظیفه در دانشکده ادبیات پیش آمد نمود سزاوار است که حداکثر حق شناسی از طرف دانشگاه به آن

خدمتگزار صدیق انجام شود از آنجمله بنظر می‌رسد که مناسب است با نام‌گذاری یکی از تالارهای دانشکده ادبیات و احیاناً همان تالاری که در آنجا آن مرحوم در حال خطابه سکنه نموده بنام وی روان آن دانشمند فقید را شاد و حق‌شناسی دانشگاه را از خدمتگزاران خود با این اقدام بیش از پیش تائید فرمایند - بحکم وظیفه و از باب تذکر جسارت ورزیده.

رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران - علی اصغر حکمت.

[دانشگاه تهران]

* * *

٤

منابع تحقيق

منابع تحقیق

- بهار، محمدتقی، تاریخ ادبیات ایران (از براون ترجمه رشید یاسمی)، بهار و ادب فارسی، تهران، ۱۳۵۱، ۱/۳۴۰-۳۴۲.
- «غلامرضا رشید یاسمی»، وحید، (۱۳۵۱): ۳۹۶-۳۸۹/۱۰.
- یغمائی، حبیب. «درباره رشید یاسمی»، یغما، ۲۶ (۱۳۵۱): ۴۸۷-۴۹۰.
- سمعی، احمد، «آئین نگارش تاریخ» (از غلامرضا رشید یاسمی)، نشر دانش، ۵ (۱۳۶۳/۴): ۹۵-۱۰۰.
- افشار، ایرج، [درباره] غلامرضا رشید یاسمی، سیمغ، ۱ (۱۳۶۷/۹): ۹۶-۹۰/۱۱.
- افشار، ایرج، «وفیات مؤلفین»، سواد و بیاض، تهران، (۱۳۴۴): ۲۹۸-۲۴۰.
- افشار، ایرج و رسول دریاگشت، مقاله‌ها و رساله‌ها، نوشته غلامرضا رشید یاسمی، تهران، ۱۳۷۳.
- اتحاد، هوشنگ، پژوهشگران معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۰.
- رعدی آذرخشی، غلامعلی، گفتارهای ادبی و اجتماعی، تهران، ۱۳۷۰.

۵

گزیده اسناد

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

جای کلیشه

پیوست

سفرنامه اول^(۱)

هندوستان

(شنبه ششم اسفند ماه ۱۳۲۲ تا شنبه شانزدهم اردیبهشت ۱۳۲۳ شمسی)
(از دفتر ششم - هفتاد و یک صبح از صد صبح دهم)

۱- در این بخش، خلاصه‌ای از سه سفرنامه از سفرنامه‌های علی‌اصغر حکمت که اسناد آنها در این مجموعه آمده، گزینش شده است تا به عنوان تکمله‌ای بر این اسناد و نیز نمونه سفرنامه‌نویسی علی‌اصغر حکمت، در پیش روی خوانندگان باشد. این سفرنامه‌ها از کتاب «ره‌آورد حکمت» به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، گزینش شده است.

پیوست ۱:

سفر به هند (اسفند ۱۳۲۲ - اردیبهشت ۱۳۲۳)

صبح اول - (شنبه ششم اسفند ماه ۱۳۲۲ شمسی - ۲۶ فوریه ۱۹۴۴ م). (تهران - حَبانیه).

رشته‌ای برگردنم افکنده دوست تار و پودش از محبت‌های اوست
گه به دیر و گه به کعبه می‌کشد می‌کشد آنجا که خاطرخواه اوست^(۱)

در اوایل بهمن ماه گذشته روز جمعه در صحراهای سبز اطراف ری وقتی بامصاحبت یاران همدم ورفیقان محرم به خوشی می‌گذشت ناگهان یکی از دوستان گفت که از هندوستان یکی از دوستان ایرانی نوشته است که دولت هند در صدد است هیاتی از اهل ادب و فرهنگ ایران را دعوت نماید که به آن دیار بیایند و اوضاع علمی و سازمان‌های معارفی مملکت هند را مشاهده نمایند و ظاهرا که نام تو نیز برای این دعوت ذکر شده است. این سخن گفته شد و مستی دیگر سخنها «ذَهَبَ إِدْرِمَاجُ الرِّیَاحِ» مورد اعتنا واقع نشد. دو روز پس از آن آقای دکتر صدیق وزیر فرهنگ با تلفن به من گفتند که اگر مایل باشید به هندوستان سفری شوید. گفتم که درویش راه‌رچه پیش آید خوش آید. معلوم شد آن سخن پایه و مایه‌ای داشته و صورت فعلیت به خود گرفته است. باری هفته‌ای برنیامد که از طرف دولت به موجب تصویب‌نامه هیات وزراء که به تاریخ - و شماره^(۲) صادر گردیده است مقرر شده که این بنده حقیر به اتفاق آقای غلامرضاشید یاسمی و آقای ابراهیم پورداود به عنوان هیات فرهنگی (Cultural mission) به هندوستان اعزام شوند. این هیات به موجب دعوتنامه برای مدت یک ماه مهمان دولت هند خواهند بود. باری اسباب کار فراهم آمد و مقرر شد که شنبه ۲۲ بهمن حرکت نماییم. در این مدت مهمانی‌های عدیده تبادل شد. یک مهمانی از هیأت فرهنگی انگلیس و شورای انگلیسی (British Educational Institute) به شام در منزل این حقیر و یک روز در همان بنگاه فرهنگی از طرف مستر بینگلی (M. Baingley) رئیس شورای فرهنگی انگلیس (British

۱- [شعر از؟ است (م.د.)].

۲- [جای تاریخ و شماره خالی مانده است (م.د.)].

(Council) به نهار و روز چهارشنبه ۱۶ بهمن نهاری از طرف آقای ساعد وزیر امور خارجه در عمارت وزارت خارجه و جمعه ۲۸ بهمن نهاری از طرف دوست محمد شیخ فیض خان هندی که از تجار و زعماء کنونی هندی در تهران است در باغ جوادیه و یک شب جای در مهمانخانه فردوسی از طرف هیات هندیهای مقیم تهران تبادل گردید و در همه جا نطقهای گرم و پرمحبت ایراد می شد. بالاخره خداوند اسباب کار را از هر جهت فراهم ساخت و امروز که روز شنبه ششم اسفند ۱۳۲۲ مطابق ۲۶ فوریه ۱۹۴۴ است بار سفر بسته شده با هواپیما از طهران به عزم هندوستان حرکت نمودیم.

صبحگاهان بعد از اداء دوگانه به قرآن مجید پیش آمد سفر را تفاعل زدم این آیه مبارکه آمد و بسیار عجیب بود وفال از این نیکتر محال است: «بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الذی اسرى بعبده لیلًا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لئریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر»^(۱) خداوند چشم بینا عنایت فرماید که آیات او را با دیده معرفت رویت نماییم و چشم عبرت بگشاییم.

ساعت هشت صبح باکسان و همشیرگان و فرزندان وداع کرده از منزل بیرون آمده به میدان طیاره در مهرآباد که شش کیلومتری شمال غربی طهران واقع است رهسپار شدیم و در ساعت ده بر یک طیاره سه موتوره قوی انگلیسی که امروز صبح از بغداد آمده بود سوار شدیم موقع حرکت عزیزان و دوستان و برادران و فرزندان جمع بودند. چون به طیاره درون آمدیم، آن را مرکوبی بسیار ساده ولی محکم و قوی یافتیم. همراهان علاوه بر نویسنده این سطور و آقای یاسمی و آقای پوردادود ده نفر دیگر ایرانی و انگلیسی بودند. یک خانم انگلیسی و دو طفل شیرخوار نیز همراه بودند.

در صبح باد بسیار سردی می وزید. چون دیروز در آفاق شمالی ایران برف باریده بود هوا منتها درجه برودت داشت و در طیاره هم بسیار سرد بود. ساعت یازده از فراز شهر همدان و ساعت یازده و بیست و پنج دقیقه از روی شهر کرمانشاهان گذشته و درست مقارن ظهر به سرحد خاک ایران و عراق رسیده و یک ساعت بعد از ظهر در ایستگاه حبانیه فرود آمدیم. خط سیر طیاره عبارت بود از جنوب غربی تهران و سپس از روی کوههای خرقان گذشته در نزدیکی همدان شوسه غرب را پیروی نموده تا شاه آباد غرب همه جا مطابق خط شاهراه بود. از شاه آباد منحرف شده و جاده کردند و قصر شیرین را در

۱- [آیه ۱ از سوره ۱۷ اسری قرآن کریم. (م.د.)]

طرف شمال رها کرده به خط مستقیم از روی کوههای پشت کوه و مندلیج عبور نموده از روی رودخانه‌های دیاله و دجله و فرات گذشتیم. حبانیه در کنار فرات واقع شده. بحیره عظیمی از فرات منشعب گشته است که در کنار آن ایستگاه حبانیه قرار گرفته و از لحاظ موقعیت جغرافیایی و داشتن بحیره آن را مرکز هواپیمایی انگلیس (British Airways) قرار داده‌اند، که هم طیارات بزی از شمال افریقا تا تهران از اینجا می‌گذرد و هم طیارات بحری از شرق اقصی و هند و افریقای جنوبی در آنجا فرو می‌آید.

در آنجا هتل زیبا و نظیف و پاکیزه بنا کرده‌اند که قریب ۲۰ اتاق دارد و با سرویس بسیار تمیز از مسافری پذیرایی می‌کنند. و همانطور که به انگلیسی می‌گویند (Resting house) یعنی آسایشگاه خوبی است. بعد از ورود به حبانیه با تلفن با بغداد صحبت کرده با آقای محسن رئیس وزیر مختار قدری حرف زدیم. مذاکره شد که شب را به بغداد برویم. ولی چون ۹۶ کیلومتر مسافت حبانیه با بغداد است از خفتن شب بغداد صرف نظر کرده و آرامش حبانیه را ترجیح دادیم. بسیار محل ساکت و بی سروصدای است. ده دوازده نفر از مأمورین انگلیسی در آنجا اقامت دارند و اشخاص نجیب و معقولی بودند. انگلیسیها عموماً مهربان اند و نسبت به دیگران خیلی خوش رفتار. نهار و شام ماکولی در هتل صرف شد. و بعد از ظهر چند ساعتی استراحت نیروی رفته را به تن ناتوان باز آورد. خداوند را برای توفیق و انعام او شکر گفتم. این مسافرت را که به مشیت الهی بدون خواسته بندگان پیش آمده است ختم به خیر فرماید و به حسن عاقبت قرین سازد و موافق دارد که ازین راه خدمتی به عالم علم و دانش از دست ناتوان برآید.

صبح دوم - (۷ اسفند ۱۳۲۲ شمسی - ۲۷ فوریه ۱۹۴۴ م). (حبانیه - بصره).

روز دوشنبه اول اسفند چهار ساعت بعد از ظهر که هیأت اعزامی برای کسب اجازه و تقدیم مراسم ادب به حضور اعلی حضرت شاه شرفیاب شدیم در ضمن سخن اشاره کردند که سزاوار است از اوضاع و احوال عمومی و علمی و سیاسی هندوستان اطلاعات واسع و کافی جمع آوری شود و اینک برای همین منظور و برای آنکه مشاهدات روزانه یکجا ضبط و ثبت شود و بعدها در ضمن گزارش علیحده تنظیم و تقدیم گردد، این سفرنامه یا روزنامه یومیه نگاشته می‌شود. و امروز با همقطاران مذاکره کردیم که هر یک جداگانه ملاحظات و معاینات یومیه خود را یادداشت نماییم و سپس با مجموعه اطلاعاتی که جمع آوری خواهد شد وقتی مصروف نموده گزارش مشروح و مبسوط

فراهم و تقدیم کنیم. پس از صرف صبحانه مطبوعی در آسایشگاه کنار دریاچه قدم می‌زدیم و از هوای لطیف و آفتاب دلپذیر که اشعه آن بر روی صفحه نیلگون بحیره منعکس می‌شد و جلوه زیبایی جالبی داشت بهره می‌بردیم. نیم ساعت قبل از ظهر غذایی گوارا صرف شد و یک ساعت بعد از ظهر در طیاره بحری (Hydro - Avion) بسیار بزرگ چهارموتوره که از مصر آمده و در بحیره فرود آمد سوار شدیم. ۲۴ نفر در این طیاره بودند که همه انگلیسی و از مصر آمده عزم مسافرت به هندوستان داشتند. در آن میان جوان هندی بود دکتر در طب موسوم به (دکتر آن) که از هندیهای مسیحی و اصل او از بمبئی بود با ما آشنا شد. چندین نفر جوانان نوری در حدود بیست سال برای خدمت هواپیمایی نیز عزمیت هند داشتند و می‌رفتند که در طیارات جنگی و کشوری خدمت نمایند و ظاهراً سفراول آنها به آسیا بود. با قیافه‌های معصوم و جبین گشاده سرنوشت خود را در آسمان هند استقبال می‌نمودند.

تمام خط مسافرت ما از حبانیه تا بصره در مابین دو شط عظیم دجله و فرات از شمال به جنوب سیر می‌کرد و در زیر پا اول جز صحرای شنزار و بعد باتلاقها که از فاضل آب دو رودخانه بزرگ احداث شده بود چیز دیگر دیده نمی‌شد. ساعت سه بعد از ظهر به بصره رسیدیم. در شط العرب طیاره فرود آمد. با قایق موتوردار به ساحل پیاده شدیم. در قسمت شمالی بصره در محله‌ای که به عربی «المعقل» و به انگلیسی (Magdile) می‌گویند و محل پُرت و بندرگاه و استاسیون راه آهن و ایستگاه هوایی است هتلی بسیار مجلل و نظیف و آبرومند بنا کرده‌اند به اسم (فندق شط العرب). در آنجا برای هر یک از مسافرین اطاقی تعیین شده بود.

ساعتی در باغچه‌های جلو هتل که مشرف به ساحل یسار شط العرب بود قدم زدیم. هوا گرم و مرطوب بود. کونسول ایران در بصره آقای زنجانی فرزند مرحوم حاجی شیخ ابراهیم زنجانی از اعضاء قدیم وزارت خارجه است. ساعت پنج و نیم به هتل آمد و به اتفاق به گردش رفتیم. از محله المعقل به العشار و پس از آن به شهر بصره قدیم رفتیم. این سه محل که عبارت از بصره هستند از ابتدا تا انتها قریب پانزده کیلومتر طول دارد و همه در ساحل یمیم دجله واقع شده‌اند.

شهر بصره که آن را ونیز مشرق گویند در وسط نخلستانی عظیم که بالغ بر چندین میلیون درخت خرما در آن غرس شده قرار گرفته و جابه‌جا برای شرب نخلستان کانالها در شط احداث کرده‌اند و با بلم و یا قایقهای بادی از روی آن کانالها آمد و رفت می‌کنند و

پرده‌های سفید بادبان قایقها در میان نخلستان منظره زیبایی دارد. تمام جاده از آخرالمعقل تا ابتدای بصره خیابان اسفالتی است که طرفین آن را درختهای کهن اکالیپتوس و گنار و گل ابریشم کاشته‌اند و جلوه و زیبایی خاصی دارد. خانه‌های ظریف به استیل عربی جابه‌جا در کنار خیابان دیده می‌شود.

هشتاد هزار نفر سکنه بصره در این سه محله جای دارند. قونسولخانه ایران که منزل آقای قونسول نیز هست در کنار همین خیابان مابین العشار و بصره واقع شده و عمارت خوب و آبرومند دوطبقه و نوساز است که اطراف آن را باغی از نخل و اکالیپتوس احاطه کرده و بسیار خوش‌منظر است. ساعتی در منزل آقای کونسول و خانم ایشان پذیرایی نمودند. رادیوی طهران را بازدید کردیم. داعی‌الاسلام سخنرانی می‌کرد و مطالبی می‌گفت که چندان خوش‌آیند نبود. ساعت هفت و نیم به هتل رجعت و بعد از صرف شام یک روز ما به آخر رسید.

صبح سوم - (دوشنبه ۸ اسفند ۱۳۲۲ شمسی - ۲۸ فوریه ۱۹۴۴ میلادی). (بصره - کراچی).

دو و نیم بعد از نصف شب بر حسب اخطار قبلی همه مسافرین برخاسته چاشت مختصری صرف و به طیاره رفتیم. امروز راه طولانی و مفصلی را در پیش داریم، تمام خلیج فارس را شمالاً و جنوباً و همچنین شرقاً و غرباً باید طی نماییم. ساعت چهار صبح به ساعت بصره از ایستگاه شط العرب حرکت کرده و ساعت شش به ساعت کراچی به ایستگاه بندر کراچی وارد شدیم. منازل بین راه عبارت بود از بصره به جزیره (المنام) (بحرین) و سپس به بندر (دوبی)، (عمان) و از آنجا به بندر (جیوانی) در بلوچستان انگلیس و پس از آن به بندر کراچی. متجاوز از هزار و پانصد میل طی کردیم. در بحرین صبحانه صرف شد. در دوبی و جیوانی فقط یک فنجان شیر و قهوه و در بندر کراچی چای عصر و نهار را خوراک سرد در بشقاب کاغذی و کارد و چنگال چوبی در طیاره روی صندلی سفری مدلول آیه کریمه «و فی السماء رزقکم و ما تدعون فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْتَقُونَ»^(۱)

طیاره ما موسوم است به (Cooue) که در ۱۹۳۸ در (روچستر) ساخته شده. کاپیتان خیلی متکبر است و اعضاء خشک و نامهربانی دارد. مسافرین عبارت بودند از سه نفر

۱- آیه ۲۲ و ۲۳ از سوره ۵۱ ذاریات قرآن کریم. (م.د.م.).

ایرانی و پانزده نفر انگلیسی، یک نفر هندی و یک نفر عرب هم از دویی سوار شده در کراچی پیاده شد. برای اولین بار از انگلیسیها در طیاره خشکی و خودخواهی مشاهده شد. با کمال اصرار و سماجت برخلاف حق تقدم صندلیهای راحت و فتردار را اشغال کردند و دیگر مسافری آسیایی را در تمام طول راه روی نشیمنهای با دسته ناراحت گذاشتند. ظاهراً قول معروف مصداق پیدا کرد که هر قدر قوم انگلیس در انگلستان و اروپا مهربان و مبادی آداب و معقول هستند به هندوستان که می‌رسند بی‌ادب و خودخواه می‌شوند. خدا کند این رویه ادامه پیدا نکند، زیرا قطعاً برای من قابل تحمل نیست. وقتی که صائب از اصفهان به هندوستان می‌رفت، این بیت را گفت و برای شاه عباس فرستاد که زبان حال ماست:

گر فلک یک صبحدم با من گران باشد سرش

شام بیرون می‌روم چون آفتاب از کشورش
ده ساعت متوالی مانند مرغی که در قفس باشد تمام آفاق را در زیر پا می‌دیدیم و از بر و بحر می‌گذشتیم. از عراق عرب به جزایر خلیج و عمان گذشتیم. شبه جزیره عمان جنوب تنگه هرمز را از آسمان تماشا کردیم. تماشای سواحل ایران در طرف شرق قلب ما را به طیش می‌آورد. ولی در نیم متر فاصله محبوس بودیم و مجال حرکت نبود. صحرای عمان بی‌شبهت به بلوچستان نبود. گرچه صحرای بلوچستان بسیار فقر و شنزار و خشک بود باز منظره عجیبی نشان می‌داد. طلوع آفتاب از وسط دریا مانند طشتی از زر سرخ که از صحنی زیبق بیرون آید منظره فراموش نشدنی در خاطر رسم کرد. برجستگی‌های تلال و دهاد در زیر پا بسیار دیدنی بود. منظره دریا یکنواخت و خیلی (Monotone) بود.

گاهگاه که یک جزیره کوچکی در قبه دریا دیده می‌شد، همه مسافری برای تماشای آن به سوی روزنه‌های طیاره گردن می‌کشیدند. بندر چاه‌بهار تنها آبادی بود که از خاک ایران در زیر پا مشاهده شد ولی از دور جز چند بنای گلی کوچک چیز دیگری به نظر نمی‌آمد. باری این روز عجیب را که در تاریخ زندگانی ما بسیار برجسته است به سلامت به پایان رساندیم. شهر و...^(۱) شهر مدلول زندگانی امروز ما بود:

خورشید صفت سیرکنان در آفاق هر روز به منزلی و هر شب جایی^(۲)

۱- چند کلمه خوانده نمی‌شود.

۲- [شعر از؟ است (م.د.)].

تشریفات معاینه گمرکی و پاسپورت در کراچی خیلی زود انجام گرفت. شب با (B.O.A.C) یعنی کمپانی هواپیمایی انگلیس وداع کردیم و بنا بود که به گوالیور برویم ولی فسخ عزیمت کرده و در کراچی ماندیم. آقای عباس امیراصلائی کونسول ایران در کراچی جوان پرحرارت و مصری است، به اصرار ما را از هتل به قونسولخانه ایران برد و شام گوارائی فراهم ساخته بود صرف شد. میزبان و خانم مهربانش سعی بسیاری کردند که ما را از هر حیث آسوده و راحت نمایند. در قونسولخانه یک تلگراف و یک دو نامه مفصل از آقای علی معتمدی نماینده ایران در هندوستان از دهلی رسیده بود که اظهار داشته بودند باید هفتم مارس = ۱۵ اسفند به دهلی برویم و از طرف نایب السلطنه و اولیاء دولت هند آن روز را برای ورود ما به دهلی معین کرده‌اند. بنابراین قریب هشت روز فراغت خواهیم داشت که به کارهای دیگر برسیم.

صبح چهارم - (سه شنبه نهم اسفند ۱۳۲۲ شمسی - ۲۹ فوریه ۱۹۴۴ م). (کراچی).

قبل از ظهر برنامه‌ای برای چند روز اقامت در کراچی معین کردیم و دو تلگراف به ایران مخابره و سلامت ورود خود را به کسان و بستگان و همچنین به اولیاء دولت اطلاع دادیم. مراسله‌ای به آقای علی معتمدی نماینده دولت ایران در هندوستان نوشته اوراق و پاکاتی که توسط من برای ایشان فرستاده بودند ارسال داشتیم، همچنین تلگرافی نظر ایشان را در باب اقامت در کراچی تقاضا نمودم. بعد از ظهر پس از استراحت به یک سینما موسوم به پلازا (Plaza) که فیلم هندی موسوم به (قسمت) را نمایش می‌دادند رفتیم. مقصود آن بود که از اوضاع و احوال هندیها قدری اطلاع حاصل نماییم، زیرا بهترین وسیله برای شناختن یک مملکت مشاهده فیلم همان مملکت است. هرچند زبان اردو تلکم می‌نمود، ولی اوضاع و احوال اجتماعی و آداب و عادات و موسیقی و ترتیبات اداری را خوب مجسم می‌کرد. و به علاوه مشاهده جماعتی که به لباسها و هیكله‌های مختلف در آنجا گرد آمده‌اند عکسی از مجموع نفوس به نظر می‌آورد. از سینما به یک کافه چینی رفته آب سردی نوشیده بعد از آن به کتابفروشی رفته چند جلد کتاب راجع به هندوستان ابتیاع نمودم. ولی خیابانها نیمه خاموش بودند که معلوم شد به واسطه جنگ از ساعت هشت همه خیابانها را تاریک و یا به قول خودشان (Black out) می‌کنند.

صبح نهم - (یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۲۲ - پنجم مارس ۱۹۴۴ م). (کراچی).

امروز یکشنبه است و تعطیل است. قبل از ظهر چند نفر از تجار ایرانی مقیم کراچی به دیدن آمده بودند. بزرگتر آنها تاجری است یزدی به اسم «مسعودیه» که سالهاست در این حدود اقامت و تجارت دارد. آنها را تشویق کردم که برای تربیت اولاد خود و دیگران کانونی برای تعلیم زبان فارسی دائر نمایند و یک نفر معلم استخدام کنند که به آنها فارسی جدید درس بدهد و گفتم ممکن است وزارت فرهنگ ایران هم مختصر اعانه بدهد و کتاب بفرستد و نباید گذاشت که اولاد چندین هزار نفر بلوچهای تبعه ایران بکلی هندی شوند و بواسطه فقدان تربیت ایرانی از تبعیت ایران قهرماً بیرون بروند.

قبل از ظهر در (Burno Gardens) گردش کردیم. از اشیاء قدیم مهنجودارو (Mohen-jo-Daro) که آثار تمدن پنج هزار سال قبل هندوستان است در آنجا موزه‌ای گرد کردند ولی متأسفانه بواسطه جنگ فعلاً موزه بسته بود و تماشا نمی‌توان کرد. مجسمه ملکه ویکتوریا و فرزندش ادوارد هفتم در شمال و جنوب عمارت موزه در وسط گلکاری از مرمر سفید نصب کرده‌اند و این موزه را «موزه ویکتوریا» می‌نامند. کتابخانه بلدی هم در آن عمارت است که مجاناً برای اشخاص باز است. و آن عمارت را فری هال (Free Hall) می‌گویند. درختهای زیبای گرمسیری در اطراف کاشته شده و پارک باصفایی ترتیب داده‌اند. ظهر دکتر دوباش که از محترمین پارسیهای مقیم کراچی است نهار مهمان کنسول بود. آدم با اطلاع و با معلوماتی است و کلکسیونهایی از فسیلهای اطراف کراچی، همچنین از تمبر پست و پاکات پستی دارد. آدم دیدنی است. بعضی کتابها نوشته و اشعاری به انگلیسی گفته است.

صبح دهم - (دوشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۲۲ - ششم مارس ۱۹۴۴ م). (کراچی).

امروز نیز در کراچی گذشت. صبح به اتفاق آقای سر الهی بخش وزیر معارف سند به بازدید مؤسسات و مدارس کراچی رفتیم. مدرسه اسلامی «کالژ اسلامیک» و «کالژ سند» و «کالژ حقوق» و «مدرسه متوسطه دختران زرتشتیان» را تماشا کردیم. این کالژها از شعب و متفرعات دانشگاه بمبائی هستند، هنوز سند اونیورسیتیه ندارد. در نظر دارند که دانشگاهی در کراچی امسال افتتاح کنند. رؤسای کالژها با کمال مهربانی مؤسسات خود را به ما ارائه داده و همه جا دفاتر خود را برای ثبت اسم و امضاء و یادگار در برابر ما می‌گشودند و ما نیز شرحی در تشکر و تحسین می‌نوشتیم. یک ساعت قبل از ظهر به موجب وقتی که معین شده بود به دیدن حاکم سند «سر هیو داو» (Sir Hugu Daw)

رفتیم. در عمارت حکومت پذیرایی نمود در دفتر خود. کتاب ترجمه رباعیات عمر خیام را که در حیدرآباد به انگلیسی ترجمه کرده‌اند مشغول مطالعه است و می‌گفت که خود او ابیات بهتری در ترجمه آن می‌سراید. از خدمات و زحماتی که برای ساختن سد سکار کشیده است تفاخر می‌نمود و البته تفاخرش سزاوار است زیرا مؤسسه بسیار نافع و مفید و مهمی است. در باب تأسیس انیورسیت در سند صحبت شد.

صبح دوازدهم - (چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۲۲ - ۸ مارس ۱۹۴۴ م). (کراچی - گوالیور - دهلی جدید). ساعت شش بعد از نصف شب به ساعت کراچی که دو ساعت قبل از طلوع آفتاب است از قونسولخانه به ساحل رفته در «ارپورت» به طیاره دریایی «هیدروآویون» نشستیم و به طرف دهلی حرکت کردیم. خط سیر ما به طرف شمال شرقی بود. از بیابان غربی هندوستان و راجپوتانا گذشته در حدود ساعت ده به دریاچه گوالیور رسیدیم. چند نفر انگلیسی و هندی در طیاره بودند.

زیارت قبر خواجه نظام الدین اولیاء (۶۲۳ تا ۷۴۵ قمری) رفتیم. خواجه از کبار رجال صوفیه و مشاهیر عرفاست و استاد امیر خسرو دهلوی بوده و در قرن هفتم و هشتم می‌زیسته، در جوار او مقبره غالب رجال و سلاطین و بزرگان دهلی قرار دارد. از جمله مقبره میرزا غالب اصفهانی که از شعراء معروف هند در قرن اخیر است. یکی از اولاد خواجه پیرمردی موسوم به خواجه حسن نظامی از ما پذیرایی می‌کرد و ما را با پای برهنه به همه جا برد و مقابر بزرگان، خسرو دهلوی و محمدشاه هندی را تماشا نمودیم. مقبره همایون یکی از باغهای دیدنی و تماشائی دهلی است که خوشبختانه حکومت هند در زمان «لاردکرزن» آن به خوبی نگاهداری نموده‌اند و بسیار منظره با ابهت و پرشکوه و با عظمت و جلال دارد. گردش مفصلی در آنجا شد. در یکی از غرفات ایوان فوقانی منظره غروب آفتاب دهلی را که بسیار زیبا و لی حزن‌آور بود تماشا نمودیم. بی‌شبهت به غروب آفتاب مجد و عظمت شاهان گورکانیه هندوستان نبود که از اول قرن دهم تا اواسط قرن سیزدهم هجری با منتهای قدرت و جلال در آن سرزمین سلطنت مطلقه داشتند.

صبح سیزدهم - (پنجشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۲۲ - نهم مارس ۱۹۴۴ م). (دهلی جدید).

صبح، آقای شاهپور پسر مرحوم اردشیر جی که فعلاً در رادیو دهلی کار می‌کند و با

قنسولگری مرتبط است از طرف آقای معتمدی. معرفی شد که به سمت سکرتر با ما کار بکند. جوان بامحبت و خوش اخلاقی است. چندین سال در لندن بوده و تحصیلات در اونیورسیتة لندن کرده است فعلاً چندماه است در هندوستان می‌باشد. صبح قدری در منزل نشسته مقاله تنظیم می‌کردم که امروز در اونیورسیتة دهلی که موقع رسمی خواهد بود بیان نمایم.

در ساعت ده به اتفاق آقای احمد [معزالدین] و آقای سید وهاج‌الدین و آقای معتمدی شروع به انجام برنامه مقرر نمودیم. نخست «پالی تکنیک» دهلی را تماشا کردیم. مؤسسه‌ای است برای تربیت انواع مهندسين و استاد کار (Centre maitre). در دوره‌های کوتاه هشت ماهه اقسام مهندس و آهنگر و نساج و نجار و مکانیک و غیره تربیت می‌کنند در تحت اداره وزارت جنگ و وزارت مشاغل و بیشتر برای آن است که برای انجام تکالیف نظامی به سرعت جوانان را تعلیمات داده به فرونت بفرستند. بعد از آن به شعبه شیمیایی همان مدرسه رفتیم که در محل (کالژ سنت استیفن) قرار گرفته و آن مدرسه‌ای بوده است که در حدود یکصدسال قبل مبلغین مسیحی نخست در دهلی تأسیس کردند، ولی فعلاً آن کالژ جزو دانشگاه شده و در عمارت جدیدی قرار گرفته است و عمارت قدیم را به پالی تکنیک داده‌اند. دستگاه لابراتوار مکملی دارد. ولی مدرسه تعطیل بود. بعد از آن به یونیورسیتة رفتیم. در بیرون دهلی جدید، فضای وسیعی را برای دانشگاه اختصاص داده‌اند. رئیس دانشگاه شخص نایب‌السلطنه است و نایب رئیس که وایس چانسلر (Vice chancellor) می‌گویند پیرمرد محترمی است موسوم به (Sir Mourice Gillyre). وی با بعضی از اساتید با لباسهای رسمی دانشگاه از ما پذیرایی کردند. به اتفاق نایب رئیس و آقای دکتر اشفاق حسین مترجم زبان فارسی به کتابخانه و دانشکده حقوق و دانشکده علوم رفتیم و ابنیه و کتابخانه و کلاسها را تماشا کردیم. در دانشکده علوم معلوم شد هنوز شعبه علوم طبیعی و بیولوژی تأسیس نشده است و فقط فیزیک و شیمی دارند. در کالژ دولتی که در حقیقت دانشکده ادبیات است نسخ خطی و فارسی را مشاهده کردیم و عمارت شبانروزی محصلین را نیز مشاهده نمودیم که آن را (Hostele) می‌گویند. بعد از آن به عمارت مرکزی رفته و در سالن بزرگی صرف نهار شد. مدعوین جمع کثیری از اساتید و اعضاء دانشکده و فضلاء و دانشمندان و رجال و محترمین بودند. رئیس دانشگاه مقام احترام را داشت و در دست راست او محل اینجانب بود. معلوم شد فن وی حقوق است و رئیس دیوان کشور بوده فعلاً منتقل به

دانشگاه شده است. نطق بلیغی در خیر مقدم این هیأت ایراد کرد و از این هیأت تشکر نمود. من نیز در جواب نطق مشروحی کردم که عین آن در جراید منتشر و در ضمیمه این کتابچه در آخر نقل شده است. (رجوع شود به ورقه منقول از Dauv ۱۱ مارچ)^(۱)

باغ دانشگاه بسیار وسیع، زمین آن با چمنهای سبز مفروش، جابجا درختهای کهنسال و گل‌های کاغذی بسیار قرمز رنگ جلای دیگر به آن داده است و در زیر اشعه گرم آفتاب رونق و جلوه خاصی دارد. بعد از نهار وداع کرده از دوستان دانشگاه شدیم. بلافاصله برنامه عصر شروع شد. نخست قلعه جهانگیر را که از زیباترین ابنیه عصر پادشاهان مغولی است تماشا کردیم. این بنا را به منتهای دقت و ظرافت نگاهداری کرده‌اند و در تحت نظر اولیاء آرکتولوژیک دولت هند است. حفظ باغ و باغبانی و گلکاری آن با کمال دقت انجام می‌شود. یک نفر از انگلیسیان که از طرف اداره باستانشناسی مراقبت می‌نمود موسوم به مستر «وادینگتون» (Mr. Waddington) ما را همه جا گردش داد. دیوان خاص و دیوان عام و نوبتخانه و حمام و مسجد مروارید و برج هشت گوش و محل تخت طاوس همه جا تماشا کردیم. کتیبه‌های نظم و نثر که به فارسی بر در و دیوار نقش کرده بودند موجب مسرت بود. سپس به تماشای مسجد جامع رفتیم. امام مسجد ما را همه جا هدایت کرده کتیبه تاریخ که در پیشانی شبستان به موزائیک سنگ سیاه در سنگ مرمر سفید کار کرده بودند سال ۱۰۶۰ هجری را نشان می‌داد. در محراب بر خلاف مسجد مروارید قلعه که بکلی خالی از نقش و نگار است یکی از آیات قرآنی بطور موزائیک نگارش یافته است. و آن آیه «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ انْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ»^(۲) می‌باشد. بر فراز یکی از مناره‌ها رفته دورنمای شهر دهلی را از آن بالا تماشا کردیم. چون خود مسجد نیز در روی تلی بنا شده و خیلی مرتفع است همه‌جا دیده می‌شود. بعد از تماشای مسجد منزل آمدیم. از گرما و خستگی حالی باقی نبود.

صبح چهاردهم - (جمعه ۱۹ اسفند ۱۳۲۲ - ۱۰ مارس ۱۹۴۴ م). (دهلی - لاهور).

دهلی جدید محله تازه است که با دهلی کهنه مبلغی مسافت دارد و آن بمنزله باغ وسیعی است که خیابانهای وسیع پر درخت، خانه‌ها و ویلاهای کوچک را احاطه کرده

۱- [در دفتری که در اختیار این جانب است نبود (م.د.)].

۲- [قسمتی از آیه ۵۳ از سوره ۳۹ زمر قرآن کریم. (م.د.)].

در وسط آن عمارت پارلمان و به اصطلاح (Legislative) است که بنای مدور عظیمی است و امروز در آنجا به ناهار دعوت هستیم. در یک طرف آن قصر نایب السلطنه است و در میان میدان مدوری است که مغازه‌ها و دکانها در آنجا جا دارد و از هر طرف آن خیابان عریض مشجری منشعب می‌شود. و هر یک از خیابانها به نام یکی از رجال قدیم یا جدید هندوستان نامیده شده است. از جمله خیابانی که قونسولگری ایران و منزل آقای معتمدی در آنجا قرار دارد به نام البوکرک سردار و امیرالبحر معروف پرتغالی است و به (Albuquerque Road) موسوم است.

به وزارت خارجه رفتم. در اطاق شورا و کمیسیون اجتماعی از نمایندگان مطبوعات گرد آمده بودند و به قول خودشان «کنفرانس مطبوعات» (Press Conference) تشکیل داده از ما سؤالات و اظهار عقیده می‌خواستند. تا آنجا که مقدر بود با رعایت نکات سیاسی و ملاحظات اوضاع جنگی و غیره سخنانی گفته از مهمان‌نوازی حکومت هند تشکر کردیم و به ترقی عظیمی که محسوساً برای هندوستان در شعب معارف و صنعت و فلاح حاصل شده است اشاره کردم. بعداً مخبرین جرائد سؤالاتی نمودند و هر یک سؤالی می‌کردند و پرسشهای عجیب و غریب طرح می‌کردند. از جمله یکی پرسید که هندوستان را در ایران می‌شناسند یا خیر؟ گفتم: البته هندوستان از قدیم نزد ایرانیان معروف بوده، اخیراً نیز نسبت به هند تعظیم و احترام دارند. یکی راجع به تاگور شاعر هندی سؤال نمود. از او تقدیر و تجلیل نمودم. دیگری از سر محمد اقبال شاعر اردو لاهوری پرسش کرد. از او نیز به عزت نام بردیم. مجدداً سؤال کرد که کدام یک از این دو شاعر را ایرانیان ترجیح می‌دهند. من گفتم البته آثار اقبال چندان معروف نیست و باید بیشتر انتشار یابد. پور داود که از مرحله پرت بود گفت: خیر، اقبال شاعر محلی است در صورتیکه تاگور شاعر بین‌المللی است و معروفیت جهانی دارد. این سخن او در مطبوعات مسلمان تأثیر سوئی کرده و در روزنامه (the Daun) بعضی از مسلمانان متعصب به این هیأت و به پورداود حملات سخت کردند که بعضی از آن قطعات جراید در آخر این کتابچه الصاق شده است.^(۱)

صبح پانزدهم - (شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۲۲ - ۱۱ مارس ۱۹۴۴ م.) (لاهور).

۱- [در دفتر حاضر نزد این جانب نیست (م.د.)].

آقای احمد معزالدين صاحبمنصب خدمات كشورى (Mr. M. Ahmad J.C.S.) كه مهماندار و راهنماى ماست كاملاً مواظب است و سر وقت مواد برنامه را خاطر نشان مى نمايد. امروز صبح زود آمد برنامه دو روزه توقف در لاهور را حاضر کرده بود. بسيار برنامه سنگيني است، دقيقه‌اى آرام نخواهيم بود. نخست به دانشگاه رفتيم. مستر آرم استرانگ رئيس معارف راهنمايى مى کرد. اين دانشگاه از مؤسسات قديم معارفى هندوستان است و متجاوز از پنجاه سال عمر دارد. ريجستر دانشگاه كه در حكم رئيس دبیرخانه است شخص هندی است موسوم به راي بهادر، او نيز همراه ما بود. دانشكده حقوق را نخست معاینه نموديم. شرط ورود به اين دانشكده داشتن درجه B.A. يعنى ليسانس ادبيات است و به اين ترتيب فارغ التحصيلهاى حقوق سه سال بيشتر تحصيل مى کنند و علت اينكه اين قدر مشكل کرده اند كثرت عدۀ داوطلب است. رئيس مدرسه مى گفت پارسال فقط يك نفر دختر دانشجوى حقوق داشته اند. در مدرسه حقوق حقوق مدنى انگليس و هند و اسلام و روم و حقوق اساسى و بين الملل خاص و عام درس مى دهند. در مدرسه ادبيات شعبه خاصى براى موزيك و شعبۀ ديگر براى نقاشى دارند كه دخترها در آن شركت مى کنند. همچنين شعبۀ خاصى براى ژورناليسم دارند و به همه آنها درجه مى دهند. كتابخانه مدرسه كتابخانه مفصلى است كتب خطى فارسى و عربى زياد دارد. مذاكره كردم كه ترتيبى بدهند با فتوكپى عكسبردارى نمايند و براى طهران بفرستند. موافقت كردند.

صبح شانزدهم - (يكشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۲۲ - ۱۲ مارس ۱۹۴۴ م.) (لاهور).

برای تهیه نطق امروز در يونيورسيته مسوده تهیه مى ديدم. بعد از فراغت ساعت در حدود دو ساعت قبل از ظهر به ساعت لاهور بود كه از طلوع آفتاب دو ساعت مى گذشت.

حكومتهاى محلى را كلكسيونر (Collectionner) مى گویند. در لاهور شخص انگليسى كه كلكسيونر هست ما را صبح به منزل خود دعوت نمود كه مجموعه كتب خطى فارسى خود را به ما ارائه دهد. متأسفانه به زحمت آن نمى ارزيد. چند جلد كتاب سعدى و حافظ خطى داشت كه نفاست و اهميت نداشتند. امروز تماشاى مسجد پادشاهى لاهور جزو پروگرام است، به آنجا رفتيم. صحن وسيعى دارد كه مى گویند براى بيست هزار نفر گنجایش دارد. تاريخ آن در حدود ۱۰۸۰ هـ.ق. بسيار عالى و مجلل

می‌باشد. شاه جهان آن را بنا کرده است. قبر سر محمد اقبال معلم فلسفه و شاعر معروف نیز در جلو آن مسجد واقع شده و برای آن بنایی می‌خواهند بسازند ولی هنوز ناقص و ناتمام است. مراسم ادب و یادبود را دسته‌گلی همراه برده بعد از قرائت فاتحه تقدیم آرامگاه آن شاعر نمودم. آن شاعر نزد مسلمانان هند شأن و مقام ارجمندی دارد و دارای احساسات وطن‌پرستی و هند دوستی و بعد اسلام خواهی است. اشعارش در اردو خیلی محترم شمرده می‌شود ولی به زبان فارسی مطابق مذاق و سلیقه شعراء ایران نیست، گرچه افکار دقیق فیلسوفانه دارد. چون وقت دیر بود متأسفانه به تماشای قلعه جهانگیر که آن نیز از آثار تاریخی هند است موفق نشدیم. به مدرسه اسلامی (Islimal College) رفتیم. این مدرسه را امیر حبیب‌الله خان امیر افغانستان بانی و باعث شده و در سنگ بنای آن اسم آن منقوش است. رئیس مدرسه دکتر عمر حیات خان با مهربانی و احترام بسیار ما را پذیرایی کرد. محمد اقبال که در دانشگاه معلم زبان فارسی است نیز همراه بود. در طالار بزرگ مدرسه جمعی کثیر از تلامذه و اساتید جمع بودند. بر حسب تکلیف اولیاء مدرسه چند کلمه برای آنها صحبت کردم و از اهمیت و برنامه و دروس و اساتید دانشکده معقول و منقول تهران شرحی بیان نمودم و محمد اقبال بطور خلاصه ترجمه کرد. بعد از آنکه در عمارت مدرسه و کتابخانه و لابراتوار آن گردش کردیم با اولیاء مدرسه وداع کرده باز آمدیم. به تماشای مقبره جهانگیر رفتیم، در باغ وسیعی مقبره باعظمت و شکوه جهانگیر امپراطور مغولی را تماشا کردیم.

مقبره جهانگیر در نزدیکی رودخانه کبیر «راوی» قرار گرفته است و در نزدیکی آن مقبره نورجهان ملکه آن پادشاه است که وی خواهر آصف خان صدراعظم پادشاه بوده است. نهار را در منزل یکی از اعیان و متمولین شهر موسوم به ممدودخان مهمان بودیم. یک نفر شاعر لاهوری موسوم به حکیم احمد شجاع در آنجا بود که «ساحر» تخلص می‌کرد و اشعار خوب به فارسی و هندی سروده بود. از اشعار خود دو کتاب به ما هدیه نمود. و در سر نهار و بعد از آن اشعار زیاد فارسی خوانده شد.

سه بعد از ظهر در سالون سینمای دانشگاه مجمعی گرد آمده بودند. آقای سرعبدالرحمن که رئیس دیوان عالی مدرس بوده، ولی فعلاً در لاهور رئیس دانشگاه است نطق افتتاحیه را ایراد و نسبت به ما خیلی اظهار لطف کرد. بعد از آن من چند کلمه صحبت کردم و در معرفی دانشگاه تهران و دعوت محصلین به آن مدرسه. آنگاه نوبت به آقای رشید یاسمی رسید. شرح مفصلی در باب مسعود سعد سلمان شاعر معروف

غزنوی لاهوری بیان کردند و بسیار خوب و بلیغ و نافع بود و حضار غالباً فارسی می فهمیدند.

صبح هفدهم - (دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۲۲ - ۱۳ مارس ۱۹۴۴ م). (لاهور - علیگره).

صبح با حاکم لاهور و خانم ایشان وداع کرده قوطی سیگار نقره کار اصفهان همراه بود به یادگار تقدیم ایشان شد، البته شیء مهم و قابل ذکری نبود ولی چون متأسفانه هدایای نفیسی همراه نیست ناچار به این اشیاء یادگار مهمان‌نوازی قناعت می‌کنیم. به اتفاق دو نفر آجودان نظامی حاکم به میدان طیاره رفته و با طیاره ساعت ده و نیم از لاهور حرکت کردیم. از صحراهای پنجاب و دهلی عبور کردیم. شهر دهلی را در زیر پای خود دیدیم. منظره قلعه دهلی و رود جمنا و مقبره همایون و تغلق منار به خوبی نمایان بودند. مقارن ظهر طیاره در فرودگاه علیگره فرود آمد. دکتر سر ضیاءالدین رئیس دانشگاه و پروفیسور هادی حسن معلم زبان فارسی در میدان به استقبال آمده بودند. با کمال بشاشت و مهربانی پذیرایی کردند. پروفیسور هادی حسن که مادرش ایرانی است و فارسی را مانند آب روان حرف می‌زند نزد ما آمد. آشنایی داد و گفت: «من آن سرو طناز را می‌شناسم»^(۱) معلوم شد در هنگام جشن هزار ساله فردوسی به مشهد آمده بود. با اتومبیل به شهر رفتیم. رفقا را در منزل یکی از اعیانزاده‌ها ابن سعید پسر نواب چاتاری که پدرش صدر اعظم دکن است جا دادند و برای ما در منزل سر ضیاءالدین منزل معین کرده بودند. نهار را در خانه نوابزاده صرف کردیم و بعد از ظهر استراحت نمودیم. در باغ عمومی شهر چادری افراشته و مجلس چای فراهم کرده بودند و جماعتی از مردم شهر در آنجا جمع بودند. شخصی هندو که جوان دانشمندی بود نطقی نموده و خیر مقدم گفت ضمناً اشاره کرد که مابین ایرانیان قدیم و هندوان مخالفتی در دیرین بوده است همانظوری که همیشه دو برادر را بیش از دو پسرعمو اختلاف است و این اختلاف در مبانی و عقاید آنها ظاهر است، چنانکه کلمه دیورا هندوان برای خدا استعمال کرده‌اند و ایرانیان برای اهرمن و در این باب بحث لغوی بسیار شد و هر یک از آقایان اجتهادی کردند. از همه بهتر استشهادی بود که به قول فردوسی شد که فرموده است «تو مر دیورا

۱- [مصراع دوم و بیت بعد آن این است: من آن مایه ناز را می‌شناسم

به گوش من آمد سحر بانگ پایی تو بودی من آواز را می‌شناسم (م.د.).]

مردم بد شناس». بعد از آن چند نفر دیگر از اهالی محل نطقهایی کردند و جوابهایی داده شد. اول شب در سالون بزرگ دانشگاه که موسوم است به (Strategy Hall) اجتماع عظیمی از محصلین و معلمین بود. صدر مجلس آقای سر دکتر ضیاءالدین احمد که پیرمرد دانشمندی است و رئیس دانشگاه است و پرفسور ریاضیات و در فن تعلیم و تربیت نیز متخصص است با نطق مختصر ولی با محبت و گرم مجلس را افتتاح نمود. من به او گفته بودم که در حدود چهل سال قبل یعنی در سال ۱۹۰۳ که از علیگره میسیونری به شیراز آمده و بنا بود که جمعی از جوانان شیراز را برای تحصیل به آن مدرسه ببرد از آن جمله من نیز برای این امر کاندیدا بودم و زمانی پدرم با اعضای آن میسیون صحبت می‌کردند. یکی از افراد آن هیأت را که هنوز زنده است به من معرفی کردند موسوم به عنایت حسین، پیرمردی بود که متجاوز از هفتاد سال از عمر او می‌گذشت. آقای سر ضیاءالدین در ضمن نطق خود اشاره به این سابقه کردند. بعد از او دکتر هادی حسن نطق مفصل و بلیغ و جالبی نمود. مقدار زیادی اشعار فارسی از حفظ خواند و حقیقتاً مورد اعجاب و تحسین بسیار بود. آقای یاسمی اشعار خود را در قصیده‌ای که اخیراً ساخته‌اند در آنجا قرائت کردند و مطلع آن قصیده این است:

آورد دوش طوطی شکرستان هند خرم بشارتی سوی ما از زبان هند
 باز هم موضوع اقبال پیش آمد. بعضی از محصلین اظهار حرارت و تمجید بسیار از اقبال می‌کردند. من بدون اینکه وارد موضوع شوم در ضمن نطق جوابیه خود که در تشکر از حضار بیان کردم و از دانشگاه علیگره ستایش نمودم و از سر ضیاءالدین و پرفسور هادی حسن تمجید نمودم اشاره به سفر خود کردم و دو بیت از اقبال به طور استشهاد نقل نمودم و آن دو بیت این است:

شنیدم کوکبی با کوکبی گفت در این دریا امید ساحلی نیست

صبح هیجدهم - (سه شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۲۲ - ۱۲ مارس ۱۹۴۴ م). (علیگره).

امروز صبح تا ظهر وقت ما مصروف تماشای دانشگاه عظیم علیگره شد که تنها دانشگاه مسلمانان هندوستان است. نخست یک عده از جوانان دانشجو با اونیفورم سبز سوار بر اسب اطراف اتومبیل ما را احاطه کرده با نظم و ترتیب از منزل به دانشگاه رفتیم. بعد از استراحت عصر به تالار اتحادیه محصلین رفتیم در تمام دانشگاههای هندوستان اتحادیه به رسم اونیونها (Unions) دانشجویان اونیورسیتته‌های آکسفورد و

کمبریج دایر است که رئیس و نایب رئیس و سکرتر و کتابخانه دارد. رئیس اتحادیه دانشگاه علیگره جوان بسیار باهوش و لایقی بود با اسم شمس اتھنی. نطق گرم و آتشی در تبریک ورود ما تقدیم نمود. چون نوبت نطق جوابیه به من رسید، از سقف روزنی قریب چند دقیقه بر سر ما گل نثار کردند به طوری که در زیرگل مستغرق شدیم. از این همه بروز احساسات غرق عواطف شرم و سپاس و محبت شده، با زبان الکن جوابی بر آن همه مهربانی گفتیم. و بعد از آن هر یک از رفقا رشید یاسمی و پورداود قطعه‌ای از اشعار خود قرائت کردند. آقای پورداود قطعه‌ای در هجو سلطنت قاجاریه ساخته بود ترنم نمودند مملو از فحش و دشنام به سلاطین قاجار. من ندانستم وجه مناسبت آن با این مجلس چه بود.

صبح بیست و یکم - (جمعه ۲۶ اسفند ۱۳۲۲ - ۱۷ مارس ۱۹۴۴ م). (الله آباد).

امروز صبح به دانشگاه کهنسال الله آباد رفتیم. دکتر امرنات چاکه از افاضل دانشمندان و ادبای هند است، وایس شانسلر دانشگاه است ما را پذیرایی کرد. دیشب در منزل سر سپرو آشنا شدیم. امروز محتاج معرفی نبود. در تالار اونیورسیتیه مجلسی گرد کرده بود از رؤسا و اساتید دانشکده‌ها. بعد از آنکه نطقی در معرفی افراد هیأت نمود، من جواب گفته در آنجا حکایتی به نظم رسید و ذکر کردم که در افسانه‌های میتولوژی قدیم ایران حکایتی است که دو نفر برادر از هم جدا شدند یکی به مغرب رفت و یکی به مشرق. آداب و عادات و سنن و معلومات خانوادگی خود را فراموش کردند و جز دو نغمه موسیقی که در نی‌های خود می‌نواختند چیزی دیگر اعقاب آنان نمی‌دانستند. بعد از قرن‌ها زادگان ایشان اتفاقاً یکدیگر را ملاقات کردند و به وسیله همان نغمات موسیقی همدیگر را شناختند و با یکدیگر انس گرفتند. ایران و هند هم در مثل مانند آن دو برادرند و فرهنگ و ادب نغمه موسیقی است که اعقاب این دو ملت را بعد از هزاران سال به یکدیگر نزدیک می‌کنند. این قطعه خیلی اثر کرد، تمام روزنامه‌ها نقل کردند و آقای یاسمی به شعر فارسی نقل نمودند و بعداً ترجمه شد. در سالون اونیورسیتیه نطق مشروحو قریب به یک ساعت راجع به معارف ایران و ترقی تعلیمات به انواع مختلف بیان نمودم که اساتید و حضار خیلی ذیعلاقه شده یادداشتها برداشتند. بعد از آن به اتفاق رئیس دانشگاه در اطراف دانشکده‌ها گردش کردیم. همه جا رؤساء دانشکده‌ها توضیحات مفصل می‌دادند.

ساعت چهار بعدازظهر در تالار دانشکده ادبیات اجتماع عظیمی از وجوه اهل شهر و محصلین و اساتید دانشگاه فراهم آمده بود. بعد از صرف چای دوباره مجلس جمع شده آقای پورداد نطق کرده از فیلولوژی صحبت نمود و آقای دکتر صدیقی ترجمه کرد ولی ظاهراً غلط ترجمه کرده و اعتراضات بسیار نموده بود. از این رهگذر اوقات آقای پورداد خیلی تلخ بود. مجلس پذیرایی و نطقها منقضی شد. چند دقیقه مجال بود به گردش رفتیم. با اتومبیل به محل التقای دو رودخانه عظیم جیمنا و گنگ رفتیم که هم در آنجا اکبرشاه پادشاه معروف هند قلعه مفصلی ساخته است که الآن نیز محل استحکامات نظامی است. در روی رودخانه با قایق گردش کرده، غروب آفتاب را تماشا نمودیم.

صبح بیست و پنجم - (سه شنبه اول فروردین ۱۳۲۳ - ۲۱ مارس ۱۹۴۴ م.) (بمبائی).

ساعت پنج در منزل آقای مکلائی که در کنار دریا واقع است و از تجار مسلمان ناحیه سورت می‌باشد و به عادت محلی عمامه از زربفت طلایی رنگ بر سر دارد. در منزل او مؤسسه‌ای دایر است به اسم «تحقیقات اسلامی» که سکرتر آن مؤسسه دکتر آصف فیض رئیس دانشکده حقوق از جوانان دانشمند است. کتاب اعتقادات شیخ صدوق را به انگلیسی ترجمه کرده بود. مؤسسه مذکور مقدار زیادی کتب قدیمه مربوط به عقاید مختلفه شیعیان و اسماعیلیان و زیدیه را به طبع رسانیده و یا ترجمه کرده است. در جواب نطق سکرتر این مؤسسه را به انجام این خدمات ذقیمت به عالم اسلام تبریک گفتم و گفتم که سابقاً زمینه مطالعات و تحقیقات علمی منحصر و محدود به جماعت مستشرقین خارجی بود ولی اکنون موجب مسرت است که خود مسلمانان نیز در این زمینه وارد شده‌اند و به حکم «اهل البیت ادری بما فی البیت» بسیاری از تحقیقات و مطالعات انجام می‌دهند که بیگانگان به آن نایل نمی‌توانند بشوند.

صبح بیست و هفتم - (پنجشنبه سوم فروردین ۱۳۲۳ - ۲۳ مارس ۱۹۴۴ م.) (حیدرآباد).

صبح برخاسته شروع به انجام برنامه مقرر نمودیم. نخست به دانشگاه که موسوم است به «جامعه عثمانیه» رفتیم. در خارج شهر حیدرآباد در محل مرتفعی در صحرایی که جابه جا صخره‌های گرانیت آثار آتشفشانی قدیم از خاک برون آمده و با اشجار عالیه مزین است محلی را برای دانشگاه معین کرده و یک عمارت مجلل برای دانشکده

ادبیات ساخته‌اند که طبقه اول آن به استیل هندی قدیم و طبقه دوم آن به استیل اسلامی است و ترکیبی از معماری هند اسلامی و هندی دارد.

شب را در منزل نواب احمد سعیدخان نواب چاتاری (Chatary) که صدر اعظم است به شام مهمان بودیم. مشارالیه از اهل راجپوتاناست و بروتهای برکشیده به اسلوب قیصر ویلهلم دارد. فارسی را نیز کمی می‌داند ولی او نیز مانند سایر سکنه حیدرآباد همه اردو صحبت می‌کنند. شخصی از اهالی آنجا موسوم به سیدابوالحسن که از محترمین است و فعلاً متقاعد است بالحن و آواز اشعار قآنی را می‌خواند. آقایان یاسمی و پورداد نیز از اشعار خود قرائت و مجلس را گرم کردند. به این ترتیب یک روز ما در حیدرآباد دکن به آخر رسید.

صبح بیست و نهم - (شنبه پنجم فروردین ۱۳۲۳ - ۲۵ مارس ۱۹۴۴ م.) (حیدرآباد).

امروز صبح جامعه نظامیه را دیدن کردیم. در فضای مدرسه چادری افراخته و محصلین جمع بودند. مفتی عبدالقدیر رئیس جامعه و جمعی دیگر از اعضاء و معلمین پذیرایی کردند و بعد از قرائت چند آیه از قرآن کریم اشعار فارسی انشاء کرده بودند قرائت نمودند. بعد از آن اینجانب نیز نطقی در ایفاء تشکر و تقدیر از اولیاء این مدرسه اسلامی ایراد نمودم و سپس به کتابخانه رفتیم. مجموعه خوبی از نسخ خطی و چاپی به زبان فارسی دارد. از جمله کتاب خطی به عنوان^(۱) از جامی مشاهده کردم که اسم آن را در فهرست تألیفات مولانا ندیده بودم. یادداشتی از روی آن برداشتم که جداگانه ثبت کرده‌ام. بعد از آن کالج طب و مریضخانه را دیدن کردیم. در لابراتوار یک دانه مار معروف هند (کبرا) مشاهده کردیم. دیدنی بود. بعد به کتابفروشی رفتیم به نام «مکتبه حیدریه». شخص خراسانی آن را دایر کرده است و سالهاست در اینجا ساکن است. کتابهای فارسی چاپ هندوستان زیاد دارد ولی همه به طور انبار است و فهرست منظمی نداشت. هوا هم گرم و مجال هم کم بود. آن قدر که مقدور بود نگاهی کرده چند نسخه کتاب خریداری کردیم و منزل آمدیم.

صبح سی و سوم - (چهارشنبه نهم فروردین ۱۳۲۳ - ۲۹ مارس ۱۹۴۴ م.) (بنگلور - میسور).

۱- [جای نام کتاب سفید مانده است (م.د.)].

امروز از بنگلور که مرکز دولت میسور است به شهر میسور که تختگاه مهاراجه است باید برویم. خوشبختانه خط سیر ما با اتومبیل خواهد بود. سیصد کیلومتر مسافت را به مدت سه ساعت عبور کردیم و ساعت یازده به شهر میسور رسیدیم. پس از اندک استراحت به شهر رفتیم. کتابخانه و مؤسسه آثار باستانی «آرکئولوژیک» را دیدن کردیم. رئیس مؤسسه هندویی دانشمند بود موسوم به دکتر کریشنا. بسیار مرد عالم و مطلعی بود و با همه فضل و کمال لباس ساده و رفتاری متواضع داشت. نمونه از کتیبه‌های قدیم ادوار تاریخی هندوستان را جمع کرده بودند به ما ارائه داد. یک کتیبه زیبایی از زمان آشوکا پادشاه معروف هند که بعد از اسکندر در تمام هندوستان امپراطوری عظیمی تشکیل داده و چهل سال سلطنت کرده است در آنجا به نظر رسید که تماشایی بود و آخر آن یک نفر ایرانی امضاء کرده بود.

صبح سی و هفتم - (یکشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۲۳ - سوم آوریل ۱۹۴۴ م). (حیدرآباد - بمبئی).

امروز سیزده فروردین است. در ایران همه «سیزده به در» می‌کنند، ما نیز سیزده به در مفصلی کردیم یعنی با طیاره از حیدرآباد پرواز نمودیم و به بمبئی رفتیم خط سیر ما از روی فلات دکن عبور کرده جبال غربی شبه جزیره هندوستان را طی نموده از روی شهر پونا گذشتیم و ساعت شش صبح حرکت کرده ساعت نه و نیم به میدان طیاره بمبایی که در «جهور» واقع است پیاده شدیم.

در میدان طیاره جناب آقای الله‌یار صالح و آقای ابوالقاسم پناهی کونسول ایران در بمبایی و آقای محمد حجازی و آقای فیتز منشی انجمن ایران لیگ که از پارسیان است منتظر مقدم ما بودند. با اتومبیل آقای صالح به هتل تاج محل که به تخفیف [تاج هتل] (Taj Hotel) می‌گویند رفتیم. در جناح جنوبی یک آپارتمان شامل دو اتاق خواب و یک سالن برای ما کرایه کرده بودند از قرار روزی شصت روپیه با صرف غذا. آقای پورداد بدون آنکه به ما اطلاع بدهد ما را ترک کرده به نزد پارسیان رفت و طفیل آنان شد. ولی این حرکت پسندیده نبود زیرا ما هیئت اعزامی مأمور دولت هستیم و می‌بایستی به خرج خودمان با آبرومندی رفتار نماییم. این مبلغ جزئی که به مصرف هتل و غیره می‌رسد چندان اهمیتی ندارد. روی هم رفته در این سفر معلوم شد که این مرد عمق و عقل زیادی ندارد و بسیار با سوءظن و ممسک است. در هتل جماعتی از ایرانیان به دیدن ما آمدند.

صبح چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۲۳ - ششم آوریل ۱۹۴۴ م. (بمبائی).

از امروز قرار گذاشتیم که از منزل بیرون نرویم، در منزل مانده مشغول تهیه و تحریر گزارش سفر خود هستیم. نقشه گزارش را به اتفاق آقای یاسمی طرح کرده و مشغول شدیم. گزارش ما دارای هفت فصل خواهد بود به این قرار:

- ۱- مقدمه.
- ۲- شرح مسافرت.
- ۳- اقدامات.
- ۴- معاینه مراکز علمی.
- ۵- مختصری از اوضاع هند.
- ۶- پیشنهادها.
- ۷- خاتمه.

صبح چهل و دوم - (جمعه ۱۸ فروردین ۱۳۲۳ - هشتم آوریل ۱۹۴۴ م.) (بمبائی).

صبح در منزل مشغول تهیه گزارش بودیم. ترتیب منظمی داده شد. مطالب را بر طبق یادداشت‌هایی که دارم نگارش و تحریر می‌کردم. آقای یاسمی نیز یک قسمت را بر عهده گرفته می‌نوشتند.

رادیوی تهران اطلاع می‌داد که اعتبارنامه من در مجلس مورد مذاکره شده و یک نفر اظهار کرده است که در شماره آراء فیما بین من و آقای تهرانی اختلافی روی داده است. به شعبه رجوع کرده‌اند که مجدداً رسیدگی نمایند. من فوراً فهمیدم که حقه‌بازی و فریب را شروع کرده می‌خواهند به این بهانه اعتبارنامه تهرانی را بعد از من بگذرانند. من فکر کردم که کار را به خدا واگذار کنم. «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ»^(۱) ولی با آنهمه گذشت و جوانمردی که درباره شیخ حسین تهرانی نمودم این رفتار او بر خلاف آیین وفا و جوانمردی است. پادشاه او را نیز به خدا واگذار کردم.

صبح چهل و پنجم - (دوشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۲۳ ش - ۱۱ آوریل ۱۹۴۴ م.) (بمبائی).

امروز مطابق برنامه معموله همه روزه سپری شد. صبح مقرر شده بود که برای تقدیم

۱- [قسمتی از آیه ۸۴ از سوره ۱۷ اسری قرآن کریم (م.د.)].

مراسم وداع به منزل حاکم بمبائی برویم. ساعت ده آقای پناهی کنسول به هتل آمده به اتفاق به عمارت حاکم رفتیم.

پوردادو بکلی خود را کنار کشیده و ابداً تن به کار نمی‌دهد. عصر به اتفاق آقای خلیلی شیرازی به کتابفروشیهای معتبر بمبائی رفتیم. در کتابفروشی موسوم به (The New Book Co.) چند جلد کتاب لازم بود خریداری کردیم. شب را در هتل بعد از صرف شام باز به کار مشغول بودیم و مقداری از راپرت را تحریر نمودم.

صبح پنجاهم - (شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۲۳ - ۱۶ آوریل ۱۹۴۴ م.) (بمبائی).

صبح سر رستم مسانی به دیدن ما آمده بود. در باب مساعدت و اعانه به زلزله زدگان گرگان از سه انجمن خیریه پارسیان هر کدام مبلغ ده هزار روپیه که جمعاً سی هزار روپیه می‌شود چک به نام من نوشته بودند. خیلی تشکر کردم ولی خواهش کردم که حواله را تلگرافاً به تهران بفرستند. گفتند می‌خواهیم توسط شخص موثق و معتمدی باشد. آقای دکتر سعیدخان لقمان الملک را معرفی کردم و توسط او این وجه ارسال گردید و من شرحی در جواب مراسله ایشان نوشته تشکر کردم و توسط آقای فیتز فرستادم.

شب را آقایان تجار آسیاتیک استور یعنی آقایان گشتاسب و بهرام فلاحزاده ایرانی در کلوب به شام ما را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام نطقهایی هم به عمل آمد. آقای پوردادو نطق مضحکی کرد و گفت من برای مهمانی حاضریم و خواهش دارم که از این گونه مجالس مهمانی زیادتر فراهم آید. بعد از عکسبرداری هم پیاده به منزل آمدیم.

صبح پنجاه و دوم - (دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۲۳ - ۱۸ آوریل ۱۹۴۴ م.) (بمبائی).

صبح برای خرید کتاب فارسی به بازار رفتیم. در «عمرکها روی» که محله شیعه‌هاست کتابفروشی چندی بود ولی کتاب فارسی نداشتند. یک نفر ایرانی موسوم به جهرمیزاده یک جلد کتاب «التعرف فی التصوف» داشت خریداری نمودم. بعد از آن به بالاخانه پسر ملک الکتاب که بقایا و آثار کتب مطبوعه پدر را دارد رفتیم. جوان روشنی است. مقداری کتاب فارسی داشت، چند جلدی انتخاب نمودیم. نزدیک ظهر به منزل مراجعت کرده و از فرط گرما و سنگینی هوا نزدیک به هلاکت بودیم.

امروز عصر در مدرسه ایرانیان آقای خلیل دهدشتی تجدید دعوت کرده بودند به آنجا رفتیم. جمعیت کثیری از رجال و نسا جمع بودند. آقای دهدشتی و آقای ماجدی معاون

ایشان زحمت بسیار کشیده بودند و شاگردان را برای نطق و خطابه و خواندن اشعار و حکایات مشق داده و حاضر کرده بودند. طفلی قطعاً بلیغی از مثنوی «حکایت فلاح و نحوی» و طفل دیگری قصیده خاقانی «هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان» و سومی قطعاً ناصرخسرو «روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست» با حرکات و ژست (geste) خواندند. دو نفر دیگر دو قطعه از درامهای شکسپیر یکی از درام ژول سزار نطق انتخابی و دیگری از درام تاجر ونیزی مکالمه شارلوت را خواندند و خوب ادا کردند، بعد اطفال دو نمایش طولانی از شاهنامه اقتباس کرده بودند. داستان ضحاک و فریدون و کاوه و نمایش داستان رستم و اسفندیار را بخوبی نمایش دادند. حقیقتاً به منتهای کمال تهیه شده بود. بعد آقای دهدشتی نطق بلیغی نمود و از من خواهش نمود که جوایز را تقسیم کنم. من نیز در جواب صحبت مفصلی کردم و از اینکه خانها در این مجلس حاضر شده و از هو و جنجال بعضی متعصبین و جهال نیندیشیده‌اند تلویحاً اشاره کردم. آقای دهدشتی خیلی ممنون شد. جوایز را تقسیم کردم و در میان ستایش و شاباش و لبهای متبسم و صورتهای خندان برادران و خواهران عزیز مجلس خاتمه پذیرفت. شب در هتل استراحت کردم و بیرون نیامدم.

صبح پنجاه و چهارم - (چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۲۳ - ۲۰ آوریل ۱۹۴۴ م). (بمبائی).

صبح مستر فیتز منشی انجمن ایران لیگ به اتفاق آقای فریدون به دیدن آمده بودند. آقای فریدون از تجار معتبر و از پارسیان صاحب سرمایه است و دارای دستگاه تیاتری است در شهر بمبائی که به زبان اردو نمایش می‌دهد. امشب را از ما دعوت نمود که به تیاتر او برویم. قبول کردیم به این شرط که مساعدتی هم به زلزله‌زدگان گرگان بنماید. شب به اتفاق آقای ابوالقاسم پناهی کنسول ایران در بمبائی و آقای خلیلی شیرازی و آقایان صالح و حجازی و خانمهای ایشان بر حسب دعوت آقای فریدون به تیاتر اردو رفتیم. موضوع نمایش داستان «همایون» امپراطور مغولی است که مورد حمله شیرخان افغان قرار گرفت و فرار کرده به شاه تهماسب صفوی پناه برد و از او عُدّت و عُدّت گرفته دوباره به هند آمد و مملکت خود را از آنها استرداد نمود. داستان «دراما» و خیلی جالب بود و نمایش همه به زبان اردو بود.

صبح پنجاه و پنجم - (پنجشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۲۳ - ۲۱ آوریل ۱۹۴۴ م). (بمبائی).

عصر به اتفاق فیتز منشی ایران لیگ و آقای صالح و جمعی از پارسیها به تماشای مجسمه فردوسی رفتیم. این مجسمه را پارسیان بمبائی قبل از جنگ تهیه کرده و از برنز ساخته‌اند و به موجب قانون مصوب تا ساحل ایران مخارج را قبول کرده‌اند. از سر حد ایران تا پایتخت و همچنین مخارج نصب و ساختمان آن به عهده ایران است و اینک چندین سال است که بلا تکلیف مانده و کاری انجام نمی‌دهند. مدتی در تهران صحبت بود که آن را در کجا نصب کنند. آقایان پارسیان خواهش داشتند که تکلیفی برای آن معین شود. برای آنکه به رأی العین آن را مشاهده نماییم به اتفاق آقایان با اتومبیل به آتلیه مجسمه ساز رفتیم که در دهی در خارج شهر بمبائی می‌باشد و نیم ساعت راه مسافت دارد. در نزدیکی «جهور» می‌باشد. مجسمه را تماشا کردیم. انصافاً زیبا و خوب و محکم ساخته شده است و برای محل نصب آن از روی نقشه و تناسب ارتفاع آن با محل به نظر من همان میدان فردوسی است که در انتهای خیابان فردوسی در اول فیشر آباد واقع شده است. از مجسمه ساز که هندوی بسیار فهمیده و لایقی است تشکر کردم و خواهش کردم که آن را به بندر شاهپور حمل نمایند. وعده کردم که در تهران شهرداری تهران را به اهمیت و زیبایی مجسمه آگاه سازم.

صبح شصت و یکم - (چهارشنبه ششم اردیبهشت ۱۳۲۳ ش - ۲۷ آوریل ۱۹۴۴ م). (دریای عربستان. کشتی و سنگ).

امروز باید به عون و عنایت الهی خاک هند را وداع گفته و از دریا گذار کرده عازم وطن شویم. مسافرین که همراه هستند عبارت‌اند از آقای رشید یاسمی و آقای محمد حجازی و خانم ایشان و آقای حاجی محمد خلیل خلیلی شیرازی. پورداد هم که خیال اقامت داشت در این دو روزه تغییر عزیمت داده همراه است.

سفرنامه اول شیراز

(جمعه بیست و پنجم اسفند ۱۳۲۳ تا شنبه هجدهم فروردین ۱۳۲۴ شمسی
(دفتر هفتم) (بیست و سه صبح دنباله صد صبح دهم)

پیوست ۲:

سفر به شیراز (جمعه ۲۵ اسفند ۱۳۲۳ - ۱۸ فروردین ۱۳۲۴).

صبح اول - (۲۵ اسفند ۱۳۲۳ شمسی) (تهران - قم - اصفهان).

در اوایل اسفند درصدد برآمدم که برای رفع خستگی و ترویج نفس و تغییر زندگی ایام تعطیل نوروز را مسافرتی به یکی از بلاد داخله ایران بنمایم. با دوست فاضل و ادیب گرامی آقای فروزانفر (بدیع الزمان) نیز این عزیمت را در میان نهادم. وی نیز در این باب موافقت نمود و قرار گذاشتیم به سوی اصفهان قصد حرکت کنیم. سپس از اصفهان منصرف شده آهنگ مشهد طوس کردیم. ناگهان آقای حسنعلی حکمت اخوی گرامی از شیراز وارد شده، ما را به شیراز دعوت نمود و معنی «عرفتُ الله بفسخ العزائم و نقض الهمم»^(۱) به ظهور پیوست.

پس به قصد شیراز مصمم شدیم. کارهای جاری تهران را از درس و بحث و مطالعه و تحریر و تصویر و غیره به جایی رسانیده و روز جمعه بیست و پنجم اسفند از تهران به عزم شیراز بیرون آمدیم.

ساعت هشت صبح فرزندان را وداع کرده به اتفاق اخوان کرام: آقای حسنعلی حکمت و آقای دکتر محمدعلی حکمت و در مصاحبت دوست دانشمند آقای فروزانفر رو به راه نهادیم.

صبح سوم - (یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۲۳ شمسی) (شیراز).

هوای شیراز در منتهای لطف و حرارت بهاری است. هرچند نزدیک به یک ماه است باران نباریده و قدری خشکی مانع سرسبزی صحرا و چمن است معذک کمال لطافت را دارد.

۱- [کلامی است از حضرت علی علیه السلام به معنی «خدای را شناختم به اینکه قصد و عزیمتها را فسخ

می‌کند و همتها را می‌شکند.»].

صبح به اتفاق آقای فروزانفر در صحرای نزدیک مصلی و کنار رودخانه قدری راه رفته تنفسی کردیم. دوستان قدیم و خویشاوندان و مأمورین رسمی جمعی کثیر به دیدن آمدند و تا اول شب به پذیرایی مشغول بودیم. از جمله اشخاصی که دیدن کردند، آقای آقا سیدنورالدین مجتهد است که مرجعیت و محبوبیت بین طبقه عوام و خواص دارد. علاوه بر فضایل فقهی دارای معلومات ادبی و فلسفی و تاریخی می باشد. دارای خط خوب و انشاء سلیس به سبک قدماست. در شعر تخلص «نور» می نماید. مردی است بسیار خوش قریحه و باهوش و علاقمند به دیانت اسلام. هرچند قدری حبّ تظاهر و ریا از حرکات او مشهود می شود، ولی فهم و هوش ثاقب و نظر صائب دارد. بسیار محبت و لطف ابراز فرمود. پدرش مرحوم میرزا ابوطالب شیرازی نیز با والد حقیر در بدو مشروطیت دوست و برای آزادیخواهی و مبارزه با مستبدین محلی همقدم بوده اند.

دیگر آقای محیی الدین مزارعی است که از اجله ملاک و متمولین شیراز است و از خانواده مرحوم آقا سید جعفر مزارعی مجتهد معروف است که در دوره چهارم وکیل شیراز بود و در مجلس به اتفاق مرحوم سید حسن مدرس بدو تغییر رژیم با رضاشاه که می رفت سلطنت را تغییر بدهد مخالفت های شدید نمود. سید خونگرم و با محبت است. در او ان شباب نزد مرحوم ملا غلامحسین لغوی با یکدیگر سیوطی می خواندیم و از همان وقت رابطه محبت فیما بین برقرار است.

دیگر آقای سعادت عبدالکریم که از قدماء فضلا و دانشمندان شیراز است مدرسه سعادت بوشهر را در بدو مشروطیت او و برادرش مرحوم محمدحسین سعادت تأسیس کردند و این دو برادر از خدمتگزاران قدیم معارف می باشند. آقای شیخ عبدالکریم سعادت مؤلف کتابهای تحصیلی چند است. ولی اینکه از کارهای علمی کناره گرفته به زراعت مشغول است. او نیز مثل سایر شیرازیها بسیار با محبت و خونگرم و از دوستان دیرین است.

اوایل شب به اتفاق آقای فروزانفر قدری در خیابان زند قدم زده تنفسی کردیم و تا نزدیک بیمارستان سعدی رفتیم و مراجعت کردیم.

صبح پنجم - (سه شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۲۳ شمسی) (شیراز).

امروز صبح در منزل بودم. مهمان داشتم. پذیرایی دوستان ادامه دارد. جمعی از علماء به دیدن آمدند.

عصر به اتفاق آقای بدیع الزمان و آقای صدرات رئیس محکمه شهرستان که در بین راه بر ما وارد شدند به زیارت بقاع شعرا و بزرگان رفتیم. حافظیه و آرامگاه حافظ و تکیه چهل تنان و هفت تنان و سعدیه و آرامگاه خواجوی کرمانی را زیارت نمودیم. بنای آرامگاه حافظ که به سعی و اهتمام و خون جگر چندساله نویسنده این سطور با کمال ظرافت و زیبایی برافراشته شده است متأسفانه توجه و عنایتی در حفاظت و نگهداری آن نمی‌شود. یک خشت کاشی کتیبه قشنگ آن افتاده بود و در فاصله احجار علف رویده و بعضی اشخاص بی‌ادب در اطراف گنبد خواجه قبر احداث کرده بودند. این وضع خیلی اسباب تأثر و تأسف من گردید.

در سر مزار خواجو که کنار آب رکنی تنگ الله اکبر قرار دارد اندک توفقی کرده چای نوشیدیم. آقای صدرات شاعر باذوقی است و غزلهای لطیف می‌گوید و سبک خاصی دارد و تخلص «نسیم» می‌نماید. این غزل را برای ما خوانده خیلی محفوظ شدیم.^(۱)

صبح هشتم - (جمعه سوم فروردین ۱۳۲۴ شمسی) (شیراز).

صبح عازم مسافرت به مرودشت هستم. این بلوک که در پنجاه کیلومتری شیراز واقع شده است مرکز فارس و جایگاه خرابه‌های تاریخی تخت جمشید می‌باشد. رود کر که از کوههای رامجرد و کامفیروز سرچشمه گرفته و منتهی به دریاچه بختگان می‌شود از جنوب جلگه مرودشت می‌گذرد و در آخر این بلوک در نقطه مناسبی امیرعبداللّه دیلمی بر آن بندی و سدّی بسته است در حدود سنه ۳۵۰ هجری قمری، تا امروز که هزار سال می‌گذرد آن سدّ به استحکام خود باقی است.

ساعت سه بعدازظهر به تخت جمشید رفتیم. دستگاه تخت جمشید در تحت اداره باستانشناسی در وزارت معارف است. شخصی موسوم به «سامی» از طرف آن اداره متصدی حفاظت و نگاهداری می‌باشد و عملیات خاکبرداری هم کم و بیش آنجا به عمل می‌آید. چیز تازه که در این سفر مشاهده کردم سر ستون بزرگی بود که دو شیر بر آن نصب کرده بودند. ظرافت آن شیرهای حجاری شده و دقت و قشنگی آن قابل وصف نیست.

۱- [جای غزل سفید مانده است. (م.د.)]

صبح نهم - (شنبه چهارم فروردین ۱۳۲۴ شمسی) (شیراز).

صبح به موزه شیراز رفتیم. آقای رئیس معارف فارس، صادقی نژاد و آقای رئیس موزه پارس، استخر نیز حضور داشتند. بعضی قرآن‌ها و آثار خوب در آنجاست. طرح تشکیل شعبه انجمن آثار ملی را در شیراز آنجا مذاکره نمودم و به نظر رسید در شیراز و اصفهان و مشهد و تبریز شعبی تشکیل گردد که اعضاء آن کارمند انجمن آثار ملی شمرده شوند و از اهل علم و فضل هر محل که به تاریخ و جغرافیا و آثار تاریخ حوزه خود علاقه و بصیرتی داشته باشند انتخاب شوند.

صبح دهم - (یکشنبه پنجم فروردین ۱۳۲۴ شمسی) (شیراز).

ساعت پنج بعدازظهر مستر جکینس (H.G. Jakins) قونسول انگلیس و مستر جکسن ویس قونسول و همچنین آقای راست (نیکالا) روس که از اشخاص محقق و متتبع است و در لغت فارسی و تاریخ ایران تحقیقات و مطالعات دارد با خانم او و میس الاجرالد رئیسه مدرسه بهشت آیین به چاپ دعوت داشتند و تا ساعت هفت از ایشان پذیرائی می‌شد. مستر جکینس قونسول انگلیس مرد سنجیده و فهمیده است و مدت‌ها در بلاد عربی زبان بوده، عربی و فرانسه می‌داند. در ضمن صحبت‌های ادبی سخن در باب ترجمه کتاب تاریخ ادبیات ایران تألیف براون به میان آمد. وی از شاگردان مرحوم براون است. پیشنهاد کرد که ترجمه جلد سوم آن تاریخ را که حقیر انجام داده‌ام در کمبریج به طبع برسد. قرار شد در این باب با مستر اون رئیس شورای بریتانیا صحبت شود و نیز پیشنهاد می‌کرد که در بریتیش اینستیتوت شیراز چند کلمه صحبت کنم. تصور می‌کنم که کار مفیدی باشد.

صبح چهاردهم - (پنجشنبه ۹ فروردین ۱۳۲۴ شمسی) (شیراز).

عصر مستر ساندرسن (Sanderson) که رئیس «شورای بریتانیا» و انجمن فرهنگی ایران انگلیس در شیراز می‌باشد به دیدن من آمده بود، هم او و هم قونسول اصرار بلیغی دارند که در انجمن فرهنگی خطابه‌ای ایراد نمایم. چون کتاب و مواد مراجعه در دسترس ندارم کار مشکلی است. وعده کردم روز شنبه به کتابخانه انستیتو بروم و در آنجا با مراجعه به کتب موجود تصمیمی گرفته شود.

صبح شانزدهم - (شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۲۴ شمسی) (شیراز).

صبح به بازدید مستر ساندرسن رئیس انجمن فرهنگی ایران و انگلیس رفتیم. اصرار و تقاضای بسیار دارد که در آنجا خطابه‌ای برای اعضاء انجمن ایراد نمایم. ولی چون منابع و کتب در دسترس نیست و با مراجعه به کتابخانه انجمن نیز مرجع مفیدی به دست نیامد ناچار عذر خواستم. انجمن دارای کلوب و سالونهای ورزشی و کتابخانه و کلاسهای درس انگلیسی است و عمارت بسیار خوبی در خیابان زند اجاره کرده‌اند که اطاقهای متعدد دارد. یک جلد کتاب کوچک در تاریخ انگلیس موسوم به (The Spirit of the English History) تألیف (A.L. Rowse) به من هدیه داد. من نیز یک جلد کتاب ترجمه حکایات شکسپیر تألیف خود را به کتابخانه انجمن هدیه نمودم. با کمال مهربانی و لطف اطاقها و تشکیلات خود را به من ارائه داد. بعد از آن وداع کردیم.

صبح هفدهم - (یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۲۴ شمسی) (شیراز).

به اتفاق آقای بدیع‌الزمان به دیدن آقای ابن یوسف رفتیم. در خانه قدیم مرحوم حاجی شیخ یوسف در محله لب آب نزدیک مسجد آتشیها منزل دارد. جوان بسیار مستعدی بود و به کارهای علمی و ادبی اشتغالی داشت و فهرستها که برای کتابخانه مسجد سپهسالار و کتابخانه مجلس نوشته او را خیلی در همه جا معروف کرده است. ولی حیف که فعلاً دست از کارهای علمی و ادبی برداشته و به شغل آخوندی مشغول شده و در یکی از مدارس قدیمه (مدرسه قوام) به مدرّسی و نظارت در موقوفه مشغول است.

اول شب در منزل آقای روحانی وصال انجمن ادبی شعرا منعقد بود. آقای حشمت لباف و فرزندش احمد حشمت زاده و نوه او محمد حشمتی و آقای استخر و آقای مشیری و آقای مژده شاعر نوجوان و جمعی دیگر حاضر بودند. و وقت به خواندن اشعاری گذشت. آقای احمد حشمت زاده بهاریه لطیفی ساخته بود و از ورود حقیر ما اظهار لطف کرده و خیرمقدم گفته بود که عین آن در این مجموعه ثبت است.^(۱) به قول استخر ورود آقای بدیع‌الزمان یک حرارت و حرکتی در انجمن ادبی که بسیار بیجان و ضعیف است ایجاد کرده و همه به شوق و نشاط هستند. اگر ان شاء الله موفق شوم

۱- [در دفتر موجود نزد این جانب نیست. (م.د.)]

که غالباً فصل نوروز را با یکی از فضلاء و ادباء مرکز به شیراز بیایم موجب خدمت بزرگی به تشحیذ اذهان و تنهیز هم فضلاء شیراز خواهد بود. شب منزل دکتر افخم ضیافتی بود. شام در آنجا صرف شد.

صبح بیستم - (چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۲۴ شمسی) (شیراز).

هوا به کلی روشن و آفتاب تابانی می درخشید و لکه‌ای ابر در آسمان نبود. ظهر ناهار را در بقعه سعیدیه مهمان حسین فصیحی فرزند مرحوم شوریده بودیم. و در آنجا مدفن پدرش شوریده نیز قرار دارد و متولی بقعه نیز اوست.

عمارت بقعه سعیدیه بنایی است که کریم خان زند برپا کرده و اخیراً یعنی در سال ۱۳۰۴ شمسی آقای ابراهیم قوام الملک بر آن تجدید دیواری نموده و اشجار کاجی جدید کاشته و فضایی حاصل کرده است و خیلی خراب و کثیف است. اگر خداوند توفیق دهد و بر آن بنایی یادگاری ساخته گردد کمال توفیق است.

هوای تنگ سعیدی خیلی گرم است و به واسطه گرما و کثافت مگس بسیار دارد. آقای شیفته می‌گفت که اینهمه در اشعار سعیدی ذکر مگس شده است بواسطه آنکه شیخ در آن خانقاه از آن حشره موذی در عذاب بوده است.

از قونسول انگلیس مستر جکینس (M.Jakins) و نایب او مستر جکسن بازدید نموده وداع کردیم. قونسول مرد خوبی است ولی از اوضاع و احوال شیراز خیلی پرت به نظر می‌آید. نظریات و تئوریهایی دارد که به نظر عملی نمی‌آید. از جمله می‌گفت که ایلات قشقای در نظر دارند که به خودی خود تخته قاپو شوند و چادرنشینی و صحراگردی را ترک کنند. گفتم مادام که نفع اقتصادی در این کار نباشد از محالات است و اگر به صرف تربیت و تحول و تکامل تدریجی بخواهیم این مقصود حاصل شود نیاز به صرف زمان و سالها بلکه قرن‌ها طی زمان است.

صبح بیست و دوم - (جمعه ۱۷ فروردین ۱۳۲۴ شمسی) (شیراز - اصفهان).

امروز ساعت چهار بعد از نصف شب چنانکه رسم مسافران سحرخیز است برخاستم و به قصد مسافرت عازم راه شدیم.

سفرنامه

پاریس - لندن

دوشنبه سی ام مهر تا یکشنبه پنجم اسفند ۱۳۲۴ شمسی
(۲۲ اکتبر ۱۹۴۵ تا فوریه ۱۹۴۶ میلادی)
(دفتر هشتم) (صد و بیست و هفت صبح از صد صبح دهم و یازدهم و دوازدهم)

پیوست ۳:

سفر به لندن (۳۰ مهر ۱۳۲۴ - ۱۵ اسفند ۱۳۲۴).

صبح اول - (دوشنبه سیام مهر ماه ۱۳۲۴ شمسی / ۲۲ اکتوبر ۱۹۴۵ م.) (تهران - بیروت).

به نام خداوند مهربان

امروز عازم سفر اروپای غربی هستم. همراهان عبارتند از: آقای دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی - آقای دکتر غلامحسین صدیقی - آقای عیسی سپهبدی که اعضای هیئت فرهنگی می‌باشند.

این هیئت از طرف دولت ایران به انجمن ملل متحد در لندن که برای مطالعه و عقد عهدنامه در امور فرهنگی و تشکیل و تأسیس یک سازمان جدید برای همکاری علمی مابین ملل جهان تشکیل شده است، نامزد شده‌اند.

مقدمات حرکت این هیئت از ماه مرداد گذشته (اوت ۱۹۴۵) فراهم آمده است و پس از صدور ابلاغات و احکام و تصویب‌نامه‌ها و غیره اینک این هیئت رسمیت یافته روز یکشنبه گذشته بیست و دوم مهر به حضور اعلیحضرت شاه شرفیاب شده هیئت معرفی شدند و اجازه مرخصی علی‌الرسم حاصل گردید.

صبح چهارم - (پنجشنبه سوم آبان ۱۳۲۴ / ۲۵ اکتوبر ۱۹۴۵ م.) (بیروت).

امروز صبح به دیدن دانشگاه کاتولیکی بیروت رفتیم. رئیس دانشگاه (Dupere latour) از آباء یسوعی (ژوزئیت) است. رئیس دانشکده طب است ولی فعلاً قائم مقام شانسلر انیورسیتته می‌باشد. مرد بسیار مؤدب و معقولی است. با کمال مهربانی و ادب و احترام از ما پذیرایی کرد و می‌خواست تمام مؤسسات دانشگاه را به ما ارائه دهد. چون وقت دیر بود اکتفا کردیم به تماشای کتابخانه مؤسسه اورینتال (Institut des Letres Oriental). رئیس مؤسسه از آباء یسوعی پیرمرد دانشمندی است موسوم به «الاب موترد». کتابخانه جنب مدرسه متوسطه سن ژوزف واقع شده. بنای جدیدی است که در سال ۱۹۳۸ خاتمه یافته و قریب به صد و پنجاه هزار کتاب دارد و

مطابق اصول فنی جدید ساخته شده است. بعد از آن به تماشای مطبعه کاتولیکها رفتیم. امپرومیری (L Imprimerie Catolique) در آنجاست که کتابهای بسیار مانند المنجد و مجانی الادب و علم الادب تألیف پرشیخور والاسلام تألیف (Lammenos) به طبع رسیده است. در آنجا مجله‌ای به نام (المشرق) طبع می‌شود. آبونمان را پرداخته و مشترک شدم. تماشای مطبوع و مفیدی بود.

عصر بر حسب دعوت پرزیدنت دَج (P.Dodge) که رئیس دانشگاه امریکایی بیروت است به دانشگاه رفتیم. در سالون بزرگ (West Hall) پذیرایی نموده قریب سی الی چهل نفر شاگردان ایرانی مقیم دانشگاه را جمع کرده بودند. در آنجا برای آنها چندکلمه سخن گفته و نصیحت و تشویق نمودم.

صبح هشتم - (دوشنبه هفتم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ۲۹ اکتوبر ۱۹۴۵ م.) (پاریس).

امروز در پاریس به سر بردیم. منظره پاریس همان است که بود. هرجا بروم یادبودهای چهارده سال قبل به خاطر می‌رسد. از ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۲ مدت سه سال و نیم در پاریس بودم. یادگارهای مطبوع و ناگوار زیاد دارم.

از پارک منسو (Parc Monceau) عبور کرده به سفارت ایران رفتیم. در اطاقی که محل انجمن (اتودایرانین) بود ساعتی ماندیم. این انجمن را آقای علا در سال ۱۹۳۱ م/ ۱۳۰۸ ش. تأسیس کرد و از سال ۱۹۳۲ من سکرتر ژنرال انجمن بود. رساله‌ها و کنفرانسهای طبع شده انجمن موجود است و کتابخانه نیز دارد. رئیس انجمن مسیوپلیو (M. Pelio) است که از مستشرقین معروف فرانسه می‌باشد و متأسفانه دو سه روز قبل فوت شده است.

صبح نهم - (سه شنبه هشتم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ۳۰ اکتوبر ۱۹۴۵ م.) (پاریس).

ساعت پنج به منزل پرفسور ماسینیون رفتیم، در همان خانه قدیم خود به آدرس زیر (21 Rue Monsieur, Paris) منزل دارد. بیچاره از ساعت سه و نیم منتظر ما بوده است. باری تجدید دیدار کردم و عذر خواستم. از حسن ختام سفر اخیر خود از ایران به هند و سپس ترکیه حکایت نمود. مبتلا به پادرد شده است. تقریباً ربع ساعتی بیشتر نتوانستم او را ببینم. ملاقات بعدی را به موقع مراجعت از لندن محول کرده و وداع نمودم.

صبح سیزدهم - (شنبه دوازدهم آبان ۱۳۲۴ شمسی / سوم نوامبر ۱۹۴۵ م.) (دیپ - لندن).

ساعت هشت و نیم سوار کشتی شده دریای مانس را طی کردیم. دریا انقلابی داشت. آقای احمد آرام از اجزاء خارجه که با خانم انگلیسی خود عازم آمریکا هستند همراه بودند. خیلی مهربانی کردند. (کابین) و اطاقی گرفته و در آنجا چای گرمی به ما دادند. بعد از آن در اطاق انتظار یا سالون عمومی روی صندلی ساعتی نشستیم تا آنکه کشتی به مقصد رسید و در بندرگاه نیوهاون از کشتی پیاده شده به خاک انگلیس وارد گشتیم. با آقای تقی زاده سفیر کبیر با تلفن صحبت کردم. قرار ملاقات به فردا داده شد. شب شام در هتل صرف شد. ساعت هشت و نیم خوابیدم.

صبح چهاردهم - (یکشنبه سیزدهم آبان ۱۳۲۴ شمسی / چهارم نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

سه و نیم بعدازظهر آقای نوری اسفندیاری (منظم السلطنه) تشریف آوردند. رفقا نیز در همان اوقات آمدند به اتفاق منزل آقای تقی زاده سفیر کبیر رفتیم. پذیرایی و مهربانی کردند و در باب کارها صحبت شد. قرار شد که برای منزل رفقا و دفتر هیئت فردا اقدام نمایند. یک جلد کتاب مجالس النفائس که تازگی طبع نموده‌ام برای آقای تقی زاده هدیه آوردم. شب در هتل با رفقا شام صرف شد. چون محتمل است که فردا در جلسه کنفرانس نوبت نطقی به این جانب برسد، بعد از شام مسوده‌ای تهیه کردم به انگلیسی که اگر مجالی بشود ایراد شود.

صبح پانزدهم - (دوشنبه چهاردهم آبان ۱۳۲۴ شمسی / پنجم نوامبر ۱۹۴۵ م.) (پاریس).

صبح زود برخاستم و کارهای جاری صبحانه را انجام داده مشغول مطالعه اوراق و نوشتجات کنفرانس بودم.

آقای تقی زاده سفیر کبیر تشریف آوردند. از هتل من تعریف کردند و گفتند خیلی خوب است و نباید از دست داد. قرار شد برای رفقا هم اقدام فرمایند جا و مکانی پیدا شود. پاکت مهمور وزارت خارجه را به ایشان تحویل نمودم. به اتفاق ایشان به محل کنفرانس رفتیم که آدرس آن این است و در عمارت بنگاه مهندسین کشوری تشکیل می شود:

The Institute of Civil Engineers Great George St, Parliament St, S.W.1 Tel.

White. Hall 4577

در آنجا نخست به اداره اطلاعات که دم در بود مراجعه کرده اوراق نهایی که برای ما

نهاده بودند از صورت جلسات و یادداشت‌های سه روزه ماضی تحویل دادند. پاسپورتها را گرفتند که کارت جیره‌بندی بدهند.

بعداً به نزد سکرت‌ر ژنرال رفتیم. شخصی انگلیسی است موسوم به (Alfered Zimmermen) پذیرایی کرد و علت تأخیر خود را بیان نمودیم. ورقه اعتبارنامه خود را تقدیم کردم. خواهش کرد که چند دقیقه صحبت نمایم.

بعد به پایین رفته اوراق را مراجعه کردم. مقداری اطلاعات و اوراق دعوت رسیده بود. با بعضی از دوستان دیگر ممالک از سویسی و هندی و فرانسوی که اتفاقاً به این کنفرانس آمده‌اند تجدید عهد و دیدار واقع شد. از هندیها دو نفر یکی پرفسور جا (Prof. Ja) رئیس او نیورسیتة الله آباد و دیگری دکتر ذاکر حسین رئیس جامعه ملیة دهلی با من سابقه آشنایی دارند. در هندوستان یک شب مهمان آقای دکتر جا بودیم. مردمان مهربان و اخلاقی هستند.

در جلسه کنفرانس که به ترتیب منظم الفبایی تشکیل شده، اتفاقاً سندلیهای ما نیز در جنب نمایندگان هندوستان واقع شده است.

جلسه را خانم ویلکینسون (Miss. E. Wilkinson) وزیر معارف رسمیت داده و صورت جلسه را به انگلیسی خوانده به فرانسه ترجمه کردند. سپس اطاق کمیسیونها و تقسیمات کار آنها از طرف سکرت‌ر جنرال اعلام گردید. بعد نوبت به نطق رسید که به ترتیب الفبایی صحبت کردند. چندانفر باقی مانده و چند نفر امروز رسیده بودند.

نماینده آرژانتین و جزایر فیلیپین و ایران و سوریه و یوگسلاوی صحبت کردند. نوبت به این جانب رسید، نطق مختصری که دیشب تهیه کرده بودم ایراد نمودم و از قرار که می‌گفتند چون موجز و مفید و مختصر بود و از خود نمایی و تظاهر دور بود حسن اثر کرد.

بعد از آن جلسه کمیسیونها شروع شد. من در کمیسیون شماره ۲ که موضوع آن تشکیلات عمومی سازمان معارفی است قبول کردم. رفقا نیز هر یک در کمیسیونی عضو شدند. در این جلسه کمیسیونها رئیس و نایب رئیس انتخاب می‌کردند و کار مهمی انجام نشد. یک ساعت و نیم بعد از ظهر در هتل کلاریج مهمان مسیو گلبنگیان هستم. آقای سفیر کبیر و آقای علا و اجزاء سفارت و هیئت نمایندگی ایران و پنج نفر روزنامه نویس ایرانی مهمان دولت انگلیس و جمعی دیگر را دعوت کرده بودند و نهار مفصلی تهیه دیده.

صبح شانزدهم - (سه شنبه پانزدهم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ششم نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

تا ساعت ده در منزل به کارهای خصوصی مشغول بودم. ساعت ده به عمارت کنفرانس رفتم. امروز جلسه عمومی نبود ولی کمیسیون شماره دو دائر بود و بحث در اساسنامه قسمت عضویت (Membership) از روی طرح پیشنهادی وزراء معارف و طرح پیشنهادی فرانسه‌ها مطرح بود. نماینده آمریکا هم طرح اصلاحی داده بود. مباحثات بسیار شد و جلسه به فردا صبح مقرر گردید. ظهر به منزل آمدم. دو فقره کارتهای دعوت رسیده بود، یکی از طرف شورای بریتانیا (British Council) و یکی از طرف مسیو لئون بلوم رئیس نمایندگان فرانسه. جواب قبول داده شد.

صبح هفدهم - (چهارشنبه شانزدهم آبان ۱۳۲۴ شمسی / هفتم نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

ساعت ده به کنفرانس رفتم. در کمیسیون شماره ۲ موضوع تشکیل کنفرانس عمومی مطرح بود. پیشنهاد فرانسه‌ها آن بود که از مجامع علمی خصوصی نیز پنج نفر نمایندگان دعوت شوند که دوش به دوش سه نفر نماینده دولت در کنفرانس شریک و سهیم باشند با این پیشنهاد اکثریت دول کوچک و بعضی از دول بزرگ مخالفت دارند. نماینده بلژیک مخالفت شدیدی کرد. و جلسه تقریباً بدون نتیجه ختم و به فردا محول گردید. در این هنگام میس لمبتون (Miss Lambton) از در، درآمد. معلوم شد امشب در این هتل مهمان بوده است و تصادفاً به سر وقت به ما رسیده. از او پذیرایی کردیم. در مدرسه السنه شرقیه معلم فارسی است. قرار شد به اتفاق پرفسور آربری روز دوشنبه شام را نزد ما بیایند.

صبح نوزدهم - (جمعه هجدهم آبان ۱۳۲۴ شمسی / نهم نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

در ساعت شش در عمارت شخصی آقای تقی زاده سفیر کبیر پذیرایی دیگری به جای بود که به افتخار ملاقات این هیئت و هیئت روزنامه نویسان تشکیل شده بود. جماعت بسیاری از آشنایان انگلیسی سفیر کبیر از ایرانی و انگلیسی دعوت شده بودند و با بسیاری از آن آقایان و خانمها معارفه به عمل آمد. آقای پرفسور مینورسکی هم از کمبریج آمده بودند، همدیگر را بوسیدیم و تجدید عهد کردیم. رئیس اداره رادیو B.B.C. نزد من آمده دعوت نمود که به فارسی چند کلمه در رادیو

بگویم. قبول کردم. قرار شد که روز چهارشنبه آینده این وظیفه انجام شود. لیونگستون را که از رؤسای شورای بریتانیاست نیز ملاقات کردم. جوانی موسوم به «ل. استرنج» را معرفی کرد که به سمت سکرتر و منشی به من کمک نماید.

صبح بیستم - (شنبه نوزدهم آبان ۱۳۲۴ شمسی / دهم نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).
مستر ل استرنج (Mr. J. L'strange) که آدرس او به انگلیسی در اینجا نوشته شده: (British Council Tel: Mayfair 84841) نماینده بریتیش کانسیل و جوانی است باهوش برحسب سفارش شورای بریتانیا در ایران فرستاده شده بود که اگر کار و کمکی می‌خواهم برای معاینه مؤسسات فرهنگی انگلیس مساعدت نماید. فعلاً چون گرفتار کارهای کنفرانس هستم قرار شد بعداً به او اطلاع بدهم.

صبح بیست و دوم - (دوشنبه بیست و یکم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ۱۲ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).
امروز اول هفته است، کارها شروع می‌شود. من صبح زود بعد از انجام کارهای عادی به کنفرانس رفتم. در کنفرانس در کمیسیون شماره ۲ مشغول کار بودیم. نماینده کوبا پیشنهاد مفیدی راجع به تشکیل مجامع آریژینال که اتحاد مابین چند مملکت باشد تقدیم نمود. من نیز همراهی کردم. مورد توجه شد. راجع به شرکت انجمنهای خصوصی بین‌المللی در این کنفرانس مذاکرات طولانی شد. فرانسه‌ها از مجرای کمیسیون ۴ پیشنهادی داده بودند که این طور مجامع به طور دائم در کنفرانس عضو باشند. ولی در کمیسیون ۲ مجدداً با مقاومت شدید و مخالفت مواجه گردید. بالاخره بر حسب پیشنهاد نماینده آمریکا قرار شد این طور مجامع برای هر جلسه با دعوت خاص دعوت شوند و حق رأی نداشته باشند. فقط مانند تماشاچی (Observer) شرکت نمایند.
شب پروفیسور (Arbery) معلم زبان فارسی در مدرسه شرقیه به اتفاق خانم لمبتن به شام مهمان ما بودند. بعضی از کتابهای مؤلفه خودم را به او هدیه کردم. شام خوبی صرف شد. تا دیروقت نشسته صحبت می‌کردیم. این پروفیسور از شاگردان مرحوم براون و مرحوم نیکلسون است. خانم لمبتن (Lambton) هم که چندین سال در ایران بوده و فارسی را مانند ایرانیها تکلم می‌کند فعلاً در آن مدرسه درس می‌دهد.

صبح بیست و ششم - (جمعه بیست و پنجم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

امروز جلسه آخر کنفرانس است. ساعت یازده تشکیل شد. ممالکی که تحت فشار و غلبه دشمن بودند مانند هلند و بلژیک و یونان و نروژ و فرانسه هر یک نطقهای آتشین کردند. عهدنامه و همچنین اساسنامه سازمان ملل متفق که آن را (unesco) نامیده‌اند یعنی: (United Nations Educational, Scientific Cultural Organisation) حاضر برای امضاء شده و مسوده آن را فرستاده بودند و قرار شد که جلسه عصر آن را امضاء نمایند. عصر نیز سه بعد از ظهر مجلس کنفرانس در تحت ریاست خانم الن ویلکینسن (Miss Ellenn Wilkinson P.C. M.P. Ministry of Education) در (Belgrave Square) (S,W.1) تشکیل شد. نماینده فرانسه و چین و آمریکا هر یک نطقهای وداع ایراد کردند. مخصوصاً نطق آقای مک لیش Mac Leish نماینده اتازونی خیلی مؤثر بود. بعد از آن خانم رئیس نطقی به یادبود کشتگان جنگ ایراد نمود و همه یک دقیقه سکوت کردند. آنگاه مراسم امضای عهدنامه و اساسنامه به عمل آمد. به ترتیب الفبائی رؤساء هیئتهای نمایندگی را یکایک دعوت می‌کردند در برابر میز که عهدنامه‌ها گذاشته شده بود و عبارت بود از سه فقره.

صبح بیست و هفتم - (شنبه بیست و ششم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ۱۷ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن - آکسفورد - لندن).

امروز باید به اتفاق نمایندگان اعزامی ملل متفق به اکسفورد برویم. مهمان دانشگاه اوکسفورد هستیم.

صبح مادام سینور لوئیس، نویسنده این جانب آمد و مراسله‌ای که باید به نایب رئیس (Vice Chancellor) نوشته شود حاضر کرده بود امضاء کرده به انضمام سه جلد دیوان عمرخیام و یک جلد کتاب جامی تألیف خودم و یک دوره عکس برای شخص مذکور همراه برداشتم.

میعاد محل کنفرانس بود. قریب یکصد تن نمایندگان حاضر بودند. به اتفاق در سه اتوکار بزرگ ساعت نه و نیم صبح حرکت کردیم و ساعت یازده به شهر زیبای اکسفورد رسیدیم. هر یک از مدعوین کارت فردی داشت.

صبح بیست و هشتم - (یکشنبه بیست و هفتم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ۱۸ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).
عصر ساعت چهار آقای تقی زاده تشریف آوردند و ساعتی در اینجا بودند و صحبت

می‌شد. در باب فکر ایجاد اتحادیهٔ معارفی ملل شرق میانه با ایشان صحبت کردم خیلی پسندیدند از اینکه این ملل در کمیسیون اجرائیه انتخاب نشده‌اند، شاید درس عبرتی باشد و برای این کار رغبت نمایند. از اساسنامهٔ مصوب و عهدنامهٔ نهائی نسخه‌ای به ایشان دادم مطالعه نمایند.

صبح بیست و نهم - (دوشنبه بیست و هشتم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

امروز کمیسیون مقدماتی در محل کنفرانس تشکیل می‌شد. راجع به کارهای کمیسیون صحبت شد. به مناسبت من نیز نطقی کرده و اظهار تأسف و گلهٔ شدیدی نمودم از اینکه از ملل اسلام و خاورمیانه هیچ یک در کمیسیون اجرائیه انتخاب نشده‌اند. پرفسور «کاسن» نمایندهٔ اول فرانسه نیز تأیید نمود و نمایندهٔ عراق نیز مراسله‌ای به خانم وزیر معارف نوشته و اعتراض کرده بود که آن نیز منتشر گردید. این صحبتها در مجلس تأثیر شدیدی نمود و همه متوجه شدند که باید جبران نمایند. ولی به عنوان ممالک عربی پیشنهادهایی داده می‌شد که ربطی به ممالک اسلام نداشت.

امروز روزنامهٔ «دیلی تلگراف» را گرفتم. ناگهان خبر بدی از ایران خواندم که بسیار موجب نگرانی گردید و آن عبارت از شورش آذربایجان بود که در تبریز شورش کرده و تا میانه آمده و اینک به طرف زنجان پیش می‌روند و سیمهای تلگراف و تلفن را قطع کرده‌اند و در میانه جنگ شدیدی شده و نه نفر کشته شده‌اند. و قوای روس به شورشیان اسلحه پخش می‌کنند و تبعیدشدگان آذربایجان بیانیه صادر کرده و بر این عمل اعتراض نموده‌اند.

صبح سی ام - (سه شنبه بیست و نهم آبان ۱۳۲۴ شمسی / ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

امروز هوای لندن را مه غلیظی فرا گرفته به طوری که از ده متر فاصله اشیاء دیده نمی‌شوند. و به طوری رطوبت در اعصاب و عضلات تأثیر می‌کند که برای مثل من که در آب و هوای سرزمین خشک و روشن و مرتفع ایران زندگی کرده‌ام تنفس و تحمل مشکل است. تیرگی و ظلمات ظاهری بواسطهٔ اخبار دلخراشی که از وطن می‌رسد موجب مزید تیرگی و کدورت باطنی و نفسانی می‌شود. امروز اخبار تلگرافی خارجی اطلاع دادند که دولت ایران قوای به طرف آذربایجان سوق داده است و از قرار تلگراف رسمی دولت یادداشت سختی به سفارت شوروی فرستاده‌اند. ولی عصر اطلاع دادند که در قزوین

قوای شوروی از پیشرفت قوای ایران جلوگیری کرده‌اند. و آنها را مانع شده‌اند که به طرف زنجان بروند و امر کرده‌اند که به طهران برگردند.

قبل از ظهر به سلمانی رفتم و ظهر در سفارت یعنی در منزل آقای تقی زاده به نهار دعوت داشتیم. جمعی از محترمین و رجال دولت انگلیس نیز حضور داشتند از جمله سر الکساندر (Sir Alexander) مدیر کل دائمی وزارت خارجه و وزیر بحریه و رئیس اداره شرق و لرد گرین وود و جمعی دیگر با خانمهای آنها بودند. صحبت ایران و حوادث اخیر نیز بسیار شد. سر الکساندر اظهار می‌دارد که اشکالات رفع خواهد شد. ظاهراً در این باره یادداشتی هم دولت انگلیس به شوروی داده است. آقای تقی زاده اقدامات بسیار جدی کرده که دیشب نیز وزیر خارجه مستر بوین را ملاقات کرده بودند.

صبح سی و دوم - (پنجشنبه اول آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۲۲ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

به سفارت ایران رفتم، ملاقاتی از آقای تقی‌زاده کردم. از اوضاع ایران خاطر ملول بود. با ایشان صحبت و درد دل می‌کردم. اظهار امیدواری می‌کردند که اگر آمریکا در این باب عکس العمل سخت نشان بدهد انگلیسیها هم شدیداً اقدام خواهند کرد ولی چون گرفتاری زیاد دارند ملاحظه می‌کنند. شب در هتل پس از صرف شام استراحت کردم.

صبح سی و ششم - (دوشنبه پنجم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

بعد از ظهر استراحت نمودم. ساعت چهار و نیم بر حسب دعوت انجمن ایران سوساییتی (Iran Society) که دکتر لاکهارت در محل شورای بریتانیا کرده بود به آنجا رفتم. آقای سفیر کبیر و بعضی از اعضاء سفارت و جمعی از ایرانیان مقیم و مسافر و جمعی از انگلیسیهای مرتبط با ایران جمع بودند و صحبت می‌کردند. به دکتر لاکهارت گفتم خوب است انجمن را تجدید حیات نماید. قرار شد روزی نزد من آمده با هم صرف نهار کنیم.

صبح سی و هفتم - (سه شنبه ششم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۲۷ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

ساعت ده به ملاقات رئیس موزه بریتانیا آقای فرس دایک (Sir Hohn Forsdyke) رفتم مرد بسیار مهربان و معقول و بی‌تکلف است. در دفتر خود از ما پذیرایی نمود و راجع به ارتباط مابین موزه و کتابخانه ایران با آن موزه عظیم صحبت بسیار کردیم. برای

تبادل نثریات و مطبوعات پذیرفت و همچنین پیشنهاد نمود که دو نفر از کارمندان دانشمند موزه و کتابخانه به موزه بریتانیا بیایند و در آنجا یک سال بمانند و با ما کار بکنند. بعد از آن به شعبه شرقی رفتیم. متخصص صنایع عتیقه آقای بازیل‌گری می‌باشد.

(M. Basilgray Department of oriental Antiquites British Musiem W.C.1)

قبلاً او را در سفارت ملاقات کرده‌ام، همچنین با آقای دکتر فولتون (Dr. Fulton) رئیس کتابخانه قسمت شرقی که در عربیت تخصصی دارد معرفی شدیم. یک بسته عکسهای آثار تاریخی که به همراه داشتم به موزه تقدیم نمودم. نسخه کتاب مجالس النفائس موجود در موزه را خواستم. از حسن اتفاق موجود بود آوردند. قرار شد فردا مجدداً به مؤسسه رفته مراجعه نمایم.

صبح سی و هشتم - (چهارشنبه هفتم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۲۸ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

ظهر به منزل آمدم. آقای نصرالله انتظام نهار مهمان من بود. با هم صرف نهار کردیم. از اوضاع ایران نگرانی بسیار حاصل است. امروز به موجب اخبار روز روسها پرده را برداشته و صریحاً اظهار کرده‌اند که با این نهضت استقلال آذربایجان مساعد هستند. خداوند عاقبت امر را ختم به خیر فرماید.

صبح چهلم - (جمعه نهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۳۰ نوامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

ظهر نهار آقای دکتر لاکهارت، مهمان ما بود. مدتی در اطراف انجمن ایران و غیره صحبت می‌کردیم. مشاراً الیه مرد فاضلی است. کتابی که در باب نادر شاه نوشته است از کتب بسیار دقیق و نفیس تاریخ ایران است. برای روز یکشنبه دعوت نمود که به منزل او برای چای برویم.

صبح چهل و سوم - (دوشنبه دوازدهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۳ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن - کمبریج).

ساعت نه و نیم برای کمبریج حرکت کردیم. خانمی از طرف بریتیش کانسیل آمده ما را تا استاسیون راه آهن در «لیورپول استریت» هدایت نمود. در ساعت ده با ترن عازم شهر کمبریج (Cambridge) شدیم.

آقای دکتر سپهدی و دکتر صدیقی همراه بودند. اگر از بابت تهران و تجاوزات خارجی‌ها خاطرمان مشوش نبود هر آینه بسیار خوش می‌گذشت. افسوس که جسم ما

در این جا و روح ما در جای دیگر است.

نیم ساعت به ظهر وارد شهر کمبریج شدیم. آقای پرفسور مینورسکی و یک نفر خانم موسوم به (Miss. Sands) به استقبال ما آمده با اتومبیل ما را به هتلی که برای ما معین شده بود هدایت کردند. این هتل موسوم است به (Garden House Hotel)، در کنار رودخانه کم (Cam) واقع شده و فضای سبز و درختهای باشکوه در جلو دارد. اطاقی به شماره ۱۱ برای ما معین شده بود که بسیار خوب و راحت بود. قهوه گرمی صرف کرده منتظر بودیم که خانم مذکور و مینورسکی آمدند و ما را مطابق پرگرامی که به ما داده بودند راهنمایی کردند. نهار را در منزل رئیس دانشگاه (Vice Chancellor) در کالج (Clare) مهمان بودیم. مشارالیه و چند نفر دیگر از ما پذیرایی کرده نهار گوارائی صرف شد و به صحبت‌های معارفی مشغول بودیم. به قرائت خانه و کتابخانه دانشگاه هر یک علی‌حده یک جلد دیوان خیام نیشابوری طبع مرحوم فروغی هدیه کردیم و وداع نمودیم.

ساعت سه ربع کم مسیو مینورسکی به درب کالج کلر آمده پس از وداع از وایس چانسلر به کتابخانه اونیورسسته رفتیم. عمارت عالی و مدرنی است که اخیراً یعنی قبل از جنگ ساخته شده و دارای یک میلیون کتاب است. برج عالی رفیعی دارد که به هدایت رئیس کتابخانه (Mr. Sholifield) تا بالای آن برج رفته و با وجود دودی که از وسط آن به واسطه کتابخانه مساعد بود نظری به اطراف شهر کمبریج افکندیم. متجاوز از ۱۶۲ پا ارتفاع دارد. هوا صاف و آفتابی بود ولی نسیم بسیار سردی می‌وزید. منظره شهر و اطراف آن تماشایی بود.

بعداً به هدایت رئیس کتابخانه مجموعه کتب مرحوم پرفسور ادوارد براون را دیدیم و کتابها را که به خط خود اسم‌نویسی و نمره‌بندی کرده تماشا کردیم. بعد از آن در کتابخانه گردش کرده قفسه‌بندی و اطاق کتب نفیسه و اطاق جغرافیایی و اطاق قرائت و اطاق فهرستها را تماماً دیدن نمودیم و بسیار محفوظ شدیم. در ساعت چهار و ربع به هدایت مسیو مینورسکی به منزل پرفسور بیللی (Prof. H. W. Bailey) رفتیم که در کوئین کالج (Queens College) مقام دارد و از معاریف اساتید شرقشناس انگلیس است و شأنی عظیم دارد و در السنه زنده و مرده شرق استاد است.

از جمله این اوقات در لهجه خُتنی کار می‌کند. شعر حافظ را برای او خواندم که گفته

است: «دو چشم شوخ تو برهم زده ختا و ختن.»^(۱) جمعی از اساتید فارسی در آنجا بودند از جمله پرفسور لوی و پرفسور هنینگ و خانم چک دیک. تا ساعت هفت و نیم در آنجا بودیم و از کتب فارسی و ادب فارسی صحبت در میان بود. به صاحب خانه و پرفسور لوی از کتاب خیام هدیه کردم.

ساعت هفت و سه ربع بر حسب دعوت پرفسور رابرتسن (D.S. Robertson) که پرفسور رشته زبان یونان در کالج ترینیتی (Trinity College) می باشد نزد او رفتیم. آقای پرفسور مینورسکی ما را به آنجا هدایت کردند. صحن فضای مدرسه ترینیتی مربع و وسیع و محاط به اطاقها و طاقهاست و در وسط سقاخانه زیبایی دارد، آدمی را به یاد مدارس قدیمی اصفهان و مشهد می آورد.

این پرفسور از زعماء علم و منصب او از طرف پادشاه معین شده است. یعنی (Regius Professore) است. از اطاق خود ما را به سفره خانه رهبری کرد در آنجا رئیس دانشکده (Doryen) که استاد علم حقوق است و جماعت کثیری از اساتید و طلبه جمع بودند. به رئیس کالج معرفی شدیم و به سر شام رفتیم. شام گوارائی صرف شد. با رئیس کالج صحبتها از فقه اللغه و ادبیات و غیره در میان بود. بعد از سفره خانه به اطاق دیگر رفتیم.

ساعت ده پرفسور مینورسکی آمده ما را به منزل خود هدایت نمود. در آنجا به ملاقات خانم مینورسکی نائل شده جعبه سیگار و کتاب رباعیاتی که به همراه داشتم برگ خشکی است تحفه درویش هدیه کردم و در آنجا چای صرف شد.

صبح چهل و چهارم - (سه شنبه سیزدهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۴ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (کمبریج - لندن). ساعت ده خانم سندز (Mrs. Sands) به اتفاق پرفسور اوست (Prof. Oust) آمده ما را برای ملاقات و تماشای کالجها راهنمایی کردند. عکسهای تاریخی برای پرفسور رابرتسن فرستادم.

در کالج ترینیتی که شب گذشته بودیم کتابخانه بزرگی است مشتمل بر متجاوز از صدهزار جلد کتاب. هر کتابی که در ممالک انگلستان چاپ می شود بر حسب قانون یک

۱- [بجز چاپ قدسی: «خطا و حبش» و مصراع دوم آن این است: به چنین زلف تو ما چین و هند داده خراج (م.د.)].

نسخه به اونیورسیتته‌های پنجگانه: اکسفورد، کمبریج، لندن، ادینبرو و ایرلند داده می‌شود. در این کتابخانه چند نسخه خطی دیوان جامی و سعدی و شاهنامه بود که از قرن دهم تاریخ داشت.

در آنجا شعبه شرقی را معاینه کرده چند جلد کتاب مستشرقین را راجع به ایران خریداری کرده و وجه دادم با آدرس که مستقیماً به ایران بفرستد. عصر هوا تیره و باران شدیدی می‌بارید. پرفسور مینورسکی ما را به منزل خود برد و مراسم مهمان‌نوازی را به حد کمال به عمل آورد و چای به ما داد. بعد از آن وداع کرده رهسپار لندن شدیم.

صبح چهل و پنجم - (چهارشنبه چهاردهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۵ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

از ایران خبر می‌داد که روسها اظهار داشته‌اند حاضرند بیشتر مطالب دولت ایران را بپذیرند مشروط بر این که در مسئله آذربایجان مستقیماً دولت با آنها و بدون مداخله دول دیگر مذاکره نماید و آقای حکیمی هم حاضر نشده و در صدد استعفا هستند و بناست آقای قوام‌السلطنه دولتی تشکیل دهد.

صبح چهل و ششم - (پنجشنبه پانزدهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۶ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

روزنامه‌های لندن باز از ایران اخبار خوبی نمی‌دادند. در مشهد نیز زمزمه انقلاب و استقلال را آغاز کرده‌اند. در پارلمان انگلیس در جواب سؤال یکی از نمایندگان مستر بوین وزیر خارجه انگلیس به اقل مقال جواب ثوت شوروی اکتفا کرده است و ابداً اظهار همدردی و تأسف ننموده، خیلی ازین رهگذر نیز دلتنگ و ملول بودم. سزای ملتی که فاقد فضائیل اخلاقی است همین است.

صبح چهل و هفتم - (جمعه شانزدهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۷ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

صبح در هتل جلسه هیئت نمایندگی را تشکیل داده به تنظیم گزارشها به وزارت معارف در تهران و سفارت شاهنشاهی در لندن و غیره مشغول بودیم. ظهر نهار را در هتل تنها صرف کردم.

ساعت چهار بعد از ظهر آقای نیامیر قونسول ایران و مستر بُرج رئیس شعبه کارخانه طبع تمبر پست و اسکناس که اسکناسهای ایران را تماماً طبع می‌کند به ملاقات من آمدند. اسم و آدرس او این است:

(Mr. Leonard C. Burge Manager Overseas Department Bradbury, Wilkinson Co.Ltd. New Maldern Surrey, England).

برای طبع تمبر مخصوص ابن سینا (آثار تاریخی) با او مذاکره کرده و توضیحات داده قرار گذاشتیم که پیشنهادی برای قیمت و مدت طبع و غیره بدهد که اگر ان شاء الله روزگار مساعدی در ایران پیش آمد تمبرها را طبع کنیم. ساعت پنج مستر هزکل آمده او را با آقای نیامیر آشنا کردم. مدتی صحبت کردیم.

اخبار ایران مساعد نیست. حوادث جدیدی در تبریز پیش آمده و رئیس نظمی را کشته‌اند.

صبح چهل و هشتم - (شنبه هفدهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۸ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

صبح از نوشتن بعضی مراسلات شرحی به پرفسور رابرتسن در کمبریج نوشته و از کتابی که به هدیه برای من فرستاده بود تشکر کردم. بعد از آن مشغول به تهیه یادداشتهای نطقی که باید در ایران سوسایتی ایراد نمایم شدم و تا ظهر به آن اشتغال داشتم. نهار را در هتل صرف کردم. دو ساعت بعد از ظهر به اتفاق مستر ریف نارمن شارپ (R.N. Sharp) کشیش که در شیراز با من آشنا شده بود به تماشای کلیساهای لندن رفتیم. نخست به کلیسای وست مینستر آبی (West Minstre Abbey) که کلیسای رسمی دولت انگلیس و محل تاجگذاری سلاطین و مدفن رجال و بزرگان آن ملت است رفتیم.

مستر شارپ مهربانی کرده اولیاء محل را اطلاع داده، کشیش ما را همه جا گردش داد و شعب کلیسا و مقابر سلاطین و رجال علم و شعر و ادب و فلسفه و سیاست را یکایک نشان می‌داد. مستر شارپ دو کتاب راجع به آن کلیسا و محتویات آن به من هدیه نمود. قبر و مجسمه و یادگار از چهارتن رجالی که به ایران مسافرت کرده و در باب آن مملکت کتاب نوشته‌اند در آنجا دیدیم و آنها عبارت بودند از: (۱) لرد کوزن (۲) سرجان ملکم (۳) شوالیه شاردن (۴) (۱).

بعد از تماشای کلیسا و مدرسه (پابلیک اسکول وستمینستر) به تماشای کاتدرال «سن پال» رفتیم. در اینجا نیز یکی از رجال و صاحب منصبان کلیسا (The Archdeacon of London) که پیرمردی هشتاد ساله بود ما را همه جا گردش داده

۱- [جای نام نفر چهارم سفید مانده است (م.د.)].

نقاط مختلف و طاقهای کلیسا و زیرزمین که باز مدفن بسیاری از رجال و سرداران و عظماء آن مملکت بود تماشا کردیم. به دو نقطه ازین کلیسای بزرگ بمب آلمانی اصابت کرده و خراب شده و فعلاً مشغول تعمیر هستند. اطراف آن ابنیه بسیاری ویران شده است. پس از آن در ساعت چهار مجلس سرویس «دعا» به اسلوب پروتستانها در کلیسا منعقد بود تماشا کردیم. ساعت پنج در منزل آن کشیش چای صرف شد. ساعت شش به منزل آمدم. جلسه هیئت نمایندگی منعقد و با رفقا مشغول کار و تهیه راپرتی به وزارت معارف شدیم. شب مستر لارینس پرفسور بنگاه تعلیم و تربیت شام مهمان من بود و تا دیروقت از مسائل معارفی صحبت می کردیم. زمینه تألیف کتابی برای معارف ایران طرح کردیم.

صبح چهل و نهم - (یکشنبه هجدهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۹ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

تا ظهر در منزل مشغول تهیه نطق خود در باب معارف ایران بودم. می گفتم و خانم ایس می نوشت. امروز هوا فوق العاده سرد است و از زمستان پارسال تا کنون این قدر سرد نشده بود.

صبح پنجاهم - (دوشنبه نوزدهم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۱۰ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

صبح در منزل مشغول تهیه نطقی که بایستی امروز عصر ایراد نمایم بودم. ساعت سه و نیم رفقا آمدند به اتفاق به محل خطابه رفتیم و آن در یکی از طالارهای انجمن پادشاهی آسیایی است به این آدرس:

(Royal Asiatic Society of Great Britain and 74 Irland Grosvenor St. London w.1)

دعوت از طرف انجمن ایران (Iran Society) به عمل آمده بود. جمع مختصری حاضر شده بودند. آقای سفیرکبیر و پرفسور آربری معلم فارسی در انیورسیتة لندن مجلس را افتتاح نمودند. در حدود ساعت پنج صحبت کردم. موضوع آن به انگلیسی این بود.

(A. Discusion on the Education of Persian)

نزدیک به یک ساعت صحبت به طول انجامید و صورت آن در ضمیمه این کتابچه

است.^(۱)

بعد از آن حضار نطقهایی در تشویق و تشکر کردند از جمله کلنل مدکیکات از نفت جنوب و آقای تقی زاده و آقای شادمان و مستر بازیل گری از موزه بریتانیا همه صحبت کردند و از گوینده لفظاً تشویق نمودند. من در این نطق خود سعی کردم حتی المقدور ساده و صادق بوده از هرگونه تظاهر و خودستایی خودداری نمایم و اطلاعات اجمالی مبتنی بر گزارشهای رسمی وزارت فرهنگ به حضار بدهم.

قبل از شروع به صحبت چون هنوز مجالی بود به دفتر انجمن رفتم و عضویت خود را تجدید نمودم که چندسال بود منقطع شده بود و مبلغ سی شلینگ پرداختم و دستور دادم مجله را به ایران به آدرس من بفرستند.

شب با دکتر رعدی در ریجنت پالاس شام صرف کرده به منزل آمدم. چون خیلی خسته بودم ساعت نه خوابیدیم و ساعت نه برخاستم.

صبح پنجاه و یکم - (سه شنبه بیستم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۱۱ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

باکمال عجله و شتاب ناشتا صرف کرده به اتفاق سکرتر عازم مسجد مسلمانان لندن شدم. در محله مشرق لندن در کوچه طولانی موسوم به (Commercial Road شماره London E.1.448) شخص هندی موسوم به صاحب رآو خان از اهل لاهور منشی آن مسجد است. بر حسب تلفون وقت معین نموده و منتظر بود. باراه آهن زیرزمینی به آنجا رفتیم. ما را به مسجد راهبری کرد. عمارت بسیار ساده و کوچکی است. بسیار بی تکلف و بی ریاست. پیرمردی مشغول تنظیف و جاروب بود. مرا تنها گذاشت. به فراغت خاطر نمازی خواندم و حالت توجه و انقطاعی دست داد. با قرآن مجید پیش آمد بد احوال خود و مملکت ایران را تفأل زدم این آیه برآمد: قل لمن ما فی السموات و الارض قل لله كتب على نفسه الرحمة يجمعنكم الى يوم القيمة لاریب فيه الذین خسرو انفسهم فهم لایؤمنون. (سورة الانعام آیه ۱۱).

عصر ساعت سه آقای محمدیزدانفر که تازه برای تحصیل به لندن آمده است نزد من آمد. از طرف شورای بریتانیا دعوت شده است، او و محصل دیگری به نام اکرامی. ولی مانند هر مسافر تازه وارد از ایران خیلی خاطر نگران داشت. او را تشویق کردم و به صبر و

۱- [در دفتر موجود نزد این جانب نبود (م.د.)].

حاصله نصیحت نمودم. ساعت چهار و نیم در منزل آقای تقی زاده بر حسب خواهش من دعوتی از نمایندگان ملل و دول اسلامی فراهم بود. نماینده ترکیه؛ وزیر مختار عربی سعودی، حافظ وهب؛ و لبنان، کامل شمعون؛ و سوریه، السّازی آمده بودند. نماینده مصر و عراق و افغانستان غائب بودند. طرحی که برای عهدنامه معارفی تهیه کرده بودم بین حضار تقسیم نمودم و از فوائد این اتحاد معارفی مقداری صحبت شد، به حسن قبول تلقی کرده و وعده دادند که به دول خود اطلاع دهند. در آن میان جوانی که وابسته معارفی ترکیه بود بیشتر حسن استقبال نمود و جدی تلقی نمود. از دیگران چندان امیدی ندارم. تا ببینم چه خواهد شد. لَعَلَّ که این تیر بر نشان بخورد.

برای انتقال تاریخ هجری به تاریخ مسیحی آقای تقی زاده فرمول خوبی پیدا کرده بود و امشب می گفتند از این قرار: ه = تاریخ هجری. م = تاریخ مسیحی

$$م = ۶۲۱ + \frac{ه}{۳۳} - ه$$

مثلاً امسال که سال ۱۳۶۵ هجری است چون بر ۳۳ تقسیم کنیم ۴۱ خارج قسمت است، آن را از ۱۳۶۵ تفریق می کنیم باقی مانده ۱۳۲۴ و چون بر آن ۶۲۱ بیافزاییم مساوی است با ۱۹۴۵ که سال مسیحی است.

مثال دیگر سال تاریخ تولد نویسنده این سطور ۱۳۱۰ قمری است.

$$۱۸۹۲ م. = ۶۲۱ + ۱۲۷۱ = ۱۳۱۰ - ۳۹ = \frac{۱۳۱۰}{۳۳} = ۳۹$$

چون سال قمری درست منطبق با سال میلادی و شمسی نمی شود بنابراین باید گفت که یک سال عقب تر نشان می دهد. یعنی ۱۳۱۰ ه = ۱۸۹۲ / ۱۸۹۳ م.^(۱)

صبح پنجاه و دوم - (چهارشنبه بیست و یکم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۱۲ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن).

امروز صبح در منزل به کاغذها و مراسلات مربوط به کنفرانس رسیدگی می کردم مقداری از اسناد مهمه را با کلیه کتابهایی که در این سفر به دست آمده است به توسط پست توسط کتابخانه^(۲) حمل به ایران نمودم.

۱- [در دفترهای دوره نوجوانی خود نویسنده همین فرمول را با رقم ۶۲۳ ثبت کرده است که مربوط به سالها قبل از نوشته حاضر می شود. لابد ایشان فراموش کرده بودند و یا در خاطر نداشتند که فرمول را یافته و برای آقای تقی زاده نوشته بودند. (م.د.)].

۲- [جای اسم خالی مانده است (م.د.)].

صبح پنجاه و سوم - (پنجشنبه بیست و دوم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۱۳ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (لندن - پاریس). امروز از لندن مراجعت می‌کنم. بعد از چهل روز درست اقامت در این سرزمین عزم رحیل نمودم. بحمدالله که این مسافرت ختم به خیر شد و نتایج خوب حاصل گردید و به حسن عاقبت انجامید.

مقارن ظهر به بندر نیوهاون (New Haven) رسیدیم. تشریفات گمرکی و معاینه پاسپورت عذاب الیمی است از انتظار و گرفتن نوبت تا آنکه بالاخره انجام گرفت و به کشتی رفتیم. کشتی در ساعت سه حرکت و ساعت شش و سه ربع به ساحل فرانسه به بندر دیپ رسید.

صبح پنجاه و چهارم - (جمعه بیست و سوم آذر ۱۳۲۴ شمسی / ۱۴ دسامبر ۱۹۴۵ م.) (پاریس). امروز مجدداً در پاریس هستیم. اما کدام پاریس، پاریس غم‌انگیز و سرد و تاریک. پاریسی که در آن برای یک حب قند و یک قطعه نان باید که به بازار سیاه مراجعه کرد. پاریسی که شب در تاریکی و سرما غوطه‌ور است. هتل الیزه پارک که دیشب منزلگاه ما بود با آنکه از هتلهای لوکس درجه اول است از سرما و نداشتن آتش ما را زحمت بسیار داد.

صبح صد و یازدهم - (چهارشنبه بیست و چهارم بهمن ماه ۱۳۲۴ / ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ م.) (پاریس - ناپل). حرکت از پاریس - صبح ساعت چهار برخاستیم، برگ و بار سفر را بسته و حساب هتل و غیره را پرداخته به اتفاق دکتر صدیقی و سپهدی، اتومبیلی هم از سفارت فرستاده بودند، به مرکز هواپیمایی (British Overseas Airways Place Vendome) رفتیم. طیاره در ساعت یازده از میدان بورژ حرکت کرد و در ساعت چهار بعداز ظهر به ساعت محلی که با پاریس نیم ساعت اختلاف دارد به میدان هواپیمایی ناپل فرود آمد.

صبح صد و شانزدهم - (پنجشنبه بیست و پنجم بهمن ماه ۱۳۲۴ / ۱۴ فوریه ۱۹۴۶ م.) (ناپل). امروز ساعت ده و نیم باید به میدان طیاره برویم. تا آن وقت خیلی مجال بود. در میدان گاریبالدی گردش کرده با مسیر کولومب و آقای دکتر صدیقی عکسی برداشتیم. در

خیابان گردش کردیم. مردم شهر ازدحام و اجتماعی در خیابان داشتند ولی آثار فقر و فلاکت سراسر ایتالیا را گرفته است.

ساعت شش حرکت کردیم تا جزیره العدم (El Adam) که ساحل طرابلس است دو ساعت راه است وارد شدیم. شامی صرف کردیم. ساعت سه و نیم بعد از نصف شب به ساعت محلی به میدان طیاره (Al Maga) در قاهره مصر فرود آمدیم.

صبح صد و نوزدهم - (یکشنبه بیست و هشتم بهمن ۱۳۲۴ / ۱۷ فوریه ۱۹۴۶ م.) (قاهره).

امروز باد شدیدی مخلوط به شن و غبار می وزد و هوا متنها درجه سرد است. هوای قاهره برای ما جز سردی و کثافت چیزی نبود. به اتفاق آذرمی بیرون آمده در کفش فروشی (Metro) کفشی خریدم. در شهر محصلین اجتماعی کرده نطق می کردند و اظهار حرارت می نمودند. در پای مجسمه مصطفی کمال (کامل) پاشا اجتماعی داشتند. به تماشا جلو رفتم، معلوم شد از کلاه ما که کلاه اروپایی است خوشنود نبودند. یکی از محصلین اعتراض می کرد که فرنگیها بروند. ما دیدیم در این جماعت توقف کردن مصلحت نیست. با تاكسی تماشای قلعه رفتم و آن قلعه قدیم مصر است که محل اقامت محمدعلی کبیر بود و در آنجا بوده است که تمام خانواده ممالیک چرکس را قتل و عام کرده و از آنها احدی باقی نگذاشته جز یک نفر که از لب دیوار قلعه بیرون بسته و او را الملوک الشاره می نامند. مسجد جامع زیبایی به اسلوب مسجد اسلامبول ساخته است که ملک مصر در آنجا نماز عید و جمعه می گذارد. و با خط فارسی کتیبه بسیار دارد. در قبه دارالوضوء در وسط آن اشعار فارسی به خط و انشاء میرزا سنگلاخ کتابت کرده است. گردش کرده و از صفحه پشت مسجد منظره عظیم شهر قاهره نمودار بود. متأسفانه باد و طوفان شن آلود اجازه تماشا نمی داد. بعد از آن به مسجد سید احمد الرفاعی رفتیم. در آنجا جنب مقبره ملک فؤاد جسد رضاشاه پهلوی را مومیائی کرده و امانت گذارده اند. اداء تکلیف وطنی و به پاس خدمات او فاتحه خوانده بازگشتیم به هتل کتینانتال (H. Continental) در آنجا چند نفر ایرانی دیدیم.

صبح صد و بیست و دوم - (چهارشنبه اول اسفند ۱۳۲۴ / ۲۰ فوریه ۱۹۴۶ م.) (قاهره).

صبح به اتفاق آقای کاظم آذرمی عضو سفارت ایران که ما را در قاهره راهنمایی

می‌نماید به کتاب‌فروشیها رفتیم. در شارع الفجالة که جزو محله نسبتاً قدیم شهر است به چند کتابفروشی که از دور آشنایی داشتیم رفتیم. در کتابخانه (الهلال) ابراهیم زیدان رئیس آن مؤسسه را دیدم، برادر مرحوم جرجی زیدان است. پیرمردی است کتابخانه نسبتاً وسیعی دارد ولی اوضاع طبع کتاب در قاهره هم مانند سایر نقاط مختل و پریشان است و گرانی فوق‌العاده قیمت کاغذ قیمت کتاب را بالا برده. باری چند جلد کتاب از او خریده و آدرس دادم که برای من به ایران بفرستد. بعد از آن در کتابخانه سرکیس دو جلد ضمیمه معجم المطبوعات العربیه را راجع به کتب منطبعه در سنوات اخیر بعد از ۱۹۱۹ است خریداری نمودم.

صبح صد و بیست و ششم - (یکشنبه پنجم اسفند ۱۳۲۴ / ۲۴ فوریه ۱۹۴۶ م.) (قاهره - بیروت - حَبانیه - تهران).

امروز آخرین روز سفر ماست و عازم وطن هستیم. ساعت سه و نیم بعد از نصف شب از هتل هلیوپولیس حرکت کرده و در میدان طیاره (الاطه) تشریفات گمرکی و معاینه پاسپورت را به پایان رسانده با طیاره در ساعت چهار حرکت کردیم. ساعت شش به بیروت رسیدیم. باران زیادی باریده و باد سردی می‌وزید. در میدان طیاره بیروت پیاده شدیم. دوباره هواپیمایی فرانسه در بیروت اظهار داشت که محل برای مسافرین قاهره به تهران موجود نیست زیرا محلها در طیاره همه فروخته شده است. همان حکایت موقع ایاب امروز نیز تجدید شد. بعد از مذاکرات بسیار یک نفر کاپیتن هواپیمایی آمده و ترتیبی داد یک دو نفر را از مسافرین بیروت حذف کرده و ما را به شرط تخفیف بار سوار نمود. ناچار تن به قضا در داده و یک جامه‌دان بزرگ که محتوی لباسها و سایر اشیاء بود به جای گذاشتیم و حرکت کردیم. مسافرین قاهره به تهران پنج نفر بودند که از جمله مسیو گیرشمان رئیس حفاری فرانسوی در شوش است. ساعت هشت از بیروت حرکت و از روی اراضی و جبل لبنان و سوریه عبور و صحراهای اطراف فرات را طی کردن مقارن یک ساعت به ظهر در حَبانیه فرود آمدیم. در استاسیون هوایی انگلیسیها صرف نهار شد. به عادت مألوف با کمال ادب و گرمی از مسافرین پذیرایی کردند. در حدود ظهر از حَبانیه حرکت کرده‌ایم و آفتاب درخشان عراق عرب را پشت سر گذاشته به کوههای ایران رسیدیم. همین که به نواحی کرمانشاه رسیدیم کم کم قله جبال با برفها نمایان شد و طیاره همه جا به خط مستقیم عبور می‌کرد. تا حدود همدان کوهها تمام از برف مستور

بود. ساعت دو بعد از ظهر به ساعت قاهره و ساعت سه و نیم بعد از ظهر به ساعت تهران وارد فرودگاه مهرآباد شدیم.